

## روی سخن با ائمه محترم مساجد

اگر عنوان مقدس «بیت الله» مختص کعبه است؛ مساجد نیز «خانه خدا» لقب گرفته اند. بر این اساس نمی توان میان این دو مکان، که افضل بخش های کره زمین به حساب می آیند،<sup>۱</sup> نوعی همسویی و تشابه در قداست قائل نشد. آری، کعبه خانه خداست و مساجد نیز .

میزبان کعبه و مساجد، خدای واحد است و میهمانان هر دو نیز از یک قشر و یک صنف هستند: مؤمنان وارسته ای که روی به خدا دارند و فطرتشان در جست و جوی اوست.

موحدانی که پروانه وار، کعبه را چون نگینی در حلقه خود در میان گرفته اند؛ کسانی اند که صبح و ظهر و شام، چون دندانهای یک شانه، همدل و همسو، صفوف جماعت را در مساجد تشکیل می دهند.

طواف کنندگان گرد کعبه، مشتریان صفوف جماعتند و معتکفان مساجد.

کعبه، قبله ای است که روزانه چندین نوبت جلوه روی خدا را به مؤمنان حوالت می دهد و قبله مساجد، کعبه را در قاب دیدگان مؤمنان به تصویر می نشاند.

کعبه به رویکرد پرافتخار «قیاماللائس»<sup>۲</sup> مفتخر است و مساجد به اقامه نماز و قیام علیه شیطان. نگاه به کعبه عبادت است و نشستن در مساجد، تا زمانی که غیبت و افترابی از مؤمنان سر نزنند عبودیت و بندگی .<sup>۳</sup>

از این ها بزرگ تر و از منظر اهل دل پرافتخار تر و دلنشین تر این که صاحب هر دو خانه یکی است: خدای واحد که «ارحم الراحمین» است.

... کجایند موحدان و پارسایانی که از این دو خرمن پرفیض الهی ره توشه بگیرند؟! «گر گدا کاهل بود، تقصیر صاحب خانه نیست».

## ائمه محترم مساجد!

مبنای سخن ما مقایسه کعبه و مساجد و یا همسویی آن ها نیست و نیز ارزش گذاری بر آن ها؛ که این خود مقوله ای دیگر و فرصتی بیش تر می طلبد؛ بلکه تبیین نکاتی است که با شما می توان در میان گذاشت: مؤمنانی که با مسجد سروکار دارند، از دو جهت از تیر رس شیطان در امانند و

---

۱. رسول خدا (ص) فرمودند: « بدترین مکان های روی زمین بازارها هستند و بهترین آن ها مساجد می باشند ... » اهمیت نماز و عالم برزخ با اهمیت جماعت، جمعه، مسجد، ص ۱۸۹.

۲. مائده ۹۶.

۳. رسول خدا (ص) فرمودند: « نشستن [مؤمن] در مسجد عبادت است، تا زمانی که غیبت نکند. » سفینه البحار، باب سین.

اگر احیاناً در ورق گردانی ایام به لرزش و لغزش در افتند، چنان معاش کرده اند که فرشته شان به دو دست دعا نگه می دارد: <sup>۴</sup>

اول- از این منظر که اهل نماز و مناجات با پروردگارانند و خدای متعال فرمود: «انّ الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر؛ هر آینه نماز، انسان را از فحشا و منکر باز می دارد».<sup>۵</sup>

دوم- از این زاویه که اهل مسجد، روزانه چند نوبت مهمان خداوندند و در مکانی حضور می یابند که منسوب به خداست. چنین مردمی اگر نه کامل، که در حدی مقبول در برابر وسوسه های شیطان مصونیت خواهند داشت و به تعبیر مرحوم شاه آبادی- استاد عرفان حضرت امام خمینی (ره):

### شیطان سگ درگاه خداست و بدون اجازه نمی تواند کاری صورت دهد.<sup>۶</sup>

بر این اساس، اگر مساجد تقویت شوند و به تعبیر قرآن، عمران و آبادانی یابند و چنانچه بر اهل مسجد افزوده شود، صلاح جامعه امری قهری خواهد بود.

در این صورت، به جای این که نیروی انتظامی جامعه مجبور باشند به انواع و اقسام امکانات دست یابند و گونه های مختلف ترفند را برای دستگیری مجرمان به کار بندند، اصولاً در شرایط مناسب، ناهنجاری خاصی صورت نمی گیرد تا آنان بدین کار لابد و ناچار شوند.

پیامد دیگر تقویت مساجد، عدم ضرورت گسترش بازداشتگاه ها و زندان هایی است که خود مولد جرم و جنایت می باشند.

به تعبیر یکی از صاحب نظران، هرگاه در یک آموزشگاه و مدرسه باز شود، بدان معناست که از باز شدن یک زندان و کانون اصلاح و تربیت جلوگیری شده است و اصولاً با اهتمام به رونق مساجد، با اموری مانند زندان و یک ندامتگاه نیازی نمی افتد. پر واضح است که هر گاه به مساجد، بی توجهی صورت بگیرد، بایستی منتظر وقایعی بود که ایجاد و گسترش مراکزی چون زندان را اقتضا می کند.

### یک پیشنهاد

ایران اسلامی در ساخت و بهره برداری از مساجد پیشینه ای طولانی و درخشان دارد<sup>۷</sup> و دستاورد های این اقدام ارزشمند، بخشی از اوراق تاریخ این کشور را به خود اختصاص داده است که از جمله می توان به تکوین و رشد انقلاب اسلامی در دهه های اخیر اشاره کرد.

۴ . دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای فرشته ات به دو دست دعا نگه دارد «حافظ»

۵ . عنکبوت، ۴۴.

۶ . چهل حدیث امام خمینی (ره)، نقل به مضمون.

مردم از درون مساجد سازماندهی شدند و شعارهای قیام را بر زبان راندند و امامان مساجد، از درون همین مساجد صدای انقلاب را سر دادند و پای مسئولیت بر دامان اجتماع نهادند. اما افسوس که در سال های پس از بروز انقلاب، آن گونه که باید و شاید و کم تر از آنچه ضرورت داشت، به رونق و عمران واقعی مساجد بذل همت شد.

باید با مسامحه عنوان «قصور» و «تقصیر» را در مورد سازمان ها، ادارات، وزارت خانه ها و اشخاص حقیقی و حقوقی ای که در برابر مساجد مسئولیت داشتند و دارند، به کار برد. کاربرد این دو واژه در برابر آن خیلی با تسامح و محترمانه است. «کوتاهی متعمدانه» آنان در برابر مساجد، هرگز قابل عفو و اغماض نیست.

آیا این بی توجهی چیزی است غیر از «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ»؟!<sup>۸</sup> در حالی که مسجد مبدأ سیر است تا آن سوی معراج.<sup>۹</sup>

آری، هستند سازمان های عریض و طویلی که شاکله وظایف و سطر سطر اساسنامه آن ها را توجه و اهتمام به مساجد تشکیل می دهد؛ اما دریغ از توجهی کارشناسانه و اهمتامی همه جانبه به این مراکز مهم و تعیین کننده!

هم عرض بی توجهی یا کم توجهی به مساجد، رونق بسیاری از مراکز و آموزشگاه ها و باشگاه های مربوط به تقویت و پرورش جسمانی، نوعی دهن کجی در برابر مراکز معنوی مساجد را تداعی می کند. هیچ کس ارزش ورزش و ضرورت گسترش اماکن ورزشی را به منظور پیشگیری از ناهنجاری های اجتماعی و شخصی، منکر نیست (بگذریم از جرم زا بودن برخی از این مراکز)؛<sup>۱۰</sup> اما رویه و سیاستگزاری برخی از کشورها در برابر ورزش و ورزشگاه ها گویای آن است که اصولاً رشد و تقویت این اماکن با سرمایه خصوصی است و اگر بودجه عمومی در این امور مصرف گردد، نوعی درآمد زایی را به دنبال دارد؛ در حالی که در برخی کشورها مانند کشور ما این قضیه

۷. برخی از این مساجد در حال حاضر بیش از آنچه ماهیت مسجد با خود داشته باشند، از زاویه تاریخ و تمدن به آن ها نگریسته می شود؛ مثل مسجد کبود تبریز، مساجدی در اصفهان و یزد و تهران و سایر شهرها؛ در عین حال هر جا که عنوان مسجد به خود بگیرد، نوعی قداست و ارزش معنوی را با خود خواهد داشت.

۸. بقره، ۱۱۴.

۹. «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى ... ؛ مَنْزَهُهُ اللهُ خَدَائِي كَمَا شَبَّانُ الْغَاهَانِ بِنْدَةِ خُودِ رَا اَز مَسْجِدِ الْحَرَامِ تَا مَسْجِدِ الْاَقْصَى بُرْد.» اسراء، آیه ۲.

۱۰. حرف های زشتی که در برخی مسابقات ورزشی از طرفداران تیم های در حال مسابقه شنیده می شود؛ توهین به داور؛ ضرب و شتم تماشاگران نسبت به یکدیگر؛ خرابی وسایل ورزشگاه و اتوبوس های واحد و سایر موارد مصداق این ادعا هستند.

شکلی وارونه پیدا کرده؛ مضافاً این که ادعای ما آن نیست به اماکن ورزشی و باشگاه های فرهنگی و هنری و ادبی و فیلم و تئاتر و سایر شاخص ها پرداخته نشود، بلکه انتظار ما برقراری نوعی توازن میان هزینه کردن بودجه و اعتبار در اموری مانند ورزش و اموری مانند مساجد است.

### مقایسه کنید...

مقایسه کنید، ساعاتی را که صدا و سیما به امر ورزش اختصاص می دهد<sup>۱۱</sup> و برنامه های کارشناسی که به این زمینه پرداخته می شود؛ با دقایقی که به مسجد و اهل مسجد می پردازد؛ چیزی که به هیچ وجه قابل مقایسه نیست! طرفه آن که اگر هم در صدا و سیما به امر مساجد پرداخته شود، از منظری تاریخی است، نه رویکرد تأثیرگذاری این مکان مقدس در پیشگیری از ناهنجاری های اجتماعی و یا تأثیر معنوی مساجد بر آحاد اجتماع.

خادمان ائمه مساجد بر این باورند که هرگاه سیاستی واحد در امور مساجد اتخاذ گردد و تجربه ها و یافته های جمعی در امور آن لحاظ شود، بدون شک می توان برای احیای امور مساجد گام های بلندی برداشت؛ هر چند سازمان ها و مراکز موظف در این خصوص کوتاهی داشته باشند.

در این صورت، مؤمنان و دین مداران و نیز حاکمیت در خدمت مساجد درخواست خواهند آمد و رسالت اصلی مسجد به ظهور خواهد رسید؛ اما در صورتی که مسجد را خواسته یا ناخواسته، آگاهانه یا غیر آگاهانه در خدمت دین مداران و حاکمیت (نه در خدمت دین) درآورند؛ پیامدهای ناگواری خواهد داشت که اهم آن ایجاد دینی دنیایی است و دین دنیایی، مورد رضایت خدا و خواست مردم نیست؛ مورد رضایت امام شهدا و شهدا نبوده و حرکات و اقدامات ما را قداست و برکت نمی بخشد و تجربه، عدم موفقیت چنین دینی را نشان می دهد. دین دنیایی در خدمت دنیا محوران است؛ نه در خدمت محرومان و دلسوزان؛ بی تفاوتی مردم را به دنبال دارد و موجب فتنه و فساد می گردد.

در چنین اوضاع و احوالی صالحان و نیکان منزوی می شوند و فاجران و بدکاران کارگردان عرصه های مختلف اجتماع و در ادامه حق و عدالت منکوب می گردد و فسق و فجور صبغه ارزشی پیدا خواهد کرد.

سالانه حدود دو هزار نفر از امامان مساجد از دنیا می روند و خلاء آنان به گونه ای شایسته به هیچ وجه ترمیم نمی شود. انتظار انقلاب اسلامی آن است که حدود سیصد هزار نفر از میان طلاب شاغل به تحصیل، به امور مساجد و امامت این مراکز و مدیریت بالای آن پردازند؛ در حالی که

---

<sup>۱۱</sup> . ساعات معتناهی از شبکه ۳ سیما، برنامه نود، و برنامه های متفرقه دیگر و نیز برنامه های کارشناسی و مصاحبه با صاحب نظران ورزش متبوع پس از هر برنامه ورزشی مؤید ادعای ماست.

سالانه تعدادی اندک از شاغلان به تحصیل در حوزه های علمیه جذب ادارات و مراکزی می گردند که حقیقتاً با شأن و جایگاه روحانی آن ها همخوان و همسو نیست. دلسوزانه می گوئیم و دلسوزانه بشنوید که برخی از اموری که این بزرگواران بدان ها مشغولند موجب وهن جایگاه و لباس آن هاست.

من شمه و سطری از آن را با تو گفتم و «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل» و تازه آنچه گفته شد به مساجد داخل شهرها مربوط است؛ قصه پر غصه مساجد بین راهی حکایات تلخ دیگر است که اجازه بدهید به آن مقوله وارد نشویم.

امروزه با وسعت شهرها و روستاها و ازدیاد جمعیت، حدود دویست هزار مسجد و طبعاً دویست هزار امام جماعت نیاز داریم و اگر در بعضی مساجد بیش از یک امام جماعت نیاز باشد، آن گاه تعداد ائمه جماعتی که مورد نیاز کشور است، بیش از این رقم خواهد بود؛ مضافاً این که اگر رسالت خود را بر مبنای آموزه های مذهب تشیع بررسی کنیم، اقتضای دیگری پیش رو خواهیم داشت. انتظار ما آن است که با به کارگیری تجربه های گذشته و یافته های قبلی و با نیم نگاهی به آنچه در عمل با آن ها مواجه میشویم؛ طرحی نمود در اندازیم و برنامه هایی متناسب با زمان و مکان و بایسته های اجتماعی و جهانی امروز در مورد مساجد تدارک ببینیم.

بدون شک، در این صورت است که از توانمندی مساجد در جهت اصلاح اجتماع که مستلزم اصلاح افراد است، استفاده می شود.

نوشتار پیش رو تقدیم به شماست؛ زیرا حاوی مطالبی است که چه بسا عموم را به کار نیاید و ائمه محترم جماعت ا مفید خواهد بود؛ به لطف و عنایت خدا!

امید است با راهنمایی خود ما را در اجرای هر چه بهتر وظایف خویش یاری رسانید. ما بدان امید هستیم که از این رهگذر پاسدار اقدامات کسانی باشیم که در طول قرون و اعصار در امر ساخت، آبادانی و احیای مساجد سردی های روزگار گرما بخش همت بلندشان گردید. از ما بر همه آنان درود و تحنیت!

غرض نقشی است کز ما باز ماند      که هستی را نمی بینم بقایی<sup>۱۲</sup>

تقی قرائتی

## تأسیس مسجد

ساخت مسجد<sup>۱۳</sup>، موضوعیتی ویژه دارد؛ زیرا ساخت و بنای این مکان مقدس، در جهت ترویج فرهنگ دین داری، رواج معنویت اقدامی اساسی است. این نکته از آن جا اهمیت دو چندان پیدا

<sup>۱۲</sup>. سعدی.

می کند که اصولاً حرکت های دینی و فرهنگی ، معنوی وقتی از مسجد شروع شوند و چنانچه این مکان، آبخشور این حرکت ها باشد، اقدامات مذکور از یک سو قداست ویژه پیدا می کنند و از سویی پشتوانه مردم مؤمن را خواهند داشت.

مسجد در روایات از چنان اهمیت و قداستی بهره مند است که به عنوان خانه پرهیزکاران<sup>۱۴</sup> و بازاری از بازارهای آخرت عنوان گردیده است.<sup>۱۵</sup> گویی همسو با وادی مقدسی که بایستی جهت ورود به آن کفش ها را از پای کند و تعلق خاطر را از آن زدود.<sup>۱۶</sup> اهل ایمان سفارش شده اند که هنگام ورود به مسجد زینت های خود را به همراه داشته باشند،<sup>۱۷</sup> نه با حالتی افسرده و غمگین و بدون انگیزه و به ازای لحظه هایی که در مسجد نشسته اند، مستوجب مستحق پاداش خواهند شد.<sup>۱۸</sup>

ساخت مسجد و اهمیت آن موضوع روایاتی چند در متون روایی ماست.<sup>۱۹</sup> اختصاص پاداش یک خانه در بهشت، به ازای ساخت مسجد در دنیا حاوی نکته جالب توجهی است و آن این که گویی مسجد خانه خدا برای اهل زمین است که خداوند برای بنا کننده مسجد در زمین ، خانه ای در بهشت اختصاص می دهد. نکته دیگر این که ساخت مسجد دارای اهمیت است و بزرگی و کوچکی آن در پاداش آن دخیل نیست.<sup>۲۰</sup>

---

<sup>۱۳</sup> . در ساخت مسجد با نکاتی رعایت شود، همچون حلیت زمین مسجد و عدم اختلاف در مورد زمین آن، موقعیت و محل استقرار مسجد که نزدیک محل زندگی یا در مرکز محل باشد، موضوعیت دارد. امکان توسعه مسجد که مستلزم وسعت زمین است، از دیگر بایسته های زمین مسجد است . در خصوص بنای مسجد در نزد قبور و نیز زیارات قبور از امام صادق (ع) سؤال شد. حضرت فرمودند: زیارت قبور بلا اشکال است؛ ولی مسجد، نزد قبور بنا نشود.

<sup>۱۴</sup> . «المساجدُ بیوتُ الْمُتَّقِینَ ؛ مساجد خانه های اهل تقوا هستند.» مستدرک الوسائل ، ج ۳ ، ص ۳۶۳.

<sup>۱۵</sup> . «المساجدُ سوقٌ من أسواقِ الآخِرَةِ ؛ مساجد بازاری از بازارهای آخرت هستند.» مستدرک الوسائل، ج ۳ ، ص ۳۶۱.

<sup>۱۶</sup> . «فَاخْلَعْ نَعْلَیْكَ اِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًی ؛ پس کفشهایت را درآور که همانا تو در وادی مقدس طوی هستی.»

<sup>۱۷</sup> . «خُذُوا زینتکم عند کلِّ مسجدٍ؛ زیورهایتان را با خود بمسجد ببرید.» سوره مبارکه اعراف / آیه ۳۱.

<sup>۱۸</sup> . پیامبر اکرم (ص) : «یا اباذرَّ اِنَّ اللهَ تعالی بعطیک مادمتَ جالساً فی المسجد بکلِّ نفسٍ تَنَفَّستَ درَجَةً فی الجنة و تُصَلِّی عَلَیْکَ الملائکَةُ ؛ ای ابوذر، همانا خداوند متعال مادامی که در مسجد نشسته ای بهر نفسی که می کشی ترا درجه ای در بهشت اعطا می کند و ملائکه بر تو درود می فرستند.» وسایل الشیعه، ج ۴ ، ص ۱۱۷.

<sup>۱۹</sup> . امام صادق (ع) فرمودند: «هر کس مسجدی بسازد، خداوند برای او در بهشت، خانه ای بنا می کند.»

<sup>۲۰</sup> . امام صادق (ع) فرمودند: «کسی که برای خدا مسجدی به اندازه لانه مرغی بنا کند، خداوند، خانه ای در بهشت برای او بنا می کند.»

## مسجد، پشتوانه ولایت فقیه

بین نهاد حاکمیت در حکومت اسلامی برولایت فقیه مبتنی است با رونق مسجد، رابطه ای تنگاتنگ وجود دارد.

مساجد پر رونق برای ولایت فقیه پشتوانه عظیم معنوی به حساب می آیند و مساجد کم رونق را نمی توان چندان در این امر پشتوانه و مددکار دانست. بر این اساس، امام مسجد در واقع نماینده ولایت فقیه در محدوده ای خاص است.

مضافاً این که اصولاً رونق مسجد مستلزم هزینه چندانانی بر دوش دولت نخواهد بود؛ زیرا عمدتاً اعتبارات و هزینه های مسجد بر دوش مؤمنان است.

برعکس این مطلب، هزینه هایی است که سایر نهادهای جامعه بر دوش دولت قرار می دهند در حالی که این مراکز هرگز نمی توانند از لحاظ قدرت معنوی و تأثیر گذاری همسنگ مسجد به حساب آیند.

این نکته، یعنی پشتوانه ای معنوی بودن مسجد برای ولایت را باید برگی دیگر از کتاب پرافتخار مسجد رقم زد و بر همین مبناست که حتی مراجع تقلیدی که صاحب مسجد و محرابی هستند و امامت مسجدی را بر عهده دارند، نسبت به سایر مراجع از قدرت و نفوذ بیش تری در بین مردم برخوردار هستند.

## بناکننده اولین مسجد در اسلام

بر اساس مستندات تاریخی، اولین کسی که در اسلام، مسجدی بنا کرد، رسول خدا (ص) بود. آن حضرت در روز دوشنبه، دوازدهم ربیع الاول به منطقه قبا، واقع در دو فرسنگی شهر مدینه وارد شد. این منطقه آن روزها مرکز قبیله بنی عمر و بنی عرف بود. رسول خدا (ص) وارد این منطقه شد و چند روز را مهمان مکتوم بن الهدم و منتظر رسیدن حضرت علی (ع) بود. چند روز طول کشید تا حضرت علی (ع) به منطقه رسید. در این چند روز، رسول خدا (ص) مسجدی را برای قبیله بنی عرف پایه گذاری نمود. براین اساس، اولین مسجد در اسلام در این منطقه به دست مبارک رسول خدا (ص) بنا گردید.

برخی افراد بر این باورند و ناخود آگاه این انتظار را دارند که بایستی مسجدی ساخته و تکمیل شود و سپس از آن ها جهت امامت مسجد دعوت گردد؛ در حالی که سیره و شیوه بسیاری از روحانیون برجسته این بوده که اولین اقدام برای ساخت مسجد در روستاها از ناحیه آن ها صورت می گرفت و مردم نیز با دیدن اهتمام آن ها به ساخت و بنای مسجد، نسبت به این امر تشویق می شدند.

ضرورت ساخت و نگهداری مسجد، امری است که امروزه نیز از ضرورت آن کاسته نشده، بلکه ضریب این ضرورت افزایش یافته است؛ هر چند مسأله امامت مسجد نیز مقوله ای قابل تأمل و جدّیت است.

بنابراین، مسأله ساخت و نگهداری مسجد، امروزه به عنوان یک اصل سیاسی، بایستی مورد نظر قرار بگیرد؛ مضافاً این که در این خصوص گستره و وسعت مسجد، مقوله ای است در رده های بعدی و در واقع چنانچه بتوان مسجدی هر چند کوچک بنا نمود، چه بسا نسبت به مساجد بزرگ کارآیی بیش تری داشته باشد؛ چنان که کارآیی مساجدی با گنجایش ۲۰۰ نفر بیش از مساجدی است که گنجایش آن بیش از دیگر مساجد است. دلیل این امر پیچیده نیست و آن این که هرگاه مسجد از گستره بیش تری از آن چه گفته شد، برخوردار باشد، امکان ارتباط (در معنای وسیع کلمه) در آن کم تر خواهد شد. امام مسجد نمی تواند آن گونه که لازم است با مأمومین مراوده و ارتباط داشته باشد و مسائل آن ها را حل و فصل کند. مأمومین نیز نمی توانند ارتباطی به سزا و شایسته با امام مسجد داشته باشند. همین طور ارتباط متقابل مأمومین با یکدیگر ضعیف خواهد بود. در چنین فضایی اصولاً امکان ارتباط اندک خواهد شد و طبعاً فعالیت در چنین مسجدی به اقامه جماعت خلاصه خواهد شد.

بنابراین، بایستی در ساخت مسجد برای گستره و وسعت آن معیاری را در نظر گرفت.

### **وظایف روحانیون**

نکته قابل توجه این که مقبولیت عزیزان روحانی و مبلغان که به مناطق کشور می روند، به اندازه ای است که اگر نسبت به ساخت مسجد قدم اول را بردارند، مردم به دنبال آن ها اقدام می کنند. بدیهی است لازمه این کار، برنامه ریزی، بهره برداری از یافته های دیگران، رایزنی، دلسوزی، ایجاد اعتماد متقابل میان مردم و آنان، ارتقای باور مردم به کارآیی مسجد، ترسیم ابعاد معنوی مسجد، ارتباط با مراکز مردمی و دولتی و حوزه علمیه در اخذ امکانات، تشویق مردم در کمک به ساخت اقدامات می باشد.

### **توسعه یا ایجاد و ...**

نکته دیگری که نبایستی از آن غفلت ورزید، مسأله ساخت و اداره مسجد به جای توسعه آن است. اهتمام برخی مسؤولین و هیأت های امنای مساجد در برخی موارد مصروف توسعه فیزیکی مسجد می گردد.

ضمن این که نمی توان ضرورت این توسعه فیزیکی را در مواردی نادیده گرفت؛ تجربه نشان داده که این توسعه در خیلی از موارد نتوانسته است باور مردم را نسبت به مسجد بهبود سازد. در



حقیقت، عموماً نسبت به توسعه مسجد (لااقل در خیلی از موارد) نگاهی است، مثل نگاه به کالاهای لوکس، نه به عنوان یک ضرورت.

بر این اساس، مناسب است اهتمام ویژه به ساخت و بهبود اداره مسجد معطوف گردد؛ زیرا همان طور که گفته شد، چه بسا مسجدی با گنجایش اندک، نسبت به مساجد بزرگ، کارآیی بیش تری در زمینه های معنوی، فرهنگی و ارتقای آگاهی های دینی مردم داشته باشد و وظایف ذاتی خود را بهتر از مساجد بزرگ اجرا کند.

در یک نگاه کلی، ساخت و برنامه ریزی برای اداره بهینه مسجد همواره بر توسعه مساجد موجود اولویت دارد؛ هر چند نمی توان توسعه مسجد را در صورت لزوم نادیده انگاشت.

### **کدام توسعه**

نکته ای که در توسعه مسجد به عنوان یک «بایسته» و «ضرورت» در نظر گرفت، این است که در توسعه مسجد لازم است فضای مورد نظر برای توسعه چندین کارآیی داشته باشد. عموماً مبنا و علت اصلی توسعه مساجد ضرورت اجرای برنامه هایی در ایام عیدین فطر، قربان، ایام محرم، ماه رمضان و سایر مناسبت هاست و چون توسعه، عموماً بر اساس این ضرورت ها صورت می گیرد، از فضای توسعه یافته نمی توان در دیگر ایام سال استفاده نمود؛ در صورتی که اگر توسعه در فضای باز صورت گیرد، می توان علاوه بر این که از این فضا در برنامه های مختص این ایام استفاده کرد، در ایام معمول سال از این فضا به عنوان پارکینگ، وسایل نقلیه نمازگزاران و سایر موارد استفاده نمود.

### **آسیب شناسی ساخت مسجد**

مسجد، به عنوان مهم ترین مرکز معنوی و دینی اصولاً قبل از حمایت های حکومتی، از حمایت های مردمی بهره مند است. به همین دلیل، این حمایت، ضمن این که شرط تداوم حیات آن است، بایستی از خدشه دار شدن مصونیت یابد.

در واقع حمایت مردم و پشتوانه مردمی، سرمایه مسجد است که نباید از این حمایت غفلت ورزید. متأسفانه عملکرد برخی مسؤولان مساجد به گونه ای است که این حمایت مردمی خدشه دار می گردد. این نکته را می توان یکی از مهم ترین آسیب های وارد به مسجد عنوان کرد. بدیهی است که خدشه دار شدن این اعتماد، معلول عوامل مختلفی است از جمله عدم برنامه ریزی صحیح، سوء استفاده مسؤولان مسجد از موقعیتی که از آن برخوردارند، اسراف در هزینه های مسجد و سایر موارد.

این سؤال همواره برای دلسوزان امر مساجد مطرح است که چرا پیشینیان ما بخشی از هزینه های معمول و ضروری زندگی خود را به امر مقدس مسجد اختصاص می دادند و با رضایت خاطر در این مسیر اقدام می کردند؛ اما امروزه نسبت به این امر اهتمام قابل انتظاری صورت نمی گیرد. این نکته معلول عوامل گوناگونی است که می توان آن را ذیل یک بحث کلی آسیب شناسی مسجد مورد بررسی قرار داد.

### **اهم مواردی که عنوان شد به قرار ذیل است :**

۱. عدم تبیین اهمیت ساخت مسجد از منظر آیات قرآن و روایات، از سوی امام مسجد و

رسانه های جمعی .

بدون شک چنانچه این اهمیت به خوبی مطرح شود، در تشویق مردم نسبت به ساخت و رشد مساجد تأثیر به سزا دارد.

مضافاً این که نباید انتظار داشت که با طرح این قضیه به صورت یک بار و دوبار؛ با سیل اقبال مردم به امر ساخت و ساز و رشد مساجد رو به رو باشیم؛ از منظر روان شناسی همواره تکرار یک موضوع، انسان را به مرز توجه و سپس عمل به آن می کشاند.

لذا وظیفه امام مسجد، رسانه های جمعی و سایر مراکز و شخصیت های حقیقی و حقوقی آن است که تبلیغات مربوط به ساخت و توسعه مساجد را به عنوان یک برنامه مستمر در دستور کار قرار دهند.

۲. عدم تبیین کارایی مسجد در ارتقای رشد فرهنگی و معنوی مردم: بسیاری از

نمازگزاران از تأثیر مسجد بر رشد آگاهی های دینی مردم و رشد معنویت آن ها بی اطلاعند؛ به ویژه آن که آن ها نقش مسجد را در برگزاری و اقامه نماز جماعت و در خیلی از موارد محلی برای خواندن نماز (جماعت یا فرادا) خلاصه می بینند.

چنانچه برای مردم این نکته روشن شود که مسجد دارای شخصیت حقوقی با شعوری است که در قیامت از زمره شاکیان قرار می گیرد؛ حضور در مسجد ولو بدون خواندن نماز برای شخص مایه برکت است؛ قداست مسجد به اندازه ای است که تمیز کردن آن در حد بیرون بردن ذره ای خاشاک از آن پاداش دارد.

بدون شک، اگر مردم از این نکات آگاه شوند، در ساخت و ساز و گسترش مساجد اقبال

خواهند داشت.

۳. عدم اعتماد به سازندگان و مؤسسان مساجد : در ساخت و توسعه مساجد، اشخاص حقیقی و حقوقی متفاوتی دست به کار می شوند که بدون شک انگیزه آن ها در این مهم، پاداش آنان را در این کار رقم می زند.

تاریخ کشور ما نشان داده که بانی بسیاری از مساجد حاکمانی بوده اند که نسبت به رعیت و ملت خود ظلم و ستم می کردند؛ در عین حال به انگیزه های مختلف نسبت به ساخت مساجد توجه ویژه داشته اند. انگیزه این حاکمان را در کدام مقوله باید جست و جو کرد؟! این نکته را به برخی افراد و اشخاص حقیقی هم می توان تسری داد. از آن جا که عموم مردم نگاه خود را نسبت به اقدامات صورت گرفته، از جمله ساخت و رشد مساجد، بر اساس انگیزه ها سمت و سو می دهند؛ پر واضح است که هضم برخی اقدامات در خیلی از موارد برای آن ها مشکل خواهد بود. به عبارت دیگر، نمی توانند نسبت به انگیزه نه چندان عالی بسیاری از مؤسسات و بانیان مساجد چشم پوشی کرده، عملکرد آن ها را حمل به صحت نمایند.

پیامد این نکته در همین مقدار خلاصه نمی شود، بلکه پیامد مهم تر آن ، عدم ترغیب به حضور در این مساجد و در دراز مدت بی رغبتی نسبت به ساخت و رشد مسجد خواهد بود. بدون شک این رویکرد، آفتی مهم برای رشد و توسعه مسجد قلمداد می شود.

۴. اسراف در ساخت و توسعه مسجد : متأسفانه امروزه به دلیل انتظارات فراتر از معمول از مساجد، برخی اقدامات، تا حدود زیادی از اهداف اولیه و اساسی مسجد فاصله دارد این موارد، رویه غلطی است که در گذر زمان در مساجد، عرف و معمول شده است.

استفاده از سنگ های گران قیمت در نماکاری درونی و بیرونی مسجد، کاشیکاری های محراب و در برخی موارد دیواره ها، استفاده از وسایل چوبی گران قیمت و منبت کاری شده، استفاده از فرش های گران قیمت ، وسایل گرمازا و سرمازا با هزینه های فراتر از معمول و سایر موارد را می توان در این قالب مثال زد.

به نظر می رسد، در این موارد بایستی عرف محل را در نظر گرفت و بر این اساس امکانات و وسایل و نمادهای مسجد را تنظیم کرد.

۵. تصور از مسجد به عنوان یک مرکز صدقه گیر: وقتی که یکی از اعضای هیأت امنای کیسه ای بین دونماز در بین صفوف نمازگزاران می چرخاند و برای مخارج آب و برق و گاز و سایر هزینه های مسجد از مردم کمک می خواهد، چه تصور و تصویری در اذهان ایجاد می شود؟

بدون شک نبود اعتبار ویژه برای این موارد و موارد دیگری از جمله هزینه های امام مسجد از آسیب های مهم مساجد است.

امام مسجد در صورتی که بخواهد وقت خود را به نمازگزاران و ارتقای وضع فرهنگی و معنوی مردم محل صرف نماید، بایستی از لحاظ هزینه های زندگی یا لاقابل بخشی از هزینه های روزمره خود اطمینان خاطر داشته باشد. برآستی با وضعیت مالی و اعتباری ای که مساجد ما دارند، این اطمینان حاصل می شود؟

پیامد این کمبود اعتبار، تنها دامنگیر امام مسجد نمی شود، این نقصان در نگاه نمازگزاران به مسجد نیز دارای تأثیرات منفی عدیده ای خواهد بود.

۶. توسعه بی رویه و غیر ضروری مسجد : ضمن این که در مواردی چند این توسعه از منظر مسؤولان مساجد امری ضروری است؛ به دلیل عدم تبیین و توجیه معقول، عموم مردم این توسعه و ساخت و سازها را زاید می دانند. از این زاویه نمی توان آسیب وارده به مسجد را نادیده گرفت.

ضمن این که در برخی موارد، اعتبار مسجد در مواردی که مستقیماً به رسالت و وظایف خاص مسجد مربوط نیست، مصرف می شود. بدیهی است دیدگاه های مردم در این موارد، جز نگاه هایی مبتنی بر خدشه و آسیب به مسجد و ساخت و ساز و توسعه و رشد آن نخواهد بود.

اگر توسعه بی رویه و غیر ضروری مسجد متضمن نگاه آسیب محور به مساجد باشد، خلاصه کردن رسالت مسجد به نماز و عزاداری نیز نگاهی آسیب محور به مساجد ترسیم می کند.

بدون شک، هر گاه نگاه عموم مردم به مساجد آن گونه باشد که وظایف مساجد در اقامه جماعت و عزاداری خلاصه می شود، نسبت به سایر رویکردهای آن و نیز نسبت به فراهم آوردن امکانات تحقق این رویکرد ها بی تفاوت خواهند ماند و از این رهگذر به رشد و توسعه مساجد آسیب هایی وارد می شود.

۷. قوانین و ضوابط دست و پاگیر برای ساخت و توسعه مساجد، از دیگر آسیب هایی است که بر سر راه و ساخت و توسعه و رشد مساجد قرار دارد.

به نظر می رسد که اگر مراکزی مانند مساجد را از شمول برخی قوانین معاف کنند، خود شکل قانون خواهد گرفت.

پیشنهاد می شود که یک وکیل در هر شهر برای ساخت و توسعه و رشد مساجد فعالیت نماید؛ به طوری که بانیان و هیأت امنای بدون ضرورت مراجعه به مراکز مختلف شهری و عمرانی، برنامه های خود را از طریق وکیل پیش گفته پیگیری نمایند. در این صورت، انگیزه آن ها از ساخت و توسعه و رشد مساجد رو به نقصان نمی گذارد.

برخی از آسیب های وارده به ساخت و رشد مساجد را در چنگ و دندان نشان دادن همین قوانین زاید و دست و پاگیر و طبعاً فرار مردم از درگیری با این قوانین باید به نظاره نشست.

۸. وجود مراکزی در نقش رقبای مساجد در سال های اخیر رشد برخی مراکز که در حقیقت می تواند مکمل و متمم نقش مساجد در فرهنگ سازی باشد، به صورت چشم گیری افزایش یافته است. عموم این مراکز را می توان واحدهای رفاهی، تفریحی، هنری، ورزشی و فرهنگی دانست؛ اما در بسیاری از شرایط، این مراکز به رقبای مساجد تبدیل شده اند.

از این زاویه، باید وجود این مراکز را موجد آسیب در برابر مساجد رسالت قلمداد نمود؛ هر چند همان طور که گفته شد، ماهیت ذاتی این مراکز را نمی توان در تقابل و رویارویی با مساجد عنوان کرد و باید مواظب بود که این گونه مراکز عامل فتنه و یا سد راه رسالت مسجد نگردند.<sup>۲۱</sup> بدون تردید، حرکت هر مرکز بر اساس رسالت اصلی خود، مراکز را از تقابل با یکدیگر و آسیب رسانی به هم باز می دارد.

وجود اساسنامه ای مبتنی بر وظایف اصلی و فرعی و تعیین حد و مرز وظایف و اختیارات این مراکز و نظارت ویژه بر عملکرد آن ها، می تواند از بروز این تقابل و آسیب رسانی جلوگیری کند.

۹. ایجاد برخی مراکز در مساجد که حقیقتاً با رسالت اصلی مساجد فاصله دارد، باعث آسیب رسانی به مساجد و نگاه آسیب محور به این مراکز است.

براستی بر اساس کدام نیاز بخشی از مساجد به پایگاه بسیج و امثال آن اختصاص یابد. نمی توان حرکت های همسو مساجد را با نیروی نظامی و انتظامی و بسیج در حکومت جمهوری اسلامی و اهداف یگانه آن ها را نادیده گرفت؛ اما این یگانگی الزاماً به معنای ضرورت اختصاص واحدی در مساجد و خصوصاً مساجد کوچک به پایگاه بسیج و امثال آن نیست.

این نکته به کتابخانه و واحدهای فرهنگی و هنری هم سرایت داده می شود.

۱۰. استفاده از مسجد در جهت تحقق اهداف سیاسی به صورت غیر معقول و یا ورود به جزئیات مسائل از دیگر عوامل نگاه های آسیب محور به مساجد است.

در یک جمع بندی، مسائل سیاسی را می توان در دو قالب کلیات و جزئیات امور قرار داد. طرح برخی مسائل کلی و حیاتی و آن هم به صورت موردی و گذرا و صرفاً در جهت تنبه و تذکر نمازگزاران بلامانع است، اما این که مساجد به صورت روزشمار مسائل سیاسی درآیند، باور مردم را به استقلال و آزادگی مساجد دچار آسیب خواهد کرد.

طرح مسائلی مانند اصل ولایت و در ادامه ولایت فقیه، یادآوری روزهای مهمی مثل روز پیروزی انقلاب، تبیین نقش مساجد در حرکت های مردمی و مبتنی بر آزادگی و آزاد اندیشی دینی،

---

۲۱. النبی (صلی الله علیه و آله) «یا معاذَ اِیَّاکَ اَنْ تَکُونَ فَتَنًا لِلْمُسْلِمِینَ؛ ای معاذ بر حذر باش و مبادا که برای مسلمانان

موجب فتنه باشی». بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۳۶۵.

از جمله کلیات مسائل سیاسی است که طرح آن‌ها در مساجد آن‌هم بر اساس آموزه‌های دینی بدون اشکال می‌نماید. متأسفانه دیده شده که برخی مساجد با طرح جزء جزء مسائل سیاسی به شکل یک تقویم و روزشمار مسائل سیاسی درآمده‌اند که بی‌تردید پیامدهای منفی آن فراوان است.

تعبیر از مسجد به سنگر، تعبیر بسیار نیکویی است که از زوایای مختلف قابل تأمل است. این تعبیر را امام راحل به کاربردن و جالب توجه این که در زمان به کار بردن این تعبیر، مساجد حقیقتاً در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و جنگ در نقش سنگر جبهه ایفای نقش می‌کردند.

۱۱. سنگر مکانی است که هم جای سنگر نشین را از هجوم دشمن در امان نگه می‌دارد، و هم سنگر نشین از آن ناحیه می‌تواند به دشمن شلیک کند. در مسجد هم می‌توان از نیروهای شیطان در امان ماند و هم به او تاخت.

۱۲. در سنگر عموماً جوانان سنگر نشینی می‌کنند. مسجد هم بایستی از جوانان رونق بگیرد، هر چند محدودیتی در این زمینه نیست؛ در عین حال رونق فضای مسجد، جوانان هستند.

۱۳. سنگر نشین از نزد خود اقدامی صورت نمی‌دهد و مجری او امر فرمانده است. اهل مسجد نیز نظر امام مسجد را در نظر گرفته، گوش به فرمان او هستند و حرکات او را اسوه و الگو قرار می‌دهند.

۱۴. سنگر نشینی صرف کافی نیست، بلکه باید در صورت لزوم اقداماتی صورت داد، مثل آماده بودن و کارآمد کردن اسلحه، در مسجد هم بایستی به ذکر خدا مسلح شد.

۱۵. سنگر نشین همه زوایا و اصلاح سنگر را باید در نظر بگیرد تا دشمن از پشت سنگر به او حمله نکند. اهل مسجد هم باید همه‌جانبه‌نگری و در نظر داشتن شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و ترفندهای دشمنان را وجهه همت داشته باشند.

### **بایدها و نبایدها**

نگاه و نگرش انسان به هر مجموعه و یا به هر جریان، برگرفته از اولین مواجهه‌ای است که با آن داشته است. کودکی که در اولین ورود خود به مسجد با سرو صدای زیاد و فرش‌های بدبو و وسایل ترس‌انگیز تعزیه و تابوت و امثال این‌ها مواجه بوده است، شنیدن نام مسجد همانا و تداعی فرش‌های کثیف و بدبو و وسایل هراس‌انگیز در ذهنش همان.

بدون شک، وظیفه امام مسجد است که به عنوان یکی از بایسته‌های این وظیفه مقدس، از ایجاد ذهنیت منفی درباره مسجد جلوگیری نماید و از بروز آنچه از مسجد ایجاد تنفر و دوری می‌کند، ممانعت ورزد. مثلاً:

۱. از خواندن نماز میت در مسجد پرهیز شود. بدیهی است شرکت امام مسجد در نماز میت در خارج از مسجد نه تنها بلا اشکال است؛ بلکه در اجرای وظایف امامت مسجد تأثیر نیکویی خواهد داشت.
۲. از گذاشتن تابوت، وسایل تعزیه، مانند کلاه خود و لباس های رنگارنگ و زره و شمشیر و تندیس سربریده و قمه و سایر وسایل در مسجد جداً پرهیز گردد.
۳. فرش های مسجد چندگاهی یک بار شسته و واریسی شوند. مهرها تا هنوز کثیف نشده اند، تعویض گردند. روی برخی از مهرها لایه ای از عرق پوشانده است؛ به طوری که احتمالاً پیشانی نمازگزار با مهر تماس نمی گیرد و بطلان نماز را به دنبال دارد.
۴. مسجد در زمان بندی مشخص بازرسی گردد؛ خصوصاً زیرزمین مسجد، پشت منبر، محل خروج لوله ها از دیوار، درزها و محل هایی که ممکن است حشرات، مورچه، سوسک، و یا موش در آن جا لانه کنند. در غیر این صورت، بهداشت مساجد رعایت نمی شود و به نوعی موجب وهن این مکان مقدس خواهد شد.
۵. اعلام برخی خبرها در مسجد، موجب ذهنیت منفی به مسجد می گردد و چه بسا حضور در مسجد افراد در روزهای بعد، با یادآوری خبر مذکور همراه باشد و بدیهی است از تداعی ذهنیت منفی در مورد مسجد نمی توان جلوگیری کرد.  
خبر وفات افراد، اعلام حوادث تلخ، اعلام شخص گم شده، پخش خبر بروز زلزله و سیل و سایر موارد را می توان از مصادیق این مهم دانست.  
برعکس؛ اگر اخبار خوشایند از بلندگوی مسجد پخش شود، ذهنیت مثبت نسبت به مسجد ایجاد خواهد شد و در دراز مدت، این نکته در اذهان نهادینه می شود که مسجد یعنی مکانی که اخبار و مسائل خوشایند از آن جا صادر می گردد.  
این مطلب در خصوص نوجوانان و جوانان، بی تردید رعایت پیامدهای مثبتی دارد.
۶. حتی الامکان از برگزاری برخی مراسم سوگمندانه و مراثی در مسجد خودداری شود. البته باید این نکته را هم مورد نظر قرار داد که در صورت عدم مکانی مثل تکیه و حسینیه، می توان کارکرد مسجد از برگزاری نماز جماعت به برگزاری مراسم سوگواری و مراثی تسری داد. مراثی ای مانند یادکرد شهدا، سالگرد شهید و یا مناسبت هایی که در لباس عزا هستند، اما عزت مدار و حماسه محور می باشند، از این مسأله استثنا هستند.

نکته مذکور مبتنی بر این اصل است که در صورت برگزاری برنامه های سوگواری در مسجد ، در ذهن بستگان متوفا، با دیدن مسجد، خاطره تلخ جریان متوفا زنده می شود و این نکته برای مسجد نوعی بی مهری شمرده می شود.

۷. از برگزاری برخی برنامه ها که ظاهراً صبغه فرهنگی دارد؛ اما در حقیقت با مبانی و اهداف اصیل مسجد چندان همخوان نیست، پرهیز گردد. تمرین و برگزاری تئاتر و برخی دیگر از برنامه های فرهنگی و هنری را می توان از این زمره دانست.

۸. داشتن اساسنامه و مرامنامه برای مراکز مهم امری عرفی و پسندیده و در خیلی از موارد قانونی است. مسجد به عنوان مرکزی معنوی و فرهنگی می تواند مشمول این نکته قرار بگیرد. در اساسنامه مسجد می توان با معیار قرار دادن اساسنامه برخی مراکز، اهداف، ضرورت ها، ارکان، نحوه اداره، راه های جذب بودجه و سایر موارد و بایسته های مسجد را لحاظ نمود. آنچه می تواند در این زمینه تفکیکی صورت دهد، سلیقه امام مسجد و روان شناختی اوست. ترکیب افراد حاضر در مسجد نیز در این زمینه اثر تعیین کننده ای دارد.

۹. عدم بها دادن به قشرهای خاصی که در مسجد حضور می یابند، از دیگر آسیب های وارد به مسجد است. بدون شک نیازهای قشر جوان و نوجوان و در نتیجه نگاه امام مسجد به آن ها با نیاز قشر میانسال و نگاه امام مسجد به آنان متفاوت است. برنامه هایی که برای این دو قشر باید در نظر داشت نیز متفاوت می نماید.

این مطلب و پرداختن به آن ها، حضور امام مسجد را به صورت تمام وقت، تفکر در این زمینه با فراغت بال، تأمین اقتصادی امام مسجد، تأمین امکانات برای این برنامه ها اقتضا می کند.

۱۰. عدم توجه به قشر بانوان و عدم اختصاص فضایی مناسب به آنان جهت برنامه های مرتبط، از دیگر آسیب های مسجد است.

بی تردید در خیلی از موارد، حضور بانوان در مسجد بیش از مردان است؛ مضافاً این که نقش آنان در معادلات سیاسی و فرهنگی بیش از آقایان و یا همسنگ آنان خواهد بود.

این مهم اقتضا می کند که در ساخت و رشد و توسعه مساجد این نکته مورد غفلت قرار نگیرد. ۱۱. عدم آموزش امام مسجد و عدم آمادگی او در اداره مبانی فکری و فرهنگی مسجد از دیگر آسیب های وارده به مسجد است.

امروزه بهره مندی امام مسجد از آموزه های دینی، فقهی، کلامی، سیاسی، روان شناختی و حتی فرهنگی هنری امری ضروری است.



تجربه نشان داده است که عدم اقبال نسل جوان به حضور در برخی مساجد و یا اقبال به حضور در دیگر مساجد در عدم آگاهی امام مسجد از این آموزه ها یا آگاهی وی از این موارد ریشه دارد. مضافاً این که امام مسجد می تواند آموزه های ضروری خود را برای امامت مسجد، بر اساس ضرورت های مسجد سمت و سو می دهد و این مهم در گذر چند ماهه و حضور مستمر او در مسجد متبوع شناخته خواهد شد.

### گریز از مسجد

بعید نیست اگر حضور در مسجد و یا عدم حضور در آن را بتوان معیاری جهت التزام یا عدم التزام عملی به اسلام قلمداد کرد.

در حقیقت آنچه می تواند به عنوان یک معیار عینی در جهت التزام یا عدم التزام عملی به اسلام قلمداد گردد، حضور یا عدم حضور مسلمان در مسجد خواهد بود. بر این اساس، حضور در مسجد نبایستی مورد غفلت قرار بگیرد، مضافاً این که قداست و اهمیت مسجد تا بدان جاست که حضور در این مکان، هر چند بدون قصد ادای نماز موضوعیت خواهد داشت. از منظر حضرت زهرا<sup>(س)</sup> یکی از فواید مسجد، تشخیص نمازگزار واقعی از نمازگزار غیر واقعی است.

شاید این دیدگاه را این گونه بتوان تفسیر کرد که از منظر آن حضرت، نماز واقعی و کارآیی آن بر مبنای قرآن و روایات، تنها با حضور در مسجد و ادای این فریضه در مسجد ممکن و میسر خواهد بود. در حقیقت، مسجد جزء ذاتی تحقق اهداف نماز است. مفهوم مخالف این نکته آن است که ادای این فریضه در غیر مسجد، صرفاً تکلیف فقهی این فریضه را رفع خواهد کرد، نه تحقق کارآیی کامل آن.

بدیهی است، با بروز معذوراتی که حضور در مسجد و جماعت را ناممکن می کند، این اصل را استثنا می زند.

نکته دیگر این که با وجود اهمیت عبادات در پنهانی و انجام دادن آن ها دور از چشم مردم، ادای فریضه نماز به صورت جماعت که نوعی تظاهر به حساب می آید، ارزشمندتر از نماز در خلوت است و جالب توجه این که منافقان اهل تظاهر و نفاق و وانمود کردن عبادات خود می باشند؛ اما از حضور در مساجد و جماعت گریزانند!

مسجد را می توان دارای آن چنان قدرت تمیز و تفکیکی دانست که گویی مشتریان و مشتاقان خود را از غیر آن ها تمیز و تفکیک می کند. براستی چرا برخی افراد مشتاق مسجدند، همچون ماهی که مشتاق دریاست و مسجد، برای برخی دیگر قفسی کوچک می ماند که این افراد از آن گریزانند؟!

## وظیفه ای مهم

روحانی ای که از توان امامت مسجد برخوردار باشد و از لوازم علمی و عملی امامت مسجد بهره مند؛ بایستی با امامت یک مسجد دین خود را نسبت به این مکان مقدس ادا کند. اداره کردن مراکز فرهنگی دیگر از چنان کارآیی و تأثیر برخوردار نیست که اداره کردن یک مسجد. متقابلاً مسجد بدون روحانی، لشکر بدون فرمانده و شهر بدون فرماندار را می ماند که نه تنها کارآیی لازم را ندارد، بلکه تشتت افکار و آراء، کارکرد منفی آن را بیش از کارآیی مثبت آن می سازد. از سوی دیگر، اگر تحقق التزام عملی به اسلام در بارزترین شکل آن، حضور در مسجد باشد؛ این نکته از سوی روحانی به عنوان کسی که مدعی تحقق اسلام و التزام عملی به آن است، موجه تر و ضرورتی تر می نماید؛ خاصه این که تجربه نشان داده است سخنرانی و تبلیغ در مساجد نسبت به سایر مراکز تأثیر گذارتر است؛ زیرا قشر حاضر در مسجد از آمادگی روحی ویژه ای در عمل کردن به گفته های امام مسجد بهره مندند و این مهم را در مورد خانواده خود نیز مورد توجه قرار می دهند؛ اما افراد و گروه های حاضر در سایر مراکز یا از چنین آمادگی برخوردار نیستند و یا نسبت به افراد تحت پوشش خود حساسیت کافی و لازم را نداشته و یا این حساسیت را نسبت به آن ها اعمال نمی کنند.

بنابراین، حضور در مسجد، معیاری جهت التزام عملی به اسلام قلمداد می گردد و این نکته از سوی روحانیون، حساسیت و شفافیت ویژه ای دارد.

## پرسش و پاسخ یا سخنرانی؟

امروزه نحوه ابلاغ مطالب و مضامین و زبان آن، در تأثیرگذاری آن ها نقش به سزایی دارد؛ به طوری که نحوه سخنرانی، فنون کلاسداری و آموزش، شاخه علمی ویژه ای به خود اختصاص داده و جزوات و کتاب هایی در این زمینه تدوین شده است.

جدای از آنچه در این خصوص عنوان شده است، بدون تردید اگر سخنرانی به شکل خطابه، در مواردی مؤثر باشد، در برخی موارد جهت ابلاغ پیام، بایستی راه های دیگری را به عنوان مکمل آن در نظر داشت و در مواردی به عنوان راه منحصر به فرد؛ از جمله شیوه طرح سؤال و جواب. اگر در نویسندگی طرح سؤال و جواب به عنوان بראعت استهلال یا شروع نیکوی مطلب می تواند قلمداد شود و نگاه خواننده را به نوشته جذب کند؛ در سخنرانی و ابلاغ پیام دینی هم این مهم مصداق خواهد داشت.

در ابلاغ پیام دینی طرح سؤال و پاسخ به آن راه کار مناسبی است؛ زیرا شنونده با شنیدن سؤال همچون یک انسان منتظر به دنبال جواب و مشتاق شنیدن آن خواهد نشست و از این رهگذر پیام امام در قالب سؤال و جواب ابلاغ خواهد شد.

مضافاً این که در سؤال و جواب تنوعی است که در سخنرانی وجود ندارد. این تنوع، بدون تردید، جهت ابلاغ پیام و ارتقای فرهنگ دینی و معنوی بستر مناسبی خواهد گسترده. آنچه مؤید این نکته می باشد، مبنای بسیاری از احادیثی است که در متون روایی ما وجود دارند. به عبارت دیگر، مبنا و بستر تولد بسیاری از احادیث موجود، سؤالی بوده که از رسول خدا (ص) و یا امام معصوم (ع) به عمل آمده است و آنان به این سؤالات پاسخ داده اند و در گذر زمان به شکل حدیث نقل می شود و طرفه آن که در بسیاری از موارد خود معصوم باعث و طراح سؤال از یاران بوده اند و خود پاسخ دهنده. در واقع طرح سؤال و پاسخ به آن مبنای بسیاری از آموزه های دینی ما البته در قالب احادیث بوده است.

### از جمله اقدامات

از جمله اقدامات نسبتاً خوب مسؤولان برخی مساجد، خصوصاً مساجد بین راهی، تعبیه صندوقی، با عنوان صندوق کمک به نظافت مسجد یا عناوین مشابه جهت تأمین هزینه های نظافت مسجد است.

شاید بیشترین کمک به مسجد، از طریق همین صندوق صورت بگیرد. این اهتمام، در نوع خود، پیام آور این نکته است که مردم نسبت به نظافت و بهداشت مسجد، هرچند مسجد بین راهی که شاید در طول عمر خود یکی، دو بار با این مسجد سروکار نداشته باشند؛ حساس هستند و آن را مهم شمرده و به این امر، با طیب و رضایت خاطر کمک می کنند. این کمک، به مساجدی که در راه سفر به شهرهای مقدس مثل مشهد و قم قرار دارند، نمود بیش تری دارد.

در واقع کمک به امر بهداشت و نظافت مساجد، گویای آن است که مردم به مساجدی اقبال دارند که از نظافت و بهداشت بیش تر و بهتری برخوردار است.

### با کدام شیوه !؟

نکته مهمی که مسؤولان مساجد بایستی بدان توجه داشته باشند، این که هرگز عزت و بزرگی منشی خانه خدا را با به دست آوردن مبلغی پول برای هزینه های مسجد در کفه ترازو نگذارند. مسجد، خانه خداست، مهمان خانه پروردگار است و دارای شخصیتی حقوقی و آگاه و باشعور. همان طور که یک موجود حقیقی و آگاه، شایسته نیست با ذلت و سرافکنندگی نیازهای خود را رفع کند، اولیای مسجد نیز بایستی حرمت و عزت مسجد را نگه دارند و مبادا با اقدامات ناگوار و دو شأن مسجد در اخذ امکانات، موجبات سرافکنندگی مسجد را فراهم آورند و بایستی به این

مطلب حساسیت داشته باشند که در هر اقدام از جمله تأمین هزینه های مسجد، عزت مسجد اولویت داده شود.

حفظ عزت و بزرگ منشی، ولو در هنگام درخواست و بیان حاجت، مطلبی است که هم مبنای دینی و روایی دارد و هم در ادبیات و اشعار شاعران ایرانی جایگاهی ویژه به خود اختصاص داده است.

بنابراین، لازم است که مسؤولان مسجد شیوه ای متناسب با عزت مسجد در اخذ امکانات مردمی ترسیم کنند که از یک سو مخارج مسجد تأمین گردد و از سوی دیگر عزت و احترام مسجد حفظ شود؛ به گونه ای که در ذهن مردم و خصوصاً نوجوانان و جوانان مسجد به عنوان یک موجود هزینه بر و خدای ناکرده متکدی تلقی نگردد.

### در عین حال ...

صندوقی با عنوان صندوق کمک به مسجد و یا عناوینی مشابه در دو قسمت مسجد (آقایان و بانوان به صورت مجزا) گذاشته شود و این صندوق به چند حدیث ناب و مستند مزین گردد. این احادیث هر چند ماه یک بار تعویض گردد، تا هم تنوعی ایجاد شده باشد و هم اطلاعات عمومی نمازگزاران افزایش یابد.

زیبایی و تمیزی این صندوق مسلماً در اقبال مردم به کمک به مسجد تأثیر دارد. این نکته در خصوص بانوان تأثیر بیش تری خواهد داشت.

جای این صندوق ها را می توان چند هفته در میان عوض کرد.

بهتر است این صندوق در معبر و یا ورودی مسجد قرار نگیرد؛ زیرا مردم برای ورود به مسجد عجله دارند؛ چنانچه این صندوق در ورودی مسجد قرار بگیرد، ضمن این که چندان مورد توجه قرار نمی گیرد، ذهنیت ناخوشایندی ایجاد خواهد کرد.

نیز صورت زیبایی نیست، وقتی که کسانی فقیر از میان صفوف جماعت برمی خیزند و مشکل خود را با نمازگزاران اعلام می کنند و کمک مالی می طلبند:

از شهری دیگر آمده ام، هزینه دارو و درمان فرزندم را ندارم، تازه از زندان آزاد شده و دنبال کاری هستم و سوژه هایی از این قبیل.

این افراد چه راست بگویند و چه دروغ؛ اولاً، ذهنیت عموم نمازگزاران نسبت به آن ها منفی است و عموماً حرف هایشان حمل بر دروغ می شود.

ثانیاً، این ها به خوبی دانسته اند که نمازگزاران دلی رؤوف و مهربان دارند و به کارگیری احساسات آن ها چندان دشوار نیست، پس کجا بهتر از مسجد برای رفع نیازشان؟!

از بین صفوف بلند می شوند و گاه مسؤولان مسجد هم به نوعی آنان را همراهی می کنند و مقصودشان حاصل می شود.

شاید این کار نوعی همدلی و نوع دوستی و کاری انسانی تلقی شود؛ اما حقیقتاً نمی توان از ذهنیت و تصویری که این حرکت در مورد مسجد ایجاد می کند، بدون تأمل عبور کرد. آیا رسالت اصلی مسجد با این امور، آن هم به شکلی که امروزه پیدا کرده است، همخوانی دارد؟ مسجد خانه خداست، مأمّن است و نوع دوستی و محبت به انسان ها و پرورش خوی و خصلت جوانمردی نه تنها با فلسفه وجودی مسجد منافات ندارد، که به نوعی جزء رسالت اصلی مسجد است؛ اما چگونه و در چه قالبی؟

### **پیشنهاد**

شیوه ای که متأسفانه در این زمینه رواج دارد و تصویری از آن در سطرهای پیشین تقدیم شد، بدون شک با مسجد و اهداف اصیل آن و نگرشی که زیبنده مسجد است، منافات دارد.

۱. در این زمینه پیشنهاد می شود که هیأت امناء و مسؤولان مسجد رویه ای را اتخاذ کنند تا وجوهاتی که به عنوان کمک نمازگزاران به مستمندان جمع آوری می شود، به مستحقان شناخته شده اختصاص یابد.

در این صورت، از یک سو مستحقان واقعی تحت پوشش کمک های مسجد قرار می گیرند و از سوی دیگر افراد فقیر و مسکین درخواست خود را در قالب و شکلی مناسب و دور از خدشه دار شدن عزتشان به متولیان مسجد ارائه می کنند و از کمک های مسجد بهره مند می شوند. در این صورت مسجد از واحد و تشکیلاتی که نقش کمیته امداد یا بهزیستی را ایفا می کند، خارج شده؛ فعالیت انسان دوستانه مسجد در شکلی غیر مستقیم اجرا می گردد.

۲. در مساجد عموماً با صحنه های دیگری رو به رو هستیم که ناخوشایندی این صحنه ها کم تر از مورد قبل نیست. در مورد قبلی متکدیانی دست نیاز به سوی نمازگزاران دراز می کردند و رفع حاجت می طلبیدند؛ اما بدتر از آن جایی است که مسجد به عنوان خانه خدا دست نیاز به سمت نمازگزاران می گشاید و کمک می طلبد، اما با واسطه یکی از اعضای هیأت امناء و یا خادم و سرایدار مسجد.

**نمازگزاران محترم توجه فرمایند:**

طبق معمول شب شب ها، کمک به مخارج مسجد را جمع آوری می کنم. قبض آب و برق چند ماه گذشته را نپرداخته ایم، آسفالت پشت بام مسجد خراب شده و همان طور که ملاحظه می کنید، سقف نم داده است، از شرکت گاز دومین اخطار را به ما داده اند ....

موارد دیگری را می‌توان به این‌ها اضافه کرد. آیا این موارد با عزت مسجد همخوان است؟!

۳. براستی وظیفه حکومت اسلامی در قبال هزینه‌هایی از این دست چیست؟ آیا نمی‌توان برای هزینه حامل‌های انرژی مساجد و تکایا و حسینیه‌ها به نسبتی مشخص، تعرفه‌ای ویژه وضع نمود؟ و یا کلاً این مراکز را از پرداخت این هزینه‌ها معاف کرد؟ و یا در صورتی که مصرف آن‌ها از سقف مجاز خارج شد، هزینه‌ای مقرر کرد؟

در این خصوص نظرات کارشناسی متعددی را می‌توان اعمال کرد و یا تلفیقی از دیدگاه‌های مختلف را می‌توان به کار بست. اما نمی‌توان این نکته را نادیده گرفت که بدون شک چنین صحنه‌هایی با شأن و جایگاه مسجد منافات دارد.

۴. تعبیه صندوق‌هایی برای کمک به مخارج مسجد، بدون اعلان علنی نیاز مسجد، تا حدودی از این شدت وحدت می‌کاهد؛ هر چند اصل قضیه هنوز پا برجاست به تعبیر شاعر:

خواستن کدیه است خواهی عشر خوان خواهی خراج

هر که خواهد گر سلیمان است و گر قارون گداست

مواردی که عنوان شد، بدون تردید نسبت به مسجد نگرشی منفی ایجاد می‌کند و یا لااقل بالقوه می‌تواند چنین نگاهی را موجب شود. این نگاه و نگرش با بهداشت روانی اهل مسجد منافات دارد و با سلامت این قسم از بهداشت در تنافی و تباین است.

۵. پذیرش و موقوفات، فرش‌ها و هدایای گران‌قیمت، به دلیل احتمال سرقت آن‌ها با فعالیت مستمر مسجد و باز بودن آن تا دیر وقت منافات پیدا می‌کند.

از سوی دیگر، نمی‌توان هدایا و موقوفات و اعاناتی که به مسجد می‌شود، نادیده گرفت و رد احسان نمود.

پیشنهاد می‌شود که این اقلام، خصوصاً موارد گران‌قیمت، به عنوان پشتوانه مالی مسجد در محلی امن زیر نظر هیأت امنای نگهداری شود و البته در صورت لزوم و ضمن رعایت صلاح و صرفه مجسد آن را به مصرف رساند و یا به اقلام و اجناس مورد نیاز تبدیل و معاوضه نمود.

۶. از راه‌هایی که می‌توان هزینه‌های مسجد را تأمین کرد، بدون این‌که به عزت و احترام مسجد خدشه‌ای وارد شود، این است که اولاً، با برنامه‌های تبلیغی مفید، ارزش و اهمیت و پاداش کمک به مسجد را برای نمازگزاران تشریح کرد. در این صورت، آن‌ها با

رضایت خاطر کمک های قابل توجهی به مسجد خواهند کرد؛ ثانیاً، می توان کمک به مسجد را بین نمازگزاران تقسیم کرد و سرانه ای به آن ها اختصاص داد.

منطقی است مؤمنانی که به برکت مسجد، پاداشی برای قیامت خود ذخیره می کنند؛ هزینه هایی بابت تعمیر، نگهداری و استمرار حیات مکان مقدس پردازند و بایستی باور کنند که چیزی در این زمینه از دست نخواهند داد، بلکه بر ثروت آن ها افزوده خواهد شد.

علاوه بر این که می توان برای نمازگزاران سرانه ای در مورد هزینه های مسجد مقرر کرد، این امکان وجود دارد که اصناف یا گروه های خاصی هزینه های ویژه ای را متقبل شوند.

این سرانه می تواند ماهیانه، هفتگی و حتی روزانه تعیین گردد و از سوی افراد یا اصناف و گروه ها پرداخت شود.

تعیین سرانه به صورت سالیانه، به دلیل بُعد زمانی منطقی و عملی به نظر نمی رسد و این احتمال وجود دارد که در طول زمان یک سال متفی گردد.

۷. توجه به قشر بانوان در جمع آوری هدایا و کمک به مسجد (با رعایت همه جوانب و از جمله حرمت و عزت مسجد) راه گشاست.

البته پرداخت هزینه مسجد از سوی بانوان به آزادی آقایان نیست و در خیلی از موارد اجازه شوهر را می طلبد؛ اما نمی توان از اهتمام بانوان در خصوص کمک و مساعدت به مسجد چشم پوشی کرد. برخی اقلام و اجناس مسجد از محل مساعدت بانوان خریداری شده است؛ اما به این نکته ظریف هم باید توجه کرد که کمک بانوان مسجد در قالب کمک های نقدی به مسجد، حتی الامکان در جهت خرید اقلامی برای قسمت بانوان مسجد مصرف گردد (اعم از خرید فرش، سجاده، چادر نماز، جامه هری، جاکفشی و ...) در این صورت، رغبت بانوان در کمک به مسجد افزایش خواهد یافت.

اعانات و مساعدت های مردم و بودجه ای که به امری خاص در مورد مسجد اختصاص می یابد، در همان مورد خاص مصرف گردد.

۸. اگر کسی بودجه یا وجهی در جهت نظافت و بهداشت مسجد، تقدیم می کند، صرفاً در همین بخش هزینه گردد، نه در موارد دیگر؛ زیرا بایستی تشخیص کمک کننده را در نوع نیاز مسجد محترم شمرد و اعتماد او را جلب کرد؛ والا انگیزه افراد از مساعدت به مسجد کم رنگ می گردد. متأسفانه در برخی موارد نه تنها این هزینه ها جا به جا می گردد، بلکه در موارد غیر ضروری و بلکه احیاناً زاید (مثل تبلیغات) هزینه می گردد. که در این خصوص سلب انگیزه به صورت مضاعف صورت می گیرد.

۹. در برخی از موارد می توان از تخصص افراد بی بضاعت در جهت رفع نیازهای مسجد کمک گرفت؛ بدون این که هزینه ای در پی داشته باشد. به عبارت دیگر، برای برخی افراد مساعدت مالی به مسجد ممکن نیست، اما این ها می توانند برخی خدمات مسجد را که مستلزم صرف هزینه است، به صورت رایگان انجام دهند.

از لوله کش محل برای تعمیر شیرآلات، از آسفالت کار برای آسفالت پشت بام مسجد، از بانوان برای شستن فرش، از نجار برای تعمیر جاکفشی، از فنی برای تعمیر وسایل صوتی و سایر موارد. بدون شک این اقدام از یک سو زمینه مشارکت افراد را در اداره امور مسجد فراهم می کند و از سوی دیگر، تخصص فنی افراد را در خدمت مسجد قرار می دهد و هزینه هایی مستلزم انجام دادن این امور است جبران خواهد کرد. مضافاً کسانی که امکان کمک مالی به مسجد برایشان میسر نیست، از پاداش کمک به مسجد بی بهره نخواهند ماند.

۱۰. در امور مسجد از اسراف و ریخت و پاش بی مورد جداً جلوگیری شود، خصوصاً در هزینه های مربوط به تبلیغات، اطلاعیه ها، بنرها، پذیرایی ها و ... البته در خصوص خرید اجناس و اقلام مورد نیاز، چنانچه به کیفیت اقلام مورد نیاز بیش از قیمت آن توجه شود، مناسب است.

۱۱. در زمینه کمک و مساعدت مالی افراد به مسجد، اگر جنس تقدیمی اخذ شود، بهتر است تا پول آن.

تفکیک صندوق ها به انواع خدمات، موجب باور مردم به مصرف مساعدت ها در جای خود خواهد بود. بدین منظور لازم است که صندوق کمک به مستمندان از صندوق کمک به نظافت، روشنایی و سایر موارد تفکیک گردد.



۱۲. همواره میان کمک های مردم به مسجد، با هزینه مورد نظر مسجد توازن برقرار گردد .  
عادت برخی مدیران آن است که ابتدا در جهت رفع نیازهای مسجد برای مسجد هزینه می تراشند و سپس به فکر تأمین آن می افتند و در برخی موارد چند برابر کمک های احتمالی مردم، هزینه می کنند.

البته قدرت ریسک پذیری افراد که تابعی از شخصیت آن است، در خیلی از موارد کارساز و مفید است؛ اما باید توجه داشت که اولاً، میان کمک های مردم در اوقات مختلف سال و حتی ایام مختلف ماه در نوسان است؛ ثانیاً، در صورتی که بدهکاری مسجد به مراکز مربوط پرداخت نگردد، نسبت به مسجد و اولیای آن متضمن بدبینی خواهد بود که در نهایت به همن مسجد خواهد انجامید.

سعدی گفته است: «چو دخلت نیست، خرج آهسته تر کن». مقروض نگه داشتن مسجد، عمل پسندیده ای نیست؛ هر چند در برخی موارد اجتناب ناپذیر می نماید؛ در عین حال بایستی حد و حدودی برای این کار تعریف کرد و یا این که زمان پرداخت فرض مسجد را چنان وسیع و گسترده گرفت که موجب سرافکنندگی نگردد .

۱۳. تشکر از کسانی که به نحوی در اداره امور مسجد دخالت دارند و یا مساعدتی ویژه به مسجد صورت می دهند از جمله بایسته های اداره امور مسجد است. این کار با اخلاص مساعدت کنندگان منافات ندارد، بلکه موجب اشاعه سنت و عمل پسندیده مساعدت به مسجد خواهد بود .

بدین منظور، امام مسجد می تواند در سخنرانی خود به این نکته متذکر شود و یا در تابلو اعلانات، این مهم اطلاع رسانی گردد.

بدیهی است چنانچه کسی نسبت به معرفی اش پرهیز داشت، می توان از معرفی وی خودداری کرد؛ در عین حال این کار، مانع آن نخواهد بود که هیأت امنای امام مسجد با مکتوبی محرمانه، از خدمات آنان را قدردانی کند و رونوشتی نیز به برخی مراکز از جمله سازمان تبلیغات و یا اداره اوقاف و امور مساجد ارسال نماید . در مجموع، قدردانی از مساعدت کنندگان به مسجد و از کسانی که به نحوی در اداره امور مسجد دخیلند، بیش و پیش از آن که قدردانی از یک شخص به خصوص باشد، قدردانی از عملی پسندیده و نیکوست و ارزش این کار واضح و روشن است .

۱۴. گزارش هزینه ها، مساعدت ها و کمک های مردمی به صورت دوره ای و مستمر و مستند در تابلو اعلانات نصب شوند.

این کار از یک سو موجب تشویق مردم کمک به مساجد است و از سویی جلو سوء ظن احتمالی را سد خواهد کرد . مضافاً این که اعتماد مردم را به مسئولان مسجد در مورد اعتبارات و

وجوهای مسجد و نحوه مصرف آن‌ها ایجاد خواهد کرد و بی‌اعتمادی احتمالی را از بین خواهد برد .

۱۵. ایجاد اعتماد میان مسؤولان مسجد با مردم، از مهم‌ترین ابزارهای مدیریتی مسجد است. بدیهی است این اعتماد در گذر زمان حاصل می‌شود؛ اما بر اثر اندک مسامحه یا غفلتی از بین خواهد رفت . تجربه نشان داده است که هر گاه میان مسؤولان مسجد و نمازگزاران، عنصر اعتماد حاکم باشد، بسیاری از کارهای شبه محال عملی می‌گردد و در صورتی که این اعتماد ضعیف باشد، انجام دادن هر کاری با پیچ و خم‌های فراوان مواجه می‌شود .

اما این نکته روی می‌نماید که چگونه می‌توان این اعتماد را ایجاد نمود و گسترش داد. بدون شک عملکرد مسؤولان مسجد در این امر نقش اول را داراست . شخصیت معنوی ، علمی، فرهنگی، سیاسی و سوابق مسؤولان در این خصوص موثر است. عوامل دیگری نیز در این زمینه موثر و نقش آفرین هستند . بی‌تردید ، مهم‌ترین وظیفه هیأت امناء ، مسؤولان و خصوصاً امام مسجد، ایجاد و گسترش اعتماد متقابل مردم و مسؤولان مسجد می‌باشد .

### **عوامل جذب هزینه برای مسجد**

راه‌های جذب کمک و مساعدت برای مسجد از مهم‌ترین شاخص‌های مدیریت مسجد در شرایط امروزی است .

زیرا میزان کمک‌های دولتی به مسجد چندان جلب توجه نمی‌کند ؛ وضعیت اقتصادی عموم مردم نیز به گونه‌ای نیست که بتوان آن‌را کمک‌هایی معتدبه به حساب آورد .

بر این اساس ، لازم است که مدیریت مسجد با اتخاذ راه‌کارهای تعیین‌کننده ، موجبات مساعدت و کمک مردم را به مسجد فراهم آورد . در این خصوص چند راه کار پیشنهاد می‌شود، ضمن اینکه بایستی در نظر داشت عوامل محیطی، زمانی و مکانی در اتخاذ نوع راه کار موثر است :

۱. یکی از راه‌کارهای جذب کمک‌های مردمی به مسجد ، قدردانی از بانیان، دست

اندرکاران و کسانی است که به نحوی در خدمت مسجد هستند.

این قدردانی آنان را نسبت به ادامه کمک و استمرار خدمات رسانی تشویق می‌کند ؛ ضمن این که اصل سپاس از خدمتگزاران ، موضوعیت دارد . در این خصوص باید توجه داشت که اصل سپاس و قدردانی مهم است ، نه کمیت هدیه انتخابی.

۲. اقدامات فرهنگی و تبلیغاتی بدون تردید، در تشویق مردم به کمک کردن و مساعدت به مسجد مهم است.

نوشتن احادیث و گفته های معصومین و سایر بزرگان در فضیلت کمک به مسجد، تهیه تراکت های تبلیغاتی و اصطلاح کف دستی و توزیع میان نمازگزاران، تبیین اهمیت کمک به مسجد در سخنرانی امام مسجد می تواند در این زمینه تبلیغاتی مفید و موثر به حساب آید.

۳. نکته مهم این است که هیأت امنای مسجد در این خصوص نسبت به نمازگزاران بر اساس وضعیت اقتصادی آن ها شیوه های متفاوتی در پیش بگیرند.

به عنوان مثال چنانچه وضعیت اقتصادی برخی از نمازگزاران بهتر از دیگران است، نماینده هیأت امنا با حضور در منزل آنان، زمینه مساعدت این افراد را به مسجد دو چندان کند؛ زیرا تجربه نشان داده است که اقدامات چهره به چهره موثر تر از تبلیغات مکتوب و غیر حضوری است. بدیهی است در هر صورت، شأن و جایگاه مسجد و امام مسجد و نیز هیأت امنا به عنوان نمایندگان مسجد بایستی حفظ شود و این شأن و جایگاه وجه المصالحه مبلغی به عنوان کمک به مسجد قرار نگیرد.

۴. از جمله اقداماتی که موجب تشویق مردم در مساعدت به مسجد خواهد شد، قدردانی مکتوب از آن ها، از جمله درج نام هدیه کنندگان برجس اهدایی اعم از فرش، مهربان، جاکتایی، منبر، بخاری، آب سردکن و سایر موارد است.

این کار از یک سو قدردانی از اهدا کننده به حساب می آید و از سویی مشوق دیگران در مساعدت به مسجد است و با اخلاص و انگیزه هدیه کنندگان نیز منافات ندارد؛ زیرا اصولاً هیچ هدیه کننده ای از اول هدیه خود را به درج نام و عنوان بر جنس اهدایی مشروط نمی کند.

۵. روان شناسی کمک به مسجد و اتخاذ راه کارهای مبتنی بر زمان و مکان و سایر رویکرد های جامعه می تواند در این زمینه مفید و موثر باشد. به عنوان مثال، شیوه اتخاذی در مورد تشویق بانوان در کمک به مسجد با راه کاری که در مورد آقایان اتخاذ شود، متفاوت باشد.

راه کاری که باید در برابر ثروتمندان در پیش گرفت با دیگران مختلف گردد. در این خصوص می توان تفاوت زمانی و مکانی را هم در نظر گرفت. در برخی زمان ها مردم جهت کمک به مسجد نسبت به سایر زمان ها آمادگی بیش تری دارند و همین طور در برخی مکان ها.

در این زمینه، هیأت امنا و سایر مسؤولان مسجد می توانند بر اساس دستورالعمل نانوشته، اما کارشناسی شده استفاده کنند و چنانچه در مورد یا مواردی جواب منفی شنیدند و کارآیی مفیدی ندیدند، راه کار دیگری اتخاذ کنند و در هر حال بر اساس شرایط گوناگون، کارهای اقتضایی در پیش بگیرند.

همچنین استفاده متناسب از هر کسی یا هر گروهی بر اساس شغل و تخصص آن ها می تواند مساعدت به مسجد را در ابعاد غیر نقدی تضمین و رونق بخشد .

۶. در تمام موارد باید به یک نکته اساسی اشاره کرد و آن « اعتماد سازی » میان مردم و مسؤولان مسجد است .

زمانی که بین این ها اعتماد متقابل برقرار باشد ، مردم به طیب خاطر در مساعدت به مسجد پیشقدم می شوند .

این اعتماد در شاخص های مختلف باید جلوه کند :

در اظهار نظر نسبت به مخارج مسجد ، در هزینه کردن بودجه مسجد و همه مواردی که مستلزم اعمال مدیریت مسجد است .

درج درآمدها و هزینه های مسجد براساس جدولی مشخص و نصب العین قرار دادن آن ها می تواند از ایجاد برخی ذهنیت های منفی جلوگیری کرد .

بدون شک ، شفاف سازی ، موجب اعتماد مردم و اعتماد مردم تضمین کننده استمرار مساعدت آن ها به مسجد است .

۷. ترسیم اهداف کوتاه مدت ، میان مدت و بلند مدت از جمله اقدامات تبلیغاتی است که می تواند در مساعدت و کمک مردم به مسجد موثر و مفید باشد .

نکته مهم در این خصوص این که هر گاه این اهداف در جهت رسالت اصلی مسجد قرار داشته باشد ، در تشویق مردم به مساعدت و همیاری مفید و موثر است ؛ و الا از عدم اقبال مردم در کمک به مسجد و همدلی آنان با مسؤولان مسجد ، نمی توان چشم پوشی کرد .

۸. صرفه جویی در مخارج مسجد ، از سویی موجب همدلی مردم با مسؤولان مسجد است و از سویی موجب اعتماد مردم به مسؤولان مسجد و تشویق آنان در مساعدت به مسجد خواهد بود .

ضمناً باید توجه کرد که اعتماد متقابل مردم و مسؤولان مسجد در دراز مدت به دست می آید ؛ اما باید اندک اقدام نسنجیده ای خدشه دار می شود و این دیوار اعتماد فرو می ریزد .

### نام مسجد

نام مسجد موضوع مباحثی در کلیت مسجد و مسجد سازی است و عواملی در این زمینه تعیین کننده اند . تعیین نام مسجد براساس نام بانی یا واقف ، محل استقرار مسجد ، نام طایفه و قبیله ، نام اشخاص معتبر ، نام اصناف و گروه ها ، نام معصومین و احیاناً شخصیت های سیاسی و حکومتی ، از جمله مواردی است که موضوع تعیین نام مسجد بوده و هست .

در زمان حیات رسول خدا (ص) عموماً نام مساجد بر اساس نام اشخاص ، قبایل و مناطق بوده است، مانند مسجد قباد ، بنی هدی ، بنی سالم ، بنی ظفره و سایر موارد .  
ضمناً باید توجه کرد که نام مسجد جزء مسجد نیست که احکام خاصی به آن مترتب باشد (همانند احکامی که در زمینه اداره و نگهداری مسجد وضع شده اند) بلکه اختیار نام مسجد با واقف است و در این زمینه مخالفت با خواسته و یا مخالفت با نام انتخابی بانی و واقف مشکل به نظر می رسد .

بدیهی است همان طور که در انتخاب نام اشخاص حقیقی ملاک ها و معیارهایی را باید در نظر گرفت ؛ و الاً ثبت احوال از صدور شناسنامه جلوگیری می کند ؛ در انتخاب نام مسجد هم بایستی هنجارهایی را مورد نظر قرار دارد . بویژه ای این که «نام» و «عنوان» در نگاه به «مسما» و «معنون» مؤثر است.

### **تولیت مسجد**

تولیت به معنی سرپرستی مسجد است و با توجه به این که مسجد شرایطی دارد و ساختمانی معمولی نیست ، تولیت و سرپرستی آن و نیز وقف در مورد آن دارای شرایط ویژه است .  
وقف اصل مسجد شرط پذیر نیست ، برخلاف دیگر موقوفات .  
لذا واقف نمی تواند در خصوص وقف اصل مسجد شروطی را مقرر کند ؛ هر چند در موقوفات غیر اصل مسجد، از این اختیار بهره مند است .  
بنابراین ، بانی یا واقف در امور مسجد ، دارای اختیار ، تام نمی باشد . این نکته دلیل بر اهمیت مسجد است .

در خصوص وقف مال یا اموال و املاکی برای مسجد ، چند نکته قابل ذکر است :

۱. تعیین موقوفه برای مسجد ، اصولاً به منظور تضمین اقتصادی مسجد و ایجاد پشتوانه ای مالی برای آن است . این موضوع در شرایطی که در بستری صحیح و روالی منطقی و کارشناسی شده مدیریت گردد ، مناسب و به جاست .
۲. متأسفانه به دلیل عدم مدیریت صحیح موقوفات ، این نکته تداعی می شود که مسجد از لحاظ اعتبار مورد نیاز خود کفایت و مردم از مساعدت به مسجد خودداری می کنند . این نکته در حقیقت دستاورد منفی تعیین موقوفات برای مسجد است . آنچه می تواند از این پیامد منفی جلوگیری کند ، تبیین صحیح موضوع برای نمازگزاران است .  
در حقیقت نبایستی موقوفات که در واقع عامل رونق اقتصادی مسجد هستند ، عامل ناامنی اقتصادی آن گردند .

این نکته از آن جا ضرورت مضاعف می یابد که در خیلی از موارد ، مال موقوفه مسجد تکاپوی هزینه های مسجد را نداشته ، در نتیجه تلاش برای جلوگیری ناامنی اقتصادی مسجد ضرورت بیش تری می یابد .

۳. یکی از راه هایی که می تواند نگاه مردم را به موضوع پیش گفته اصلاح کند ، آن است که مال موقوفه بر مورد یا موارد خاصی وقف گردد ؛ مثلاً هر گاه مردم باور کنند که مال موقوفه ، فقط برای مخارج امام مسجد یا هزینه های خادم مسجد ، یا برای آموزش قرآن برای نوجوانان ، یا خرید منبر و یا سایر موارد خاص وقف شده است ؛ طبیعتاً نسبت به هزینه سایر موارد احساس مسوولیت کرده ، برای رفع آن نیازها اهتمام می ورزد .

طبعاً این نکته بایستی به اطلاع مردم رسانده شود و آنان از صحت مطلب اطمینان حاصل نمایند .  
۴. رعایت صلاح و صرفه مسجد در هزینه ها و اعمال مدیریت صحیح در این زمینه بسیار مهم است .

منظور آن است که هر گاه مال و موقوفه ای برای موردی خاص وقف شده باشد ، بایستی در اداره این مهم نیز جوانب امر در نظر گرفته شود ؛ بدین گونه که اعتبار معقولی برای آن امر هزینه گردد ؛ به طوری که شائبه اسراف ایجاد نگردد و یا هزینه صورت گرفته با سایر هزینه ها هماهنگی و همخوانی داشته باشند؛ مثلاً از خرید لوستر یا چلچراغ های گران قیمت جداً خودداری گردد .  
از سوی دیگر ، نباید جنسی که تهیه می شود ، چنان بی کیفیت باشد که در اندک زمانی به خرید مجدد نیاز باشد و یا به تعمیر آن احتیاج افتد .

در هر صورت ، وظیفه امام و سایر مسوولان مسجد است که در مدیریت هزینه کردن اعتبارات صلاح و صرفه مسجد را در نظر بگیرند؛ به افکار عمومی نمازگزاران بی اعتنائی نباشند؛ کیفیت وسیله مورد نیاز را بر کمیت آن ترجیح دهند ، در مدیریت موقوفات حساسیت لازم را اعمال نمایند؛ بر مدیریت آن نظارت لازم را صورت دهند .

### **قدردانی و تشکر**

۱. بدون شک قدردانی از خدمتگزاران به مسجد ، بانیان ، واقفان ، مساعدت کنندگان به مسجد شرعاً ، اخلاقاً و عرفاً امر پسندیده ای است ، حتی نسبت به کسانی که از مسوولان و به خصوص از امام مسجد چنین انتظاری را ندارند .

راه های سپاسگزاری نیز بنا به شخصیت و موقعیت افراد و شرایط زمانی و مکانی متفاوت است . از نام بردن و تمجید در محافل عمومی و بین نمازگزاران گرفته تا رفتن به منزل افراد و تمجید و قدردانی کتبی از آنها و سایر موارد .

۲. علاوه بر قدردانی از دست اند کاران مسجد و خیرین و مساعدت کنندگان ، قدردانی و سپاس از امامان قبلی مسجد مهم است و موضوعیت دارد . بدون شک رونق فعلی مسجد و امامت فعلی ، مرهون تلاش دست اندرکاران و از جمله امام سابق و اسبق است .

انصاف و قدردانی اقتضا می کند که امامان قبلی فراموش نشوند و گاه از آن‌ها یادی صورت گیرد. رسم بسیار پسندیده ای است که در برخی مساجد، بین الصلواتین برای شادی روح امام یا امامان قبلی و یا کسانی که در امور مسجد موثر بوده اند، صلوات فرستاده می شود .

۳. نکته مناسب و پیشنهادی این که مناسب است هر مسجد سه امام مسجد راتب داشته باشد؛

به ترتیب برای اقامه جماعت صبح ، اقامه نماز جماعت ظهر و عصر و اقامه فریضه مغرب و عشا و جالب تر از این که این سه امام در مواقع مقتضی از اقتدای به یکدیگر پرهیز نکنند . امام مسجد صبح به امام ظهر و عصر اقتدار کند ؛ امام ظهر و عصر به امام جماعت مغرب و عشا و همین طور امام جماعت مغرب و عشا به امام فریضه صبح اقتدار نماید و همین طور حالت چرخشی اقتدا حفظ شود .

این کار بین امامان هر سه نوبت و بین امامان و مردم اعتماد ایجاد می کند و از بروز آسیب هایی که معمولاً دستاورد بی اعتمادی است، جلوگیری می نماید.

### مسائل عمرانی مسجد

از جمله مسائلی که در خصوص مساجد باید به آن توجه کرد، عمران و آبادانی مسجد و مدیریت آن است. انتخاب نوع جنس، مدیریت عمرانی مسجد و سایر مسائل در این مقوله قرار می گیرند.

از قدیم گفته اند که هیچ جنس گرانی بی حکمت نیست و هیچ جنس ارزانی بی علت نیست . علت در این جا به معنای نارسایی و نامرغوبی است . جنس ارزان قیمت، جدای از موردی که دارنده اش تعمداً قیمت را پایین انتخاب می کند ، بی علت و نقص نمی باشد؛ لذا

#### ۱. در انتخاب مصالح بایستی کیفیت فدای کمیت نگردد.

منطقاً بلا اشکال است که سیر ساخت مسجد به طول بینجامد، اما اجناس و مصالح مورد نیاز از انواع مرغوب انتخاب شود؛ یا ساخت بخشی از مسجد به دلیل عدم اعتبار کافی موقتاً تعطیل گردید؛ اما از خرید و مصرف اجناس نامرغوب اجتناب و خود داری شود .

۲. مساله تنها در خرید جنس مرغوب خلاصه نمی شود ، در خصوص کیفیت ساخت و چیش مصالح نیز بایستی اهتمام لازم صورت بگیرد.

برخی بانیان مسجد نسبت به تسریع در ساخت آن تعمد ویژه دارند ؛ اما بر اساس یک اصل مهندسی و معماری ، بایستی بین ساخت و ساز مراحل مختلف و از جمله مسجد فاصله ای زمانی وجود داشته باشد تا مثلاً در ساختمان نشست کافی صورت بگیرد؛ و الاً این نشست ، پس از ساخت و اتمام حاصل می شود . ترک های بعد از پایان کار ناشی از این نشست است . در مجموع ، نظرات کارشناسی معماری و مهندسی در انتخاب جنس ، ساخت و مدیریت آن باید لحاظ شود .

۳. انتخاب معماری دلسوز و کاردان؛ در عین حال صرفه جویی می تواند این مهم را تامین نماید.

خرید اقلام مرغوب ولو گران قیمت ( در حد معقول ) زینده مسجد است و به دلیل مقبولیت این مکان مقدس ، نزد مردم ، هیچ کس نسبت به ضرورت مرغوبیت اقلام و اجناس ، هر چند اندکی گران قیمت ، اعتراض و تعریضی نخواهد داشت ؛ با توجه به این که قرار است مسجد، سال ها استمرار حیات داشته باشد و با این کار ، حتی الامکان از هزینه کردن برای تعمیر و نگهداری مسجد جلوگیری می شود .

۴. قبل از انتخاب مصالح خوب و ساخت عالی ، طراحی مسجد ، باید هوشیارانه و براساس معیارهای مهندسی باشد .

نقشه خوب ، استفاده از فضا ، نور گیر بودن ، طراحی نقشه به نحوی که تردد به مسجد برای همه گروه های سنی راحت باشد ( مثلاً کوتاهی پله ها ) و سایر موارد از نکات لازم الرعایه ای است که طراحان مسجد باید در نظر بگیرند .

طراحی نقشه خوب برای مسجد ، چنانچه از لحاظ زمانی به درازا بکشد ، مهم نیست ؛ اما اگر نسبت به ساخت مسجد اقدام شد ، تعلل و درنگ جایز نیست و طبعاً برای مردم نوعی بی اعتمادی نسبت به دست اندرکاران مسجد و تصور وجود اختلاف میان آنان را به دنبال خواهد داشت ؛ مضافاً این که طولانی شدن زمان ساخت مسجد ، موجب ازدیاد هزینه ساخت و ساز آن خواهد بود . ضمن این که تسریع در به انجام رساندن کار خیر و نیکو ، مورد سفارش روایات است .

۵. طراحی مسجد بایستی کارشناسانه و براساس پیش بینی های لازم صورت بگیرد؛ به طوری که در طول زمان ساخت ، به تغییر آن نیاز نباشد . در صورتی که طرح و نقشه تغییر کند ، ضمن این که مستلزم صرف هزینه ای گزاف خواهد بود ، بی اعتمادی مردم را نیز به دنبال



دارد . ساخت مسجد به درازا می کشد و دست آخر ساختمانی بر اساس چند نقشه ساخته می شود که طبیعی است در واحدهای آن ناهماهنگی به صورت محسوس دیده شود .

۶. بهتر است طراحی مسجد به گونه ای صورت گیرد که بتوان از بخش های مختلف مسجد چندین استفاده به عمل آورد ؛ مثلاً دیواری که بتواند برای دو اتاق محسوس گردد . ساختمان مسجد هر چه ساده تر باشد ، اولاً کم هزینه تر خواهد بود ؛ ثانیاً ، با فلسفه وجودی مسجد که کاستن رغبت اهل مسجد به دنیاست ، همخوانی دارد .

۷. متأسفانه بسیاری از مساجد به جای این که نام خدا و آخرت را تداعی کنند، زرق و برق دنیا ره به اذهان تداعی ساخته ، مردم را به زر و زیور و رنگ و لعاب دنیایی سوق می دهند. ضمناً در طراحی مسجد باید مسیر سرویس بهداشتی از راه مسجد مجزا باشد . مسیر تردد خانم ها از مسیر تردد آقایان مجزا؛ همچنین در ورودی آقایان به مسجد از درب ورودی خانم ها به مسجد فاصله داشته باشد .

۸. بلند بودن دیوار مسجد در حدی معقول از یک سول دلنواز بودن فضای مسجد را موجب می شود و از سویی ابهت ظاهری آن را به دنبال دارد .

۹. محراب مسجد به دلیل اهمیت آن ، نسبت به سایر فضای مسجد ، بهتر است روشن تر ساخته شود . کاشی کاری در محراب موضوعیت نداشته ، مستلزم هزینه است ، اما ساخت تابلویی از کلمه « الله » با لامپ نئون سبز رنگ و نصب آن در محراب می تواند بر زیبایی و قداست آن بیفزاید .

۱۰. طراحی مسجد باید به گونه ای باشد که دید مردم نسبت به منبر و محراب و محل ایستادن امام مسجد ، زاویه ای مناسب داشته باشد و مردم بدون زحمت نسبت به این بخش ها دید مناسب داشته باشند .

۱۱. همچنین میزان نور در فضای داخلی مسجد باید به اندازه ای باشد که مردم جهت برنامه های مسجد به زحمت نیفتند : نه چندان زیاد که آزار دهنده باشد و نه چندان کم که رؤیت یکدیگر موجب زحمت شود .

در عین حال ، استفاده از لامپ های گران ، اما کم مصرف به طوری که از لحاظ صرف انرژی مقرون به صرفه باشد ، سفارش می شود .

۱۲. به این نکته هم باید توجه داشت که بخش بانوان از لحاظ نور، تهویه، فضا و سایر امکانات، نباید نسبت به بخش آقایان رتبه پایین تری داشته باشد.

۱۳. مسجد نماد و مسلمانی و تجلی عینی دین و دین مداری است. اصل ساختمان مسجد و همه اجزا و عناصر آن، در حقیقت تعظیم شعائر الاهی است.

بر این اساس، باید این ساختمان مقدس از دور به وسیله مناره، تابلویی نورانی، چراغ های مناسب و سایر امکانات، پیدا بوده، از جذابیت لازم بهره مند باشد.

ایجاد فضایی نورانی در اطراف مسجد؛ مثلاً در بالاترین بخش مناره یا سر در مسجد می تواند نماد و تجلی ای از نور آسمان ها و زمین، یعنی خداوند متعال باشد.

### برخی شعارها

برخی شعارها را می توان از زمره آسیب شناسی مسجد دانست. این گونه شعارها ظاهر زیبایی دارند، اما در عمل پیامدهایی مخالف اهداف اصیل مسجد دارند. مثلاً این شعار که مسجد باید مردمی باشد.

۱. این شعار ظاهر زیبایی دارد و تجربه نشان داده است که در طول سال های قبل از انقلاب و در طول عمر یک سال انقلاب و سال های بعد از آن و خصوصاً در سال های دفاع مقدس، مساجد دارای بیش ترین خدمات به اهداف انقلاب بوده اند؛ در عین حال گاهی اوقات از شعار مردمی بودن انقلاب در جهت اهداف شخصی استفاده می شود. آیا مردمی بودن انقلاب به معنای تبلیغات به نفع یک جهت رسیدن به مقامات سیاسی است؟

وظیفه حاکمان اسلامی (در شکل عموم قضیه) و متولیان مسجد، خصوصاً امام مسجد (در شکل مصداقی و خاص) آن است که مسجد جهت اهداف شخصی مصادره نگردد و شعارهای چشم نواز و دهن پر کن، آن را از مسیر اصیل و مقدس خود خارج نسازد.

۲. مردمی بودن که بدان معنا نیست که مسجد باید برای تمام زوایای زندگی مردم طرح و برنامه داشته باشد.

انتظار از مسجد را بایستی بر مبنای معقول استوار کرد. تصور غلطی است که اگر مسجد برای تمام ابعاد جسمی و روحی و فرهنگی و فکری و اجتماعی و اقتصادی مردم برنامه نداشته باشد، ناقص است.

تفکیک کردن وظایف اصلی و اصیل مسجد از وظایف فرعی و وظایفی که اصولاً وظایف ذاتی مسجد محسوب نمی شود، از جمله نکاتی است که باید بدان مواجه شود. چه تناسبی است بین ارتقای امر ورزش و رسالت مسجد؟

۳. انتظار از مسجد را به تناسب امکاناتی که به مساجد تعلق می‌گیرد، باید تنظیم کرد.
- متأسفانه انتظاراتی که امروزه از مسجد در ذهن مردم وجود دارد، با امکاناتی که چه از ناحیه مردم به این مکان مقدس داده می‌شود، مناسب نیست. طی سال‌های اخیر امکاناتی که صرف برنامه‌های عمرانی و ورزشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها و مراکز ورزشی و تفریحی و گردشگری می‌شود، چندین برابر شده؛ اما هزینه‌های ساخت مسجد، به آن گونه‌ای شایسته و بایسته، رونق نیافته است.
۴. کاش نهادی‌ها نظارتی در حکومت جمهوری اسلامی به این نکته توجه بیشتری داشتند و ارزیابی عمیق‌تری به عمل می‌آوردند که چه امری رونق مراکز غیر مسجد را اقتضا کرده و رونق مساجد را غیر ضروری دانسته است و در یک ارزیابی اهمیت آن‌ها را مشخص می‌کردند.
۵. نگاهی به ماهیت انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که مردم از مظاهر دینی مثل مسجد تحقق اهداف اسلام و انقلاب را دارند و تحقق سایر اهداف (اعم از اهداف سیاسی و غیر دینی؛ مثل ورزش و تفریحی و فرهنگی) برعهده مراکز دیگر است.
۶. درست است که در نظام واحد جمهوری اسلامی، اصولاً اهداف مختلف دنیوی و اخروی دارای پیوند هستند؛ اما تحقق همه این‌ها در چارچوب یک مرکز مثل مسجد، امری غیر واقعی و موهوم است.
- این نکته تفکیک اهداف و تخصصی شدن آن‌ها را اقتضا می‌کند. در نظام اسلامی هر کدام از مراکز وظیفه‌ای بر دوش دارند که شاکله آن‌ها را تشکیل می‌دهند. اساسنامه مراکز در این زمینه گویاست.
۷. حکومت اسلامی در برابر مساجد وظیفه‌ای بیش از سایر مراکز دارد؛ زیرا اصول حاکمیت اسلامی در مسجد شکل گرفته و آب‌سخور اداره حکومت اسلامی مسجد است.
- بر این اساس، نمی‌توان نقش دولت را در برابر مساجد منتفی دانست. البته گاه ادای این وظیفه در قالب بسیج مردم برای اداره مساجد و تامین هزینه آن شکل می‌گیرد؛ در عین حال هزینه‌های لازم جهت اداره مسجد گاه کمک مالی دولت را اقتضا می‌کند.

۸. این کمک های مالی دولت بایستی به گونه ای باشد که استقلال و آزادی مساجد را خدشه دار نکند . بسیار موجب وهن مسجد است که کمک های مالی نظام به مسجد در قالب نوعی معامله صورت گیرد .

بدیهی است وظیفه مسجد در دفاع از اصل نظام و ولایت امری غیر قابل انکار ؛ اما در برخی موارد کمک مالی به مسجد برای دفاع از شخص یا گروهی خاص صورت می گیرد که حقیقاً با روح مسجد و قداست این مکان همخوانی نیست . وظیفه مسوولان مسجد خصوصاً امام مسجد آن است که در این زمینه هوشیارانه عمل کند و بر این باور باشد که دستی برای گرفتن مالی دراز کرده است ، پلی است که با آن، از آبروی خود عبور می کند .

۹. علاوه بر دولت و بیش از آن، حوزه های علمیه وظیفه دارند که نسبت به امر مسجد و مدیریت آن در شکل وسیع کلمه و از جمله تأمین هزینه آن اهتمام داشته باشند .

### **امام یا هیأت امنا؟!!**

در این نکته تردیدی نیست که نقش اول و مهم ترین نقش را در اجرای رسالت مسجد ، امام مسجد بر عهده دارد . چنانچه وی از شرایط لازم امامت برخوردار باشد ، هر چند سایر کارگردانان مسجد ، شرایط لازم را بهره مند نباشند ؛ امام مسجد می تواند با مدیریت خود ، امور مسجد را به سرانجام برساند . عکس این قضیه نمی تواند رسالت مسجد را تحقق بخشد ؛ یعنی در صورتی که امام مسجد شرایط لازم را بهره مند نباشد ، هر اندازه خادم و هیأت امنا به وظایف خود آشنا باشند ، امکان تحقق رسالت واقعی مسجد وجود نخواهد داشت .

مسجد دارای رسالتی است که تحقق آن با شخصیت و جایگاه امام مسجد پیوند دارد ؛ نه الزاماً با جایگاه هیأت امنا و سایر دست اندرکاران و البته نمی توان نقش هیأت امنای متعهد را در اداره امور مسجد بی تاثیر و یا کم اثر عنوان کرد . این نکته می طلبد که همت مسوولان و دست اندرکاران جامعه بیش تر به انتخاب امامی آشنا به مسائل امامت مسجد معطوف گردد .

امام مسجد ، نقش رهبر و فرمانده لشکر را داراست که در صورت انجام دادن درست وظایف مدیریتی، تخلف چند سرباز نمی تواند به نظم و کارآیی سپاه لطمه وارد کند؛ اما چنانچه ضعف و تخلف در فرمانده مشاهده شود ، با کدام تدبیر بتوان لشکر را کار آمد کرد ؟!

از طرفی دیگر باید توجه کرد که شخصیت حقوقی ای به اسم هیأت امنا که امروزه در مساجد شکل گرفته اند ، مبنایی روایی ( چه در روایات شیعه و چه سنی ) ندارند و این پدیده که می تواند دارای نقش های مثبتی هم در اداره امور مسجد باشد ؛ صرفاً بر اساس ضرورت اجتماعی شکل گرفته است ، نه بر اساس بایسته ای فقهی و دینی .

بر همین مناسبت که هیأت امنای و سایر نهادها و واحدهایی که در مسجد بر اساس نوعی ضرورت اجتماعی و محیطی صورت پذیرفته اند، بایستی در خدمت امام مسجد قرار بگیرند که مبنایی دینی و فقهی و پشتوانه ای مذهبی دارد.

امروزه سازمانها و وزارتخانهها اصولاً با هیأت امنای اداره نمی شوند که بخواهیم اداره امور مسجد را در این قالب بررسی کنیم.

### هشدار مهم

جمله را از رهبر معظم انقلاب باید در نظر داشت و آن این که مسجد یک مدیر طبیعی دارد و آن هم امام آن است.

البته در این زمینه دو نکته قابل ذکر است:

**اولاً:** اگر برخی مراکز و سازمانها به صورت هیأت امنایی اداره می شوند، باز هم یک نفر به عنوان رئیس هیأت امنای انجام وظیفه می کند. در واقع اداره کار از حالت هیأتی خارج شده و فصل الخطاب با رئیس هیأت امناست. در مسجد نیز اگر قرار است هیأت امنای تصمیم گیری کند، امام مسجد بایستی فصل الخطاب مواضع باشد.

**ثانیاً:** هیأت امنای، خادم مسجد و سایر تشکلهای و واحدهای مسجد، بایستی به عنوان بازوان امام مسجد انجام وظیفه کنند، نه در شکل رقبا او.

امام مسجد، می تواند با هیأت امنای و سایر واحدهای مسجد رایزنی و مشورت نماید؛ در عین حال همگی بایستی ولایت و امامت مسجد را قبول کنند و نظری را بر ایده های خود مقدم بدارند.

مضافاً این که با توجه به رایزنیها و ارتباط امام مسجد با سایر مساجد و مراکز علمی و تحقیقاتی و اجتماعی، اصولاً وی از بینش و آگاهی بیش تری نسبت به اعضا برخوردار است و همین نکته می طلبد که نظر و ایده وی فصل الخطاب تلقی شود.

### سوال:

شاید با این سوال مواجه شده باشد که حضور در مسجد و ماندن در آن تا چه اندازه منطقی است. در این زمینه با دو رویکرد مواجه هستیم:

۱. این که مساجد «مؤمن» و به تعبیری «سنگر»، عنوان گرفته اند. حضور مردم در مؤمن و محل امن و حضور رزمنده در سنگر، امری طبیعی و مستمر خواهد بود. مضافاً این که بر اساس فرمایش رسول خدا (ص) به ابوذر، نشستن در مساجد و تنفس در آن، موجب اعطای

درجه ای در بهشت برای شخص خواهد بود. حتی بر اساس روایات ، در هنگام نزول بلا هایی مانند سیل یا زلزله مناسب است که به مسجد پناه ببریم .

بر این اساس ، حضور در مسجد هر چه بیش تر ، بهتر . با این ملاحظه حضور در مسجد به ساعتی خاص ، منحصر نمی گردد . آیا محدود کردن حضور مردم در مسجد ، منع کردن مردم از آن و در نتیجه ستم به مسجد قلمداد نمی گردد ؟

۲. مسائل عینی جامعه نشان دهنده آن است که گاهی اوقات افرادی لابلایی و یا ولگرد و احياناً سارق از باز بودن مساجد استفاده کرده ، لطماتی را به مساجد وارد می سازند و یا وسایلی را به سرقت برده و احياناً اهانتی به مسجد روا داشته اند .

چگونه می توان این دو رویکرد را با یکدیگر جمع کرد : باز بودن در مسجد به طور دائم و در ضمن جلوگیری از حضور افراد ناباب در آن ؟

برای حل این مسأله به نظر می رسد که مسولان مسجد نکته ای را به عنوان اصل در نظر داشته باشند و سایر مسائل را براساس این اصل ، سیاستگذاری کنند .

اصل آن است که در مساجد به عنوان مأمون و پناهگاه باید بیش تر اوقات شبانه روز باز باشد ( از اذان صبح تا طلوع آفتاب و از اذان ظهر تا نیمه شب ) و مسجد در این فاصله ، رسالت دینی و اجتماعی خود را صورت بدهد .

در عین حال ، به منظور پیشگیری از بروز مشکلی که به آن اشاره شد ، کسی به عنوان نماینده هیأت امن و یا خادم مسجد از ورود افراد خاطی و مشکوک و موهن به مسجد جلوگیری کند .

### **اگر سایر مراکز وظایف خود را انجام دهند**

مضافاً این که اگر مراکز مسؤول وظایف خود را در برابر افراد خاطی به خوبی انجام دهند ، اصولاً کار به جایی نمی رسد که این افراد مسجد را به عنوان محل مورد نظر جهت اجرای مقاصد خود انجام دهند، مثلاً اگر بهزیستی ، افراد ولگرد را جمع آوری کند ، این ها به مسجد ورود پیدا نمی کنند . ضمن این که اصولاً شمار این افراد و عملکرد آنها به گونه ای نیست که مسجد به نحو محسوسی در تیررس اهداف آنها قرار گرفته باشد .

به عبارت دیگر ، ریسک باز بودن مسجد و اطلاق مأمونی مستمر به این مکان مقدس ، با احتمال خطری که حضور افراد لابلایی در آن جا داده می شود ، می ارزد و بدون شک منافع این ریسک بیش تر است . البته اگر بر مسجد ، مواظبت هم اعمال شود ، احتمال بروز مسائل ناهنجار بسیار پایین خواهد بود.

در مجموع ، با عنایت به این که بسته بودن در مسجد چه بسا مصداق منع کردن مردم از حضور در آن قلمداد شود و با توجه به این که رسول خدا (ص) نشستن در مساجد و تنفس در آن را

موجب اختصاص درجه ای در نشست عنوان کرده اند و امام صادق (ع) بهترین مردم را کسی دانسته اند که قبل از دیگران وارد مسجد شده ، بعد از همه از آن جا خارج می شود و نیز با عنایت به سنگر بودن مساجد ؛ به نظر می رسد مدیریت مساجد بایستی تمهیداتی اتخاذ کنند که ساعات پذیرش مساجد از مردم، هرچه بیش تر باشد و ساعات باز بودن مساجد عمده ساعات شبانه روز را در برگیرد و البته مواظبت بر مسائل جنبی و حاشیه ای نیز بایستی مطمح نظر مدیریت مسجد و هیأت امنای قرار بگیرد .

### **نظارتی هدفمند**

۱. مدیریت مسجد ، باید بر این نکته نظارت کند که ضمن ارزشمند بودن حضور مردم در مساجد، از بروز برخی برنامه ها و حرکاتی که متضمن تفرقه میان مردم است جلوگیری شود . اصولاً مسجد محلی است که باید یاد خدا در آن گسترش یابد و ذکر خدا را در اذهان و اندیشه ها رونق دهد . بر همین مبناست که حضور در مسجد تا زمانی عبادت است که در آن جا گناهی صورت نگیرد ؛ اما دیده شده که محور کلام و صحبت های برخی گروه ها ، مسائل دنیوی و غیر دینی است . در این صورت، مسجد به جای عامل وحدت و همدلی ، عامل تفرقه و بی دینی خواهد شد. تذکر امام مسجد در محو این زمینه موثر خواهد بود .

۲. وضعیت فیزیکی مسجد باید به گونه ای باشد که امکانات مسجد در دسترس همه باشد؛ مثلاً قفسه های قرآن و مفاتیح و جامه های اطراف مسجد و در دسترس همه قرار بگیرد تا از تردد افراد جلوگیری شود. بر همین منوال سایر امکانات مسجد .

۳. خوابیدن، در مسجد امری است عرفاً دون شأن مسجد و عموماً از آن جلوگیری به عمل می آید.

باید توجه کرد که این کار حرمت شرعی ندارد و در برخی موارد از جمله محافظت از مسجد و یا اعتکاف اجتناب ناپذیر و در برخی موارد مورد پسند است ؛ مثلاً مسافری که بی وقت وارد شهر می شود و رفتن به منزل موجب دلهره و نگرانی اهالی منزل گردد ؛ در این صورت ، خوابیدن در مسجد برای او مناسب خواهد بود.

آنچه به عنوان کراهت خوابیدن در مسجد در متون روایی وارد شده ، عبارت است از استقرار دائمی در مسجد، بدون عذر و بدون ضرورت .

حتی بیدار کردن افرادی که در مسجد خوابیده اند ، اما مزاحم صفوف جماعت نیستند ، امری ناروا به حساب آمده است .

بدیهی است در این خصوص ، باید حرمت مسجد هم محافظت گردد . چنانچه این اجازه به استفاده ای بی رویه و خلاف معقول در آید ، بایستی شأن مسجد بر سایر استفاده ها مقدم شمرده شود ؛ خصوصاً جایی که این استفاده ها مانع اجرای رسالت اصلی مسجد گردد .

#### در این زمینه توجه به این نکات ضرورت است :

برخی از پیامبران در مسجد زندگی می کردند ؛ قهراً همراهان آنان نیز در مسجد اسکان داشته و چون حضور آنان شبانه روزی بوده ؛ خوابیدن آنان و بستگانشان در مسجد امری طبیعی بوده است . همچنین گفته شده که خوابیدن برخی افراد در مسجد پسندیده است، مانند کسی که ورود شبانه او به خانواده اش موجب ترس و هراس خانواده می گردد .

بنابراین ، مناسب است که محلی را برای مسافران در مساجد خصوصاً مساجد پرتردد احداث نمود تا این افراد بتوانند از امکانات مسجد استفاده کنند و از بی سرپناهی به در آیند . روشن است که در این صورت ، این افراد ، مسجد را به عنوان یک مأمن می نگرند ، نه مکانی معمولی و چه بسا از اهالی مسجد به شمار آیند .

۴. در خصوص ورود افراد لایابالی و دیوانه به مسجد، به نکته ای باید توجه داشت و آن این که بیرون کردن هر دیوانه از مسجد ضرورت ندارد ؛ بلکه دیوانه ای را باید از مسجد بیرون کرد که حضور او یا موجب ترس و وحشت مردم می گردد ، یا باعث وهن و خرابی مسجد .

۵. وجود برخی امکانات در مسجد، برای موقع ضروری و یا تحقق استحباب در اجرای برنامه ها مناسب است؛ مثلاً چنانچه کفش نمازگزاران به سرقت برود ؛ در صورت یکه چند جفت کفش برای این مواقع وجود داشته باشد و به عنوان امانت و ترجیحاً بلاعوض به نمازگزار داده شود؛ از بروز ذهنیت و خاطره منفی در مورد مسجد جلوگیری می شود .

۶. تهیه کردن تعدادی عبا (با توجه به استحباب پوشیدن عبا در نماز) و جامه ای مناسب برای افرادی که از لباس مناسب برخوردار نیستند؛ از دیگر شایسته ها و بایسته های مسجد است. از نهادن عکس ، شعله نور ، و سایر موارد، رودر روی نمازگزاران جلوگیری شود ؛ زیرا این کار باعث حواس پرتی و عدم تمرکز نمازگزار می شود . این نکته در سیره معصومین ریشه دارد . حتی بهتر است از فرش های که دارای نقش و نگار هستند ، در مساجد استفاده نشود ، بلکه از فرش هایی با نقوش کاملاً ساده استفاده گردد .



## عنوانی جامع

«امام مسجد» جامع ترین واژه ای است که می توان در مورد امامت جماعت به کار برد. واژه هایی نظیر مدیر مسجد، امام جماعت، پیشنماز، سرپرست مسجد، آقای مسجد و سایر واژه ها کار کرد واژه «امام مسجد» را نخواهند داشت؛ زیرا «امام» واژه ای است قرآنی و موضوعیت ویژه در روایات دارد و نیز از چنان گستره ای در امر اداره مسجد و چه در مقبولیت و محبوبیت نزد نمازگزاران، برخوردار است که واژه های رهبر، مدیر، سرپرست و پیشنماز از این گستره برخوردار نیستند.

بنابراین واژه «امام مسجد»، جامع ترین واژه ای است که از یک سو مشتمل بر اداره امور مسجد است و از سویی دیگر مقبولیت و محبوبیت امام مسجد را نزد نمازگزاران در خود دارد.

## کسوت روحانی

در خصوص امامت مسجد و لباس روحانیت چند نکته قابل ذکر است:

۱. امامت مسجد مستلزم ملبس شدن به لباس روحانیت است که لباسی مشخص است و البته در گذر زمان تغییراتی داشته و در تصاویر برخی کتاب های تاریخی مشاهده می شود؛ اما کلیت این لباس طی ده های اخیر تفاوتی را نشان نمی دهد.

۲. امامت مسجد در کسوت روحانیت، واجد نوعی افتخار شیعه و از عواملی است که مبانی اسلام را رونق داده است.

اهمیت این لباس تا جایی است که بنا به فتوای حضرت امام خمینی و دیگر مراجع عظام در صورتی که روحانی در مسجد حضور داشته باشد، امامت غیر روحانی موجب بطلان نماز است. این نکته در خصوص امامت مسجد ساری و جاری است، نه امامت جماعت در نماز خانه و یا اقامه نماز جماعت در غیر مسجد.

۳. کسوت روحانیت، در طول تاریخ، مورد نظر ویژه بوده است. اصولاً مردم، به کسی که به این لباس ملبس باشد، احترام ویژه ای قائلند و قلباً به او متمایل می شوند و این به دلیل ممزوج بودن اهداف و مبانی اسلام با این کسوت است.

۴. انتظاری که مردم از شخص ملبس به لباس روحانی دارند، بیش از کسانی است که در کسوت معمول می باشند.

این توجه از منظر استعمارگران نیز قابل تامل است. حساسیتی که دولت های سلطه گر به این قشر دارند. گویای اثر تعیین کننده این لباس در معادلات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. به همین دلیل است که دشمنان اسلام به ارتباط تنگاتنگ ملت ایران با روحانیت و اثر این قشر بر

معادلات جامعه اذعان داشته ، راه کارهای سست کردن این ارتباط و کم کردن این تاثیر را در دستور کار دارند .

## امام مسجد

مسجد خانه و مهمانخانه خداست و قداست آن به دلیل همین انتساب است . کارگردانان عرصه مسجد نیز بایستی نشان از رحمانیت و لطف خدا داشته باشند: امام جماعت و همکاران و دستیاران او.

در این بخش به نکاتی که از بایسته های امام جماعت است اشاره می کنیم :

۱. امام جماعت بایستی از اخلاق نیکو و تعامل مناسب و برخورد های حسنه بهر مند باشد تا از نمازگزاران که در حقیقت مهمانان مسجد هستند ، با روی گشاده و دلی از سر لطف پذیرایی کند.<sup>۲۲</sup>

نمازگزار مهمان است و امام جماعت میزبان و مسجد مهمانخانه . مهمان پیش و بیش از این که به سفره رنگارنگ میزبان نگاه کند ، به چهره بی ریا و استقبال آکنده از مهربانی و مطلاطفت میزبان می نگرد ؛ که گفته اند : « مردم به روی باز جایی می روند ، نه در باز ، » ضمن احترام وافر به همه ائمه جماعت مساجد که با برخورد ها و رفتار نیکو موجبات جذب مردم ، خصوصاً جوانان به مسجد و نماز جماعت فراهم می کنند ؛ در این نکته تردید نیست که عمده عامل گریز افراد از مسجد و جماعت را بایستی در رفتار تند و زننده برخورد ائمه مساجد بد خلق و خادمان روی ترش جست و جو کرد ؛ همان طور که شلوغی برخی مساجد تا حدود زیادی مرهون رفتار و اخلاق نیکوی امام مسجد ، هیأت امنا و خادمان آن مساجد می باشد .

۲. رفتار مغرورانه و از سرتکبر اندکی از امامان مسجد ، عامل مهم گریز مردم از مسجد و جماعت است.

امام مسجد بایستی به دلیل امامت مردم ، یا بهره مندی از علم و دانش و یا وجهه اجتماعی و یا احترام فراوانی که به او گذشته می شود ؛ خود را برتر از دیگران بداند و قلباً ، عملاً و قولاً فخر فروشی کند . چه بسا از خود خواهی و غرور قبل از آن که در امام مسجد نمود عینی و عملی پیدا کند ، لانه قلب او را به بتکده ای تبدیل کرده باشد : « نغوذ بالله من شرور انفسنا ! » .

---

۲۲ - «حَقُّ عَلَى الْمَزُورِ أَنْ يَكْتُمَ الذَّائِرَ . کسی که زیارت شده است سزاوار است که زائر خود را احترام کند» . وسائل

امام بایستی متوجه این نکته باشد که این لباس و عنوان موقتاً او را رواست و سپس به دیگران خواهد رسید؛ همان طور که از گذشتگان به او رسیده است. ملک عاریتی را دل بستن روا نیست: «مرد آخر بین مبارک بنده ای است.»

براین باور باشد که تکبر، خواری و ذلت می آورد و فروتنی سر بزرگی می افزاید.<sup>۲۳</sup>

۳. دور نیست که امام مسجد را از یک نگاه پدر معنوی نمازگزاران به حساب آوریم. در این صورت رعایت عدالت از سوی او در همه امور ضروری می نماید.<sup>۲۴</sup>

نمازگزاران از طیف های مختلف اند: ثروتمند و فقیر، دارای عنوان و نام، گمنام و بی نشان؛ غریبه و خودی؛ مومن و ارسته و افرادی که احیاناً لغزشی داشته اند؛ خوش سابقه و بد سابقه؛ جوان و میانسال و پیر؛ زن و مرد و سایر شاخص ها.

امام مسجد، به عنوان پدر معنوی مامومین، بایستی در تعامل با نمازگزاران عدالت را در تمام زمینه ها رعایت کند. البته بدیهی است که گرامی ترین افراد نزد خداوند، پرهیزکارترین آن هاست.

متأسفانه دیده شده که برخی ائمه جماعت نیست به ثروتمندان، به صورتی ویژه فروتنی پیشه می کنند و احترام فوق العاده می گذارند! این احترام اگر به دلیل کمک های آن ها به مسجد و یا کمک به مستمندان و یا به خاطر پرهیز کاری آن ها باشد، بلامانع است؛ ولی نباید در مقابل همه باشد، بلکه خصوصی و دور از انظار نیز باید مواظب بود که ثروت و مال و مکتب آن ها در فروتنی و احترام امام جماعت، موضوعیت پیدا نکند.

۴. امام مسجد بایستی امامت مسجد را مشغله و کار اصلی خود بداند و چنانچه امامت مسجد را در حاشیه کارهای خود قرار دهد، در امر امامت توفیقی نخواهد یافت و مردم نیز چندان یاری اش نمی کنند.

البته نباید خلط محبت شود که چرا معصومین - علیهم السلام - علاوه بر امامت مردم، اهل کسب و کار بوده اند، باید متذکر شد که آن بزرگواران به دلیل بهره مندی از علم لدنی از تحصیل علم و دانش بی نیاز بودند؛ در حالی که غیر معصوم به کسب علم و دانش محتاج است و پیر از واضح است که این مهم امام مسجد را از پرداختن به کارهای فرعی باز می دارد.

۲۳ - تواضع سر رفعت افزازدت تکبر به خاک اندر اندازدت « سعدی »

۲۴ - در روایتی از معصومین آمده است که پدر بایستی در بوسیدن فرزندان نیز عدالت را رعایت کند. بزرگان معمولاً نگاه خود را در یک جمع ف بین افراد تقسیم می کنند.

بر این اساس، امام مسجد باید مشغله اصلی خود را امامت مسجد قرار دهد. مردم نیز عموماً از چنان تمیز و قدرت درکی برخوردارند که اگر ملاحظه کنند امام مسجد، خود را وقف مسجد و امامت مسجد و رفع مشکلات علمی و فقهی مردم قرار داده است، او را از لحاظ مادی لااقل در حد نسبی و در حد رفع نیاز معمول روزمره تامین می کنند، زیرا او را خادم واقعی خود می دانند البته در این مقوله نباید اعتقاد به کفالت و کفایت خدا را از نظر دور داشت.

بنابراین، هر گاه امام مسجد، ضمن پرداختن به امور فرعی و فعالیت های جنبی و اشتغال در ارگان ها و ادارات، امامت مسجد را هم عهده دار باشد در این امر توفیق خاصی نخواهد یافت. قابل ذکر است که رسول خدا (ص) بیش ترین ساعات عمر خود را در مسجد گذراند.

۵. امام مسجد بایستی پیش از دیگران وارد مسجد شود و به نوعی بر این محیط، قبل از دیگران نظارت داشته باشد و دیرتر از همه از مسجد خارج شود.<sup>۲۵</sup>

۶. طمأنینه و سکون درونی امام مسجد، عامل مهمی در ایجاد و آرامش مسجد است و برعکس، هر گاه امام مسجد دارای حالت های عصبی و سبکسرانه باشد، این ویژگی به عموم نمازگزاران سرایت می کند.

ایجاد طمأنینه و آرامش در مسجد موضوعیت ویژه ای دارد؛ بویژه این که نماز که مبنای اصلی ایجاد مسجد است، ذکر خدا به حساب می آید و با ذکر خدا دل ها به سکون و اطمینان راه می یابد.<sup>۲۶</sup>

متأسفانه برخی اقدامات در مسجد از فلسفه اصلی خود خارج شده است؛ مثلاً تصور غلطی است که برخی می پندارند در صلوات دسته جمعی، هر چه صدا بلند تر باشد، پاداش بیش تری عاید می شود! وظیفه امام جماعت است که این نکته را به دیگران تذکر دهد.

۷. سابقه امام مسجد در نگاه و نظر مامومین به او تأثیری بسزا دارد.

نبایستی مساله سابقه و پیشینه خانوادگی امام جماعت را اصلی ترین رکن توجه به او دانست؛ در عین حال اقبال عمومی به امام جماعتی که دارای سابقه ای خوب و بهره مند از خانواده ای اصیل می باشد؛ امری قهری و طبیعی است. در فرمان امام علی (ع) به یکی از کارگزارانش، بر این نکته تأکید شده که برای امور مهم کسانی را برگزین که از خانواده ای اصیل هستند.

---

<sup>۲۵</sup> - از منظر رسول مکرّم اسلام، محبوبترین مردم کسانی اند که قبل از دیگران وارد مسجد می شوند و بعد از دیگران از آن خارج می گردند.

امام جماعت نه تنها در امور مذهبی و اداره مسجد و نیز مواردی که مستقیماً ریشه در مذهب دارد، الگو و مقتداست؛ بلکه در مسائل روزمره و معمول نیز به او نگاه و تکیه می شود. به همین دلیل ضرورت است که در رفتار و گفتار خود بیش از دیگران حساس باشد.

چه بسیار کارها که انجام دادن آنها برای دیگران بلامانع است؛ اما امام جماعت، باید از انجام دادن آنها بپرهیزد و برخی کارها که ترک کردن آنها از سوی عموم مردم، پیامد خاص ندارد؛ در حالی که ترک کردن آنها از سوی امام مسجد، عواقب ناخوشایندی خواهد داشت؛ مضافاً این که هر گاه امام جماعت از نفوذ و وجهه بیش تری برخوردار باشد، نکته‌ای که گفته شد، اهمیت و حساسیت دو چندانی پیدا می کند.<sup>۲۷</sup>

۸. سرکشی به مدارس، مراکز دولتی، منازل و مغازه‌هایی که در محدوده مسجد او قرار دارند از جمله اقدامات لازمی است که امام جماعت باید به آنها بپردازد.

صرف سخنرانی در مسجد برای حاضران در مسجد کافی نیست؛ حضور فیزیکی در این مراکز دستاوردهای عاطفی، اجتماعی و سیاسی بالا و ارزشمند دارد.

۹. نخبگان، دانشمندان، صاحبان استعدادها درخشان، مخترعان و نظریه پردازان بیش از افراد معمول به توجه و مرادود نیاز دارند.

ارتباط نیکوی امام مسجد با این قشر، علاوه بر این که موجب می شود تا نیاز عاطفی این صنف بر آورده شود؛ زمینه ای خواهد شد تا استعداد و توان علمی و عملی آنان را در خدمت دین، مسجد و جامعه قرار گیرد.

بدون تردید، از عوامل که می تواند واژه « فرار مغزها » را التهاب و شدت خود بیندازد. ارتباط مستمر امام مسجد با این قشر است؛ زیرا این ارتباط آنان را در یک بن بست عاطفی معقول قرار می دهد و استعداد و اقدامات آنان را به خدمت در اجتماع فرا می خواند.

۱۰. امام مسجد وظیفه دارد، رابطه ای از سرصمیمت و مهربانی و عطف با مسوولان مسجد و با مردم رقم بزند.

وظایف خاص امام مسجد، اعم از امامت نماز و سخنرانی و موعظه و اصلاح ذات البین و سایر فعالیت های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی او، چنانچه با مهربان و محبت معنا بگیرد، موثر است؛ والا بی تاثیر و یا احیاناً خواهد بود.

رمز و راز موفقیت رسول مکرم اسلام را تا اندازه معتنا بهی باید در فتار محبت آمیز آن بزرگوار جست و جو کرد . اما به این نکته نباید بی توجه بود که ایجاد محبت ابزاری دارد و گسترش و استمرار آن شرایطی ؛ که بحث در این زمینه موجب اطاله کلام می شود .<sup>۲۸</sup>

به عنوان یک اصل و وظیفه کلی، ایجاد رابطه ای بر مبنای محبت و عطوفت با مخاطبان از رمز موفقیت هر مسوولی است و امام مسجد از جمله مسؤولان دینی و فرهنگی و اجتماعی است .

البته آنچه گفته شد ، به مسجد و اهل مسجد و امام مسجد محدود و منحصر نمی گردد .  
۱۱. امام مسجد نباید خود را تافته ای جدا یافته از مردم به حساب آورد ؛ زیرا در این صورت روز به روز میان او و مردم فاصله می افتد و در نتیجه به مرور زمان نقش هدایتگری خود را از دست می دهد .

حضور امام جماعت در تعدادی از برنامه های مرسوم میان مردم ( هر چند امام جماعت با برخی عرفیات آن ها موافق نباشد )<sup>۲۹</sup> نشان او وجود رابطه ای عاطفی میان او و مامومین است . این مهم در اجرای رسالت دینی او، به عنوان امام مسجد تاثیری بسزا دارد .

حضور در برخی مراسم مردم ، مثل عزا و عروسی ، روضه خوانی ها ، بازدید از آن ها زمانی که از سفرهای زیارتی بر می گردند و مواردی از این دست ، می تواند این مهم را تحقق بخشد . بدیهی است امام جماعت در این زمینه بایستی از افراط و تفریط بپرهیزد ، همه را به دیده عدالت بنگرد و در این مراودات ، حرمت امامت مسجد را بر امور دیگر ترجیح دهد .

۱۲. در تعامل و ارتباط با دیگران ، افراد تازه وارد و گمنام را نیز با دیده رافت و عطوفت بنگرد و به گونه ای با آن ها مواجه گردد که در همان لحظه اول هاله ای از مهربانی میان آنان

---

<sup>۲۸</sup> - در متون روایی ده ها روایت در مورد اخلاق و برخورد نیکو آمده است :

رسول خدا (ص) فرمودند : « اخلاق نیک نصف دین است » خصال صدوق ، ج ۱ ، ص ۳۰ .  
حضرت علی (ع) فرمودند : « اخلاق بد ، ایمان را فاسد می کند ، همان طور که سرکه ، عسل را » عیون اخبار الرضاج ، ۲ ، ص ۳۷ .

رسول خدا (ص) فرمود : « در روز قیامت نزدیک ترین شما به من کسانی اند که اخلاقشان نیکوتر و نزدیک ترین افراد به مردم باشند » سفینه البحار ، ماده خلق .

« لو كنت خطا غلیظ القلب لا نفضوا من حولک ... ؛ اگر دوست خوبی بودی ، هر آینه از اطراف تو پراکنده می شدند . » آل عمران ، ۱۵۹ .

<sup>۲۹</sup> - هر گز میان حاضر و غایب شنیده ای من در میان خلق و دلم جای دیگر است .

برقرار شود<sup>۳۰</sup>. در این صورت ، روز به روز بر اقتدار معنوی امام مسجد افزوده می شود و از این رهگذر می تواند نقش رهبری دینی خود را بیش از پیش اجرا کند .

نکته ارزشمند دیگر این که در این گونه ارتباط ها و مراودات، شم روان شناسی و روانکاوی امام مسجد می تواند خیلی کار آیی داشته باشد . بسیاری از افراد دارای تیپ شخصیتی « مهر طلبی » هستند . امام مسجد باید این گونه افراد را با آغوشی باز بپذیرد تا زمینه حضور بیش تر آنان را در مسجد و در جماعت فراهم آورد و بر این باور باشد که چه بسا هدایت یک نفر به عنوان ثمره و نتیجه عمری تبلیغ و سخنرانی و آموزش و امامت مسجد ، او را کفایت و بسنده می نماید.

بدیهی است ، این اقدامات مستلزم وجود بسترها و زیر ساخت های فکری و معنوی است ؛ از جمله این که امام مسجد ، مردم را به عنوان واقعی کلمه دوست داشته باشد ؛ به آنها محبت و دلسوزی قلبی ورزد ؛ در ارتباط با آنها نقش پدر معنوی داشته باشد . در این زمینه در گفته رسول خدا تامل کند که فرمود : « من و علی دو پدر این امت هستیم » .<sup>۳۱</sup>

---

۳۰ - در روایتی از امام باقر (ع) بدین مضمون آمده است که «انسان نباید هیچ کس را به دیده تحقیر بنگرد ؛ زیرا چه

بسا همان شخص از اولیای خدا باشد» .

۳۱ - « انا و علی ابواه هذه الامه » بحارالانوار ، ج ۲۳ ، ص ۲۵۹ .

۱۳. بلا اشکال و حتی لازم است که امام مسجد نسبت به برخی خانواده ها و بعضی قشرها توجه ویژه ابراز کند؛ مانند خانواده های شهدا؛ یا مثلاً خانواده هایی که به نوعی دارای ناهنجاری های اجتماعی اند؛ اما زمینه های اصلاح و هدایت در آنان مشهود است؛ خانواده های در معرض خطر معنوی و فکری؛ افرادی که داری استعداد های ویژه ای هستند و سایر موارد. البته در این زمینه بایستی امام مسجد برای خود طبقه بندی خاصی داشته باشد. سرکشی به این خانواده ها ریشه در آموزه های دینی و عملکرد معصومین و از جمله رسول خدا (ص) دارد. ۳۲

۱۴. اقدامات و حرکات های فرهنگی همواره در دراز مدت ثمربخش خواهند بود و دستاوردهای زود هنگام اصولاً ریشه دار و ماندنی نخواهند بود. این نکته مبتنی بر این اصل است که ثمر بخشی اقدامات فرهنگی مستلزم « اعتماد » و پیدا کردن باور به شاخص های فرهنگی است.

امام مسجد، در این زمینه بایستی صبر و حوصله و پشتکار داشته باشد. در برابر سردی های پیش آمده عقب نشینی نکند و تلخی ها و بی مهری ها و کمبودها، از همت بلندش نکاهد. از سوی دیگر، به دستاوردهای زود هنگام دل خوش نکند و به بازده های کوتاه مدت اعتماد نورزد؛ هر چند برخی دستاوردهای زود هنگام می توانند زمینه ساز نهادینه شدن آموزه های فرهنگی در بلند مدت به حساب آیند.

آنچه این مهم را تامین می کند، استقامت و ایمان به اهداف عالی است. رسول خدا (ص) ۱۳ سال در مکه در برابر مشرکان استقامت ورزید؛ امیرمومنان ۲۳ سال سکوت زخم دار پیشه ساخت و امام خمینی (ره) ۱۴ سال در هجرت، استقامت نمود.

باید اعتراف کرد که در این خصوص، صبر و حوصله استعمارگران بیش از مسلمانان است. به تعبیر یکی از سیاستمداران انگلیسی، ما همواره نفس های طولانی مدت می کشیم. مضافاً این که ارتقای فرهنگی و نهادینه کردن آموزه های دینی راه کارهای ویژه ای دارد که باید از آن ها استفاده کرد؛ و الاً اتخاذ شیوه های مبتنی بر آزمون و خطا نه تنها پیشرفت به دنبال ندارد، بلکه در بسیاری از موارد نتیجه معکوس خواهد داشت. ۳۳

---

۳۲ - رسول خدا (ص) و اهل مسجد، از خانواده « سعد بن ربیع » که به شهادت رسیده بود، دیدار و گفت و گو کردند. همان، ج ۱۰، ص ۳۹۷.

۳۳ - ناصر الدین شاه در یکی از سفرهای اروپایی خود از پادشاه کشور محل سکونت (ظاهرا انگلستان) پرسید که علت موفقیت آن ها چیست؟ وی جواب داد: هر چند بنا نداریم رمز موفقیت خود را برملا بسازیم؛ چون مهمان ما



## امامت؛ بهترین خدمت

۱. سلسله مراتب خدمتگزاری به مسجد (به عنوان مهمانخانه خدا)، بسی تریسد، امامت مسجد جایگاه ویژه دارد و برترین خدمت به امامت مسجد است.

آنچه عرفا «خادم مسجد» گفته می شود، در واقع سرایدار و متصدی امور غیر معنوی مسجد، از جمله نظارت بر امور اجرایی، خدماتی، نظافت و سایر موارد محسوب می شود. بر این اساس، بهترین خدمت از ناحیه امام مسجد صورت می گیرد و سایر خدمات در حقیقت بستر ساز خدمت معنوی امام مسجد به حساب می آیند.

۲. امام جماعت نبایستی صرفاً به امامت جماعت پردازد و به این نقش اکتفا کند؛ بلکه اجرای نقش مدیریتی در به کارگیری افراد مستعد در امور گوناگون مسجد، مانند اذان گفتن، اداره واحدهای فرهنگی و اجرایی، نظافت و سایر امور و تقسیم این کارها میان افراد، موجب می گردد تا افراد مستعد از اجرای این امور حظ و بهره مندی ببرند و از فشار کار بر دوش عده ای خاص جلوگیری شود.

از این راه، استعدادهای افراد مختلف شکوفا می گردد و نوعی تعامل، تعاون و مشارکت میان نمازگزاران ایجاد می شود. به علاوه بایستی امام مسجد، با تمهیدات خاص و ایجاد رویه ای منطقی و دور از افراط و تفریط، خود نیز در برخی امور مشارکت مستقیم داشته باشد؛ مانند شرکت در غبار رویی و عطر افشانی مسجد، روشن کردن چراغ های مسجد، سرکشی به بخش های مختلف مسجد، مانند تاسیسات، پشت بام واحد های تحت پوشش مسجد و نیز امکانات مسجد را به نوعی تحت نظر داشته باشد.<sup>۳۴</sup> در این صورت امام مسجد در نزد مامومین بیش از آنچه در نقش یک «مدیر» ظاهر شود، در نقش یک «رهبر» ظهور خواهد داشت. دستاورد این نقش آن است که باور مردم به او از استحکام بالاتری برخوردار می شود؛ آن گاه مردم، مطالب او را با

---

هستید، علت را می گویم و آن این که ما قبل از اقدام اساسی در هر کار، بخشی محدود از کار خود را شروع می کنیم؛ اگر پیشرفت کار، چشم انداز نیکویی داشت، برنامه خود را ادامه می دهیم؛ و الا کار را در همان مراحل اول متوقف می سازیم. منظور ما این است که هر کاری راهی دارد و هر قفلی با کلیدی خاص باز می شود.

<sup>۳۴</sup> - رسول خدا (ص) فرمودند: «کسی که در مسجدی چراغی برافروزد، فرشتگان و حاملان عرش الهی، تا زمانی که نور آن چراغ در آن مسجد می تابد برای او طلب آموزش می کنند» وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۱۳.

همچنین آن حضرت فرمودند: «کسی که مسجدی را جاور کند، برای او پاداش آزاد کردن یک بنده ثبت می شود و کسی که به اندازه ی یک داروی چشم، آشغال از مسجد بیرون ببرد، برای او دو رحمت نوشته می شود» وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۱۰.

طیب خاطر عملی خواهند کرد و این مهم، در فرآیند اجرایی رسالت امام جماعت، موفقیت بالایی به حساب می آید.

اما اگر امام مسجد از امور معمول مسجد خود را برکنار سازد و صرفاً با ایفای نقش امامت مسجد و جماعت بپردازد، هرگز جایگاه یک «رهبر» را در محیط تحت پوشش پیدا نمی کند و مردم در اجرای مطالب و نصایح و سخنان او (هرچند مطالب و پندهای ارزشمندی باشد)، دست به گزینش و چینش خواهند زد.<sup>۳۵</sup>

۳. حفظ احترام دیگران، خصوصاً اهل علم و تقوا و به ویژه مراجع عظام تقلید و حوزه های علمی و دینی بر امام جماعت فرض است. در این صورت، دیگران نیز به او تأسی کرده، حرمت این افراد و اماکن را بر خود واجب می دانند<sup>۳۶</sup>؛ ولی اگر او دیگران را احترام نکند، دیگران نیز همان معامله رفتاری را با او صورت خواهند داد.

باور امام جماعت باید آن باشد که امامت امروز او دستاورد زحمات پیشینیان از اهل علم و مرجعیت است و اکنون که او به این جایگاه رسیده است، بایستی زحمات گذشتگان را بی پاسخ نگذارد و گاه گاهی با درخواست اهدای حداقل یک صلوات، از آنان یاد کند و این نکته را حتی نسبت به کسانی که نقش پایینی در اداره امور مسجد داشته اند، تسری دهد. به تعبیر یکی از بزرگان، کسانی که به جایی رسیده اند، همواره پا بر شانه گذشتگان گذاشته اند. در واقع شانه افراد پیشین، نردبان ترقی آیندگان است.<sup>۳۷</sup>

۴. ایجاد رمزی میان خود و مداح یا خادم مسجد یا سایر دست اندرکاران، برای اموری مانند مداحی و آوردن چای و یا تذکر به افراد و سایر امور پسندیده می باشد.

امام جماعت در هنگام سخنرانی نمی تواند مستقیماً اجرای این امور را بر زبان آورد؛ زیرا موجب وهن مطلب و مجلس خواهد شد.

استفاده از زبان رمز، از یک سو موجب اجرای برنامه مورد نظر می شود و از سویی حرمت مسجد و سخنرانی حفظ می گردد.<sup>۳۸</sup>

---

<sup>۳۵</sup> . در علم مدیریت، میان «مدیر» و «رهبر» تفاوت وجود دارد. مدیر کسی است که جایی را اداره می کند؛ اما رهبر، علاوه بر مدیریت یک مجموعه از شخصیتی معنوی و قلبی و اصطلاحاً «کاریزما» بهره مند است.

<sup>۳۶</sup> . بزرگش نخوانند اهل خرد که نام بزرگان به زشتی برد.

<sup>۳۷</sup> . زحمت دیگران بوده است که او در حال حاضر مسجد و محرابی دارد؛ به قول شاعر:

دگران کاشتند و ما خوردیم ما بکاریم و دیگران بخورند .

<sup>۳۸</sup> . مانند رمز «یا حسین» برای آوردن چای؛ رمز «یا مظلوم» برای خاموش کردن چراغ؛ رمز «یا علی» برای ساکت کردن بچه ها.

۵. استفاده بهینه و مناسب از سیستم صوتی، در کیفیت استماع مطلب تأثیری بسزا دارد.

فضای ساختمان مسجد و شبستان و صحن، نوع وسایل صوتی، فاصله وسایل صوتی با میکروفون؛ تناسب مترای فضا با نوع وسیله صوتی و مواردی از این دست، در انعکاس صدای سخنران و مداح مؤثر بوده، از ایجاد ناهنجاری صوتی پیشگیری می شود.

۶. گفته شد که ایجاد رابطه ای عاطفی میان امام مسجد با مأمومین از شروط موفقیت و از رموز اصیل تأثیر تبلیغ و امامت مسجد است؛ در عین حال این نکته در برخورد با نامحرم نبایستی زمینه ساز اتهام گردد. برخورد و رویارویی امام مسجد با بانوان، بایستی حساب شده، حداقل ضرورت و ترجیحاً از پشت پرده صورت گیرد و یا تفاوت سنی میان امام مسجد و بانوان زیاد باشد و یا بالعکس. تعیین یک رابط فرهنگی از بین بانوان به عنوان رابط میان امام مسجد با خانم ها، می تواند از بروز برخی ذهنیت ها جلوگیری کند.<sup>۳۹</sup>

از طرف دیگر، رعایت این نکته از سوی اولیای مسجد ضروری است که جایگاه بانوان در مسجد نباید از لحاظ روشنایی، تهویه، مترای، امکانات جامه‌ری، جاکفشی، فرش و سایر موارد رتبه پایین تری نسبت به بخش آقایان داشته باشد.

۷. لازم است امام جماعت، ضمن آشنایی با احکام نماز و جماعت و مسجد و نیز اطلاع از آخرین فتاوی مراجع معظم؛ پاسخگوی مقلد هر مرجعی باشد و هر چند وقت یک بار آموخته‌های خود را بررسی و به روز نماید.

مضافاً این که آگاهی او از شرایط زمانی و مسائل مستحدثه چنان به روز باشد که نسبت به حل هر مسأله ای پاسخ لازم را ارائه کند و یا امکان بررسی برایش وجود داشته باشد.<sup>۴۰</sup>

۸. برخی از امامان مساجد، از نشستن و حضور مردم بین صلواتین ظهر و عصر یا مغرب و عشا به نوعی استفاده ابزاری کرده، سخنرانی و مطالب خود را در این وقت تنظیم می کنند.

بدیهی است که عموم نمازگزاران از این کار کراهت دارند. پسندیده آن است که این اقدام به پایان نماز دوم موکول شود و یا در صورت بروز تذکری ضروری، این کار قبل از نماز و بعد از اذان صورت پذیرد. حتی اگر بین دو نماز کسی برای طرح مسأله و یا پرسشی مراجعه کرد، امام مسجد با عبارات و حرکاتی محترمانه به او تذکر دهد که وقت مأمومین گرفته می شود و بعد از

---

<sup>۳۹</sup>. در یکی از صحنه ها در محیطی خلوت، رسول خدا (ص) با یکی از همسران خود مشغول صحبت بودند. در این حال فردی عبور کرد. رسول خدا (ص) جهت جلوگیری از سوءظن به او فرمودند که این خانم، همسر من است ...

<sup>۴۰</sup>. خوشبختانه در حال حاضر امکانات نرم افزاری فراوانی جهت این امور تهیه شده است؛ اما دانش استفاده از این نرم افزارها امری ضروری است. در جهان حاضر، عدم اطلاع از یارانه بی سواد محسوب می شود.

نماز مراجعه کند. بر این اساس، سخنرانی بین الصلواتین امر پسندیده و مورد قبول همگان نبوده، حتی ماهیانه. موکول کردن این مهم به بعد از نماز دوم امری است که باور مأمومین را به طرح مسائل مطرح شده از سوی امام جماعت بیش تر خواهد کرد. بدیهی است حسن سلیقه و علمیت و بیان نیکوی امام مسجد در این زمینه تعیین کننده است.

پیشنهاد ما آن است که سخنرانی و یا بیان احکام و سایر برنامه های جنبی، دقیقی قبل از اذان صورت بگیرد. به دلیل این که اولاً، مردم مقید می شوند که قبل از اذان در مسجد حضور یابند و از حضور و تردد مردم در حالی که نماز اقامه شده است، کاسته می شود، صفوف به هم نمی خورد و تمرکز مردم نیز از بین نمی رود.

ثانیاً، از نوعی گروگانگیری محترمانه ممانعت خواهد کرد؛ زیرا سخنرانی یا اجرای برنامه ها در بین و نماز و یا بلافاصله پس از اتمام نماز (قبل از اجرای تعقیبات معمول) به نوعی استفاده از حضور قهری مردم جهت اجرای برنامه هاست و اگر این را گروگانگیری محترمانه اسم بگذاریم، خطا نرفته ایم، هر چند در حسن انگیزه امامان محترم جماعت در این مورد تردیدی نیست.

برای سخنرانی نباید بین دو نماز را انتخاب کرد. رسول مکرم اسلام سخنرانی خود را آن هم به ضرورت در غیر وقت نماز انتخاب می فرمود و اعلام می کرد که «الصلوة جامعه»

بر اساس گواهی تاریخ، آن حضرت در سه سال آخر عمر شریف خود، هفته ای یک روز آن هم طی چند جمله پس از اول نماز صبح نمازگزاران را نصیحت می فرمود. اصحاب از آن بزرگوار تقاضا داشتند که صحبت خود را طولانی تر فرماید؛ اما آن بزرگوار که به پیامدهای صحبت طولانی (هرچند صحبت رسول خدا باشد) واقف بود، با درخواست آن ها موافقت نکرد و می فرمود: بیش از این مقدار خسته می شوید.

**۹. مضافاً این که اجرای بسیاری از برنامه ای جنبی را می توان در محافل غیر مسجد یا**

**برنامه های خانگی و یا در محافل روضه خوانی انجام داد.**

در این زمینه، این نکته را باید در نظر داشت که چون برخی افراد، نماز را کاری فرهنگی نمی دانند و صرفاً ادای یک فریضه می شمردند؛ اجرای برنامه های مکمل را ضروری می شمارند. در صورتی که اگر نماز را به عنوان یک کار فرهنگی کامل بدانیم؛ می توان در قالب ادای همین فریضه، کارهای فرهنگی عمیقی صورت داد و یا سخنرانی و مطالب را به گونه ای بر اساس همین فریضه شکل و جهت داد که برای سایر برنامه ها جایگزینی اصیل به حساب آید. در این صورت، بی تردید ضرورت اجرای بسیاری از برنامه های جنبی دیگر متفی می گردد.

**۱۰. تجربه نشان داده است که در خیلی از موارد، و تکرار مکررات، تأثیر مورد انتظار را**

**نداشته و بایستی به دنبال عواملی بود که این تبلیغات را کارآمدتر سازد. تجربه ها و یافته ها**

گویای آن است که نمی توان تکرار تبلیغاتی را در این زمینه مؤثرتر دانست؛ مثلاً هر گاه امام مسجد به صورت ظریف و حساب شده، الگوهای عملی ملتزمان به اسلام را برای مردم بازگو کند و به معرفی آن ها بپردازد، مسلماً در اقبال مردم نسبت به التزام عملی به اسلام و آموزه های آن، مانند ادای حقوق مالی، حق الله و حق الناس و سایر مسائل، مؤثرتر است تا تبلیغ مستقیم آموزه ها.

۱۱. پوشیدن لباس مخصوص مسجد، که خود مصداق آیه ۳۱ از سوره اعراف<sup>۴۱</sup> مبنی بر داشتن زینت مساجد باشد، امری است پسندیده؛ به ویژه برای امام مسجد. علاوه بر این، استفاده از عطر ملایم، نه عطرها و ادکلن های غیر بومی و گاه با بوهای تند و زننده، رفتن به مسجد با حالت نشاط و محاسن و عمامه و عبای مرتب و خوش رنگ (مگر رنگ سیاه در ایام عزاداری = که این خود احیای شعائر الاهی است) و نیز به احترام مسجد، کمی توقف در هنگام ورود به مسجد، از نکاتی است که لازم است امام جماعت - به عنوان الگوی مأمومین - به آن ها توجه داشته باشد.

۱۲. امام مسجد باید امور کلی مسجد و مأمومین را در نظر داشته باشد و بدون دخالت در جزئیات، موارد کلی را مستقیم یا غیر مستقیم مطمح نظر قرار دهد و تغییرات و رویکردهای خلق الساعه را با تأمل و دقت و تیزبینی ابتدا نزد خود تجزیه و تحلیل کند و در صورت نیاز در هیأت امناء و سپس با مأمومین در میان بگذارد. چه بسا برخی تغییرات زمینه ایجاد انحرافات است که جلوگیری از آن ها قبل از رویارویی با پیامدهای آن ها ضرورت دارد. همواره پیشگیری بر درمان مقدم است.

۱۳. امام مسجد باید نسبت به مسائل اعتقادی مردم، حساسیت دو چندان داشته باشد و در اصلاح آن ها بکوشد؛ خصوصاً در اوضاع و احوال فعلی که انواع و اقسام مکاتب و عرفان های نوظهور و کاذب با چهره ای بزرگ کرده اعتقاد مردم، خصوصاً جوانان را در تیررس اهداف آلوده خود قرار داده است.<sup>۴۲</sup>

---

<sup>۴۱</sup>. «خذوا زینتکم عند کل مسجد»

<sup>۴۲</sup>. مانند عرفان های سرخ پوستی، هندی و بودایی، پائولو کوئیلو، اشو، وین دایر، دالایی لاما و ...

۱۴. امام مسجد، روحیه تسامح و عفو و اغماض را در شکلی مقبول و منطقی آن در برخورد و تعامل با دیگران مورد نظر قرار بدهد<sup>۴۳</sup> و در عمل، مردم را به اسلام و آموزه های اخلاقی آن دعوت کند، نه صرفاً در کلام و سخنرانی.<sup>۴۴</sup>

در برخورد با دیگران باید از نهادن شاقولی به عنوان شاخص و حد و مرز در رفتار و گفتار پرهیز کند؛ مگر این که تسامح و تغافل موجب خدشه به یک اصل اعتقادی یا حکمی از احکام الاهی گردد. بدیهی است در این صورت باید از تغافل و تسامح و مدارا پرهیز کرد. البته تشخیص این که تسامح موجب خدشه دار شدن اصلی از اصول یا حکمی از احکام می شود یا نه؛ مستلزم سلیقه، آگاهی و بهره مندی امام مسجد از علم و استنباط است که طبعاً این مهم در همه ائمه جماعات یکسان نیست.

مدارا با مردم و قدری تسامح و نادیده گرفتن برخی حرکات آن ها در عملکرد معصومین فراوان دیده می شود.

۱۵. امام مسجد باید بیش از دیگران احادیثی که مطرح می کند، یا در تابلو اعلانات نصب می کند، عمل نماید.

آنچه نگاه مردم را به امام مسجد و سایر مسوولان حتی خدمتگزار مسجد سمت و سو می دهد، عمل به چیزهایی است که از زبان آن ها تبلیغ می شود. مردم بیش از آنچه به گفته های امام مسجد نگاه کنند؛ عمل او را ملاک ارزیابی شخصیت امام مسجد قرار می دهند و معیار رد یا قبول گفته های وی تعیین می کنند.

۱۶. عمل به شئون و آداب مسجد از دیگر نکاتی است که از سوی امام مسجد لازمه الرعايه است.

وظیفه اما مسجد تنها در امامت مسجد خلاصه نمی شود، بلکه در همه آنچه اقبال مردم را به مسجد موجب می گردد و مانع پراکندگی مردم می شود، باید جست و جو کرد. بر این اساس، ایجاد همه عواملی که اقبال مردم را به مسجد موجب می شود، و جلوگیری از بروز عواملی که پراکندگی مردم را باعث می گردد از زمره وظایف امام مسجد به حساب می آید. ملاحظه می فرمایید که وظایف امام مسجد در این خصوص هم سنگین است و هم متنوع.

<sup>۴۳</sup> . «... يَقُولُونَ هُوَ أَذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ ؛ می گویند او (پیامبر) همه با گوش است. بگو: گوش بودن برای شما بهتر است».

سوره مبارکه توبه آیه ۶۱.

- زیر قافله گاهی تغافلی شرط است که بی نصیب نمائند قاطعان طریق

<sup>۴۴</sup> . «كونوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ السُّتُكُم ؛ مردم را به غیر از زبان به سوی [خدا] دعوت کنید. [اعمالتان، مردم را به سوی خدا

سوق دهد]»

## آفات امامت مسجد

امامت مسجد، حرکتی دینی، فرهنگی، انقلابی و علمی است که مانند هر حرکت و برنامه دیگر می تواند دستخوش آفت ها و آسیب هایی گردد که این آفت ها و آسیب ها، طبعاً این حرکت و برنامه را از اصالت و جامعیت و زلالی خارج می کند.

بر این اساس، لازم است که امامت مسجد در یک روند کلی آسیب شناسی و آفت شناسی شده، این آسیب ها و آفت ها که در واقع آن را از کارآیی واقعی آن می کاهد، شناخته و رفع گردد.

در این بخش به اهم آفات امامت مسجد می پردازیم:

۱. عدم آشنایی امام مسجد با مبانی فقهی و دینی، لااقل در مورد احکام مورد نیاز عموم مصداق قرار گرفتن چیزی در غیر موضع خود و از مهم ترین آفت ها و آسیب های امام مسجد است. این آفت و آسیب در شرایط زمانی فعلی که مسائل مستحدثه بیش از گذشته مطرح می شود، اهمیت و ضرورت دو چندان پیدا می کند.<sup>۴۵</sup>

بنابراین، ضمن این که لازم است امام مسجد با مسائل دینی و فقهی، عقیدتی و اخلاقی آشنا باشد، باید برنامه های مستمر و منظمی جهت آموزش این علوم داشته باشد. بدیهی است این آموزش در خصوص علوم دینی توجیه و ضرورتی اساسی می یابد و در خصوص سایر علوم اصولاً انتظاری مطرح نخواهد شد. هر چند بهره مندی امام مسجد از علوم غیر دینی، نوعی فضل و برتری برای او به حساب می آید؛ در عین حال هیچ کس از امام جماعت مسجد، انتظار ندارد که وی در علوم انسانی یا فنی و کاربردی دارای تخصصی ویژه باشد.<sup>۴۶</sup>

---

<sup>۴۵</sup>. امام صادق (ع) : علمای شیعه ما نگهبان مرزهای اعتقادی و گفتاری ما هستند که نمی گذارند شیطان و یاران خبیث او به ضعفای شیعه مسلط شوند و آنها را گمراه سازند آگاه باشید هر کس از شیعیان ما که خود را برای این کار آماده کند یعنی تحصیل علوم دین نماید و خود عمل نماید و به اهل دین آن را آموزش دهد و شبهات مخالفین را دفع نماید این چنین اشخاصی هزار مرتبه افضل اند از مجاهدینی که در راه خدمت به اسلام یا کفار، روم و روس جهاد می کنند زیرا ایشان از دین دوستان و شیعیان ما دفاع می کنند و مجاهدان از بدن های دوستان و شیعیان ما دفاع می کنند، احتجاج جلد ۱، صفحه ۱۳.

<sup>۴۶</sup>. امام علی (ع) : هر یک از شیعیان ما که از شریعت ما دانا و آگاه باشد و شیعیان ضعیف و جاهل را از تاریکی جهل و نادانی به سوی نور علم و دانشی که ما به او عطا کرده ایم رهبری و هدایت نماید روز قیامت در حالتی می آید که تاجی از نور بر سر او می درخشد و اهل محشر را روشنی می بخشد آن گاه منادی از جانب پروردگار ندا کند؛ این عالم از شاگردان مکتب آل محمد (ص) است ای مردم هر که در دنیا به واسطه علم او از جهالت و نادانی نجات یافته به نور او چنگ زند تا از تاریکی محشر بیرون آید و به سوی بهشت رهنمون گردد. بحارالانوار جلد ۲، صفحه ۲.

۲. عدم پابندی امام مسجد به مبانی و اصول انقلاب اسلامی، بدون تردید از جمله آفات امام مسجد است.

با توجه به همسویی مبانی و اصول انقلاب اسلامی و اسلام، پذیرفتنی نیست که امام مسجد با مبانی و اصول انقلاب اسلامی بیگانه و یا مخالف این اصول باشد. پرواضح است که حد و مرز اصول، احصای مبانی انقلاب و این که کدام یک از باورهای و شعارهای انقلابی را در قالب اصول انقلاب می توان قرار داد، موضوعی است که به تأمل و دقت و استدلال نیاز دارد؛ در عین حال نمی توان از اصولی بودن برخی مبانی، مانند ولایت فقیه، چشم پوشی نمود. مطمئناً برخی از شعارها و مطالب در رده های بعدی قرار می گیرند.



۳. توجیه عملکرد برخی دستگاه‌ها و دفاع بی‌مورد و یا غیرمقبول از بعضی دستگاه‌های خصوصاً اجرایی و فرهنگی از دیگر آفت‌های امامت مسجد است. آنچه عموم نمازگزاران از صنف معنوی روحانیت و خصوصاً امام مسجد انتظار دارند، نگرهبانی از آیین شریعت و مبانی انقلاب اسلامی است. بدیهی است بسیاری از توجیه‌ها و دفاع‌ها در قالب این وظیفه قرار نمی‌گیرد و چه بسا با انتظار مردم بیگانه و منافی باشد.

۴. انتظار دیگر مردم آن است که امام مسجد با بدعت‌ها، انحرافات، کژی‌ها، خرافات و نوآوری‌های ظاهراً فریبنده، افراط و تفریط‌ها و سایر موارد مخالفت‌ورز و این انتقاد و مخالفت را صادقانه و همراه با ارائه راه حل مطرح سازد.

۵. تبیین واجبات و مستحبات و مکروهات از دیگر انتظارات معقول و منطقی نمازگزاران در مسجد و عموم مردم در اجتماع از روحانی می‌باشد. البته گاه اقداماتی مثبت و نیکو از برخی سازمان‌ها و مراکز دیدنی دیده می‌شود که چه بسا عدم موضع‌گیری نسبت به آن‌ها، نوعی ناسپاسی از نظام به حساب آید که در این صورت بایستی نسبت به آن عملکردها موضعی خاص و سپاسگزارانه اتخاذ نمود.

۶. وابستگی حزبی و گروهی از دیگر آفت‌های امامت مسجد است؛ زیرا وابستگی در هر شکل و قالب به نوعی به جانبداری اگر نه کورکورانه، به نوعی حمایت‌های یک‌سویه از حزب و گروه متبوع می‌انجامد. بدیهی است این ضرورت به معنای این نیست که امام مسجد از ایده‌ای روشن و خط‌مشی مشخص بهره‌مند نباشد؛ بلکه بدان معناست که ایده‌های سیاسی و اجتماعی او، مسجد و نمازگزاران و امامت مسجد را مصادره به مطلوب نسازد.

۷. بی‌تفاوتی امام مسجد، نسبت به مراسم مسجد و عدم نظارت بر برنامه‌ها، به این بهانه که وظیفه اصلی من امامت مسجد است؛ از دیگر آسیب‌ها و آفت‌ها امامت مسجد می‌باشد. همان‌طور که از پدر خانواده، عدم نظارت بر برنامه‌های منزل و عدم مدیریت او بر امور خانه پذیرفتنی نیست؛ از امام مسجد نیز عدم آگاهی از برنامه‌های مسجد و بی‌تفاوتی نسبت به آن‌ها قابل قبول نمی‌باشد. روشن است که امام مسجد می‌تواند درخصوص بسیاری از برنامه‌های جزئی، مسئولانی مشخص کند و از طریق آن‌ها در جریان برنامه‌های مسجد قرار بگیرد.

۸. عدم شفافیت مواضع امام مسجد، ملاحظه کاری های بی مورد و سیاسی کاری های فریبنده، از دیگر آفت های امام مسجد است.

شاید تعبیر چندان مناسبی نباشد؛ اما دنباله روی از جریانات بیرون از مسجد و نان به نرخ روز خوردن و اعوجاج در مواضع سیاسی و فرهنگی آفتی است که برخی امامان مساجد را تهدید می کند.

همان طور که گفته شد، مبانی انقلاب و پیروی از مقام ولایت، هرگاه به عنوان اصول کلی مورد قبول امامت مسجد قرار بگیرد، سایر مواضع گیری ها را باید در همین قالب تنظیم کرد؛ آن هم دور از ملاحظات افراطی که احیاناً به دورویی و تظاهر امام مسجد و بلا تکلیف گذاشتن نمازگزاران می انجامد.

۹. بی تفاوتی نسبت به رویکرد ضعیف مردم به مسجد از دیگر آفت های امامت مسجد است. بدون تردید برخی ایام مانند شب های جمعه، اعیاد، وفیات و شهادت ها از مواقع شلوغ مسجد است و برخی ایام؛ مساجد با عدم اقبال مردم مواجه هستند.

علت یابی ایام خلوت، از جمله وظایف امام مسجد است و عدم پرداختن به آن، از آسیب های امامت مسجد به حساب می آید.

این نکته نه تنها در خصوص عموم نمازگزاران اهمیت داد، بلکه نسبت به افرادی خاص هم بایستی تسری یابد. در عملکرد برخی معصومین این نکته ملاحظه می شود که هرگاه یکی از مأمومین، در مسجد حاضر نمی شد، آن بزرگواران به جست و جوی احوال او پرداخته، علت یابی می کردند. این کار علاوه بر این که احیاناً مشکل او را حل می کرد، رونق مسجد را حفظ می نمود.

۱۰. اصناف گوناگون جامعه در مواجهه با امام مسجد، اصولاً با نوعی رودربایستی و تعارف ویژه برخورد می کنند. وظیفه امام مسجد است که بیش از عموم مردم، حال اصناف مختلف جامعه را رعایت کند. با آن ها خوش حساب باشد، تا می تواند از خرید اجناس نسیه بپرهیزد، دیون مالی خود را زودتر از دیگران ادا نماید، حتی نسبت به پرداخت قبوض آب و برق و گاز و تلفن و عوارض و مالیات و مال الاجاره و سایر بدهی ها از دیگران حساس تر باشد. اصولاً گذر زمان، نگاه مأمومین و عموم مردم را نسبت به امام مسجد سمت و سویی مثبت یا منفی خواهد داد و در صورت، عملکرد نیکوی امام مسجد، در باور مردم گفته ها و سخنرانی ها و مواعظ امام مسجد تأثیر بسزا خواهد داشت.

۱۱. عدم ارتباط امام مسجد، با امام سایر مساجد و تصور این که هر مسجد جزیره ای مستقل است؛ از جمله آفت های امامت مسجد محسوب می گردد.

در یک نظام اجتماعی واحد، همه ارگان ها، وزارت خانه ها، مراکز و از جمله مساجد، در حکم یک واحد سازمانی چند بخشی به حساب می آیند. این مهم اقتضا می کند که ائمه مساجد لااقل در کلیات امور با یکدیگر ارتباط داشته باشند تا احیاناً از موضع گیری مختلف و احیاناً متضاد پرهیز گردد. روشن است در مواردی که احتمالاً مواضع چندگانه ای بروز می کند، می توان قبل این که این مواضع مختلف در بین نمازگزاران مطرح گردد، آن ها را در جلسات محرمانه به بحث و بررسی گذاشت و موضع واحد را به استحضار نمازگزاران رساند.

همچنین امام یکی از مساجد، به عنوان عامل هماهنگی در بین چند مسجد که در منطقه ای خاص قرار گرفته اند، می تواند این جلسات را تشکیل و هماهنگی و مدیریت نماید.

۱۲. دور بودن منزل امام مسجد از مسجد از دیگر مواردی است که اصولاً به برنامه های مسجد آسیب می رساند. فاصله زیاد منزل امام تا مسجد، همانند آن است که پدر خانواده بخواهد بر منزل خود و امور آن، مدیریت از راه دور داشته باشد. علت عدم نظم امام برخی مساجد، بعد مسافت منزل آن ها تا مسجد است؛ زیرا ترافیک مسیرها گاه باعث تأخیر در رسیدن امام مسجد به مسجد می گردد و نمازگزاران نماز خود را فرادا ادا می کنند. بدیهی است تکرار این کار نتیجه مناسب ندارد و باور اهل مسجد را از امام مسجد تنزل می دهد و موجب سستی چشم گیر نماز جماعت می شود.

نزدیک بودن منزل امام مسجد به مسجد دستاوردهای اجتماعی و روانی دیگری هم دارد که برای هر کس قابل درک و تبیین است.

۱۳. عدم مقبولیت امام مسجد نزد نمازگزاران و اهل مسجد آفت و آسیبی است که در تمام شوون امامت او تأثیر منفی خواهد داشت؛ در عین حال عدم پذیرش و مقبولیت او نزد خانواده این ضریب منفی را دو چندان می کند. دلیل آن این است که این عدم پذیرش خواه ناخواه در بین مردم مطرح می شود. بدیهی است هر گاه پدر خانواده نزد فرزندان و همسرش مقبولیت نداشته باشد، دیگران به طریق اولی او را پذیرا نخواهند بود. این عدم پذیرش، موجب عدم قبول نظرات و پندهای او خواهد شد؛ زیرا هر چند در روایت وارد شده است که به گفته شخص بنگریم؛ نه به گوینده؛ در عین حال همین روایت به صورت ضمنی مؤید این نکته است که خواه ناخواه شخصیت و ضریب مقبولیت یا عدم مقبولیت گوینده در میزان باور مخاطب از حرف های گوینده، مؤثر است.

نکته دیگری که بایستی بدان توجه کرد این است که مقبولیت یا عدم مقبولیت امام مسجد نزد خانواده ملاک خوبی در خصوص شخصیت امام مسجد است؛ زیرا اصولاً انسان، شخصیت واقعی خود را نزد خانواده بروز می دهد، نه در محل و نزد دیگران (زیرا نزد دیگران ناچار است وجه مثبت شخصیت خود را پررنگ کند)

بر این اساس، اصولاً مقبولیت و نیز عدم مقبولیت امام مسجد، نزد خانواده می تواند در جهت ارزیابی شخصیت امام مسجد، ملاک مناسبی قلمداد شود. البته این نکته بدان معنا نیست که همواره حق به جانب خانواده باشد. در مجموع بایستی امام مسجد مقبولیت ویژه ای نزد اهل مسجد داشته باشد. ۴۷-۴۸

۱۴. قائم به شخص بودن امامت مسجد از جمله آفت های امامت مسجد می باشد. عوامل غیر قابل پیش بینی احياناً باعث می شوند تا امام مسجد نتواند از عهده وظایف خود بر آید. حضور نایب در این هنگام از تعطیل شدن حتی یک وعده از نماز جماعت جلوگیری خواهد کرد. در شرایط فعلی مرسوم است که وقتی امام مسجد جهت اقامه نماز جماعت حاضر نشود، یکی از روحانیون حاضر، امامت مسجد را بر عهده می گیرد؛ اما بهتر است این کار به صورت مشخص کردن فردی خاص به عنوان نایب امام صورت پذیرد؛ به طوری که مردم با رضایت خاطر به او اقتدا کنند. این نکته در جنگ های رسول خدا سابقه دارد؛ به این گونه که آن

۴۷. «ملعون من امّ قوماً و هم به ساخطون؛ ملعونند کسانی که قومی [کسی] را امام [جماعت] خود قرار دهند در حالی که نسبت به او غضبناک هستند. [یعنی امام جماعت باید محبوب مأمومین باشد]».

۴۸. «مَنْ امّ قوماً یا ذنهم و هم به راضون؛ کسی که جلودار قومی باشد با اذن ایشان در حالی که آنان از او راضی اند».

بزرگوار ضمن تعیین فرمانده ، نایب اول و دوم و چندم را نیز معین می نمود، تا در صورتی که فرمانده به شهادت رسید، سپاه بدون علمدار نماند؛ زیرا افتادن عَلم نشانه شکست لشکر محسوب می گردید.

البته تعیین نایب یک روی قضیه است؛ بها دادن به نایب و ارتقای حرمت او و بالا بردن باور مأمومین به وی روی دیگر سکه است که این کار با اقتدای امام به نایب خود تحقق می یابد. نایب نیز بایستی نسبت به اقتدای به امام مسجد و تقویت او به شیوه های مختلف اهتمام داشته باشد.

۱۵. توصیه می شود و عادت نیکوی بسیاری از امام مسجد همین است که امام مسجد در غیر وقت نماز رو به روی مردم بنشینند.

این نکته آثار تربیتی، علمی و علمی فراوانی دارد و از ظریف ترین بایسته های امامت مسجد است. این کار از یک سو احترام به مأمومین است. امام مسجد به این طریق محیط مسجد را زیر نظر می گیرد و با توجه به فرصتی که پیش آمده است، می تواند نواقص احتمالی را ملاحظه کند. مردم نیز فرصتی می یابند تا بدون وجود فاصله، مسائل خود را با امام مسجد در میان بگذارند و در صورتی که امام مسجد از علمای عامل باشد، فرصتی است تا مردم با نگاه به چهره او از پاداش نگاه به چهره عالم بهره ببرند (بدیهی است در این کار نباید هیچ شائبه نفسانی وجود داشته باشد) امام الگوی مردم است و مردم می توانند با دیدن چهره او، در انتخاب لباس، رنگ لباس، نوع اصلاح سر و صورت و سایر موارد الگوگیری کنند.

در مجموع، امام مسجد بایستی چه در نماز و چه در غیر نماز «معلم» مأمومین باشد؛ به طوری که نماز خواندن، حرکات، سکنت، سکوت، گفتار و حرکات او در گستره کلمه برای مردم عمدتاً درس عملی باشد، نه صرفاً گفتاری.

امام مسجد، به این طریق می تواند از حضور عدم حضور، شلوغی و خلوت بودن، انسجام و عدم انسجام صفوف از حال عموم مردم و نمازگزاران با خبر شود و از این رهگذر از رونق یا عدم رونق مسجد ارزیابی واقعی داشته باشد و چنان چه ملاحظه نمود کسانی به حضور در نماز مسجد اقبال نشان نمی دهند، علت را جویا شود و در صدد رفع آن برآید.

البته عواملی مانند شرایط زمانی و برخی ایام در اقبال یا عدم اقبال مردم به مسجد بی تأثیر نیست؛ ولی امام مسجد بایستی حتی الامکان این عوامل را تحلیل کرده، راه کار مقابله با عواملی که از رونق مسجد می کاهد، مقابل کند.

۱۶. امام مسجد وقتی که رو به روی نمازگزاران می نشیند، بر انسجام صفوف و یا عدم انسجام آن‌ها نظارت می کند و از این رهگذر نظم صفوف تضمین می گردد.

امام مسجد به عنوان مسوول مسجد می تواند در این زمینه و به منظور رفع بی نظمی تذکر دهد. البته این که امام مسجد در همه جزئیات دخالت کند، توصیه نمی شود؛ در عین حال در شکلی محدود و یا برای یک بار (به طوری که کم کم نظم و انضباط، به صورت یک رویه و عادت پسندیده نمازگزاران درآید) سفارش می شود.

در زمینه معیار شلوغی یا خلوت بودن نمازگزاران در یک مسجد این معیار به نظر درست می رسد که هرگاه یک سوم همسایگان یک مسجد تا شعاع پانصد متری در نماز مسجد شرکت کنند، مسجد را می توان با رونق دانست، و الا بایستی در زمینه جمعیت مسجد و عدم اقبال مردم آسیب شناسی صورت بگیرد.

۱۷. از جمله عواملی که گریز از حضور در نماز جماعت مسجد را رقم می زند، عدم محبت مردم به مسوولان مسجد و از جمله امام مسجد است.

مسوولین مسجد هرگاه محبوب اهالی محل باشند، مردم با رضایت خاطر در مسجد حاضر می شوند؛ هر چند مؤمنان نباید به دلیل عدم مقبولیت مسوولان مسجد، جماعت و مسجد را ترک کنند؛ زیرا در این صورت به مسجد اهانت شده است.

به منظور پرهیز و جلوگیری از این پیامد ناگوار، مؤمنان بایستی امام مسجد را سفیر بین خود و خدا قرار دهند و او را صمیمانه دوست بدارند.

لغزش های مختصر امام مسجد، باعث نگردد تا مأموم محبت خود را به او کاهش بدهد، بلکه بایستی ویژگی های مثبت امام مسجد را بیش از نکات منفی او در نظر بیاورد و در حقیقت بین خود و امام مسجد رابطه ای از سر صمیمیت و محبت واقعی ترسیم سازد. در این صورت، حضور او در مسجد تضمین بیش تری خواهد یافت.

۱۸. خواندن حمد و سوره در نمازهای صبح، مغرب و عشا واجب است. شنیده شدن صدای امام مسجد در این موارد مناسب است و توصیه می شود.

این کار، علاوه بر این که شنیدن آیات قرآن است و روایات به آن سفارش کرده است؛ تمرکز در نماز را باعث می گردد و علاوه بر آن، چنان چه نمازگزار در خواندن حمد و سوره اشکالات تجویدی و اعرابی داشته باشد، با شنیدن مستمر این سوره ها از امام مسجد، این اشکالات مرتفع می گردد.

۱۹. اطاله برخی برنامه ها و مزاحم وقت دیگران شدن از سوی هیچ کس پسندیده نیست. وظیفه امام مسجد است که نماز جماعت را بدون حواشی برگزار کند.<sup>۴۹</sup>

متأسفانه دیده می شود که بعضاً از نمازگزاران بین دو نماز خدمت امام مسجد می رسند و مسأله ای را مطرح می کنند، در گوشی صحبت کرده و وقت جماعت را می گیرند. این کار به مصلحت نیست و امام مسجد باید بدون خجالت و شرمندگی، نمازگزار را به پس از اتمام نماز حواله دهد؛ زیرا اگر در مسجدی دویست زن و مرد حضور داشته باشند و شخصی تنها پنج دقیقه نمازگزاران را معطل کند، حدود هفده ساعت وقت مردم را به خود اختصاص داده و این بیش از دو روز وقت اداری است.

۲۰. امام مسجد، مسؤولیت پذیرایی از زائر (مأموم) را دارد؛ زیرا پذیرایی حقی است بر عهده مزور (امام مسجد) و طبیعی است که این پذیرایی مفهوم اکرام و احترام را دارد. در حقیقت همان طور که مأموم وظیفه دارد به امام مسجد احترام بگذارد و او را اکرام نماید، این وظیفه در ابتدا و اصالتاً به عهده امام مسجد است؛ زیرا اکرام اصالتاً وظیفه میزبان است و البته معامله متقابل اقتضا می کند که نمازگزار نیز امام مسجد را اکرام و احترام نماید. در احترام و اکرام، هیچ تفاوتی میان نمازگزاران که در حقیقت مهمانان این مهمانسرا (مسجد) محسوب می شوند، وجود ندارد.

مسجد خانه خداست که بار عام دارد. همه افراد بنده خدا هستند و می توانند در این مهمان خانه حضور یابند و از مائده های معنوی آن بهره مند شوند. فرقی نیست میان مراجعه کننده به این خانه، و امتیازات افراد به پرهیزکاری آن ها تعلق می گیرد. رنگ پوست و نژاد و طایفه و مدرک تحصیلی و مال و ثروت و منزلت اجتماعی و سیاسی و شغل و طبقه صنفی افراد در نگاه امام به آن ها بی تأثیر است و امام مسجد بایستی بدون هیچ تفاوتی (مگر تفاوت در ملاک های معنوی) به نمازگزاران بنگرد.

---

۴۹. کان رسول الله (ص) «اخف الناس صلاة في تمام . رسول خدا سریع ترین مردم بود در نماز خواندن (در جماعت)». بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۶.

«فَتَجِبُ مُتَابِعَتَهُ لِقَوْلِهِ صَلَّى كَمَا رَأَيْتُمُونِي صَلَّى . پس واجب است پیروزی از گفتارش (جایی که می فرماید) : نماز بخوانید، همان گونه که من نماز می خوانم». بحار الانوار، ج ۸ ص ۲۷۹.

- امام صادق (ع): «اذا كنت اماماً أجزأتك تكبيرة واحدة لأن معك ذا الحاجة والضعيف والكبير. وقتی پیشوا [و از جمله امام مسجد] هستی، یک تکبیر تو را کفایت میکند؛ زیرا با تو محتاج و ضعیف و بزرگسال (در نماز جماعت) است». کافی ج ۳، ص ۳۱۰.

مسجد سفره معنوی است که کودک، دیوانه، حائض و جنب هم می توانند با رعایت شرایطی از این مائده بهره بگیرند.

حال که خدای متعال چنین اجازه ای را صادر فرموده، مقام سفره دار و پذیرایی کننده بایستی این رخصت پروردگار را پاس دارد و با اقدامات سنجیده، نگاه مردم، خصوصاً افراد نکته سنج را به مسجد سمت و سویی واقعی و الهی بدهد.

**۲۱. پا را باید از این فراتر نهاد و امام مسجد باید نسبت به افرادی که به نوعی در معرض گریز از مسجد هستند، توجه بیش تری داشته باشد مانند:**

- افراد حساس که به بهانه ای اندک از مسجد گریزان می شوند و یا به این مکان مقدس چندان دلبستگی نداشته یا عادت به حضور در مسجد و جماعت در درونشان نهادینه نشده است.

- غریبه هایی که به نوعی به توجه نیاز بیش تری دارند، خصوصاً کسانی که از حرکات و لباس آن ها فقر و بینوایی احساس می شود. در این زمینه باید مواظب افراد شیاد و فرصت طلب بود.

- افرادی که شاکله روحی آن ها انزوا طلبی است و حضور آنان در مسجد و جماعت به نوعی خلاف شاکله شخصیتی آن هاست. امام مسجد با شناسایی روحی و روانی مأمومین زمینه حضور این گونه افراد را هر روز مستحکم تر نماید؛ زیرا اصولاً حضور افراد انزوا طلب در مسجد و نماز جماعت در تیررس کاهش و زوال است.

- مأمومینی که دارای شخصیت علمی و استعدادی خاصی هستند، بایستی به نوعی ویژه مورد نظر امام مسجد باشند. این گونه افراد به دلایل مختلفی از جمله سوالات و ابهامات مربوط به احکام و اعتقادات بیش از دیگران در معرض گریز از مسجد هستند. امام مسجد بایستی به این گونه افراد توجه ویژه ای داشته باشد تا زمینه گریز این افراد از مسجد از بین برود، بلکه زمینه حضور این افراد و استمرار این حضور مستحکم گردد.

- در یک نگاه کلی امام مسجد بایستی اگر نه به طور کاملاً مصداقی، لاقلاً به صورتی نیمه مصداقی و نیمه کلی در جریان شاکله شخصیتی و روانی مهمانان (مأمومین) قرار داشته باشد و با هر کدام بر اساس شخصیت آن ها تعامل و ارتباط برقرار کند؛ هنجارهای آن ها را محترم بشمارد و با رعایت تمامی موازین، حضور و استمرار حضور آنان را در مسجد تضمین نماید. و از این راه، روز به روز بر رونق مسجد افزوده می شود. در غیر این صورت، مسجد از رونق خواهد افتاد و در صورت تحقق این امر، امام مسجد مقصر اصلی قلمداد می شود.

البته این احتمال هم منتفی نیست که رعایت برخی موازین لازم الرعایه، گروهی را خوش نیاید. در این صورت باید موازین و اصول را برخواست فرد یا افرادی محدود مقدم شمرد؛ اما واضح است که این امور محدودند و نیز این افراد اندک و ظاهراً اجتناب ناپذیر. به هر صورت، اگر



سفارش شده است که مأموم، از امام مسجد شناخت کافی داشته باشد و یا به واسطه مأمومین، او را امین و لایق امامت بداند، شناخت امام هم از مأموم پسندیده، بلکه لازم است. عدم شناخت امام از مأموم، به همان اندازه سخیف و غیرقابل قبول است که عدم شناخت مأموم از امام.

۲۲. وظیفه امام مسجد شناخت مأمومین و رعایت حال آنان و پذیرایی از آنان خلاصه نمی‌شود. از زاویه ای دیگر، وظیفه امام مسجد در برابر اصل موجودیت مسجد به عنوان مهمانسرای الهی سنگین و تعیین کننده است.

بی تردید زیارت خدا در مهمان خانه اش با حضور نماز جماعت تأمین می‌گردد و این وظیفه ای است سنگین بر دوش امام مسجد که علاقه مردم را به صحبت با خدا در قالب نماز جماعت در مسجد رونق بخشد.

در فضایل و آثار حضور در مسجد، چندان از نماز جماعت بحث و صحبت به میان نمی‌آید. این نکته عموماً به این دلیل است که تمامی روایات مربوط به نماز جماعت بر فرض نماز جماعت در مسجد است، نه جای دیگر و نیز پاداش نماز جماعت در مسجد، مربوط به نمازهای واجب است؛ زیرا پاداش نمازهای مستحب در خانه بیش از پاداش خواندن نمازهای مستحب در مسجد است. رسول مکرم اسلام پاداش نماز مستحبی را در خانه افضل از خواندن آن‌ها در مسجد عنوان کردند.

۲۳. یکی از راه کارهای ارتقای جایگاه مسجد، آن است که در مراسم مختلفی که می‌توان در مسجد برگزار کرد (اعم از عزاداری‌ها، مراسم اعیاد و ...) برگزاری این مراسم در مسجد به عنوان محور قرار بگیرد و مراکز دیگر تابع مسجد گردند.

مثلاً اصل برنامه در مسجد باشد و حواشی برنامه در سایر مراکز. در این صورت مسجد محوریت یافته، جایگاه آن ارتقا می‌یابد. بدیهی است در این صورت نگاه افراد به مسجد متفاوت خواهد بود با زمانی که مسجد به تبع مراکز دیگر درآید و این نکته مدیریت و اهتمام امام مسجد را می‌طلبد.

این نکته دارای یک متمم و مکمل هم می‌باشد و آن این است که هم مسجد باید محور برنامه باشد و هم امام مسجد، زیرا مسجد دارای مجموعه ای مدیریتی است که هرگاه این مجموعه، مدیریت برنامه ای را بر عهده داشته باشند، جایگاه مسجد حفظ شده، نگاه مردم به آن شکلی واقعی می‌گیرد. بدون شک امام مسجد در این مجموعه مدیریت از ارکان اصلی است.



را در اختیار مردم قرار دهد. امام مسجد در حقیقت سپری است برای مردم در برابر هجمه های علمی و فرهنگی.<sup>۵۱</sup>

نیازهای متنوع مردم در مسائل فرهنگی، عقیدتی و دینی و مشاوره درمانی؛ مطالعات متنوع و سیطره فکری امام مسجد را بر مسائل گوناگون می طلبد و بدین منظور لازم است که امام مسجد اطلاعات و یافته های فقهی، عقیدتی، علمی، فرهنگی و سیاسی خود را روزآمده کرده، تا در برابر سوالات مأمومین بی پاسخ نباشد. البته در صورت برخورد با مسأله ای که جواب آن را نمی داند، اعلام ندانستن و سپس تحقیق و بررسی، بهتر از جواب غیر واقعی دادن است.

## ۲. سلسله عواملی نفوذ و اقتدار و تأثیر امام مسجد را افزایش می دهد؛

مانند سیادت، بهره مندی از مراتب علمی بالا، بومی بودن و آشنایی با محل، اشتها به زهد و وارستگی، بیان نیکو، پوشیدن لباس آراسته، نظافت و تمیزی لباس و چهره، بهره مندی از افتخارات علمی و سیاسی، شجاعت، مدیریت، زیبایی و وجاهت ظاهری، و سایر صفات پسندیده. بدون شک نفوذ و تأثیر امام مسجد بر نمازگزاران، اجرای هر چه بهتر وظایف او افزایش می دهد.

## ۳. محراب، جایگاه امام مسجد است؛ اما رفتن به این جایگاه و نشستن در آن برای

امامت مسجد و اقامه نماز شایسته است.

قبل و بعد از نماز بهتر است که امام مسجد خارج از محراب در دسترس نمازگزاران باشد. اصولاً وجود محراب بین امام و مأموم نوعی فاصله ایجاد می کند که این فاصله فقط هنگام اقامه نماز بلا اشکال است، می توان محراب را متحرک هم دانست، تاملاتاً هنگام نماز صبح که جمعیت کم تر حضور دارند، جهت اتصال صفوف مردان به صفوف زنان از آن محراب متحرک، که در این حال سجاده و رحل و یک قرآن و مفاتیح و احیاناً یک رساله عملیه بیش تر نیست؛ استفاده کرد و بر آن ایستاد.

محراب نبایستی خیلی گود باشد، زیرا اگر گود باشد نفرات ایستاده در صف اول بر امام مسجد سیطره پیدا می کنند و امام مسجد جهت ورود به محراب و خروج از آن به سختی و مشکل دچار می شود.

اینکه امام مسجد در هنگام اقامه نماز بهتر است در حدی پایین تر از مأمومین بایستد، اما هنگام موعظه بالای منبر قرار می گیرد، حاوی نکات فراوانی است. شاید این که امام مسجد هنگام نماز، یعنی عبادتی که ارتباط او را با خدا رقم می زند، نبایستی هیچ احساس برتری و استعلا داشته باشد؛

---

<sup>۵۱</sup> «الامام جنه فان انتم فلکم وله و ان نقص فعلیه النقصان و لکم الإتمام. امام [جماعت] سپر است. اگر به خوبی نماز را به جای آورد هم به سود اوست هم به سود شما ولی چنانچه ناقص بجای آورد نقصان و کمبود برای او خواهد بود و چیزی بر گردن شما نیست». کنز العمال، ج ۷، ص ۵۹۲.

اما زمانی که به موعظه خلق می‌پردازد، بایستی مردم او را برتر از خود بدانند. (لذا بر منبر قرار می‌گیرد).

۴. داخل محراب علاوه بر این که سجاده ای خوش رنگ و تمیز با چند مهر قرار داده شود و در کنار آن، یک رحل با قرآن، مفاتیح، تسبیح (ترجیحاً تربت کربلا) و رساله عملیه گذاشته شود.

۵. با توجه به وجوب چسبیدن پیشانی به مهر (یا هر چه سجده بر آن صحیح است) بهتر است مهر سجاده بزرگ باشد تا عمامه امام مسجد و یا کشیدگی بینی مانع استقرار پیشانی بر مهر نگردد.

۶. استفاده از دو میکروفون توصیه می‌شود (یکی میکروفون برای سخنرانی در حال ایستاده و دیگری در حال نشسته)

استفاده از میکروفون یقه‌ای به دلیل در دست و پا قرار گرفتن سیم آن و احتمال بروز صدای خش‌خش و ناهنجار سفارش نمی‌شود. در عین حال این نکته به سیستم صوتی مسجد بستگی دارد.

۷. برخی از بزرگواران، به رغم مقبولیتی که نزد عموم مردم دارند و با وجود اقبالی که مردم نسبت به امامت آن‌ها دارند، امامت مسجد را بدون عذر قبول نمی‌کنند.

این عدم پذیرش، چه بسا نوعی منع از حضور مردم را در مسجد را رقم می‌زند که اجحاف در حق مسجد خواهد بود.

۸. ذوق و سلیقه امام مسجد در ملاحظه شرایط و بایسته های زمان در سخنرانی و اظهار نظر او خلاصه نمی‌شود؛

انتخاب دعاهای مناسب با شرایط اجتماعی و جهانی و خواندن آن‌ها در قنوت، سجده یا تأکید بر آن‌ها در هنگام سخنرانی از جمله نشانه های زمان شناسی امام مسجد است.

در شرایط حاضر جهانی خواندن دعای فرج و یا دعاهایی که متضمن مصونیت از فتنه های آخرالزمان باشد و دعاهایی که از این نمونه انتخاب و در قنوت، سخنرانی و سایر برنامه ها خوانده شوند.

ضمناً قنوت از جمله واجبات نیست؛ در عین حال خوب است دعای آن با طمأنینه، تمرکز، توجه به معانی و آرامش خاطر خوانده شود، نه با شتاب زدگی، الفاظ غیر مأنوس و لهجه غلیظ.

البته دعای قنوت نماز عیدین فطر و قربان، باید از چنان وضوح و شمردگی برخوردار باشد که مأمومین بتوانند واژه به واژه امام را همراهی کنند؛ زیرا اصولاً عبارات قنوت این دو نماز به دلیل این که سالی یک بار خوانده می‌شود، در حافظه نمی‌ماند؛ لذا شمرده و واضح خواندن دعای قنوت این دو عید ضروری است.

نکته دیگر در این مقوله این که امام مسجد وظیفه دارد قرائت نماز نمازگزاران را از لحاظ تجوید و اعراب با موازین ادبیاتی منطبق کند. واضح و شمرده خواندن قرائت نماز و اذکار واجب آن، اشکالات احتمالی تجویدی نمازگزاران را در این مورد رفع خواهد کرد.

۹. خواندن سوره‌ای غیر از توحید در رکعت اول (پس از خواندن حمد) سفارش می‌شود. (البته سوره ای طولانی تر از توحید) تا نمازگزارانی که احیاناً با تأخیر وارد مسجد می‌شوند، بتوانند در نماز جماعت شرکت کنند. ضمن این که خواندن سوره ای غیر توحید در رکعت اول مستحب و خواندن سوره توحید در رکعت دوم سفارش شده است. معمولاً در رکعت اول پس از خواندن حمد، سوره قدر خوانده می‌شود.

تذکر این نکته مهم بد نیست: کسانی که در رکعت دوم، پس از تشهد امام، قصد سلام دادن نماز را دارند، چنانچه قصد داشته باشند، از رکعت سوم وارد نماز جماعت شوند و یا کسانی که با تأخیر وارد مسجد می‌شوند و قصد پیوستن به نماز جماعت را دارند، بهتر است امام مسجد، تسبیحات اربعه رکعت سوم و رکوع رکعت سوم را قدری طولانی تر کند تا این افراد بتوانند با آرامش تکبیره الاحرام گفته، وارد نماز جماعت و همراه امام شوند. همچنین از نظر احکام فقهی کسی که می‌خواهد از رکعت سوم یا رکعت چهارم اقامه نماز جماعت ببندد، یا بایستی از ابتدای تسبیحات اربعه امام باشد (به طوری که بتواند یک حمد بخواند) و اگر رسیدن او در پایان تسبیحات اربعه باشد، باید زمانی اقامه ببندد که امام در رکوع مستقر شده باشد. آن گاه مأموم تکبیره الاحرام ببندد و برای لحظه ای هم قیام قبل از رکوع را رعایت کند. ملاحظه می‌شود که این توقف‌ها مستلزم طول کشیدن رکوع از سوی امام مسجد است.

۱۰. خواندن نماز با روحیه ای خوب و با نشاط از سوی امام مسجد، مطمئناً بر روحیه نمازگزاران مؤثر است.

خواب چند لحظه ای قبل از نماز ظهر این نشاط را ایجاد می‌کند. در مواردی که شرعاً و بر اساس احکام می‌توان حمد و سوره را بلند قرائت کرد (نمازهای صبح و مغرب و عشا) بلند خواندن حمد و سوره و سایر ارکان نماز و با صوت و لحن در ایجاد روحیه ای معنوی مؤثر است. اصولاً آهنگین خواندن نماز سفارش شده، همان طور که محزون خواندن قرآن در روایات مورد تأکید قرار گرفته است. این شیوه خواندن، خود به خود نشاط و فرحی معنوی در نمازگزار ایجاد می‌کند و نباید تأثیر این شیوه را دست کم گرفت.

خواندن حمد و سوره با لحن عربی و فصیح موجب جذب ۲۵٪ از مردم می‌شود و به منظور مهم جلوه دادن نماز و ایجاد اُبّهت بیش تر در آن، سفارش شده که پس از اتمام حمد و پس از

اتمام سوره، لحظه ای درنگ شود و اصولاً بالا بردن دست ها برای تکبیر نیز با مهم شمردن نماز و چشم پوشی از دنیا در امتداد نماز بی ارتباط و بی معنا نیست.

همچنین اگر کسانی نتوانسته اند همراه امام مسجد، نماز را سلام دهند (مثلاً امام مسجد مشغول سلام نماز است و آن ها هنوز در تشهد هستند) بهتر است که امام مسجد سلام آخر (السلام علیکم و رحمت الله و برکاته) را قدری شمرده تر ادا کند تا کسانی که هنوز در تشهد یا سلام اول نماز هستند، به امام مسجد برسند و نماز با هماهنگی پایان پذیرد.

۱۱. رعایت حال مأمومین<sup>۵۲</sup> و رعایت وقت آن‌ها از سوی امام مسجد موضوع دستورالعمل‌هایی است که به برخی از آن‌ها اشاره شده اما چند مطلب به عنوان مکمل مباحث قبلی تقدیم می‌شود:

اکتفای امام مسجد به واجبات نماز، پرهیز از اذکار مستحب به صورت طولانی و پرهیز کردن از طول دادن اذان و اقامه و اذکار واجب (به صورت افراط) از توصیه هاست.

برخی ائمه مساجد بعد از تشهد ذکر «و تقبل شفاعته و ارفع درجته ...» را می‌خوانند که البته در این حد اشکال ندارد؛ اما برخی امامان مسجد چند عبارت دیگر بر آن اضافه می‌کنند: «و قرب وسیلته و احشرنا معه ...» بدیهی است این ها بر اطاله نماز می‌افزاید. سفارش ما این است که اگر شرایط جغرافیایی مسجد به گونه ای است که عده ای در رکعت دوم نماز به جماعت می‌رسند و مجبورند در هنگام تشهد رکعت دوم، به حالت «تجافی» باشند (تا اتمام تشهد)؛ امام مسجد از ذکر «و تقبل شفاعته ...» هم خودداری کند تا برخی نمازگزاران که مشکل نشستن به حالت تجافی دارند، به زحمت نیفتند.

در مجموع بسنده کردن به ذکرهای واجب سفارش شده و در مورد اذکار مستحب، مواردی که عمومیت بیش تری دارد، عنوان گردد؛ نظیر «یا لطیف ارحم عبدک الضعیف» در سجده آخر و یا ذکر «استغفرالله ربی و اتوب الیه» بین دو سجده رکعت آخر و همین موارد بسیار معدود. ضمن این که بهتر است سجده آخر هم چندان طول نکشد؛ زیرا کسانی هستند که بین نماز، به جماعت پیوسته اند و آن‌ها هنوز در سجده آخر نیستند که بخواهند آن را طول بدهند. لذا بهتر است سجده آخر هم جهت رعایت حال این افراد چندان طولانی نگردد.

---

<sup>۵۲</sup> . امیر مؤمنان : «صَلُّوا بِهِمْ لَصَلَاةٍ أَصْغَفَهُمْ وَلَا تَكُونُوا فِتَانِينَ . نماز بخوانید با ایشان همچون نماز ضعیف‌ترین آن‌ها و باعث ایجاد دردسر و مشکل نباشید». وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۶۲.

۱۲. نماز مغرب و عشا در صورت که در ماه مبارک رمضان قبل از افطار اقامه می شود، مختصر صورت بگیرد و فقط به دعای «یا علی و یا عظیم ...» بین مغرب و عشا بسنده گردد. در صورت امکان، دو نماز مغرب و عشا در شب های ماه مبارک رمضان اقامه شود. یک مورد قبل از افطار و یک مورد حدوداً یک ساعت و نیم بعد از آن که مردم شام خورده باشند.

۱۳. از دادن خرما و حلوا و تکه نان و پنیر بین دو نماز مغرب و عشا (اگر نماز قبل از افطار اقامه می شود) جداً پرهیز گردد؛

زیرا فاصله بین دو نماز مغرب و عشا در این حالت کوتاه است و هنوز مزه خرما یا حلوا و نان و پنیر در ذائقه نمازگزار وجود دارد و طبعاً با این حال خواندن نماز عشا خالی از اشکال نیست و اگر خرده غذا در هنگام نماز فرو رود، نماز باطل است.

مضافاً این که در این گونه موارد ریخت و پاش صورت می گیرد. مسجد کثیف می شود (خصوصاً زمانی که کودکان هم حضور داشته باشند) و این موجب وهن مسجد است.

#### ۱۴. بین دو نماز اول و دوم زیاد فاصله نیفتند؛

زیرا کسانی عجله دارند و یا مسافر و رهگذرند و در صورتی که بین دو نماز فاصله نباشد، آنها می توانند هر دو نماز را به جماعت ادا کنند؛ اما اگر بین دو نماز فاصله صورت بگیرد، آنان نماز دوم را فرادا می خوانند و این دو ضرر دارد: اول این که عده ای از فضیلت جماعت محروم شده اند؛ دوم این که تردد این افراد جهت خروج از مسجد، هماهنگی صفوف و جماعت را به هم می زند.

بین دو نماز، بیش از خواندن دو رکعت نماز مستحبی و تعقیبات مختصر فاصله قرار نگیرد؛ به ویژه بین دو نماز ظهر و عصر. حد فاصل بین دو نماز به اندازه ای باشد که اگر مثلاً کسی در رکعت آخر یا ماقبل آخر به جماعت رسیده است، فرصت اتمام نماز را داشته باشد و بتواند تکبیره الاحرام نماز بعدی را درک کند.

۱۵. رعایت برخی مستحبات مستلزم صرف هزینه و وقت نیست. رعایت این موارد سفارش شده است؛ مثل تحت الحنک، استعمال عطر و بوی خوش، پوشیدن لباس سفید و عبا، نگرستن به مهر در هنگام ایستادن و ...

۱۶. اصولاً تکرار اذکار ظاهراً بیش تر وقت گیر می نماید تا طول دادن یک ذکر. به همین دلیل اگر قرار است مثلاً رکوع را طولانی تر کند (مثل این که کسی می آید و یا الله گویان قصد پیوستن به جماعت دارد)؛ در این صورت بهتر است یک را طولانی تر ادا کند. با این کار هم مقصود ماموم تازه وارد تامین شده و هم همان یک ذکر با طمانینه و ابهت بیش تری ادا گردیده و از بیان چند ذکر به صورت عجله ای و سریع پرهیز شده است. اگر در این موارد،

امام مایل است ذکر مستحبی بگوید ، از اذکار آشنا به ذهن مردم استفاده کند ، نه اذکار تخصصی و ذکرهای نامانوس .

۱۷. امام مسجد، دعا قنوت را به شیوه ای بخواند که مامومین متوجه شوند.

دعاهای کوتاه و پرمعنا را برگزیند و به صورت دوره ای آنان را تنوع دهد . تکرار این دعاها باعث می شود که در حافظه مامومین قرار بگیرد . در این صورت ، در طول یک مدت نسبتاً طولانی نمازگزارانی که حتی با کتاب های دعا و مفاتیح هم سرو کار ندارند ، چندین دعا مختصر را از حفظ خواهند داشت .

پیشنهاد می شود که دعای قنوت به گونه ای با شرایط زمانی و مناسب ها ، در تناسب باشد ؛ مثلاً شب جمعه دعای فرج خوانده شود و همان طور که گفته شد ، تنوع در دعا فراموش نگردد . برای انتخاب دعای قنوت علاوه بر تناسب و مقتضیات زمانی و مکانی، دعاهایی که عموم جامعه را در نظر می گیرد و در حقیقت دعای دسته جمعی است، می تواند به عنوان یک معیار جهت انتخاب دعا ملاحظه شود .

۱۸. شمرده خواندن دعاها و یا برخی اذکار مهم ، مثل تکبیره الاحرام که در واقع ورد به نماز و به حریم کبریا خوانده می شود ، بیش از سایر موارد نمود خواهد داشت . بر همین اساس شمرده تر خواندن این موارد توصیه می گردد .

امام مساجد با ضوابط فقهی بلند یا آهسته خواندن نماز آشنا هستند ؛ اما رعایت برخی حواشی این مهم ، توصیه می شود ؛ مثلاً حمد و سوره در همه احوال یکسان خوانده نشود : ایام عزا به نحو حزن انگیز و دیگر ایام به نحو نشاط آور قرائت گردد . صدای امام مسجد نه خیلی بلند باشد که تمرکز ماموم از بین برود و نه خیلی آهسته که به زحمت شنیده شود ( خصوصاً در مساجدی که مکبر وجود ندارد و از سیستم صوتی جهت اعلام حرکات امام استفاده نمی شود ) .

نکته مهم این که خواندن برخی اذکار نماز مختص امام مسجد است ( حمد و سوره ) . بلند خواندن این اذکار از سوی امام مسجد سفارش می شود ؛ اما بهتر است امام مسجد دیگر بخش های نماز را که مامومین نیز می خوانند ، آهسته بخواند . به ویژه این که رکوع و سجده و بلند شدن و نشستن و اتمام بخش های نماز در حال حاضر با استفاده از سیستم صوتی و یا مکبر قابل تشخیص است و مامومین برای هماهنگی دچار زحمت نمی شوند .

البته ایجاد شور و نشاط در نماز ایجاب می کند که لحن امام مسجد در این گونه اذکار ( که مشترک بین امام و ماموم است ) نیز تا حدودی بلند باشد و مستحب است که در هر حال صدای امام مسجد به مامومین برسد .



ضمناً در هیچ حال ماموم نباید اذکار را بلند قرائت کند . این کار تمرکز سایر مامومین را از بین می‌برد .

۱۹. تامل اندک پس از گفتن الله اکبر در تکبیره الاحرام، قبل از رکوع و بین دو سجده و بعد از همه رکوع ها علاوه بر این که در برخی موارد جزء واجبات نماز است ( مثل قبل از رکوع که مستلزم تاملی چند لحظه است) بر ابهت و طمانینه نماز می افزاید و از این که اذکار و ارکان نماز سرسری و عجولانه و سبکسرانه تلقی شود، جلوگیری می کند .

۲۰. از خواندن سوره های طولانی بعد از حمد پرهیز شود ؛

زیرا عموم مردم به اختصار در عبادت گرایش بیش تری دارند تا اطاله آن. در عین حال ، لازم است که امام مسجد برنامه ای منسجم برای این کار داشته باشد ؛ مثلا در هر کدام از روزهای هفته سوره ای خاص تلاوت کند و البته در رکعت دوم سفارش می شود که پس از اتمام حمد ، سوره توحید خوانده شود.

برخی بزرگان به اقتضای تمایل مامومین و با توجه به ظرفیت آنها ، در رکعت اول نماز عشای شب جمعه سوره « جمعه » و در رکعت دوم این نماز سوره « اعلی » می خواندند .

بدیهی است اقبال و یا عدم اقبال مردم از خواندن سوره های کوتاه یا طولانی، قابل تشخیص و ارزیابی است . امام مسجد می تواند بر اساس این ارزیابی سوره های متناسب را برگزیده ، آنها را در نماز پس از سوره حمد ، قرائت کند .

۲۱. نماز، مجموعه ای از اذکار و حرکات است و از جمله عباداتی است که برخی از ذکرهاي آن با نوعی از حرکات اعضا و جوارح همراه است (حج نیز از جمله این عبادات است).

حرکات و اعضا و جوارح در این فریضه ، موضوع احکام خاص فقهی است که در کتاب های مربوط آمده است و جز در شرایطی که نماز گزار معذور باشد ، بایستی حرکات بدن بر اساس ضوابط خاصی که در کتاب های فقهی آمده است ، رعایت شود : در هنگام تکبیره الاحرام و قرائت حمد و سوره بدن بایستی کاملا ایستاده باشد؛ در رکوع کمر صاف؛ در سجده بدن کشیده؛ هنگام ایستادن ران قائمه بوده و پاها چسبیده؛ دست ها کنار ران نهاده ( در مورد بانوان ) یا روی ران نهاده ( در مورد مردان )، زانوها جمع شده زیر بغل و آرنج مردان با فاصله از زمین و زیر بغل نماز گزار باز ( هنگام سجده ) ، دست ها موازی گوش ( هنگام تکبیره الاحرام ) و به موازات تکبیره الاحرام پایین بیاید . نهاده شدن پای چپ روی پای راست ( هنگام تشهد و سلام و بین دو سجده ) ؛ دست ها بر زانو هنگام تشهد ؛ نگاه به محل سجده ( در همه احوال ) پنجه ها بسته ( در همه اعمال نماز غیر از رکوع و سجده ) ؛ در نماز نشسته قرار گرفتن چانه موازی زانو ( موقع رکوع ) ؛

هفت عضو مربوط وصل به زمین ( در موقع سجده ) این موارد اهم بایسته های اعضا و جوارح در هنگام نماز است . در مواردی که عذری جسمانی وجود داشته باشد ، رعایت هر کدام که موضوع عذر مذکور است ، منتفی می گردد و پس از رفع عذر ، قضای نماز ایام معذوریت لازم نیست .

## ۲۲. وقت امام مسجد بایستی وقف مردم باشد.

بدین منظور بایستی بلافاصله بعد از نماز با خواندن تعقیباتی مختصر ، وقت و فرصت را به مردم اختصاص دهد تا کسانی که مساله و سوالی دارند ، با او در میان بگذارند ، و سایر نیازها مثل مشورت خواستن ، استخاره و ...

۲۳. امام مسجد به دلیل این که با گروه های مختلف سنی و صنفی مواجه است، باید در برابر مشکلات و ناملازمات صبور و بردبار باشد و به تناسب هر کس، برخورد های گوناگون داشته باشد. در عین حال نسبت به هیچ کس بی احترامی نکند. او بایستی مردم را مهمان مسجد بداند و پذیرایی آنها موظف بداند و این وظیفه راهرگز فراموش نکند .

۲۴. امام مسجد باید از چنان ظرفیت بالایی برخوردار باشد که احیاناً حرکات تحقیر آمیز دیگران را به دید انتقام ننگرد.

در زمان امام علی (ع) خوارج نماز خود را در حضور آن حضرت در برخی موارد به صورت فرادا می خواندند و آن بزگوار واکنش نشان نمی داد.

## ۲۵. امام مسجد محرم اسرار نمازگزاران است.

با توجه به سوالاتی که از او می شود ، وی به برخی مسائل شخصی افراد پی می برد که افشای آن ها چه بسا فروپاشی خانواده ها را در پی داشته باشد . وظیفه او در این زمینه همانند وظیفه پزشک یا وکیل است . حفظ اسرار مردم وظیفه اوست .

او وظیفه دارد درد دل مردم را بشنود . صرف این شنیدن مرهمی است بر دل دردمندان. همدلی و همزبانی با مردم در این زمینه ، مرهم او را دو چندان می کند؛ اما باید سعی کند به طریقی خواسته مراجعه کننده را برآورد و حتی الامکان کسی را ناامید و مایوس نگرداند .

۲۶. امام مسجد ، با افرادی خجالتی و کمرو مواجه می شود . در برابر این افراد منتظر نباشد تا او آغاز به سخن کنند ، بلکه او باب مراوده و گفت و گو را باز کند .

۲۷. نسبت به پاسخگویی در برابر سوال دیگران عجله نکنید ، حرف ها را کامل بشنود و تجربه و تحلیل کند و احیاناً مطالب طرف مقابل را حک و اصلاح کند و پس از پی بردن دقیق به خواست و سوال و نکته مخاطب ، پاسخ لازم را ارائه کند . در عین حال با تعلل بی مورد ، افراد را معطل نکند.

۲۸. در عمل و رفتار قول و فعل به گونه ای باشد که مردم را به الگوی واقعی، یعنی ائمه - علیهم السلام - علاقه مند سازد و به این نکته باور داشته باشد که حرکات و رفتار و گفتار او پرتویی از عملکرد ائمه است. لذا تلاش کند تا زینت ائمه باشد ، نه وسیله ایجاد بدبینی نسبت به آنان که این گناهی بزرگ است .

۲۹. استفاده از یافته های روان شناسی جهت تبلیغ و کارآمدتر کردن تبلیغات، توصیه می شود. نمی توان تاثیر یافته ها و تجربیات روان شناسان و علما تربیتی در تبلیغ را نادیده گرفت . اصولاً با توجه به صنوف مختلفی که به مسجد رفت و آمد دارند، می توان از تخصص آن ها در این زمینه استفاده کرد . شناسایی این نیروهای متخصص کار امام مسجد است . بدیهی است امام مسجد می تواند در این خصوص از یک مشاور فرهنگی خانم برای بخش بانوان استفاده کنند .

۳۰. امام مسجد به هنجارهای محیط و نمازگزاران هم آشنا باشد و هم رعایت کننده؛ مثلاً هدایایی به تناسب حال به نمازگزاران غیر بالغ بدهد و یا به مناسبت تولد فرزند نمازگزاران، هدیه ای متناسب اختصاص دهد. طبعاً این کار آثار فراوان تربیتی و فرهنگی دارد . به مناسبت های مختلف از منزل مامومین بازدید کند ( مثلاً هنگام بازگشت از سفر حج و در این مورد همه افراد را یکسان بنگرد ؛ زیرا امام مسجد ، در حکم پدر خانواده است و شایسته است که پدر خانواده با همه فرزندان به عدالت رفتار کند .

۳۱. از مسائل ضروری و آنچه عموم مردم جزء و لازمه امامت مسجد و خصوصاً یک روحانی می دانند آن است که امام مسجد مثلاً از خطبه عقد ازواج ، دعای عقیقه ، نماز میت ، تلقین میت ، استخاره ، دعای هنگام نامگذاری ، دعای سفر و مواردی از این دست آگاه باشد. بسیاری از روحانیون، آگاهی از این موارد را چندان ضروری نمی دانند؛ در عین حال برای عموم مردم ضرورت این موارد پیش می آید و مردم انتظار دارند که روحانی از این امور مطلع باشد.

۳۲. روحانی و امام مسجد بایستی امور مربوط به خود را خودش انجام دهد.

سجاده اش را خود تنظیم کند، نسبت به حضور در مسجد مقید باشد، نظم و انضباط را رعایت کند، ساده زیست، اما تمیز باشد، لباسش مرتب و لطیف و معطر باشد، از نشاط لازم برای امامت مسجد برخوردار باشد و نسبت به مرتب بودن محاسن و مسواک زدن حساسیت بیش‌تری اعمال نماید.

۳۳. امام مسجد به هیچ وجه نباید خود را برتر از دیگران بداند و انتظار احترام داشته باشد؛

ضمن اینکه این عدم انتظار، چیزی از وظیفه مردم در احترام نهادن به امام مسجد نمی‌کاهد.

۳۴. از شاخص‌ها و امتیازات امام مسجد، برپایی نماز جماعت صبح است. نماز صبح دو

رکعت است؛ اما اقامه جماعت صبح جایگاه ویژه‌ای دارد.

برخی از امامان مسجد از فیض برگزاری نماز جماعت صبح محرومند. دلیل آن را بعد مسافت

منزل تا مسجد و عدم شلوغی نماز صبح باید عنوان کرد.

به ندرت دیده شده که در مساجد بیش از ۵۰ نفر در نماز جماعت شرکت کننده؛ اما آثار و

برکات معنوی فراوانی بر نماز جماعت صبح مترتب است.

در عین حال تجربه نشان داده که هر گاه امام مسجد نسبت به نماز جماعت صبح مقید باشد،

مردم نیز نسبت به حضور در نماز جماعت صبح مقید می‌شوند. مضافاً این که دیده می‌شود در

مساجدی که امام جماعت به نماز جماعت صبح مقید است، شمار مأمومین نماز جماعت ظهر و

عصر و مغرب و عشاء آن مسجد چند برابر است.

در مجموع نماز صبح و تقید به آن، در رونق مسجد تاثیر والایی دارد و این نکته بر تقید امام

مسجد مبتنی است.

۳۵. یکی از راه‌هایی که امام مسجد را به نماز جماعت صبح مقید می‌کند، آن است که

حضور خود را به نماز جماعت صبح از طریق نذر مقید کند؛

زیرا این نذر، جهت عدم حضور او در نماز جماعت صبح ضمانت اجرایی ایجاد خواهد کرد.

البته تعداد مأمومین در این خصوص نباید تعیین کننده باشد. مرحوم آیت الله گلپایگانی و مرحوم

آیت الله مرعشی نجفی سال‌ها نماز جماعت صبح را در حرم مطهر حضرت معصومه<sup>(س)</sup> برگزار

می‌کردند، در حالی که مأمومین آن‌ها از انگشت دست تجاوز نمی‌کردند.

## فضیلت جماعت

مسجد، محور نماز جماعت است، هر چند روایات مربوط به فضیلت مسجد، الزاماً دایر مدار نماز جماعت نیست و البته هر جا که از نماز جماعت بحث به میان می آید، با نماز جماعت در مسجد ملازم است.

به هر صورت مسجد و فضایل نماز جماعت و مباحثی از این دست، با یکدیگر پیوند ناگسستنی دارند و البته نماز، محور تمام این امور است. گویی همه این موارد از مسجد و جماعت و امام و ... برای اقامه، رونق و اشاعه فرهنگ نماز است که قبول سایر اعمال در گرو قبولی آن است.<sup>۵۳</sup> نماز جماعت فضایل و احکام آن موضوع روایات متعدد و احکامی چند است که سعی می کنیم در قالب چند بند تقدیم کنیم:

۱. در روایات، خواندن نماز جماعت و فضیلت این عمل ارزشمند، در مسجد مطرح شده است، نه بیرون از آن.

در واقع اهمیت و قداست نماز جماعت گویا تابعی است از فضیلت مسجد؛ هر چند نمی توان از پاداش جماعت، در شرایطی که به مسجد دسترسی وجود ندارند، چشم پوشی کرد.

۲. در روایات، خواندن نماز جماعت در امت اسلام به عنوان یک فضیلت و مستحب قید شده است و روایاتی که در این زمینه وارد شده، چنان پررنگ و لعاب است که نماز فرادا (خصوصاً برای همسایگان مسجد) بدون خاصیت یاد شده است.<sup>۵۴</sup>

درعین حال، اقامه نماز در امت های قبل، فقط در مسجد بوده<sup>۵۵</sup> و این تکلیف به عنوان نوعی تخفیف از امت رسول خدا (ص) برداشته شده است<sup>۵۶</sup>؛ اما روایات مبنی بر اقامه جماعت از چنان تأکیدی برخوردار است که ترک جماعت حقیقتاً خسران بزرگی محسوب می شود.

---

<sup>۵۳</sup> . «ان قبلت، قبل ماسواها؛ اگر قبول شود، اعمال دیگر غیر نماز هم قبول می شود».

<sup>۵۴</sup> . «من صلی فی بینه فرادا فضله ته هباء منثورا؛ کسی که نمازش را فرادا در خانه اش بخواند نمازش غباری پراکنده در هوا خواهد بود».

- «صلاه الرجل فی جماعه خیر من صلاته فی بینه اربعین سنه؛ نماز یک فرد در حالی که به جماعت است بهتر از نماز او به مدت ۴۰ سال در خانه است». وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۳۱۷.

- «من ترکها رغبه عمها و من جماعه المومنین من غیر عله فلا صلاه له؛ کسی که نماز جماعت و جماعت مسلمین را به خاطر بی میلی بدون علت ترک کند نماز [مقبول] برای او نخواهد بود». وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۲۸۵.

- «لا صلاه لمن لا یصلی فی المسجد مع المسلمین الا من عله؛ کسی که بدون علت نمازهایش را با مسلمانان در مسجد نمی خواند نماز او قبول نیست». وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۳۱۷.

اقامه جماعت در مسجد با دوستی خداوند و دوستی رسول خدا (ص) پیوند دارد.<sup>۵۷</sup> بدیهی است دوست داشتن مساجد هم به خود مساجد مربوط می گردد و هم آنچه فلسفه و مبنای وجودی مسجد است؛ یعنی اقامه جماعت .

۳. محافظت بر نماز جماعت نه تنها متضمن آثار دنیوی است که آثار آن در برزخ و قیامت نیز باعث نجات نمازگزاران و رهایی او از عذاب و سختی می شود .

بر اساس روایت معصوم، کسی که نسبت به نماز جماعت مقید باشد و به اصطلاح محافظ نماز جماعت است، بر صراط عبور می کند، با سرعتی همچون سرعت برق و صورت او نورانی است و می درخشد ، مانند درخشیدن ماه هنگام بدر .

از جمله سفارش های رسول مکرم اسلام (ص) به حضرت علی (ع) نیز تاکید به رفتن به مسجد و حضور در جماعت است . بر اساس این سفارش درجه ای عالی به کسانی تعلق می گیرد که شب و روز به سوی نماز « مشی » می کنند و مشی ( رفتن ) با نماز در مسجد و رفتن به مسجد و جماعت معنا می گیرد .

۴. عبارت های نماز و واژه های آن « متکلم وحده » نیست ، بلکه متکلم مع الغیر است ، مانند « ایاک نعبد و ایاک نستعین » و یا « اهدنا الصراط المستقیم » . این نکته گویای آن است که اصل بر جماعت است و گویی نمازگزار از زبان جمع و در جمع سخن می گوید . خواندن نماز فرادا خلاف اصل است . در حقیقت، نمازهای یومیه به جماعت فرض گردید ، و خواندن نماز به صورت فرادا رخصت و تخفیف به حساب می آید .

---

<sup>۵۵</sup> . «كان عليهم فريضة ان يصلوا في المساجد ولا يجوز لهم ان لجبلوا في غير المساجد ؛ بر آنان واجب بود که نماز در مساجد بخوانند و جایز نیست که نماز در غیر مساجد بخوانند» . مواظبه الصدوتمه / ۳۹۱ .

<sup>۵۶</sup> . «ربنا ولا تحمل علينا اصرأ كما حملته على الذين من قبلنا؛ پروردگارا! بر ما تکلیف سنگینی قرار مده، آنچنان که بر کسانی که پیش از ما بودند، قرار دادی!» بقره/ ۲۸۶ .

<sup>۵۷</sup> . «من احببني فقه احب المساجد؛ کسی که مرا دوست دارد همانا جماعت را دوست دارد» . مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۳۵۵ .

در روایت دیگر از رسول خدا (ص) اصولاً دوست داشتن مسجد و جماعت نوعی توفیق خداست که به دوستان پروردگار تعلیق می گیرد .

از منظر آن حضرت ، هنگامی که خداوند بنده ای را دوست بدارد ، او را همراه مسجد قرار می دهد .  
- «من احب الجماعه احبه الله ... ؛ کسی که نماز جماعت و جماعیت را دوست دارد، خداوند او را دوست دارد» . مستدرک الوسایل ، ج ۶ ، ص ۴۴۵ .

۵. نماز جماعت و مسجد توأمأ معنا می گیرند.<sup>۵۸</sup> در حقیقت آنچه نماز جماعت گفته می شود و همچنین مسائل مربوط به آن از جمله پاداش های نماز جماعت، علی الاصول در مسجد و با مسجد موضوعیت و مفهوم می یابد. ضمن این که نمی توان از جماعت در خانه هم چشم پوشی کرد؛ اما این نکته خلاف اصل است و در جایی است که حقیقتاً امکان حضور در مسجد و نماز جماعت وجود ندارد؛ و الاً باید نماز را به جماعت و در مسجد ادا کرد. اهمیت خواندن نماز در مسجد به اندازه ای است که پاداش خواندن نماز در مسجد به صورت فرادا کم تر از پاداش خواندن نماز به صورت جماعت در غیر مسجد نمی باشد. بر این اساس، هر جا که جماعت و پاداش نماز جماعت مطرح است، منظور نماز جماعت در مسجد و در حقیقت جماعت با حضور در مسجد مفروض است.

۶. حضور در مسجد و نماز جماعت، برای نمازگزار شخصیتی فراهم می کند مبتنی بر اعتماد و اطمینان.

در روایات وارد شده است که به افراد مقید به حضور در مسجد و جماعت گمان خیر و نیکی داشته باشیم. به این افراد خوشبین باشیم و اصل را بر خیر و اعتماد به اهل مسجد قرار دهیم. طبیعی است که این گمان نیکو دستاورد های مهمی دارد. در حقیقت هر آنچه بتوان نسبت به یک انسان مورد اعتماد، روا داشت، نسبت به اهل مسجد هم سزاوار و شایسته است. این گونه روایات نیز گویای آن هستند که نسبت به اهل مسجد و جماعت «کل خیر» را می توان شهادت داد. این صفت اهل مسجد بودن اقتضا می کند که تمام خیر را بتوان برای آن ها شهادت داد و کل خیر و نیکی را در آن ها می توان مفروض دانست. جالب توجه این که بر اساس این دو روایت شهادت کل خیر عنوان شده است، نه صفت و ویژگی خاصی، و در روایتی دیگر مجوز شهادت به ایمان چنین فردی داده شده است. گویا ارتباط با مسجد و اهتمام به این مکان مقدس و حضور در نماز جماعت، تمام زوایای وجودی انسان را تحت تاثیر قرار داده، او را در مظان تمامی نیکویی قرار می دهد و تمام صفات پسندیده را در او ایجاد و نهادینه می کند و کسی که با مسجد ارتباط ندارد و اهل جماعت و مسجد نیست، در مظان انحراف خواهد بود و نمی توان به خیر و نیکی وی شهادت داد. همچنین در این زمینه که عموماً با چه تعداد حضور در مسجد می توان به فرد گمان خیر و نیکی داشت، در روایتی از رسول (ص) این تعداد به پنج نماز جماعت اکتفا گردیده است.

<sup>۵۸</sup> - «و السنه ان تصلى فى المسجد اذا صلوا فى جماعه؛ زمانى که مردم نماز جماعت می خوانند مستحب است که تو نماز را در مسجد بخوانی». وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۱۶۸.

حضور در مسجد و ادای نماز به صورت جماعت، شدیداً مورد تأکید است و به صورت‌های گوناگون نسبت به این مهم سفارش شده است.

در حقیقت به دو طریق نسبت به حضور در مسجد و ادای نمازها به صورت جماعت تأکید گردیده است :

**یکم:** با بیان پاداش نماز جماعت و تفاوت این پاداش با پاداش نماز فرادا؛ مثلاً این که هرگاه تعداد جماعت به حد خاصی برسد، امکان درک پاداش آن وجود ندارد.

به عبارت دیگر از جنبه اثباتی و بیان پاداش و اهمیت حضور در مسجد و نماز جماعت به این مهم سفارش شده است.<sup>۵۹</sup>

**دوم:** از جنبه سلبی و طرد افرادی که در مسجد و جماعت حضور نمی‌یابند؛ نسبت به ضرورت و اهمیت حضور در مسجد و اقامه نمازها به صورت جماعت تأکید شده است.

جان کلام این که روایات از یک سو با بیان اهمیت نماز جماعت و حضور در مسجد نسبت به این امر مهم تأکید کرده‌اند و از سوی دیگر با تقبیح بریدن از مسجد و بی‌اعتنایی به حضور در جماعت تا به این دو نکته سفارش نموده‌اند.<sup>۶۰</sup>

---

<sup>۵۹</sup>. «من مومن مشی الی الجماعه الا حفف الله علیه عزوجل اهوام یوم القیامه؛ هیچ مومنی از کسانی که به سوی جماعت مقدم بری دارد مگر این که خدا بزرگ و بلند مرتبه ترسها یروز قیامت را بر او سبک می‌کند». وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۸۷.

– من وصیه النبی الی علی قال: «ثلاث در جات ... و منها الطشی و باللیل و النهار الی الجماعات؛ از سفارش‌های پیغمبر اسلام (ص) است که فرمود: سه درجه ... یکی از آن‌ها راه رفتن شب و روز به سوی جماعت مسلمین است». وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۵.

– «من صلی اربعین یوما فی جماعه یدرک التکبیره الاولی کتب له براء تان براه ه من النار و براه ه من النفاق؛ کسی که چهل روز نماز جماعت بخواند در حالی که تکبیر اول نماز را درک می‌کند برای او دو براءت نوشته می‌شود: براءت از نار و براءت از نفاق (دو روایی)». بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۴.

<sup>۶۰</sup>. «ولاغیبه الا لمن صلی فی بینه و رغب عن جماعتنا و من رغب عن جماعه المسلمین سقطت عدالته؛ کسی که نماز خود را در خانه اش می‌خواند و از جاعت ما روی می‌گرداند غیبت او جایز است و کسی که از جماعت مسلمین روی بگرداند عدالت او از بین می‌رود». وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۱۷. این گونه روایات بر سقوط عدالت و جواز غیبت کردن تارک مسجد دلالت دارد. همان، ج ۲۷، ص ۳۹۲.

– قال سمعت أبا عبد الله يقول: «من صلی فی بینه جماعه رغبه عن المسجد فلا صلاه له ولا لمن صلی معه إلا من علیه تمنع من المسجد؛ [راوی] گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم: کسی که جماعت را به خاطر بی‌میلی از مسجد ترک کند، نمازش قبول نیست و همچنین کسی که با نماز [جماعت] می‌خواند هم چنانچه بدون علت به مسجد نمی‌رود همین حکم را دارد». وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۹۶.



در این خصوص چند نکته قابل ذکر است :

۱. آنچه در خصوص نماز جماعت و پاداش آن و نیز در مذمت ترک آن گفته می شود ،

مربوط به نماز جماعت در مسجد است؛

زیرا بین نماز جماعت و حضور در مسجد رابطه ای تنگاتنگ است، هر چند در شرایطی که امکان حضور در مسجد واقعا وجود ندارد و یا مسجدی در آن ناحیه نیست، خواندن نماز جماعت در منزل هم بی فایده نمی باشد. اهمیت این نکته، تکرار آن را توجیه می کند.

۲. پاداش اقامه نماز جماعت در صورتی که تعداد اعضای آن به ده نفر برسند ، به اندازه

ای است که نمی توان میزان پاداش آن را درک کرد.

نکته مهم این که این ده نفر به گروه یا افراد خاصی منحصر نگردیده است و شامل کودک و عالم و جاهل و جوان و پیر و مرد و زن می گردد و این مقدار پاداش، جهت اهتمام به حضور در نماز جماعت انگیزه بالایی خواهد بود .

۳. اهل ایمان حداقل روزی دو بار اهتمام به مسجد خواهند داشت و با حضور در مسجد،

هم به مسجد احترام می گذارند و هم به حضور در نماز جماعت و هیچ عاملی از عوامل طبیعی و جسمانی نمی تواند مانع حضور در مسجد و جماعت گردد؛ از سرما و گرما و باد و باران و کسالت جسمی و سایر موارد .

شخصی روشندل خدمت رسول خدا (ص) آمد و ضمن اظهار علاقه به حضور در مسجد و جماعت ، وضعیت جسمی خود را عامل عدم امکان به حضور در مسجد عنوان کرد . رسول خدا (ص) این را عذر ندانستند و اظهار داشتند از اظهار داشتن از منزل تا مسجد، طنابی بکش و با کمک طناب ، در مسجد و جماعت حاضر شو.

لذا از منظر رسول خدا (ص) هیچ عاملی نمی تواند عدم حضور در مسجد و نماز جماعت را توجیه کند؛ مگر عاملی که حقیقاً عذر به حساب آید .

دور بودن از مسجد هم به عنوان عذر عدم حضور در مسجد و جماعت قلمداد نمی شود رسول خدا (ص) اجازه نداد عده ای خانه های خود را بفروشد و نزدیک مسجد اقامت کنند ، این عده عدم

---

«مَنْ خَلَعَ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ قَدَرَ شِبْرَ خَلْعٍ رَبَّقِ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِهِ؛ کسی که از جماعت مسلمین به قدر یک وجب فاصله بگیرد خداوند ریسمان ایمان را از گردن او بر خواهد داشت. [تاکید به اهمیت جماعت در مسلمین]» وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۹۳.

«رَبِّ عَطْلُونِي وَصِيَّعُونِي ؛ خدایا: این ها مرا [ نماز را] تعطیل کردند و ضایع نمودند». بحار الانوار ، ج ۸، ص ۳۶۸.

«فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ ؛ اما پس از آن ها فرزندان ناشایسته ای جای آن ها را گرفتند که نماز را تباه کردند و از شهوات پیروی نمودند».

حضور خود را در مسجد دور بودن خانه خود از اطراف مسجد دانستند و خواستار آن بودند که خانه های خود را بفروشند و در اطراف مسجد خانه بخرند تا امکان حضور در مسجد را داشته باشند. رسول خدا (ص) فروش خانه ها را لازم ندانستند و آنان را از این کار منع فرموده؛ زیرا از منظر آن حضرت، اصولاً دور بودن خانه از مسجد عذر عدم حضور در مسجد حساب نمی شود.<sup>۶۱</sup>

۴. با توجه به معیت و همراهی مسجد و نماز جماعت و اصل نماز؛ نرفتن به مسجد؛ عدم توجه و عدم اهتمام به مسجد و بالتبع بی توجهی به نماز و ضایع کردن آن و نوعی غفلت است<sup>۶۲</sup> و باید از غفلت پرهیز کرد.<sup>۶۳</sup>

با عنایت به این که مسجد دارای شخصیت حقوقی و دارای درک و فهم است؛ در روز قیامت به عنوان یکی از شاکیان مطرح می باشد. شکایت از کسانی که با عدم اهتمام خود به مسجد موجبات عدم رونق، تعطیلی و ضایع کردنش را فراهم کردند.

نماز نیز در روز قیامت با تعبیری مشابه از بی توجهان به نماز شکایت می کند.

۵. نرفتن به مسجد و عدم توجه به این مکان مقدس و عدم اهتمام به نیاز جماعت دارای مجازات های سنگینی است که از لحاظ روحی و روانی طاقت فرساست.

در روایات آمده است که با بی توجهان به مسجد و جماعت معاشرت و رفت و آمد نداشته باشید و با آن ها وصلت و پیوند زناشویی برقرار نکنید.<sup>۶۴</sup>

واضح است چنین مجازات هایی از لحاظ روحی و روانی طاقت فرسا، منزوی کننده و طرد کننده است. چنین افرادی خود را منفور اجتماع می بینند.

واضح است که این گونه مجازات ها فی حد نفسه موضوعیت ندارد، بلکه زمینه ای است تا چنین افرادی برای حضور در اجتماع و مراوده با دیگران و تشکیل زندگی خانوادگی، درصدد رفع مانع برآیند و رفع مانع بدان معناست که با حضور در مسجد و جماعت خود را از چنین مجازات ها و بایکوت هایی برهانند.

---

<sup>۶۱</sup> «فضل الدار القریبة من المسجد علی الشایعه کفضل الغازی علی القاعد؛ فضیلت خانه ای که به مسجد نزدیک است برخانه ای که دور از مسجد است مثل فضیلت جنگجو [د راه خدا] بر غیر جنگجو است». کنز العمال، ج ۸، ص ۲۴۵

<sup>۶۲</sup> «الغفله ترکک المسجد؛ غفلت آن است که مسجد (رفتن) را ترک کنی».

<sup>۶۳</sup> «ولا تکن من الغافلین؛ از غافلین مباش».

<sup>۶۴</sup> «لایعاشرونا ولاینا کخونا؛ [تارکین جماعت]: با معاشرت نمی کنند و با ما ازدواج نمی کنند».

وظیفه مومنین و نمازگزاران است که برگشت و در حقیقت توبه عملی این افراد را با آغوش باز بپذیرند و چنین وانمود کنند که منتظر حضورتان بوده ایم. این افراد نیز وقتی با چنین استقبالی روبه رو شوند، خود به خود بدون احساس سرشکستگی و با امید به بهبود وضعیت حضور در مسجد و جماعت را بر بایکوت روحی و روانی و انزوا و طرد شدگی و از اجتماع ترجیح می دهند.

۶. به رغم این اهتمام به مسجد و نماز جماعت، رعایت حقوق دیگران اقتضا می کند که در صورتی که حضور شخصی به دلایلی (خواسته یا ناخواسته) باعث آزار نمازگزار شود، عدم حضور در مسجد بلامانع تلقی شود؛

مثلاً افرادی که سیر و پیاز خورده اند و یا به دلایل بیماری خاص باعث آزار دیگران می شوند.

۷. تنها در صورتی می توان عدم حضور در مسجد و نماز جماعت را عذر دانست که حضور در مسجد نوعی تکلیف مالایطاق به حساب آید.

مثلاً فاصله مسجد تا منزل شخص به اندازه ای باشد که حضور او در مسجد موجب تعطیلی کسب و کارش گردد و یا محل اقامت فرد فاقد مسجد باشد و از این موارد.

در خصوص حریم مسجد و این که عدم حضور در مسجد تا چه فاصله عدم رغبت به مسجد و عدم اعتنای به آن به حساب می آید، عرفاً شنیده شدن صدای اذان ملاک و معیار است. این نکته در شرایط فعلی که صدای اذان از مسجد با بلندگو پخش می شود و این صدا تا دور دست‌ها شنیده می شود تکلیف سنگین مردم سنگین تر می نماید. به دو دلیل:

**اول:** صدای بلندگو تا دور دست شنیده می شود و طبعاً خانه های بیش تری در شعاع این صدا قرار می گیرند و تکلیف حضور در مسجد و جماعت افراد بیش تری را شامل می شود.

**دوم:** امروزه اصولاً در همه خانه ها و منازل وسیله نقلیه وجود دارد و مردم به راحتی می توانند در مسجد حضور یابند؛ هر چند میان مسجد و منزل افراد فاصله ای طولانی وجود داشته باشد.

بر این اساس، وجود بلندگو و طبعاً شعاع طولانی شنیده شدن صدای اذان، تکلیف حضور در مسجد و نماز جماعت صاحبان خانه ها تا دور دست (تا شعاع رسیدن صدای بلندگو) هم می شود. اما ادای این تکلیف با وجود وسایل نقلیه شخصی و عمومی برای صاحبان منازل دور را از مسجد هم امکان پذیر می گردد.

بر این اساس، اصل اولیه حضور در مسجد و برگزاری این فرضیه به صورت جماعت در مسجد است.<sup>۶۵</sup>

<sup>۶۵</sup>. «الصلاه جامعه؛ نماز به صورت جماعت برگزار می شود».

۸. نماز خواندن در خانه در صورتی که بدون عذر شرعی باشد، نمازی است بی خاصیت. رسول مکرم اسلام (ص) پاداش یک نماز جماعت را برتر از این دانستند که کسی چهل سال نماز در خانه بخواند. جالب توجه این که نماز در خانه اطلاق داشته و نماز جماعت در خانه را هم شامل می‌شود. بر این اساس، اهمیت نماز جماعت در مسجد روشن می‌گردد. البته این پاداش به جماعت، مربوط به نمازهای واجب است. خواندن نمازهای مستحب در منزل پاداش بیش تری دارد.

این گونه تقسیم بندی نوعی اهتمام به ارتقای فضای معنوی خانه‌ها نیز به حساب می‌آید؛ مثلاً در روایات آمده است که خانه‌های خود را با تلاوت قرآن نورانی کنید. برای بهره‌مندی منازل از بهره‌های معنوی نماز، نمازهای مستحبی را می‌توان در منزل ادا کرد (تا فضای خانه نیز از نور نماز بی بهره نماند) و نمازهای واجب را در مسجد و با جماعت اقامه نمود.

### اهمیت نماز جماعت - مسجد

تاخیر انداختن نماز، جهت حضور در نماز جماعت بهتر است از خواندن نماز اول وقت به صورت فرادا؛ هر چند خواندن نماز اول وقت تاکید شده است. همچنین خواندن نماز جماعت در مسجد در غیر اول وقت بر ادای این فرضیه در اول وقت، اما در غیر مسجد اولویت دارد. حضور در مسجد مستحب عینی است، نه واجب کفایی.

نظر شیعه در موضوع مسجد، موافق نظر با اهل سنت است و از لحاظ پاداش، بین پاداش ادای فریضه نماز به جماعت در مساجد اهل سنت و تشیع تفاوتی وجود ندارد؛ اما نکته مهم وجه افتراق میان برخی گروه‌ها با شیعه اثناعشری است.

تفاوت این گروه‌های مثل صوفیه، شیخیه، بهایی‌ها با شیعه اثناعشری در نگرشی است که به مسجد دارند. شیعیان با مسجد ارتباط فراوانی دارند؛ در حالی که سایر فرقه‌های مذکور یا با مسجد بی ارتباطند و با مراکزی همعرض مسجد مرتبط هستند، مثل خانقاه و اصولاً این فرقه‌ها با نماز جماعت و مسجد بیگانه‌اند و نهایتاً تجمعاتی دارند به اسم ضیافت و امثال این‌ها که با فلسفه وجودی نماز جماعت و مسجد فاصله فراوانی دارد.

نکته مهم این که وظیفه ما تقویت مسجد و فلسفه وجودی مسجد، یعنی نماز جماعت است<sup>۶۶</sup>، نه گرایش به سمت و سوی نحله‌ها و فرقه‌هایی که عنوان شد؛ زیرا از رهگذر بی‌اعتنایی

---

۶۶. «انما جعلت الجماعه والاجتماع الی الصلاه...؛ همه جماعت و اجتماع [مسلمین] در نماز قرار داده شد [یعنی: جمع شدن مردم در نماز نیکوست]»، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۹۳.

به مسجد و سبک شمردن این مرکز سهم شیعی، مبنای، اعتقادی سست شده و به دنبال آن گرایش به فرقه‌هایی مثل صوفیه و شیخیه و امثال آن‌ها رواج می‌باید.

حتی شرکت در نماز جماعت اهل سنت هم بر اساس تقیه صورت می‌گیرد؛ در غیر این موارد شیعه وظیفه خاص خود را در نماز جماعت داراست.

از مجموع روایات مربوط به فضیلت حضور در نماز جماعت این نکته روشن می‌گردد که اصولاً نماز جماعت، شرط واقعی و کامل بودن نماز، مصونیت از نفاق، اختصاص پاداش بیش‌تر به نماز و سایر شاخص‌هاست و اصولاً عذری برای عدم حضور در نماز جماعت پذیرفته نیست، مگر این که حضور در نماز جماعت و یا مسیر مسجد برای شخص به گونه‌ای که به عسر و حرج بیفتد و برایش طاقت فرسا باشد و در این میان به نماز صبح و عشا عنایت بیش‌تری شده است.<sup>۶۷</sup>

شخصی خدمت رسول خدا (ص) رسید و گفت: من نابینا هستم و همیشه کسی را پیدا نمی‌کنم که دست مرا بگیرد و به مسجد بیاورد. تکلیف من چیست؟ حضرت فرمودند: رسیمانی از خانه تا مسجد بکش و با کمک آن به نماز جماعت حاضر بشو.<sup>۶۸</sup>

#### ۱. اهمیت نماز اول وقت موضوع بعضی از روایات است و به آن سفارش شده است؛

در عین حال اهمیت نماز جماعت به آن اندازه است که نماز جماعت غیر اول وقت بر نماز فردای اول وقت برتر است و البته هرگاه نماز به جماعت در اول وقت خوانده شود، پاداش دوچندان دارد. تقید به حضور در نماز جماعت و این که تا نماز جماعت وجود دارد، از اقامه نماز به صورت فرادا بپرهیزد، توصیه می‌شود و سفارش می‌گردد.

تجربه نشان داده که تمرین و ممارست بر این کار، نوعی تقید و عادت پسندیده در شخص ایجاد می‌کند، به طوری که انسان به راحتی در نماز جماعت اول وقت مسجد حاضر می‌شود.

---

<sup>۶۷</sup> ۱- «مَنْ صَلَّى الْعَدَاةَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ جَمَاعَةً فَهُوَ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ؛ کسی که نماز صبح و عشاء را به جماعت بخواند او در پناه خداوند است». وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۵۳.

- «مَنْ صَلَّى الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَصَلَاةَ الْعَدَاةِ فِي الْمَسْجِدِ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا أَحْيَا اللَّيْلَ كُلَّهُ؛ کسی که نماز مغرب و عشاء و صبح را در مسجد به جماعت بخواند مثل کسی است که همه شب را [تا صبح] به شب زنده داری گذرانده است». وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۹۵.

- «اللهم السابقون الى المساجد بالاسحار و غيرها يا اباذر! لاتجعلن بيتك قبراً؛ ای اباذر! آگاه باش سبقت جوین کسانی هستند که سحرگاهان [برای نماز صبح] به مسجد روانه می‌شوند و غیر از این افراد [خیری در آن نیست] خانه‌ی خود را قبر قرار نده». اشاره به این که مانند مرده‌ها در خانه ساکت و بی حرکت مباش و به جماعت مسلمین ملحق شو. بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۶۹.

<sup>۶۸</sup> وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۸.

۲. در صورتی که اهتمام به حضور در نماز جماعت به صورت یک فرهنگ فردی و اجتماعی درآید، فرد و جامعه از آثار اقامه این فریضه (نماز) به صورت جماعت، آن هم در مسجد بهره‌مند خواهند شد.

این آثار تا آن اندازه است که می‌تواند در روند زندگی افراد در ابعاد اقتصادی، معنوی، سیاسی و فرهنگی آثاری مقدس ایجاد کند.

براین اساس بایستی شخص حضور در نماز جماعت مسجد را به عنوان یک اصل در اقامه فریضه نماز قرار دهد و خواندن نماز در غیر مسجد را به عنوان یک فرع و ضرورت بنگرد.

### ۳. حضور در نماز جماعت به شیوه‌های مختلف دارای ضمانت اجرا شده است؛

از جمله این که هر گاه کسی سه روز، بدون عذر در نماز جماعت مسجد حاضر نگردد، باید از او کناره‌گرفت. دلیل این مجازات معنوی آن است که چنین شخصی اصولاً نمی‌تواند از شخصیتی معنوی و اصیل قابل اعتماد بهره‌مند باشد.

در صدر اسلام، برای کسانی که عمداً در نماز جماعت مسجد حاضر نمی‌شدند، مجازاتی همچون آتش زدن در خانه مطرح می‌شد. بدیهی است شرایط غریب اسلام در آن زمان و نیاز به تقویت آن، با عدم حضور برخی افراد در نماز غریب‌تر و شکننده‌تر می‌شد.

بر همین مبنا بود که چنین مجازاتی مطرح بود.

آری، مسلمان باید خود را همسو و همخوان با مسجد بداند. مسجد را جزء جدانشدنی زندگی اش بشمارد و حضور در آن را به عنوان یک اصل مهم در زندگی عبادی خود رقم زند.

### اختصار در نماز جماعت

یکی از عوامل خلوت بودن برخی مساجد، طولانی بودن نماز، ذکرها مستحبی، سخنرانی طولانی بین دو نماز و عواملی از این نمونه است.

در شرایطی فعلی که برخی افراد دو شیفت و بعضاً سه شیفت فعالیت روزانه دارند و گرفتاری‌های روزانه، فرصت معتناهی از شبانه روز را به خود اختصاص می‌دهد، مختصر خواندن نماز و عدم اطاله آن پسندیده است و سفارش می‌شود. در صورت اختصار نماز جماعت، از یک سو اقبال مردم حضور در نماز جماعت کاهش نمی‌یابد و از سوی دیگر به کارهای روزمره خود می‌رسند.

در این زمینه چند نکته عنوان می‌گردد:

## ۱. مستحبات دو گونه اند :

**الف:** برخی مستحبات را مستحبات مقارن نماز گویند؛ مانند عطر زدن، ایستادن در هنگام گفتن اقامه و نشستن روی پای چپ و مواردی از این دست.

**ب:** مستحباتی که مربوط به بیان ذکرهای مستحبی در نماز می شود؛ مانند ذکرهای پس از رکوع و سجده و پس از تسبیحات اربعه و از این نمونه.

تقید به مستحبات مقارن پسندیده است و سفارش شده است، زیرا با گرفتن وقت مردم ملازمه ندارد و چیزی از این بابت بر مردم تحمیل نمی شود.

اما مستحبات از نوع دوم را بهتر است برای نماز فرادا داده، زیرا اصولاً تقید به مستحبات از نوع دوم نوعی تحمیل بر مردم به حساب می آید. کشش همه افراد یکسان نیست و صبر و حوصله همه به یک اندازه نمی باشد. بر این اساس، شایسته است که امام مسجد از مستحبات نوع دوم چشم پوشی کند و البته در صورتی که شرایط اقتضا می کند به حداقل این ذکرهای مستحبی بسنده نماید. یکی از این معیارها و شرایط را می توان در نمازهای مختلف در نظر گرفت؛ مثلاً ادای ذکرهای مستحبی در نماز صبح (که کوتاه است) بلامانع می نماید، اما در نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا سفارش نمی شود.<sup>۶۹</sup>

در هر صورت و به عنوان یک اصل کلی، اذکار مستحبی برای نمازهای فرادا توصیه شده و در خصوص نمازهای جماعت آن سفارش نگردیده است.

جالب توجه سفارش رسول مکرم اسلام (ص) به حضرت (ع) است که هنگام اعزام حضرت علی (ع) به یمن، رسول خدا به ایشان فرمود:

با آنها نماز بخوان، همانند نماز ضعیف ترین آنها.

این فرمایش رسول مکرم اسلام، حاوی چند نکته مهم است که از آن جمله خواندن نماز با آنها است که در حقیقت سفارش به اقامه نماز جماعت است.

دیگر این که حضرت سفارش کردند از لحاظ چهار چوب نماز، نماز ضعیف آنها ملاک باشد. ضعیف را می توان ضعیف جسمانی دانست که در این صورت می طلبد نماز مختصر باشد تا حال این افراد رعایت گردد.

نیز می توان ضعیف ایمان باشد؛ که در این صورت نیز باید نماز را مختصر ادا کرد تا کشش روحی مومنان ضعیف الایمان اقتضا کند و این افراد از نماز جماعت گریزان نگردند.

<sup>۶۹</sup> «اخفف الناس الصلاة؛ کسی که نماز [جماعت] را از همه مردم سبک تر [بدون دادن طول] می خواند».

ظرایف و لطیف دیگری هم در فرسایش رسول خدا ملاحظه می شود که مجال پرداختن به آن ها در این مختصر وجود ندارد .

نکته ای که عنوان شد ، در بخشنامه حضرت علی (ع) به کارگزارانش ملاحظه می شود . آن بزرگواران در این خصوص بخش نامه کرد که مانند ضعیف ترین آن ها با آنان نماز بخوانند . جالب توجه این که نماز رسول خدا کوتاه و سبک و در عین حال تام و تمام بوده است .

**۲. سبک و مختصر خواندن نماز و پرهیز از اذکار مستحبی در تشهد و سجده آخر**  
این مورد در حقیقت رعایت حال کسانی است که از رکعت دوم وارد نماز جماعت شده و مجبورند در حالی که امام مشغول خواندن تشهد است ، آنان به صورت تجافی بنشینند و یا کسانی که در رکعت آخر امام ، رکعت غیر آخر نماز آن هاست ، اگر امام از کار مستحبی تشهد و یا سجده آخر را می خواند ، این افراد هم مجبورند ، با امام همراه باشند و چه بسا رعایت حال آن ها نشود .

**۳. اختصار در نماز، اختصار در اقامه را هم شامل می شود .**  
اقامه فضیلت بسیار دارد ، اما می توان جمله های دوگانه را به یک جمله کاهش داد . این شیوه ای است که اهل سنت هم به کار می برند . یا مثلاً اشهدان لا اله الا الله را یک بار می گویند و سایر اذکار اقامه را .

در خصوص سلام پایانی نماز هم یک سلام ( آخرین سلام : السلام علیکم و رحمت الله و برکاته ) کافی است .

این نکته را مقایسه کنید با مواردی که برخی ائمه جماعت نه تنها جمله های اقامه را تمام و کامل ادا می کنند ، بلکه برخی عبارت ها را هم به آن می افزایند .

**۴. اصل در نماز جماعت بر اختصار است و نظر اکثر یا اقل در آن شرط نیست .**  
در حقیقت اگر یک نفر هم به دلیل طولانی شدن نماز در سختی بیفتد و یا به این کار مایل نباشد ، هرگز نظر قریب به اتفاق مردم ملاک قرار نمی گیرد و خواست آن یک نفر بر بقیه مقدم است . خوب است ائمه مساجدی که دنبال مجوزی برای طولانی کردن نماز می گردند ، در نظر بگیرند که چه تعداد از مومنان به دلیل همین طولانی بودن نماز جماعت از مسجد و جماعت گریزان هستند . اگر این نکته را محاسبه می کردند ، بدون هیچ تردیدی نسبت به مختصر خواندن نماز اقدام می کردند .

**۵. اختصار نماز تابعی از برخی شرایط است؛**  
مثل گرم و سرد بودن هوا ، تاریکی و روشنایی ، مثلاً زمانی که برق قطع می شود و وسایل خنک کننده یا روشنایی از کار می افتد .



ترکیب نماز گزاران نیز در این زمینه تعیین کننده است. حضور نوجوانان و کودکان و افراد ضعیف از لحاظ جسمی در نماز، عاملی تعیین کننده در اختصار نماز است. مجموعه نگرانی در اختصار نماز مهم است، نه تمایل گروهی از نمازگزاران مبنی بر اطاله نماز.

### **تعدد نماز جماعت**

وحدت نماز جماعت مبتنی بر فلسفه جماعت و وحدت مسلمین، در ابتدای امر با تعدد آن منافات به نظر می رسد. این امر به صورت برگزاری نماز جماعت متعدد همزمان به هیچ وجه به صلاح نیست؛ زیرا شائبه های مختلفی مبنی بر اختلاف و چند گانه را ایجاد می کند؛ اما مواردی پیش می آید که برخی مراکز امکان برگزاری چند نوبت نماز جماعت را دارند؛ مثلاً تردد مردم در آن جا زیاد است و امکان برگزاری چند نوبت نماز جماعت وجود دارد و یا فضا کوچک است و همه مردم نمی توانند یک نوبت در نماز جماعت شرکت کنند و یا در مساجد بازار، مغازه دار در ساعت نماز جماعت مشتریان متعددی دارد که فروشنده از یک سو مایل است در نماز جماعت شرکت کند و از سویی نمی خواهد مشتریان خود و نیز سود حاصل از آن را از دست بدهد. بدیهی است برگزاری یک نوبت دیگر نماز جماعت مثلاً ۳ ساعت بعد از اذان ظهر مناسب و مطلوب است و هر دو هدف چنین مغازه دارانی که در بازار فراوان دیده می شوند، تامین می گردد.

یا مثلاً نماز جماعت صبح که معمولاً همه افراد مقید نیستند هنگام اذان صبح خود را به برای جماعت صبح آماده کنند؛ چنانچه نماز جماعت متعدد برگزار شود بسیاری از افراد از فیض جماعت صبح بهره مند می شوند. در مجموع، اصل بر نماز جماعت واحد است؛ اما در برخی شرایط به اقتضای محیط و یا نمازگزاران، به شرحی که گذشت برگزاری نماز جماعت متعدد بلامانع است.

در خصوص نماز جماعت متعدد و همزمان، در صورتی که کثرت جمعیت به اندازه ای باشد که نتوان در یک محیط یا در یک نماز جماعت شرکت کرد، برگزاری نماز جماعت همزمان، بلامانع است، خصوصاً زمانی که عرفاً این دو نماز چنان از یکدیگر از لحاظ مکانی متمایز باشند که بتوان اقامه آن را در دو محیط دانست.

## آداب نماز جماعت

۱. تبعیت ماموم از امام مسجد نکته ای مورد تاکید می باشد.  
بر همین مناسبت که از منظر فقها محل اشکال است که ماموم، به ارکان نماز پیش از امام اقدام کند؛ مثلاً قبل از امام به رکوع و سجده برود و سایر موارد. بهتر است ماموم به مدت دو ثانیه بعد از امام ارکان و اذکار نماز را صورت دهد.
۲. مستحب است که مامومین با شنیدن آخرین آیه سوره حمد (ولا الضالین) و قبل از آغاز سوره بعدی، آیه « الحمد لله رب العالمین » را کامل بگویند؛  
مشروط بر این که گفتن این آیه بلافاصله پس از ادای و لا الضالین از سوی امام مسجد باشد و میان ولا الضالین تا آغاز سوره بعد از حمد به اندازه عبارت الحمد لله رب العالمین فاصله باشد و در واقع امام مسجد حدود سه ثانیه میان پایان سوره حمد تا آغاز سوره مکت کند.
۳. گوش دادن ماموم به قرائت امام مسجد واجب است و توصیه می شود از گفتن ذکر در هنگام قرائت امام خودداری شود، حتی اگر ماموم صدای قرائت را نمی شنود. بلندی صدای امام مسجد نیز بایستی عرفی باشد.<sup>۷۰</sup>
۴. مستحب است که امام مسجد هنگام بلند شدن از رکوع و توقف کامل (قبل از سجده) عبارت « سمع الله لمن حمده » و ماموم، عبارت « ربنا لک الحمد » را بگوید<sup>۷۱</sup> و نیز امام مسجد زمان بلند شدن و ایستادن (بعد از دو سجده) عبارت « بحول الله و قوته اقوم و اقعده » و ماموم عبارت « یا حی و یا قیوم » را بگوید.
۵. همان طور که گفته شد، تبعیت ماموم را از امام در اذکار و ارکان نماز ضروری است و این تبعیت به معنی همراهی دقیق نیست، بلکه بهتر است حرکات ماموم به مدت یکی، دو ثانیه بعد از امام صورت بگیرد.  
رعایت این نکته در مورد حرکات ماموم است، مثل رفتن به رکوع و سجده؛ و الا دیرتر یا زودتر گفتن ذکر مانعی ندارد. در عین حال گفتن اذکار بعد از امام توصیه می شود.

<sup>۷۰</sup>. «وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا؛ و نمازت را زیاد بلند، یا زیاد آهسته نخوان». سوره اسراء / ۱۱۰.

<sup>۷۱</sup>. قال الامام: «سمع الله لمن حمده، قال من خلفه ربنا ولك الحمد...؛ امام می گوید: خداوند ندای کسی را که او را ستایش می کند، می شنود و ماموم هم باید بگوید پروردگارا و همانا که همه حمد خاص توست». وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۲۲.

۶. خواندن تعقیبات بعد از نمازها، به نوعی علامت جدیت و بها دادن به نماز است.

زیرا در صورتی که نماز گزار، بلافاصله پس از نماز از جا برخیزد و مسجد را ترک کند، گویی منتظر پایان نماز بوده و آن را در حقیقت تکلیفی ناخواسته عنوان کرده است؛ اما تعقیبات نماز در حکم بدرقه یک مهمان عزیز است و بدون شک بدرقه نشان احترام به مهمان و دعوت مجدد اوست.

در میان تعقیبات نماز، ذکر تسبیح حضرت زهرا<sup>(س)</sup> سفارش اکید شده و آن را ذکر کثیر عنوان کرده اند.

خواندن دعاهای وارده، دعا کردن به هر زبان، دعا برای اصلاح امور مسلمین، تعجیل در ظهور حضرت ولی عصر<sup>(عج)</sup> رفع نیاز حاجتمندان و سایر موارد را می توان از جمله تعقیبات نماز دانست.

۷. بهتر است امام مسجد، پس از گفتن تکبیره الاحرام، لحظه ای توقف کند و سپس با گفتن، بسم الله الرحمن الرحيم سوره حمد را شروع کند.<sup>۷۲</sup> البته امام دست خود را هنگام تکبیره الاحرام بالا می برد.<sup>۷۳</sup>

این مکث کوتاه پس از تکبیره الاحرام باعث می شود تا مامومین قبل از گفتن بسم الله الرحمن الرحيم از سوی امام تکبیره الاحرام بگویند و از فضیلت بسم الله الرحمن الرحيم محروم نشوند. مضافاً این که با گفتن تکبیره الاحرام از سوی امام، بین مامومین هممه ای برای گفتن تکبیره الاحرام شروع می شود که بسم الله الرحمن الرحيم در این هممه گم می شود.

بر این اساس، بهتر است که امام مسجد چند ثانیه بین تکبیر الاحرام و بسم الله ... سوره حمد فاصله بیندازد. در این فاصله امام، می تواند عبارت اعوذ بالله من الشیطان الرجیم را بگوید. فرق میان این که ماموم بتواند قبل از گفتن بسم الله الرحمن الرحيم، از سوی امام، تکبیره الاحرام را بگوید (فضیلت بسم الله را درک کند) با این که نتواند، تفاوت پاداش حج و پاداش عمره است.

---

<sup>۷۲</sup>. موصوف فضیلت بسم الله: «تکبیره یدرکها المؤمن مع الامام خیر له من سنین الف حجه و عمرة؛ تکبیری که مؤمن در همراهی با امام آنرا درک می کند برای او بهتر است از شصت هزار حج و عمره».

<sup>۷۳</sup>. عن علی بن جعفر عن اخیه موسی (بن جعفر) قال: علی الإمام أن یرفع یدیه فی الصلوة و لیس علی غیره أن یرفع یدیه فی التکبیر؛ بر امام واجب است که موقع تکبیر دستانش را در نماز بالا ببرد و بر غیر او لازم نیست که دستانش را موقع تکبیر، بالا ببرد.؛ مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۵۱۲.

۸. نکته مهم در این خصوص آن که بر اساس اعتقاد مفسران شیعه، بسم الله الرحمن الرحيم هر سوره مختص همان سوره است. لذا بایستی برای خواندن سوره ها، اعم از هنگام نماز یا غیر آن بسم الله الرحمن الرحيم را به عنوان بسم الله همان سوره تلاوت نمود. بدین منظور لازم است که گوینده قبل از گفتن بسم الله الرحمن الرحيم از نیت خود بگذراند که بسم الله الرحمن الرحيم فلان سوره (سوره مورد نظر) را می خوانم، نه مطلق بسم الله الرحمن الرحيم را.

### حمد در نماز

بلند خواندن حمد و سوره در نماز صبح و مغرب و عشا واجب و در غیر آن بایستی آن را آهسته خواند. بلند خواندن آیه بسم الله الرحمن الرحيم در سه نماز مذکور واجب در سایر نمازها (ظهر و عصر) مستحب است.

امام مسجد، سایر اذکار نماز (به جز تسبیحات اربعه) را منخیر است بلند یا آهسته بخواند. به نظر می رسد با توجه به ضرورت تمرکز حواس مامومین در نماز بهتر است که امام مسجد، این اذکار را آهسته بخواند؛ به جز دو سلام پایانی نماز (السلام علينا و علی عبادالله الصالحین) و (السلام علیکم و رحمت الله و برکاته) که براساس روایات، بهتر است امام مسجد این دو سلام را بلندتر از معمول بخواند تا به نوعی پایان نماز اعلام شود.

نکته ای که باید به آن توجه کرد این است که گاهی اوقات استمرار در آهسته خواندن موجب عدم روح شور و نشاط در مسجد می شود. در این مواقع امام مسجد، بنا به تشخیص خودش می تواند به صورتی که حالت جهر و بلند خوانی پیش نیاید، اذکار نماز را بلندتر از معمول بخواند؛ اما باید توجه کرد که اصل در مسجد بر سکوت و تمرکز حواس است و مضافاً این که وقتی امام مسجد، اذکار نماز را بلند می خواند، عموم نمازگزاران، خصوصاً کسانی که قدری وسواس دارند، به ناچار آن اذکار را بلند می خوانند و با این مساله تمرکز آن ها را از دست می رود.

شاید بتوان در این خصوص بین نماز صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشا قائل به تفکیک شد. چندان دور نیست اگر بپذیریم که بهتر است بلند خوانی و ایجاد شور و نشاط و طراوت در نماز صبح بیش تر مورد توجه باشد تا مغرب و عشا.

در عین حال تشخیص و سلیقه امام مسجد در این زمینه میتواند راهنما و راهگشا باشد.

### صفوف جماعت

در صفوف جماعت، مومنان همدلی هستند که با هماهنگی رو به سوی خدا دارند و موحدانی هستند که اخلاص و بندگی شان سرمایه آن هاست. خداوند به این مومنان با نظر مخصوص می نگرد و ملائک به آن ها لبخند می زنند.

چند نکته در این زمینه قابل دقت است .

۱. فشردگی افراد در صفوف جماعت بیش از تعداد صف ها مورد نظر است ، زیرا این فشردگی نشانه همدلی است ، نه صفوف خلوتی که حداکثر ، فاصله میان مامومین وجود دارد . البته در شرایطی که امکان اتصال به بخش خانم ها وجود ندارد ، به ناچار باید صفوف به تعدادی تشکیل شوند که امکان اتصال ایجاد شود و ممکن است جمعیت صفوف کم نشان داده شود . مومنین نیز بایستی برای نشستن دیگران در صفوف جا باز کنند .<sup>۷۴</sup>
۲. پاداش نماز در صف اول بسیار زیاد است و در روایات صادره از رسول خدا (ص) و امام علی (ع) به آن اشاره شده است .

بر اساس روایتی از معصوم، نماز در صف اول ، همچون خط مقدم جبهه است . بر این اساس ، تا زمانی که صف اول تکمیل نشده است ، بهتر است صفوف بعدی تشکیل نشوند؛ ضمن این که بهتر است اهل علم ، مومنان وارسته و کسانی که سن و سالی از آن ها گذشته و مشتریان مستمر مسجد هستند ، در صف اول بایستند و البته این وظیفه دیگران است که زمینه حضور این افراد را در صف اول فراهم کنند؛ نه این که مومنان خود به ایستادن در صف اول چانه زنی نمایند .<sup>۷۵</sup>

---

<sup>۷۴</sup> . «إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّخُوا فِي الْمَجَالِسِ فَأَفْسَخُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ؛ زمانی که به شما گفته می شود: مجالس را وسعت بخشید [و به تازه واردها جا دهید] برای آن ها جا باز کنید خداوند [بهشت را] برای شما وسعت خواهد بخشید». مجادله، آیه ۱۱ .  
<sup>۷۵</sup> . امام باقر (ع) : «يَنْبَغِي أَنْ تَكُونَ الصُّفُوفُ تَامَةً مُتَوَاصِلَةً؛ لازم است که صفوف جماعت کامل و به هم پیوسته باشد». کافی ، ج ۳ ، ص ۳۸۵ .

– «أَقْلُ مَا يَكُونُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ الْقِتْلَةِ مَرَبِضٌ عَنَزٍ وَكَثْرُ مَا يَكُونُ مَرَبِضٌ فَرَسٌ؛ کم ترین فاصله بین دو صف به اندازه خوابیدن بز و بیشترین فاصله به اندازه خوابیدن اسب است». وسائل الشیعه ، ج ۵ ، ص ۱۲۷ .  
– پیامبر اسلام (ص) : «سَوُّوا بَيْنَ صُفُوفِكُمْ وَ مَاذُوا بَيْنَ مَنَاكِبِكُمْ لَا يَسْتَحُوذُ عَلَيْكُمُ الشَّيْطَانُ؛ صف ها صاف ، شانه ها بهم چسبیده و بین پاها به اندازه عرض شانه ها ، باز باشد». وسائل الشیعه ، ج ۸ ، ص ۴۲ .  
– «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى مَيَامِنِ الصُّفُوفِ؛ همانا خداوند و ملائکه بر افراد سمت راست صفوف درود می فرستند. احکام المساجد ، ج ۲ ، ص ۱۲۹ .

– من علی علیه السلام : «أَفْضَلُ الصُّفُوفِ أَوَّلُهَا وَهُوَ صَفُّ الْمَلَائِكَةِ وَ أَفْضَلُ الْمَقَدِّمِ مَيَامِنُ الْإِمَامِ؛ برترین صف ، صف اول است که آن صف فرشتگان است و در صف اول ، برتری با افراد سمت راست امام است». مستدرک الوسائل ، ج ۶ ، ص ۴۶۰ .  
– عن النبی (ص) : «لَوْ يَغْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْأَذَانِ وَالصَّفِّ الْأَوَّلِ ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلَّا أَنْ يَسْتَهْمُوا عَلَيْهِ لَفَعَلُوا؛ از نبی مکرم (ص)؛ چنانچه مردم می دانستند چه [برکاتی] در اذان و صف اول [جماعت] است دنبال امری نبودند مگر این که اهتمام می کردند فقط آنرا انجام دهند». مستدرک الوسائل ، ج ۴ ، ص ۲۰ .

۳. الزامی نیست که صفوف از پشت سر امام مسجد تشکیل شود ، بلکه از سمت راست و چپ امام هم می توان صف تشکیل داد (با اندکی جلوتر ایستادن امام).

در این صورت خواندن نماز در سمت راست برتر از نماز خواندن در سمت چپ اوست . حتی یک نفر هم می تواند در سمت راست یا چپ امام بایستد . پاداش نماز در سمت راست بیش از سمت چپ امام است .

۴. می توان با یک نفر هم صف تشکیل داد ، اما این کار قدری از فلسفه جماعت می کاهد . لذا از این کار بایستی پرهیز کرد .

۵. وسایلی مثل کیف ، کت ، کفش ، بسته های مختلف و اقلام گوناگون را می توان در جلو صف قرار داد.

اصولاً فاصله بین دو صف باید به اندازه ای باشد که چنین اجازه ای بدهد . از گذاشتن این اقلام بین دو نفر ( پهلوی نمازگزار ) و محل سجده باید پرهیز کرد . به عنوان یک توصیه بهتر است از بردن اجناس به داخل مسجد پرهیز کرد . در صورتی اضطرار می توان به نحوی که گفته شد عمل کرد .

۶. فاصله میان دو صف جماعت باید به اندازه ای باشد که آزادانه بتوان رکوع و سجده را به جا آورد.

بدین منظور توصیه می شود در مساجد شلوغ نمازگزاران به صورت فشرده در کنار یکدیگر قرارگیرند، نه این که بر تعداد صفوف افزوده شود.

در عین حال به عنوان یک معیار که در روایات آمده است :

کم ترین فاصله بین دو صف به اندازه خوابیدن یک گوسفند معمولی ( حدود ۷۰ سانتی متر ) و بیش ترین آن نباید بیش از خوابیدن یک انسان ( ۱/۵ متر ) باشد .

زیرا در صورت اول ، اعمال نماز به سختی صورت می پذیرد و در صورت دوم صفوف عرفاً متصل به حساب نمی آیند .

در مجموع نباید فاصله صفوف جماعت آن اندازه باشد که عرفاً گفته شود صفوف به یکدیگر متصل نیستند .

۷. صفوف باید مرتب و منظم باشد و لازمه این نظم ، منظم ایستادن نمازگزاران است؛

بدین منظور بایستی شانه ها به موزات یکدیگر (وحتی چسبیده) باشد و پنجه های پای نمازگزاران به اندازه عرض شانه باز باشد (درخصوص بانوان پنجه ها به هم چسبیده باشد) معیار در رعایت نظم و تساوی صفوف، صاف بودن و موازی بودن بدن هاست، نه محل استقرار مهر،

زیرا آنچه صف گفته می‌شود، هنگام نشستن و ایستادن است که شانه‌ها تعیین کننده هستند (نه هنگام سجده).

۸. از جمله عوامل مزاحمت برای نماز گزاران و برهم زنده نظم مسجد، حرکت نماز گزاران بین صفوف است (اعم از ابتدای نماز و یا در وسط و یا در پایان نماز).

بهتر است اگر کسی قصد آن دارد که قبل از اتمام نماز، مسجد را ترک کند، محلی برای خواندن نماز انتخاب نماید که کم‌ترین فاصله را با درب خروجی مسجد دارد. یکی از دلایل وجود فاصله بین دو صف آن است که در این گونه مواقع، مزاحمت کم‌تری احساس شود.

اگر کسی چاق است و دارای شکم، بایستی به گونه‌ای بایستد که شکم او صف را از موازی بودن خارج نکند (قدری عقب‌تر بایستد) البته نه به اندازه‌ای عقب بایستد که رکوع و سجده فرد ایستاده در صف عقب، به سختی صورت گیرد.

قابل ذکر است که اهل سنت نسبت به تسویه و مساوی بودن صفوف جماعت توجه و اهتمام بیش‌تری دارند تا اتصال آن. برای آن‌ها همین نظم مهم است، نه اتصال صفوف و نظم طولی.

۹. باتوجه به ضرورت اتصال صفوف و اتصال نمازگزاران به یکدیگر، این فاصله در حد یک طفل نابالغ بلامانع است.

لذا در صورتی که اطفال نابالغ به مسجد می‌آیند باید چیش و ایستادن آن‌ها به گونه‌ای باشد که این اطفال، بین مامومین بالغ بایستند و از ایستادن بیش‌تر از یک نفر آنها بین نمازگزاران پرهیز شود.

۱۰. مردان هنگام خواندن نماز دست‌ها را روی ران‌ها بگذارند و به موضع سجده بنگرند.

زنان دست‌ها را بغل ران‌ها گذاشته، محل سجده را نگاه کنند؛

شاید دلیل استحباب نگریستن به محل سجده آن باشد که در حال سجده انسان نزدیک‌ترین موضع را نسبت به پروردگار دارد. لذا نگریستن به موضع سجده، گویای آن است که تقرب انسان به خدا باید در تیررس و چشم انداز زندگی اش باشد.

۱۱. تسبیحات حضرت زهرا<sup>(س)</sup> را با تسبیح بگوید تا دچار وسواس نگردد. فشار بدن روی پای چپ باشد. (اعم از حال تشهد و یا لحظه‌ای که بین دو سجده و پایان سجده دوم می‌نشیند).

۱۲. از پوشیدن لباس تنگ و خفکان‌آور، بستن محکم کمربند، شال و کلاه سفت و... پرهیزید. ضمناً از در آوردن شلوار رو و نماز خواندن با زیر شلواری چنان که عادت برخی افراد است، پرهیز نماید.

چنان که با لباس معمولی نمی‌تواند به راحتی نماز بخواند، می‌تواند لباس رو را بیرون آورد و با پوشیدن یک عبا به راحتی نماز بخواند. در این صورت حیا و عفت بیش‌تر رعایت می‌گردد.

## فضیلت اذان و موذن

اذان به معنای اعلام وقت ملاقات با خداست و اذن ورود به این حریم است؛ حریمی که فرد اجازه یافته در قالب عبارات عرشی نماز با خدا راز و نیاز و نجوا کند.

اذان اعلام این باور عام، اجازه و حضور در محضر خداست و موذن کسی است که این اجازه را که از پروردگارش صادر شده است، به مردم اعلام می‌کند.

پس اذان اذن ورود است، به موذن اعلام کننده این مجوز:

در این خصوص چند نکته قابل طرح و تأمل است:

۱. اذان از نظر رسول خدا (ص) نور است<sup>۷۶</sup> و اعلام وقت ملاقات با پروردگار عالمیان. هنگام اذان گفتن نباید صحبت کرد. گفت و گو در وقت اذان نوعی بی احترامی به اذان است و براساس روایت، موجب لال شدن در وقت جان دادن است. اذان گفتن از چنان پاداشی برخوردار است که در برخی روایات در حد جهاد عنوان گردیده است.<sup>۷۷</sup>

۲. ملاقات با خداوند سبب دوری شیطان از انسان می‌گردد.

چون اذان، اعلام فرارسیدن این وقت ملاقات است، طبعاً شیطان از ورود این وقت ملاقات در ناراحتی قرار می‌گیرد و از سویی شیطان به اندازه رسیدن صدای موذن، از حریم مسجد و نمازگزار دور می‌شود؛ لذا بهتر این که صدای اذان تا دور دست‌ها طنین افکند.

۳. اذان نماد نماز است و نماز علم و بیرق اسلام و شعاع رسیدن صدان اذان، گویای همسایگی با مسجد می‌باشد.<sup>۷۸</sup>

بر این اساس هر چه صدای اذان رساتر و زیبا تر باشد، در حقیقت اسلام در شکلی خاص بهتر و زیباتر طنین انداز شده؛ لذا سفارش گردیده است که موذن خوش صدا باشد، برخلاف بسیاری از مساجد که متأسفانه از افراد بد صدا و پیرمرد (که دارای صدای رسا نیستند) جهت گفتن اذان استفاده می‌شود. در این زمینه حکایتی که سعدی مطرح کرده، شنیدنی است.

<sup>۷۶</sup> رسول خدا (ص): «یا علی اذن نور است». بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۱۵۴.

<sup>۷۷</sup> پیامبر اکرم (ص): «اذان گویی که به خاطر اذان بگویند، مانند کسی است که در راه خدا شمشیرش را از غلاف بیرون می‌آورد و بین دو صف (کفر و اسلام) جنگ می‌کند».

رسول اکرم (ص): «سه کار است که اگر امت من پادشاه عظیم آن را درک می‌کردند، برای به دست آوردن آن، ازدحام و قرعه کشی می‌نمودند: ۱- اذان گفتن، ۲- تسریع در رفتن به نماز جمعه، ۳- در صف اول نماز جمعه و جماعت قرار گرفتن». بحارالانوار ج ۸۴، ص ۱۵۶.

<sup>۷۸</sup> «و من جارّ المسجد؟ قال: من سمع النداء؛ [پرسیده شده] چه کسی همسایه مسجد است؟ [امام] فرمود: کسی که صدای اذان را بشنود». کنز العمال، ج ۸، ص ۲۵۴.



۴. در روایات آمده است که موذن در قیامت بلند قامت تر از سایر افراد وارد محشر می‌شود<sup>۷۹</sup> و بدون حساب و کتاب وارد بهشت می‌گردد.

موذن از اختیار شفاعت در قیامت بهره مند است. وجودش نورانی‌تر از سایرین خواهد بود و در مجموع اذان گفتن برای او امتیازی است که آثار و برکات آن در قیامت مشخص می‌گردد.

۵. سفارش شده که موذن پس از اتمام اذان دعا کند<sup>۸۰</sup> و مردم آمین بگویند. دعا برای رفع حوادث غیر مترقبه، رفع مفسدات امر مسلمانان و سایر دعاها.

سلیقه موذن در این زمینه تعیین کننده است؛ زیرا بین اذان و اقامه در مظان استجاب است و چه بهتر که دعا در این هنگام عمومیت داشته، تا از ثمره استجاب آن عموم جامعه بهره مند گردند.

۶. جایگاه و اهمیت مسجد اقتضا می‌کند که هرگاه از مسجد اذان پخش می‌شود، از مکان‌های دیگر اذان گفته نشود تا مسجد از این منظر هم شاخص گردد.

بدیهی است که جایی که مسجد وجود ندارد، یا فاصله آن مکان تا مسجد آن قدر زیاد است که صدای اذان شنیده نمی‌شود، گفتن اذان مناسب و پسندیده است.

۷. موذن همچون امام مسجد، دارای حق و حقوقی برعهده نمازگزاران و اهالی حریم مسجد است و بایستی در صورت نیاز اجرت او را تامین کنند.

اگر کسی اجرت او را نپرداخت و یا اهالی نتوانستند حق الزحمه او را تامین کنند، حاکم شرع بایستی نسبت به تامین اجرت او اقدام کند.

البته در شرایطی که موذن، اصولاً سرایدار هم می‌باشد، تعیین اجرت او بر اساس سرایداری محمل بهتری غیر از اذان خواهد داشت (در واقع پرداخت حق الزحمه او به عنوان سرایداری و خدمتکاری مسجد خواهد بود، نه به عنوان موذن مسجد).

در عین حال؛ چنانچه کسی به عنوان موذن مطرح شد، بایستی در صورت مطالبه، اهالی و یا حاکم شرع اجرتی را به او بپردازند. جالب توجه این که در مورد اجرت امامت مسجد نکته‌ای در این زمینه عنوان نشده است.

<sup>۷۹</sup> امام صادق علیه السلام فرمودند: «گردن‌فرازترین مردم در روز قیامت اذان‌گویان هستند».

<sup>۸۰</sup> رسول خدا (ص): «دعا بین اذان و اقامه رد نمی‌شود». شهاب‌الاخیار ص ۴۴.

۸. با توجه به این که موذن در گذر زمان شناخته می شود و به نوعی مورد احترام واقع می گردد، مردم او را الگو و اسوه به حساب می آورند.

گویی مردم از دست اندرکاران مسجد (از امام مسجد تا اعضای هیات امناء و موذن و خدمتگزار و واقف و نماینده واقف و سایر دست اندرکاران) انتظار دارند که عملکرد و گفتارشان الگو و اسوه باشد، زیرا مردم آن ها را به مسجد منتسب می دانند و نمی پذیرند از کسانی که به مسجد منتسب هستند، حرکت و گفتار خلاف عرف و خلاف دین سر بزنند.

بدون شک امام مسجد و موذن در این زمینه شاخص تر از بقیه هستند. لذا این دو بایستی بیش از دیگران مواظب حرکات و گفتار و رفتار خود باشند. چه در تعامل با دیگر نمازگزاران و چه در تعامل با اهالی محل و در خرید و فروش و سایر اقدامات.

جالب توجه این که امام مسجد، اهل مسجد را در قالب نماز جماعت به خدا دعوت می کند؛ ولی موذن همه مردم محل را (تا شعاع رسیدن صدای خودش) به نماز فرا می خواند. پس نقش او در فراخوانی مردم به نماز جماعت بیش از امام مسجد است.

۹. وظیفه موذن مسجد به گفتن اذان خلاصه نمی شود، خواندن تعقیبات نماز، دعاهای مواقع خاص مثل ماه رجب، شعبان، رمضان و سایر مواقع نیز عموماً بر عهده او قرار می گیرد.

البته الزامی نیست که موذن خواندن این دعاها را هم بر عهده بگیرد و می توان خواندن این دعاها بر عهده دیگر مامومین تقسیم شود؛ اما اذان بر عهده موذن تنها قرار بگیرد، مگر در مواقع مسافرت موذن و مریضی او و سایر مواقعی که مانعی در کار باشد.

نکته آخر این که گفتن اذان در منزل نیز سفارش شده است!<sup>۸۱</sup> و در مسافرت نیز می توان به صورت شکسته اذان گفت.<sup>۸۲</sup>

### آسیب شناسی اذان

اذان مانند نمازهای جماعت در طول زمان حواشی مختلفی پیدا کرده که لازم است اذان از این حواشی پیراسته گردد، تا هم از لحاظ زمان، کمتر به طول انجامد و هم باعث آزار نگردد.

<sup>۸۱</sup>. تاثیر گفتن اذان در خانه: سلیمان جعفری می گوید: از امام (ع) شنیدم که فرمود: «در خانه خویش اذان بگو، تا شیطان از آنجا بگریزد و کودکان نیز به آن ذکر آشنا شوند». الکافی، ج ۳، ص ۳۱۱.

<sup>۸۲</sup>. عن ابی جعفر: «الاذانُ يُقَصَّرُ فِي السَّفَرِ كَمَا تُقَصَّرُ الصَّلَاةُ». از امام باقر علیه السلام نقل شده است: همان طور که در سفر نماز شکسته می شود، اذان هم شکسته می شود [مسافر، اذان نگوید]. وسایل الشیعه، ج ۵، ص ۴۴.

## چند نکته در این خصوص :

۱. لازم نیست بین فقرات اذان مناجات یا گفتارهای حاشیه ای صورت بگیرد . بایستی به آنچه بندهای اذان گفته می شود و در رساله های عملیه آمده است ، اکتفا گردد .  
برخی مودنان به سلیقه خود چیزهایی را به اذان می افزایند که به هیچ وجه به صلاح نیست .  
وظیفه امام مسجد است که این نکته را به مودنان گوشزد نماید .  
این نکته (اکتفا به بندهای اذان ) از آن جهت اهمیت دارد که معمولاً اذان از بلندگو پخش می شود ( و تنها چیزی که لازم است از بیرون مسجد شنیده شود صدای اذان است ) لذا این احتمال دارد که برخی افراد از شنیدن صدای بلندگو به سختی بیفتند. در صورتی که به بندهای اذان اکتفا گردد ، اذان زمان چندانی نمی برد که آزار و اذیتی به دنبال داشته باشد. آنچه معمولاً آزار دهنده است، اطاله زمان اذان است که آن همه به خاطر حواشی و بندهای اضافه شده به اذان می باشد، نه بندهای اصلی اذان .

براین اساس ، هر گاه اذان بدون حواشی و بندهای اضافی و مقدمات و موخرات و مناجات باشد؛ اصولاً آزار کسی را به دنبال ندارد و کسی حق اعتراض نخواهد داشت ، زیرا اساساً این مقدار اندک ( بندهای اصلی اذان ) فراخوان مومنان به مسجد و نماز جماعت تلقی می گردد و حداقل ضرورت دینی جامعه به حساب می آید ؛ و الا جامعه اسلامی با یک جامعه لائیک تفاوتی نخواهد داشت .

۲. برخی مودنان، اذان را طول می دهند و این باعث گذشتن وقت نماز (از اول وقت) شده، مردمی که در انتظار نماز جماعت هستند، به گفت و گو با یکدیگر می پردازند و این حالت توهین به اذان است.

لذا توصیه می گردد که به حواشی اذان پرداخته نشود و بین فقرات اذان فاصله ایجاد نگردد تا نماز اول وقت به تاخیر نیفتد . مضافاً این که در روایات به دو اذان اشاره نشده ؛ لذا توصیه می شود که یک اذان زنده پخش شود .

۳. دلیلی قاطع وجود ندارد که بین نماز اذان گفته شود.

این نکته علاوه بر این که مشتمل بر دلیل متقن نیست ، موجب وهن اذان است؛ زیرا نمازگزاران در انتظار نمازند و بایکدیگر در حال حرف زدن.

۴. جمله های اذان متکلم وحده است، لذا چنانچه همه نمازگزاران فقرات اذان را زمزمه کنند، بهتر از همخوانی است ( زیرا لازمه همخوانی متکلم مع الغیر است).

۵. وقتی اذان و اقامه مسجد گفته می شود، اذان و اقامه از کسی که پس از اتمام جماعت وارد مسجد می شود و قصد خواندن نماز دارد، ساقط می شود (پاداش اذان و اقامه را هم داراست)

برخلاف مورد کسی که در غیر مسجد می خواهد نماز بخواند که اذان و اقامه را باید بخواند (در صورتی که قصد بهره مندی از ثواب اذان و اقامه را دارد) در واقع فقرات اذان گرچه متکلم وحده است، وقتی در مسجد از سوی موذن خوانده شود، از دیگران کفایت می کند.

۶. بهتر است به احترام اذان و نماز، وقتی که اذان گفته می شود، مردم رو به قبله نشسته باشند و در انتظار نماز باشند.

این حالت هم احترام به اذان است و هم اشتیاق به نماز. نیز لازم است امام مسجد، به احترام اذان، تا زمانی که اذان نماز نشده است، نشسته باشد و با اتمام اذان بایستد و اقامه بگوید.

۷. نمازگزاران به احترام اذان هنگام اذان از تردد خودداری کنند و از مسجد خارج نشوند. مومنان به نحوی حضور خود را در مسجد برنامه ریزی کنند که هنگام اذان، در مسجد حضور داشته و صفوف نماز را مرتب کنند. در واقع قبل از اذان در مسجد حضور یافته باشند.<sup>۸۳</sup>

### بایسته ها

موذن به دلیل انتساب به مسجد نماز و به دلیل این که مردم را به خواندن نماز فرا می خواند، لازم است دارای ویژگی هایی باشد و از برخی صفات مبرا.

دلیل آن این است که اصولاً موذن و امام مسجد پیش از سایر مسوولان مسجد زیر نظرند و می توانند الگو قرار بگیرند؛ همان طور که حرکات زنده آنها هم اثر منفی بیش تری دارد. بر این اساس:

---

<sup>۸۳</sup>. «السَّابِقُ مَنْ دَخَلَ الْمَسْجِدَ قَبْلَ الْإِذَانِ وَالظَّالِمُ مَنْ دَخَلَهُ بَعْدَ الْإِقَامَةِ؛ سابق کسی است که قبل از گفتن اذان وارد مسجد شود و ظالم کسی است که بعد از گفتن اقامه وارد مسجد شود». مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۳۴.

۱. لازم است موذن مسجد خوشنام ، خوش سابقه ، و خوش لباس ، خوش صوت و از لحاظ ظاهر آراسته باشد .
۲. موذن باید خود بیش از دیگران به نماز جماعت اهتمام داشته باشد ؛ در غیر این صورت اذان او برای نماز کافی نیست .
۳. بهتر است موذن غیر از امام مسجد باشد تا مسوولیت ها به نوعی تقسیم گردیده، بهره خط معنوی نماز و حواشی آن ( از جمله اذان ) افراد زیادتری را شامل شود و کار مسجد از انحصار یک نفر خارج گردد .
۴. حتی الامکان اذان حلقومی گفته شود ، لذا کسی موذن باشد که صدای رسایی دارد تا صدای او بدون بلندگو هم شعاع وسیعی را پوشش دهد.
- بدین منظور موذن باید در جایی بایستد که اولاً مزاحم همسایه های مسجد نباشد ، ثانیاً چیزی مانع رسیدن و رسایی صدای او نگردد .
۵. بهتر است موذن در حالی که رو به قبله ایستاده و یک دست را کنار گوش خود گذاشته است ، اذان بگوید .
۶. اذان را باید بدون تاخیر از وقت شرعی گفت : لذا اگر موذن به هر دلیل تاخیر کرده ، دیگری باید اذان بگوید، تا نماز از اول وقت به تاخیر نیفتند .
۷. وقتی موذن اذان را شروع کرد، تا شعاعی که صدای او می رسد، کسی حق گفتن اذان ندارد.
- این کار بر وحدت موضوع اذان دلالت می کند . در نماز جماعت هم همین نکته ساری و جاری است ، یعنی با شروع نماز جماعت، نمی توان جماعت دیگری اقامه کرد، مگر با فاصله ای که عرفاً دو محیط به حساب آید.
۸. در هر حال موذن باید نسبت به فقرات و عبارات اذان تعبد داشته باشد.
- چیزی به اذان اضافه نکند، میان نظرات و عبارات آن نکته ای نگوید و هنگام شهادت به رسالت حضرت ختمی مرتبت بلند صلوات نفرستد.
۹. با توجه به این که اذان وقت مشخصی دارد، لذا در صورت فاصله میان اذان و نماز جماعت، صدای اذان نماز نباید در بیرون مسجد شنیده شود؛
- زیرا در صورت وجود فاصله میان اذان مغرب و نماز جماعت در صورت شنیده شدن صدای اذان نماز جماعت از بیرون مسجد ، برخی ممکن است این اذان را با اذان مغرب اشتباه بگیرند .

البته در برخی موارد، مثل ماه مبارک رمضان که ممکن است دو نماز مغرب و عشا (یکی قبل از افطار و یکی بعد از آن) خوانده شود، در این صورت پخش صدای اذان در غیر وقت خود (برای نماز مغرب و عشا) خارج از مسجد بلامانع است.

۱۰. اذان نماز با اذان غیر نماز متفاوت است.

اذان نماز بایستی با صدای بلند خوانده شود، زیرا نوعی فراخوان برای اقامه نماز است؛ اما اذان غیر نماز مثل اذان و اقامه در گوش نوزاد یا اذان برای رفع خلق ناپسند یا اذان برای رفع درد و ترس، بایستی آهسته گفته شود.

۱۱. ایجاد فاصله عرفی و طمانینه بین فقرات اذان مناسب است،

اما در برخی مواقع مثل ماه مبارک رمضان خصوصاً زمانی که قبل از افطار نماز جماعت می‌شود، بایستی بین عبارات های اذان حداقل فاصله ایجاد شود.

۱۲. بهتر است موذن ثابت باشد؛

زیرا اصولاً موذن دارای ویژگی‌هایی است که او را به این رتبه رسانده و همگان از این ویژگی‌ها بهره مند نیستند.

در زمان رسول مکرّم اسلام، امام جماعت تعویض می‌شد (مانند ابن ام مکتوم) ولی موذن (بلال حبشی) ثابت بود.

۱۳. موذن بایستی درک موقعیت زمانی داشته باشد و اذان خود را برای هر حاکمیتی صرف نکند، چنان که بلاد حبشی پس از رحلت رسول خدا اذان نگفت؛ زیرا اصولاً اذان گفتن به نوعی اعلام مقبولیت حاکمیت در گستره اجتماع به حساب می‌آید.

## اقامه

اقامه پس از اذان گفته می‌شود و حد فاصل میان اذان و نماز جماعت یا نماز فراداست. عبارت اقامه همان عبارات اذان است با اندکی اختلاف که مومنان با آن آشنا هستند. براقامه پاداشی مترتب است که در روایات به آن اشاره شده است.

## چند نکته در خصوص اقامه :

۱. برای موذن شرایطی است که به آن‌ها اشاره شد؛ اما برای اقامه‌گو، این شرایط لازم نیست؛ لذا کودکان نیز می‌توانند اقامه بگویند. بهتر است اقامه به نوجوانان واگذار شود تا زمینه حضور بیشتر آنان در مسجد فراهم گردد.

۲. نمازگزاران بایستی هنگام خواندن اقامه رو به قبله بنشینند و حالت انتظار اقامه نماز را داشته باشند و از سخن گفتن پرهیزند و این حالت نوعی آمادگی آنان برای اقامه نماز و اهمیت دادن به اقامه و نماز است.

بی تردید سکوت آن‌ها هنگام اقامه، موجب تمرکز حواس و حضور قلب آنان در وقت نماز خواهد بود؛ همان‌طور که صحبت آن‌ها در وقت اقامه، موجب تشتت خاطر آنان هنگام اقامه نماز می‌شود و حضور قلب آنان را از بین می‌برد.

۳. دعا کردن بین اذان اقامه سفارش شده است و از جمله مواردی که دعا در مظان استجاب است دعای میان اذان و اقامه است. دعا بعد از اقامه وارد نشده است.

۴. اقامه با صدای بلند و رسا (همچون اذان) لازم نیست و بلاشکال است چنانچه کسانی اقامه را نشنوند.

۵. هنگام اقامه باید احترام نگه داشت و نباید از مسجد خارج شد.

۶. همان‌طور که بهتر است موذن غیر از امام مسجد باشد، این نکته در مورد اقامه هم جاری و جاری است؛

زیرا در خصوص امام مسجد آنچه لازم است شنیدن اذان و اقامه است، تا پس از اتمام اقامه، نماز شروع کند و شرط نیست که امام مسجد اذان و اقامه را بگوید. البته در شرایطی که لازم می‌شود امام مسجد اذان و اقامه را بگوید، این کار بلا اشکال است.

۷. بهتر است در طول اقامه سخنی گفته نشود، به سمتی تمایل صورت نگیرد و پس از آن بلافاصله نماز شروع شود.

لذا اگر امام مسجد بین اقامه یا در پایان آن سخنی گفت و یا به سمتی انحراف پیدا کرد، به طوری که عرفاً گسستگی بین عبارات اقامه حادث گردید؛ بهتر است اقامه تکرار شود. تنها سخنی که می‌توان پس از اقامه بر زبان آورد زمانی است که امام راتب حضور نداشته باشد و بخواهند کسی را به امامت به جلو فراخوانند.

۸. تاخیر در اذان و اقامه صلاح نیست، حتی اگر امام جماعت دیر به مسجد بیاید، نبایستی گفتن اذان و اقامه را تا حضور امام به تعویق انداخت.

### مکبر

با توجه به این که لازم است نمازگزاران فواصل حرکات نماز را در جریان باشند تا متابعت از امام مسجد صورت بگیرد، در صورت لزوم استفاده از مکبر جهت اعلام حرکات امام امری ضروری است.

البته امروزه، با استفاده از میکروفون ها سینه ای که به یقه امام مسجد نصب می کنند، مامومین حرکات امام مسجد آگاه می شوند و یا در جاهایی که جمعیت نمازگزاران اندک است، صدای امام مسجد کفایت می کند؛ در عین حال در برخی جاها که امکان صوتی نیست و یا جمعیت فراوان است، حضور مکبر امری است ضروری.

در این زمینه چند نکته قابل ذکر است:

۱. مکبر از میان جوانان و یا نوجوانان خوش صدای اهل مسجد باشد، نه کودکان یا نوجوانانی از بیرون مسجد.

در حقیقت خود مکبر اهل نماز جماعت باشد، نه این که وظیفه او فقط مکبری باشد. در صورت وجود چند مکبر نوجوان در مسجد، تا هم در نماز شرکت می کنند و هم به صورت نوبتی وظیفه مکبری را صورت می دهند.

۲. مکبر باید ممیز باشد تا هم نماز بخواند و هم از نماز و فواصل و ارکان آن اطلاع داشته باشد.

۳. مکبر بایستی آموزش لازم را دیده باشد و عبارت مربوط به شروع یا ختم هر رکن را متناسب عنوان کند.

مثلا اعلام قنوت را با عبارت «لا اله الا الله الحکیم الکریم» و یا اعلام تشهد را با «الحمد لله» و یا قیام را با عبارت «یا حی و یا قیوم». این واژه ها تغییر نکند و همیشه رویه ای یکنواخت و آهنگی یکسان داشته باشد.

همچنین این آموزش را داشته باشد که تکبیرها و اذکار مربوط را قبل از امام مسجد ادا کند، نه بعد از آن؛ زیرا ادای عبارت بعد از امام مسجد، تکرار است و بیهوده؛ مگر این که واقعا صدای امام مسجد به گوش مامومین نرسد.



۴. اصل در مسجد بر سکوت است؛ لذا اگر جایی نیاز نیست، مکبر از بلندگو استفاده نکند و حتی در صورتی که صدای معمولی مکبر به مامومین می رسد، از صدای بلند پرهیز کند.

۵. در قدیم مکبر به آن صورت که امروزه در مساجد وجود دارد، وجود نداشت و مکبر به صورت امروزی پیشینه چندانی دارد.

در گذشته معمولاً کسی از نمازگزاران در جایی بالاتر از بقیه به نماز می ایستاد و ضمناً حرکات امام را می نگرست و بلندتر از دیگران تکبیر می گفت. بدین طریق، دیگران از فواصل نماز و رکوع و سجود و سایر ارکان آگاه می شدند. امروزه این کار به صورت مجزای نماز جماعت صورت می گیرد و یک نفر که (خود معمولاً بین دو نماز به صورت فرادا نماز می خواند) وظیفه مکبری را انجام میدهد و حتی بدون این که بلندگو نیاز باشد با بلندگو مکبری می کند. در این صورت بروز صدای ناهنجار در محوطه مسجد اجتناب ناپذیر است.

### مردم و مسجد و اهل مسجد

اقبال و روی آوری مردم به مسجد - به رغم تبلیغات منفی در این زمینه - گویای آن است که فرهنگ و مبانی معنویت مسجد با وجود افراد سرشته است.<sup>۸۴</sup> مردم به ویژه مومنان به مسجد علاقه مند هستند<sup>۸۵</sup> و برنامه ها و آموزه های آن را به دلیل قداست این مکان می پذیرند. در حقیقت اعتماد مردم به مسجد، اعتماد به آموزه ها و برنامه های آن را به دنبال دارد. در عین حال:

۱. بدان گونه که از رسانه های جمعی انتظار می رود، تبلیغات مربوط به مسجد در آن ها مشاهده نمی گردد.

اگر این رسانه ها خصوصاً صدا و سیما به عنوان دانشگاه عمومی مردم به مسجد فرا می خواندند، عملکرد آن ها مورد رضای خدا و در جهت تقویت مبانی دینی و فرهنگی اجتماعی بود و در نهایت محبوبیت آن ها را به دنبال داشت؛ اما در این خصوص از آن ها قصور و تقصیر مشاهده می شود و در این زمینه عملکردی قابل قبول از آن ها ملاحظه نمی گردد. اگر هم احیاناً برنامه ای با معرفی و یا با محوریت یک مسجد در آن مشاهده گردد، نه از بعد تاثیر گذاری مسجد و رونق آن ها و نه چندان به انگیزه ترویج این مکان مقدس است، بلکه از زاویه بررسی تاریخی

<sup>۸۴</sup>. «فیه رجالٌ یحبون ان یتظهروا؛ در آن مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند».

<sup>۸۵</sup>. «المؤمن فی المسجد کالسَّمک فی الماء و قبله یتعلقُ بالمسجد؛ مومن در مسجد مثل ماهی در آب در حالی که قلب مومن متعلق به مسجد است».

و احیاناً انگیزه‌هایی از این دست می‌باشد. در یک نگاه کلی از رسانه‌های جمعی و خصوصاً صدا و سیما در خصوص مسجد به معنای وسیع کلمه بیش از این انتظار می‌رود.

۲. به رغم تبلیغات منفی مربوط به دین مبانی و طرح قرائت‌های مختلف از آموزه‌های نبی، مسلمانان در مفهوم مسجد و قداست این مکان الاهی، اتفاق نظر دارند.

هیچ فرقه یا گروهی را پیدا نمی‌کنید که دیدگاه آن در مورد مسجد با گروه دیگر صد در صد متضاد باشد (هر چند در میزان اعتقادات آن‌ها به مسجد نوساناتی ملاحظه می‌شود).

این دیدگاه مشترک اقتضا می‌کند که به این مکان مقدس توجهی ویژه صورت بگیرد. به عبارت دیگر، وظیفه حاکمیت اسلامی و به ویژه رسانه‌های جمعی آن است که از این مکان مقدس جهت تبیین مبانی دینی و ترویج مسائل فرهنگی و معنوی بهره بگیرند، در واقع از اقبال مردم به این مکان مقدس استفاده کرده در جهت تقویت مبانی دینی مردم بکوشند.

جالب توجه این که هر گاه به آموزه‌های سایر ادیان بنگریم، کتاب پیامبرانی مانند حضرت ابراهیم (ع) که دارای مسجد بوده‌اند، از تحریف مصونیت یافته است. در حقیقت طرح آموزه‌های این دین در مسجد، و نقش ارزشمند مسجد در آموزه‌ها و ترویج تعالیم آن، باعث مصونیت دین آن‌ها از تحریف در گذر زمان شده است.

۳. تردد در مساجد و حضور در آن، در حقیقت از جمله اماره پای بندی عملی افراد به اسلام است و متضمن گمان خیر به این افراد می‌باشد.<sup>۸۶</sup>

اصولاً گفتار و رفتار کسانی که از مسجد می‌گریزند و یا نسبت به این مکان مقدس بی تفاوت هستند، بر افراط و تفریط مبتنی است.

حضور در مسجد را می‌توان معیاری کامل و اساسی در منطقی بودن گفتار و رفتار افراد به حساب آورد و از این رهگذر صلاح و صواب عملکرد آنان را مورد ارزیابی قرار داد. مسجد را در یک نگاه کلی می‌توان معیار درستی یا نادرستی عملکرد قرار داد.

این مهم اقتضائاتی دارد از جمله این که امام مسجد عمده وجهه همت خود را از امامت مسجد قرار دهد و از پراکنده کاری پرهیز کند. در حقیقت پتانسیل و کارایی مسجد این نکته را می‌طلبد

---

<sup>۸۶</sup> «مَنْ آخْتَادَ إِلَى الْمَسْجِدِ فَاشْهَدُوا لَهُ بِكُلِّ خَيْرٍ؛ کسی که عادت به مسجد رفتن کند، پس به هر نیکی برای او شهادت دهید».

- «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ يَخْتَادُ الْمَسَاجِدَ فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْإِيمَانِ؛ اگر دیدید کسی عادت به رفتن به مساجد دارد شهادت به ایمان او دهید». مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲.

- همچنین رسول خدا (ص) فرمودند: «إِذَا سَأَلْتَ عَمَّنْ لَا يَشْهَدُ الْجَمَاعَةَ» فقل: الاعرفه؛ وقتی از تو درباره کسی که اهل نماز جماعت نیست، سؤال شد؛ بگو او را نمی‌شناسم» وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۵۱.

که همچنان تعیین کننده باقی بماند و این در گرو آن است که امام مسجد تمام همت خود را مصروف رونق و کارآیی مسجد نماید .

در غیر این صورت، این احتمال وجود دارد که تقدس مسجد زیر سوال برود؛ مسجد مانند سایر مراکز فرهنگی قلمداد گردد؛ عملکرد و رویکردهای آن با معیارهای غیر مسجدی سنجیده شود و این برای مساجد آفتی بزرگ محسوب می شوند .

در حقیقت، شایسته است که عملکرد مراکز فرهنگی و دینی با رویکرد و با محور قرار گفتن مسجد سنجیده شود، نه این که مسجد واحد و یا مرکزی همعرض سایر مراکز قلمداد گردد .

۴. تاریخ پیامبران نشان می دهد که حضور و خدمت آنان در مسجد رویکردی افتخار آمیز برای زندگی آنان به حساب آمده است . قرآن کریم به این موارد اشاره کرده است .

### **ورود به مسجد**

مسجد به عنوان مکان مقدس در میان مسلمانان مطرح است و طبعاً ورود به آن مشتمل بر آدابی است که برخی میان همه فرقه ها و نجله های اسلام مشترک است .

قرآن کریم دستور داده است که در هر مسجد زینت خود را همراه داشته باشیم . در یک نگاه کلی ، آداب ورود به مسجد از آداب ورود به حرم رسول خدا (ص) و ائمه اطهار بالاتر است ؛ زیرا اعتبار هر مکان به اعتبار صاحب آن است و صاحب مسجد خداست .

از سوی دیگر ، این آداب تا حدودی تابع شرایط زمانی و مکانی است و براین اساس در حال حاضر که تهاجم به مسجد به شکل های گوناگون فرهنگی و فکری در جریان است ، احترام به مسجد و رعایت آدابی خاص برای ورود به آن بیش از گذشته موضوعیت پیدا می کند .

در هر صورت ، برخی از آداب ورود به مسجد و حضور در آن به هیچ وجه تابع شرایط زمانی و مکانی نیستند و برخی دیگر را می توان تابع شرایط زمانی و مکانی دانست .

اهم بایسته های ورود به مسجد و حضور در آن در فتاوا و رساله های عملیه مراجع معظم تقلید آمده است .

### **چند نکته قابل ذکر است :**

۱. مستحب است به محض ورود به مسجد و قبل از نشستن در آن و یا نهادن چیزی در

مسجد ، دو رکعت نماز تحیت مسجد بخوانند .

این دو رکعت احترام به مسجد است و در واقع گویای آن است که مسجد دارای موجودیتی است حقوقی و واجب الاحترام . البته نماز تحیت هنگامی که نمازجماعت در جریان است و یا خطبه نماز جمعه در حال ایراد است ، ساقط می گردد.

۲. چنان که کسی دو رکعت نماز به نیت بانی یا واقف مسجد به جای آورد و پاداش آن را به نیت بانی یا واقف اختصاص دهد، پسندیده است.
۳. وقتی کسی وارد مسجد می شود و قصد نشستن در کنار کسی دارد، فرد قبلی نباید به احترام از جای برخیزد، اما جابه جا شدن اندک، بلامانع است.
- علت عدم لزوم این کار آن است که وقتی کسی از جا بلند شود، نوعی، بی احترامی به مسجد قلمداد می گردد؛ همچون کسی که در محضر یک شخصیت عالی مقام نشسته باشد، طبعاً با ورود دیگران، به احترام آن ها از جا برنخواهد خاست.
۴. گرفتن جا در مسجد امر پسندیده ای نیست و کراهت دارد، مگر در موارد ضروری.
- در عین حال اگر کسی جایی در مسجد نشان کرد و مهر یا کتاب یا چیزی گذاشت، آن جا حق او محسوب می شود؛ ولی تا زمان شروع نماز. به محض شروع اقامه نماز این حق از او ساقط می گردد و می توان به جای او نشست. به هر صورت، کسی حق ندارد، جای دیگری را در مسجد، بگیرد، این کار در حکم غصب جای اوست.
۵. مستحب است که مؤمنان برای کسانی که وارد مسجد می شوند، فضای نماز ایجاد کنند. گویا خداوند هم این گونه، معامله خواهد کرد. این نکته مبتنی بر فرمایش قرآن است.

## اهل مسجد

«اهل مسجد» عبارت زیبا و دلپسندی است. کسی که مشتاق مسجد است و مسجد را عامل حیات معنوی خود می داند، همچون آب برای ماهی.

از جمله دستاوردهای طبیعی و قهری مسجد، پیدا کردن دوستان خوب و مومنی است که مسجد با تمام مفاهیم معنوی آن، شاکله شخصیتی این دوستان را شکل می دهد.

در صورتی که رابطه میان دو یا چند نفر بر اساس مسجد و ماهیت مسجد شکل گرفته باشد، هیچ چیز نمی تواند به این دوستی خللی وارد سازد. اهل مسجد در بسیاری از روایات مورد تمجید قرار گرفته اند.<sup>۸۷</sup>

<sup>۸۷</sup>. امام صادق (ع) انسان های مسجدی را از برترین و برگزیدگان جامعه معرفی نموده است. انسان مسجدی اهل بهشت است: پیامبر (ص) در حدیثی «آنان را که به ندای مؤذنین پاسخ گویند و به سوی مسجد می شتابند از اهل بهشت معرفی کرده اند». بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۱۵۴.

۱- «قال رسول الله (ص): سبعة يظلهم الله في ظله الا ظله: امام عادل و شاب نشا في عبادة الله عزوجل ورجل قلبه بالمسجد اذا خرج منه حتى يعود اليه؛ هفت گروه در قیامت مورد توجه و لطف خداوند متعال قرار می گیرند: امام عادل

اصولاً روابط میان افراد غیر مومن بر اساس ملاحظاتی است که مادیات و چشم و هم چشمی و رقابت های کاذب آن را سمت و سو می دهد و پر واضح است که میان اهالی مسجد چنین روابطی وجود نخواهد داشت، بلکه روابط میان آن ها بر اساس صفا و صداقت و خلوص و یکرنگی است. اهالی مسجد که رفاقت آن ها خالصانه شکل گرفته است، در مسائل و معضلات زندگی کمک کار یکدیگر خواهند بود.<sup>۸۸</sup> همدلانه مشکلات یکدیگر را حل خواهند کرد و به تعبیر قرآن رفقای یکدیگر هستند<sup>۸۹</sup> و از دو برادر به یکدیگر نزدیک تر خواهند بود. چه بسا دو برادر که زبان حال یکدیگر را درک نمی کنند؛ اما دو رفیق مسجدی که بر اساس داشتن نقطه مشترک، یعنی مسجد، از دو برادر به یکدیگر نزدیک تر رفتار می کنند. آنان مورد غبطه در گذشتگان هستند<sup>۹۰</sup> و همنشین فرشتگان.<sup>۹۱</sup>

البته دستاوردهای تعامل اهل مسجد فراتر از این هاست و اگر همین یک مورد را هم در نظر بگیریم، حقیقتاً دستاورد نیکو و ارزشمندی است.

بر این اساس، پس از دستاوردهای معنوی مسجد مانند نماز جماعت و در واقع لقای خدا، پیدا کردن دوستان باب و همدل و خالص، دستاورد نیکوی مسجد خواهد بود که کسانی اصولاً از این دوستی ها بهره معنوی می برند که طعم این دوستی ها و تعاملات مبتنی بر مسجد را در ذائقه داشته باشند.

---

و جوانی که از عبادت خداوند عزوجل شاداب شود شخصی که وقتی از مسجد خارج شود تا زمان برگشت توجه اش به مسجد باشد.»

۲- خانه بهشتی پاداش اهل مسجد :

قال رسول الله (ص) «من كان القرآن خديته و المسجد بيته بنى الله تعالى له بيتا في الجنة ؛ کسی که کلام و ذکرش قرائت قرآن باشد و مسجد خانه اش خداوند متعال خانه ای در بهشت برایش مهیا می سازد».

<sup>۸۸</sup> . «تعاونوا على البرِّ و التَّقوى ولا تعاونوا على الإثمِّ و العُدوان ... ؛ همواره در راه نیکی و پرهیزکاری به یکدیگر کمک کنید و هرگز در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید». مانده ، آیه ۲.

ای اهل خرد فریب کاری نکنید                      ما را ز خدا و دین فراری نکنید  
فرموده حق است که یکدیگر را                      جز در ره نیک و خیر یاری نکنید.

<sup>۸۹</sup> . «وَحَسَنَ أَوْلِيَاكَ رَفِيقًا ؛ آنها چه رفقای خوبی هستند».

<sup>۹۰</sup> . «ما مِنْ يَوْمٍ إِلَّا وَ مَلَكٌ يُنَادِي فِي الْمَقَابِرِ مَنْ تَغْبِطُونَ فَيَقُولُونَ أَهْلَ الْمَسَاجِدِ ؛ هیچ روزی نیست مگر این که مَلَكی در قبرستان ها خطاب به مردگان فریاد می زند: به چه کسی غبطه می خورید؟ جواب می دهند: به اهل مساجد». مستدرک الوسائل ، ج ۳، ص ۳۰۲.

<sup>۹۱</sup> . «الملائكة جلسائهم ؛ فرشتگان همنشینان آن ها هستند».

در این زمینه هم چند نکته قابل ذکر است:

۱. مومنان بدانند که دوستی و ارتباط مبتنی بر مسجد، از قداست ذاتی مسجد ناشی شده است.

قدر این ارتباط دوستی را باید دانست و ضمناً به این نکته باید توجه کرد که هر دوستی و ارتباطی در گذر زمان دستخوش تحول خواهد شد؛ طبعاً دوستی پایدار در گرو ارتباط متقابل است. انتظارات فراتر از معقول، دوستی ها را هرچند خالصانه و عمیق خدشه دار می سازد. بر این اساس، هرچه به خود می پسندند، به دیگران هم پسندند و هر آنچه بر خود اکراه دارند، نسبت به دیگران هم ناپسند بدانند. در این صورت است که دوستی ها در گذر زمان پایدار می ماند و روز به روز بر رونق آن افزوده می شود.

۲. همه مومنان و حتی امام مسجد بایستی در امور خیر پیشقدم باشند و به یکدیگر استفاده برسانند.<sup>۹۲</sup>

امور مسجد و آنچه لازمه اداره آن است به همدلی و همکاری نیاز دارد و هیچ کس در این امور استثناء نیست. این همکاری که مصداق بارز تعاون در برّ و نیکی است، لازمه اداره امور مسجد است؛ حتی در دعا کردن نیز جمع مورد نظر باشد.<sup>۹۳</sup>

البته در این میان نبایستی نقش امام مسجد را به عنوان ولی مسجد نادیده گرفت و او را همچون یکی از اعضا حساب آورد. نقش او را در نظارت بر امور باید محفوظ نگه داشت. برخلاف مساجد اهل سنت که اصولاً ارتباط افراد با یکدیگر رنگ غریبانه ای دارد و امام مسجد یکی از اعضای معمول به حساب می آید.

بر این اساس، ضمن این که نباید امام مسجد امتیاز ویژه ای در امور برای خود بطلبد، نمازگزاران بایستی نقش او را به عنوان ناظر و ولی مسجد حفظ کنند، احترام او را به نحو شایسته داشته باشند و نظر او را به عنوان فصل الخطاب در امور بپذیرند.

۳. از دیگر دستاوردهای تعامل اهل مسجد، کشف مغزهای متفکر و استعدادهای گوناگون است.

در مسجد افراد مختلفی تردد می کنند، از حوزوی و دانشگاهی و بازاری و کارگر و کارمند و هنرمند و سایر صنوف.

<sup>۹۲</sup> . اخا مستفاداً فی الله؛ برادر دینی که در راه خدا به دیگران استفاده می رساند.

<sup>۹۳</sup> . عن النبی (ص) من صلّی بقومٍ فاخصّ نفسه بالدعاء دونهم فقد خانهم...؛ کسی که با قومی نماز بخواند و فقط خود را دعا کند به آنان خیانت کرده است. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۰۶.

هر کسی نیز دارای استعدادی است و از آن جا که محور همه این ها و محور تمامی این تجمعات «مسجد» به معنای واقعی کلمه است، لذا همدلی و وفاداری شاکله واقعی این افراد (به رغم تعلق به گروه ها و اصناف مختلف) است.

اهل مسجد به وطن خویش نیز که با آن علاقه عاطفی دارند، وفادار خواهند ماند. از کشور و آب و خاک خویش که مسجد نیز جزئی از آن است دفاع می کنند و در حقیقت حاکمیت بیگانگان را به هیچ وجه بر خود ترجیح نمی دهند.

تجربه نشان داده است اصولاً کسانی که مسجد و مبانی فرهنگی و دینی مسجد، شاکله آن ها را ساخته و پرداخته است، در دفاع از مرزهای جغرافیایی و اعتقادی کشور پا بر جا تر از دیگران هستند و استعداد خود را صرف بیگانگان نمی کنند. آنان درّ دری را در پای خوکان نمی ریزند و سنگ دیگران را به سینه نمی زنند.

۴. اهل مسجد کسی است که زندگی را بدون مسجد نمی خواهد.

نه تنها برای ادای فریضه به مسجد می آید، بلکه اصولاً محیط مسجد را فضایی روح بخش و دل انگیز برای خود می داند.

۵. اهالی مسجد مومنان هستند که با هنجارهایی یکسان و آمال و آرزوهای معنوی به یک هدف دل باخته اند و آن رضای خداست.

۶. حضور در مسجد را مایه تفریح خود می شمرند و نسبت به ادای نمازهای روزانه به جماعت مقیدند.

آنها چون جمعیتی معتنابه را در مسجد ببینند شوق و شغف آن ها را فرا می گیرد و همچون ماهی که در آب، لذت حیات می جوید، حیات آنان به مسجد وابسته است.

۷. اهل مسجد نه تنها خود حضور در مسجد را مقیدند، بلکه دیگران را هم به مسجد دعوت می کنند.

آنها قبل از همه، فرزندان، همسر، اقوام و بستگان خود را به مسجد دعوت می کنند و مسجد را از منزل خود برتر می دانند.

۸. از منظر اهل مسجد، صرف کردن بهترین اوقات آن ها، لحظه ها و دقایقی است که در مسجد به سر می برند.

از نظر آنها شعار «حی علی خیر العمل» گویای آن است که نماز بهترین کار است و این کار در مسجد تحقق می یابد. پس ساعات حضور آنان در مسجد، بهترین ساعات حیات آن هاست؛ زیرا در این ساعات بهترین کارها (نماز) صورت می گیرد.

۹. اهل مسجد زائر خدا هستند<sup>۹۴</sup> و حضور در مسجد را توفیق الاهی می دانند.

چون هر توفیق به شرایطی نیاز دارد؛ هر گاه توفیق حضور در مسجد پیدا می کند، قبل از هر چیز سجده شکر به جا می آورند و خدا را بر این توفیق سپاس می گویند.

۱۰. از منظر اهل مسجد، مسجد دارای شخصیتی معنوی و حقیقی و ذی شعور است. اهل خود را بر می گزینند و نسبت به احترامی که به او گذاشته شود، آگاه است.

به همین دلیل هنگام ورود به مسجد دو رکعت نماز به عنوان تحیت و احترام مسجد به جای می آورند، به علاوه از اقدامی که نوعاً بی احترامی به مسجد حساب شود، پرهیز می کنند و اقدامی که احترام به مسجد محسوب می شود، به جا می آورند، مثلاً بوسه زدن بر در مسجد امر پسندیده ای است که احترام خانه خدا قلمداد می گردد.

۱۱. اهل مسجد، نه تنها به خود مسجد احترام می گذارند، بلکه به تبع مسجد به کسانی که در خدمت مسجد هستند، احترام می گذارند؛ از امام مسجد و اعضای هیأت امناء و سرایدار و مؤذن و خادم و سایر دست اندرکاران.

۱۲. اهل مسجد، معتقدند که به مسجد خانه امن الاهی و در واقع مأمن است و نه تنها برای ادای فریضه نماز در مسجد حاضر می شود که در بحران ها هم به مسجد پناه می برند.<sup>۹۵</sup> چون به مأمن الاهی پناه برده اند از هیچ چیز جز خدا پروا ندارند.<sup>۹۶</sup> و مبتنی بر پیام قرآن، مسجد را محل تزکیه و پاک شدن از آلودگی می دانند. اهل مسجد، پس از مسافرت ابتدا به مسجد می روند و سپس به خانه خود می روند. حضور در مسجد را بر خواب صبحگاهی ترجیح می دهند<sup>۹۷</sup> و در واقع هیچ عاملی آنان را از حضور در مسجد مانع نمی شود. با مساجد الفت دارند و خداوند هم با آنان الفت دارد.<sup>۹۸</sup>

<sup>۹۴</sup>. «اهل المسجد زوّارُ الله؛ اهل مسجد زائرین خدا هستند».

<sup>۹۵</sup>. «الذین یاوونَ إلی مساجدی؛ کسانی که به مساجد من (خدا) پناه می برند». مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۱.

<sup>۹۶</sup>. «ولا یخشون الا الله [از هیچ کسی] نمی ترسند مگر از خدا».

<sup>۹۷</sup>. «ألا بشر المشائین فی الظلمات إلی المساجد بالنور الساطع یوم القیامة؛ آگاه باش! کسانی که در ظلمات [شب] به سوی مساجد می روند را به نوری درخشان در قیامت بشارت بده». مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳.

«الاهم السابقون إلی المساجد بالأسحار و غیرها یا ابادر لاتنجلن بیتیك قبرا؛ آگاه باش ایشان سبقت گیرندگان مساجد هستند در سحرها و غیر آن ای ابوذر همانا خانه ات را قبر [کسالت و سستی] قرار نده». بحار ج ۸۰، ص ۳۶۹.

<sup>۹۸</sup>. «من ألفت المساجد ألفت الله؛ کسانی که با مساجد الفت داشته باشند خداوند با آنها الفت خواهد داشت».



۱۳. - از منظر اهل مسجد، حضور در مسجد موجب آبادانی آخرت آنان است و مسجد را یکی از شهادت دهندگان در قیامت می دانند.

آنها معتقدند که مسجد از کسانی که با عدم حضور خود موجب کم رونقی آن شدند، شکایت می کند و به همین دلیل در جای جای مسجد نماز می گذارند تا در روز قیامت چندین جای نسبت به نماز آنان شهادت دهند و نیز در مساجد متعدد نماز می خوانند تا مساجد شهادت دهنده متعدد باشند.

۱۴. هیچ چیز مانع حضور اهالی مسجد در مسجد نمی شود.

رسول مکرم اسلام<sup>(ص)</sup> که خود کامل ترین و شایسته ترین مصداق اهل مسجد بودن است، با وجود بیماری در مسجد حضور می یافت و امیر مومنان<sup>(ع)</sup> با این که می دانست در شب ۱۹ رمضان چه واقعه ای در شرف تکوین است، رفتن به مسجد را ترک نکرد. مرد نابینا که به دلیل نابینایی عذر حضور در مسجد می خواست، با مخالفت رسول خدا<sup>(ص)</sup> روبه رو شد و حضرت فرمود که از منزل تا مسجد طنابی بکشد و با کمک طناب در مسجد حضور یابد.

برخی بزرگان می گفتند: هر گاه ما در آمدن به مسجد تأخیر داشتیم، تابوتی جهت حمل جنازه ما به در منزل بیاورید. کنایه از این که تنها مرگ می تواند عامل عدم حضور ما در مسجد باشد. این همه اهتمام را مقایسه کنید با برخی ائمه مساجد یا برخی نمازگزاران که اندک بهانه ای سد راه حضور آنان در مسجد می شود. فاصله را ببین که از کجاست تا به کجا!

۱۵. اهل مسجد، با بوی خوش و پای راست وارد مسجد می شوند و در مسجد به احترام این مکان، مقداری آرام و ساکت می نشینند، با اهل مسجد متواضع و آرام و خوش گفتارند، به راحتی با مومنان الفت می گیرند و از انزوا و دوری از جمع مومنان می پرهیزند.

آنها معتقدند تا زمانی که در مسجد نشسته اند در حال عبادت هستند، مگر این که غیبت و گناهی از آنان سر بزند که طبعاً مراقبند از آنان گناهی رخ ندهد تا در عبادت و بندگی آنان رخنه ای پیش نیاید. با دیگران تعامل نیکو دارند، اهل مشورتند و به همین دلیل، الگوی خانواده و بستگان و اهل محل به حساب می آیند. آنان از طریق عبودیت و بندگی، لطف خدا را در سرسرای زندگی خریداری می کنند و این لطف الهی را سایه سار زندگی کرده اند. به همین دلیل اگر لغزشی هم از آنان سر بزند، فرشتگان الهی به دو دست دعایشان می دارند و البته فرشتگان الهی مأموران خداوندند و مجاری سنت های پروردگار.

۱۶. آموزه های مسجد اعم از احکام و اعتقادات و اخلاقیات و سایر معارف را آویزه گوش می کنند و این تعالیم را در زندگی به کار می برند و از بیانات مسوولان مسجد، خصوصاً امام

مسجد استفاده می کنند و در جهت ازدیاد مبانی دینی مورد استفاده خود می دهند و توصیه های مسجد را به خانواده نیز منتقل می کنند.

۱۷. از دیدگاه اهل مسجد، مسجد بازارچه ای است که در آنجا تجارت آخرت صورت می گیرد.

مسجد هر چند فضایی در این عالم خاک اشغال کرده است، بازارچه آخرت است و بر این باورند که مهر ازدواج با حورالعین نظافت مسجد است و تلاش می کند به هر گونه در امر نظافت و عمران مساجد سهمی ولو اندک داشته باشد.

۱۸. حضور اهل مسجد، در مسجد جزء جدانشدنی زندگی آن ها و تجلی سنت رسول خداست<sup>۹۹</sup>.

این حضور برای آنان و به عنوان یک عادت پسندیده، اما آگاهانه و با معرفت درآمده است. این عادت در تمام زوایا زندگی آن ها روح الاهی دمیده است و با اتمام هر نماز، منتظرند با شنیدن صدای اذان، دوباره به مسجد هجوم ببرند. وقتی به سوی مسجد می روند مشتاقند و با هیجان و اشتیاق گام بر می دارند و زمانی که از مسجد خارج می شوند، مانند کسی است که از دوستی عزیز خداحافظی کرده است. به آرامی و به انتظار دیدار مجدد مفارقت می کند.

۱۹. در خانه وضو می گیرند و در مسجد نماز می خوانند<sup>۱۰۰</sup>. گویی پاداش وضو را سهم خانه می دانند. از دیدگاه آنان، خانه هم باید از نماز بهره ای داشته باشد.

۲۰. - اهل مسجد کارهای خود را به گونه ای تنظیم می کنند که هیچ امری مانع حضور آنان در مسجد نشود.

بیع و تجارت، هر چند سودآور، مانع رفتن آن ها به مسجد نمی گردد. مردم به عنوان افراد عادل به آن ها نگاه می کنند و حضور خود را در مسجد توفیق الاهی و محبت پروردگار می دانند.

۲۱. اهل مسجد، قرار و مدار خود را مسجد قرار می دهند.

در حقیقت امور خود را از لحاظ زمانی و مکانی با مسجد و بخش های آن هماهنگ می کنند. چنان که معراج رسول مکرم اسلام از مسجد الحرام تا مسجد الاقصی و از آن جا تا اوج آسمان ها بود و تا به آن جا اوج گرفت که تنها رسول خدا توانست حضور یابد و جبرئیل امین را نیز امکان

---

<sup>۹۹</sup>. «لیس علی من مات علی السنّه و الجماعه عذاب القبر؛ کسی که بر سنت [پیامبر] و جماعت مسلمانان بمیرد عذاب قبر ندارد». مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۴۴.

<sup>۱۰۰</sup>. «طوبی لعبد تَوْضاً فی بَیتِهِ ثم زَارَتِی فی بَیتِی؛ خوش به حال کسی که در خانه خود وضو بگیرد و سپس مرا [خدا] را [در خانه ام زیارت کند]». بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۱۴.

حضور نبود. گویی هر گاه سیری از مسجد شروع شود، معراج را به دنبال دارد و البته شکل کامل این سیر را می توان در معراج رسول خدا (ص) ملاحظه کرد و شکل ضعیف آن برای سایر مؤمنان (به فراخور معرفت) امکان پذیر است. اهل مسجد زیارت کنندگان و مشتاقان لقای خدا و در حقیقت مهمان خدا هستند و خداوند میزبان و امام مسجد به عنوان نماینده صاحب خانه مأمور پذیرایی از مهمان. خداوند خود نسبت به اکرام مهمان فرمان داده است و مهمان نزد میزبان محترم است.

۲۲. اهل مسجد پرهیزکارند و مسجد منزل واقعی آنان است و در میان فامیل به صورت ویژه ای به آن ها نگاه می شود<sup>۱۱</sup> و متقابلاً انتظار ویژه ای از آن ها می رود، گویی به صورت طبیعی الگو و اسوه شده اند.

۲۳. اهل مسجد از گناه دورند و این ویژگی متقین است؛

آنها به این هم اکتفا نمی کنند، بلکه از امور شبهه ناک شبیه هم پرهیز دارند که این ویژگی اهل ورع و پارسایان است. به احکام الاهی آشنایند، احکام نماز، مقدمات و مقارنات نماز و ارکان و آداب نماز را آگاهند.

۲۴. مسجد را سنگر می دانند و خود را سنگربان.

آنان خدمت به این سنگر را خدمت به حریم الاهی و ولایت دانسته و این خدمت را موجب افتخار می دانند؛ همان طور که افتخار انبیا، خدمتگزاری به مسجد بوده است. داخل این سنگر، خود را از شیطان بیش از زمانی که بیرون از سنگرند، مصون می دانند و بر این باورند که دسترسی آنان به بهشت تابع علاقه آنان به مسجد و ورود آنان به این مکان مقدس است.

۲۵. علاقه آنان به مسجد، موجب عبور راحت آنان از صراط می گردد<sup>۱۲</sup>.

آنان پرچمدار اهل بهشت هستند و علاقه به مسجد، علاقه و محبت آنان را به خدا رقم زده و چون خداوند را دوست می دارند، خداوند نیز آنان را دوست خواهد داشت. با خدا انس دارند و خداوند نیز با آنان مأنوس است. مرهون رحمت خدا هستند و منزلگاه رحمت و لطف الاهی و فرودگاه ملائک. آنان همنشین انبیا و ملائک هستند. خدا از آنان راضی است و آنان هم از خدا راضی اند و این رضایت، رابطه میان آنان با خدا را رقم زده است.

---

<sup>۱۱</sup>. «لَا يَأْتِي الْمَسْجِدَ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ إِلَّا وَافِدًا وَمِنْ كُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا نَجِيْبًا»؛ از هر قبیله ای فقط با شرافت های آنها به مسجد می روند و از هر خانه ای فقط افراد نجیب آن خانه [به مسجد می روند]». مستدرک الوسائل ج ۳، ص ۳۶۲.

<sup>۱۲</sup>. «مَنْ حَافِظًا عَلَى الْجَمَاعَةِ جَبْمًا كَانَ مَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ كَالْبُرْقِ الْخَاطِفِ اللَّامِعِ فِي أَوَّلِ زَمْرَةٍ مَعَ السَّابِقِينَ وَوَجْهَهُ اضْوَأُ أَمْنَالِقَمَرٍ لَيْلَةَ الْبَدْرِ»؛ کسی که مواظبت بر نماز جماعت داشته باشد بر پل صراط همچون برق روشنی گذرد و در زمره سابقین است و صورتش روشن تر از ماه شب بدر است». وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۷.

## ۲۶. اهل مسجد، اهل طمأنینه و وقارند.

سیمایی متین و موقر دارند و آثار سجده در آنان نمایان است.<sup>۱۳</sup> سفید رویانی با عظمت هستند.<sup>۱۴</sup> در حرکات و سکنتات آنان اطمینان و آرامش موج می زند.

## ۲۷. اهل مسجد مورد غبطه مردگان هستند؛

زیرا اموات که بر امور دنیا ناظرند، آرزو می کنند که کاش می توانستند به دنیا برگردند و یک نوبت در نماز جماعت مسجد شرکت کنند و حال که اهل مسجد از این نعمت برخوردارند؛ لذا مورد غبطه اموات هستند و بهشتیان آرزو می کنند که کاش جای آن ها بودند.

## ۲۸. اهل مسجد، در حکم اعضای یک خانواده اند که روزانه طی سه نوبت مشخص با

یکدیگر ملاقات می کنند و این ملاقات در هاله ای از تقدس نماز جماعت صورت می گیرد.

رمز تداوم و دلنشینی این ملاقات، حاکمیت دوستی و صمیمیت و تعامل نیکو با یکدیگر است. بر این اساس، باید این تعامل نیکو بین نمازگزاران و امام مسجد و مسؤولان مسجد حاکم باشد. هرگونه خدشه به این تعامل و اختلاف در رفتار نیکو، سلب اعتماد را به دنبال دارد و سلب اعتماد تضعیف جماعت و مسجد را در پی خواهد داشت و تضعیف جماعت و مسجد، اهانت به مسجد قلمداد می گردد. مؤمنان در این خصوص وظیفه ای سنگین بر عهده دارند؛ زیرا گاهی اوقات کدورت، ناراحتی، قطع ارتباط، سلب اعتماد، ناشی از یک حرکت نسنجیده و یک گفته توهین آمیز است. باید همه چیز را سنجید و اقدام کرد. به قول حافظ: «هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد».

تجربه نشان داده است که همواره ارتباط میان مردم و مسؤولان مسجد و ارتباط مردم با یکدیگر، تابع ارتباط مسؤولان مسجد با یکدیگر است. هرگاه میان مسؤولان مسجد، تعامل و ارتباط نیکو برقرار باشد، و خودشان حرمت یکدیگر را نگه بدارند، مردم نیز با یکدیگر و با مسؤولان مسجد همدل و هم رأی خواهند بود و هرگاه مسؤولان مسجد با یکدیگر اختلاف داشته باشند، این اختلاف و کدورت به بدنه مسجد هم سرایت می کند.

## ۲۹. فضای مسجد و ارتباط اهل مسجد با یکدیگر باید به شیوه ای باشد که انتقاد احتمالی ،

در دوستی و تعامل نیکوی آن ها خدشه ای وارد نکند.

بهره مندی از سعه صدر و آمادگی برای شنیدن انتقاد از جمله اخلاق پسندیده هر شخص، به ویژه اهل مسجد است و از منظر قرآن چنین افرادی دوستدار پاکیزگی و تزکیه نفس اند.

<sup>۱۳</sup>. «سیماهم فی وجوههم من اثر السجود؛ نشانه های آنها در صورتهاشان از اثر سجده ها نمایان است». فتح، آیه ۲۹.

<sup>۱۴</sup>. «کالفر المحجلین؛ مانند سفید رویان با عظمت».

اگر مؤمنان از انتقاد یکدیگر رنجیده و دلخور شوند، چگونه می توان در جامعه با این همه تفاوت سلیقه، فضایی مبتنی بر انتقاد دوستانه ایجاد کرد؟  
فروتنی و تواضع اقتضای آن را دارد که مؤمنان انتقاد یکدیگر را بپذیرند و در رفع عیب خود بکوشند.<sup>۱۰۵</sup>

۳۰. ایجاد دوستی و محبت بین نمازگزاران یکی از دستاوردهای حضور در مسجد و جماعت است؛ زیرا از یک سو محیط مقدس است و دوستی در چنین محیط‌هایی رنگ صمیمت می گیرد و از سوی دیگر به دلیل تعدد ملاقات‌ها، این دوستی رنگ بقا و جاودانگی می گیرد.  
اظهار علاقه اهل مسجد به یکدیگر موضوعیت دارد و در روایات سفارش شده که اگر کسی را دوست می دارید، این محبت را به او ابراز کنید.

چه نیکوست که نگاه‌های مؤمنان به یکدیگر حاوی محبت و همدلی باشد و تعامل آن‌ها نیز در همین فضای محبت آمیز صورت بگیرد.

اظهار محبت مؤمنان به یکدیگر و مؤمنان به امام مسجد و بالعکس زیباترین تعامل را بین اهالی مسجد نقش می زند.

۳۱. سهیم شدن اهل مسجد در امور مسجد و در اختیار قرار دادن تخصص و فن خود در اداره امور آن و به نوعی مسجد را از تخصص خود بهره مند کردن، کمک مالی به مسجد و ده‌ها مصداق دیگر که می توان به عنوان کمک به مسجد قلمداد کرد؛ حضور در مسجد را معنایی عمیق تر می بخشد.

همان طور که مؤمنان از قداست مسجد، در سرمایه گذاری برای آخرت بهره مند می برند، مناسب است که بخشی از تخصص و علم و مدیریت و ثروت و موقعیت و هنر خود را در خدمت به مسجد قرار دهند؛ بی تردید زحمت آن‌ها بدون پاسخ نمی ماند.

۳۲. اهل مسجد، در صورت ضرورت از یکدیگر انتقاد می کنند، اما مهربانانه و دور از تحقیر.

در روایتی از معصوم آمده است که هرگاه برادر دینی ات را آشکارا پند دهی، در حقیقت او را سرزنش کرده ای.

آنچه از رواج چنین پدیده ای جلوگیری می کند، آن است که امام مسجد، ضوابط پند و اندرز و ضرورت رعایت آن را گوشزد کند، به طوری که همه افراد با تعامل شایسته در این خصوص آشنا

---

<sup>۱۰۵</sup>. به تعبیر سعدی: متکلم را تا در سخن گفتن عیب نگیرند، سخنش اصلاح نپذیرد.

شوند. البته اهل مسجد نیز وظیفه دارند در صورتی که یکی از نمازگزاران این عادت ناپسند را ابراز کرد، بدون رنجش خاطر، به او تذکر دهند.

عادت برخی از اهل مسجد، به ویژه مؤمنان نمازگزاری که پا به سن و سال گذاشته و از معارف دینی و احیاناً مسائل عمومی توشه ای اندوخته اند، آن است که دیگران را پند و موعظه کنند. این کار هرگاه در شرایط و ضوابط پسندیده و عرف معقول صورت بگیرد، مفید و کارساز است؛ اما برخی از این ها آشکارا این موعظه و اندرز را صورت می دهند. این کار جداً محل تأمل است.

اولاً بیش از آنچه قصد و غرض، موعظه و پند باشد، در برخی از موارد، به رخ کشیدن معلومات سطحی و غیر عمیق خود است و روشن است که این انگیزه نمی تواند مقدس باشد. ثانیاً بیش از آنچه این شیوه بر مخاطب مؤثر باشد، او را از پند و اندرز و موعظه سرخورده می ند و اسباب شرمندگی اش را فراهم می کند.

۳۳. اهل مسجد عذاب قبر ندارند و با هر نفس، ده نیکی برای آنان نوشته می شود و ده گناه از آنان پاک می شود. آنان پرچمداران بهشت هستند<sup>۱۰۶</sup> و با برکت و مبارک<sup>۱۰۷</sup>.

۳۴. اهل مسجد مانع نزول بلا و گرفتاری اند و هرگاه قرار باشد عذابی بر اهل زمین نازل شود، اهل مسجد که مورد رحمت خدا هستند، مانع ورودی این گرفتاری ها می شوند.

### ۳۵. انحصار طلبی در مسجد ممنوع است.

حرکات برخی نمازگزاران به گونه ای است که انحصار طلبی آنان را تداعی می کند: وقت امام مسجد را گرفتن، استفاده طولانی مدت از سرویس های بهداشتی، بلند خواندن نماز، بلند حرف زدن، حرکات اضافی و مزاحمت های گوناگون و بلند خواندن تعقیبات به طوری که برای دیگران مزاحمت ایجاد کند، گفتن اذان، هنگامی که اذان از بلندگوی مسجد پخش می شود، همه این ها اصولاً به شخصیت انحصار طلبانه فرد بستگی دارد و مؤمنان باید از آن بپرهیزند.

آنچه می تواند در این مقوله به عنوان یک معیار قلمداد شود، توجه به این اصل است که آنچه برای خود می پسندی برای دیگران هم بپسند و آنچه برای خود نمی پسندی برای دیگران هم ناپسندیده بدان.

رعایت این اصل نه تنها در تعاملات اجتماع، بلکه در حضور چند دقیقه ای در مسجد هم کارساز و مؤثر و لازم است.

<sup>۱۰۶</sup>. «طوبی لأهل الألوئیة؛ خوشا بحال پرچم داران بهشت». تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۵۴ و اعلام الدین، ص ۹۲.

<sup>۱۰۷</sup>. «میمونُ أهلها محفوظٌ أهلها؛ اهل [مساجد] میمون و بابرکت و حفظ شده هستند». مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵.

## حضور زنان در مسجد

حضور در مسجد از اهمیت ویژه ای برخوردار است و مورد تأکید پیشوایان و علمای اسلامی است. در این خصوص میان زن و مرد تفاوتی وجود ندارد و البته هر کدام تابع احکام خاصی است، که در کتاب های مربوط به آن اشاره شده؛ اما تأکید در اصل قضیه حضور شامل مردان و زنان است.

در این خصوص چند نکته قابل دقت و تأمل است:

۱. حضور زنان در مسجد به نوعی ارزشمندتر از مردان است، زیرا اصولاً در جامعه ما زنان وظیفه تربیت فرزندان را بیش از مردان بر عهده دارند.

آنان از فراغت بال بیش تری در این زمینه برخوردارند و چون زنان از زبان تربیتی بهتری نسبت به مردان برخوردارند هرگونه اقدام فرهنگی بر این قشر دستاورد بیش تری در فرایند تربیت اجتماع (در گستره کلمه) داراست.

به عبارت دیگر، هرگاه بانوان جامعه اسلامی از مبانی تربیتی و دینی بهتری برخوردار باشند، این آثار تربیتی به فرزندان شان سرایت کرده، جامعه از ناهنجاری ها تربیتی مصونیت می یابد و چون مسجد و فرهنگ مبتنی بر آن در این میان نقش مهمی داراست، حضور بانوان در مسجد و بهره مندی از فرهنگ مسجد توصیه می شود.

بدیهی است این ترغیب از جمله وظایف مسوولان مسجد و خصوصاً امام مسجد است و البته وظیفه خانواده هاست که تسهیلات حضور بانوان را در مسجد فراهم کنند.

۲. حضور زنان در مسجد از پیشینه ای به قدمت ظهور اسلام برخوردار است.

حضرت خدیجه (س) اولین زنی است که در نماز جماعت رسول خدا شرکت کرد. در صدر اسلام زنان هم در مسجد حضور می یافتند، نماز جماعت می خواندند، از احکام خود سوال می کردند و حتی در ساخت مسجد هم دوشادوش مردان شرکت می کردند (البته جز در ایام حیض). در این همکاری میان آنان و مردان حائلی نبوده است، اما ورود بانوان به مسجد از در مخصوص (غیر از ورودی مردان) صورت می گرفت. بر این اساس، حضور بانوان در مسجد موضوعیتی ویژه داشته است.

۳. حضور بانوان در مسجد دارای احکام ویژه ای است که متجاوز از ده دستور و آداب

بیش از مردان دارند و این دلیل توجه اسلام به حضور بانوان در مسجد است.

هر چند اهل سنت این نکته را دلیل رجحان و برتری حضور بانوان در مسجد نمی دانند. دلیل این نکته آن است که زنان در مورد ماجرای غدیر خم تبلیغاتی سودمند به نفع حضرت علی (ع) داشتند و این تبلیغات مخالف رای و نظر خلیفه دوم بود. لذا خلیفه دوم دستور داد تا موقتاً از

حضور زنان در مسجد مخالفت به عمل آید. این ممانعت صورت گرفت و متأسفانه تأثیر منفی خود را گذاشت و این تأثیر همچنان ادامه دارد. لذا اصولاً از منظر اهل سنت، حضور زنان در مساجد با اقبال مواجه نیست و این نگرش ادامه همان ممانعتی است که بدان اشاره شد.

۴. از منظر اهل سنت اصولاً حضور زنان در مسجد با اقبال مواجه نمی باشد ( مگر در

مسجد الحرام مسجد النبی و مساجد جامع).

این نگاه با کمال تأسف به برخی کتاب های فقهی شیعه هم سرایت کرده و گویی حضور زنان در مساجد خلاف اصل است. این نگاه در بعد نظری محدود نشده و از لحاظ امکانات نیز بخش بانوان دارای تزییقاتی است؛ مثلاً در مساجد ما بخش خانم ها با پرده ای از قسمت آقایان جدا شده که بدیهی است این نکته بی توجهی به قسمت بانوان را تداعی می کند. هر چند در برخی کشورها مثل مغرب به دلیل حاکمیت محبان اهل بیت در آن کشور، در مساجد به بخش بانوان توجهی خاص به عمل آمده و امید است در کشور ما نیز هم عرض توجهی که در مساجد به بخش آقایان مبذول می گردد، به بخش خانم ها نیز این توجه صورت پذیرد. طبیعی است از رهگذر این توجه، استقبال بانوان به مساجد پیش تر خواهد شد.

۵. میانگین سنی حضور زنان در مسجد بیش از مردان است. زنان زودتر بالغ می شوند و

طبعاً امکان حضور آنان در مسجد زودتر از مردان خواهد بود و دیرتر پیر می شوند.

بر این اساس، سال های پیش تری را می توانند در مسجد حضور یابند. این زمان بیش تر حضور، امکانات و تمهیدات فراوان تری را برای آنان می طلبد. وقتی که فراغت بال بیش تر آنان به این مهم اضافه گردد، تمهیدات و امکانات بیش تری برای حضور آنان در مسجد اقتضا می کند. البته آن ها قبل از یائسگی روزهایی را به دلیل عدم طهارت نمی توانند در مسجد حضور یابند. در عین حال مدت زمان حضور آنان در مسجد بیش از مردان است.

۶. خانم ها معمولاً می توانند از محل ارث و مهریه خود به مساجد کمک کنند و چون

نقشه آن ها بر عهده شوهرشان است، می توانند بدون محدودیت از ارث و مهریه خود به مسجد کمک کنند و از این طریق در عمران مساجد سهیم باشند.

۷. زنان در زمان رسول خدا<sup>(ص)</sup> هم در مسجد حضور می یافتند و نماز جماعت

می خواندند.

گاه تا محراب پیش می رفتند و سوال می کردند و مسائل خود را با آن حضرت در میان می گذاشتند. گاه رسول خدا<sup>(ص)</sup> به خاطر حضور طفلی که همراه مادرش به مسجد آمده بود نماز را سریع تر ادا می کرد.

این نکات دلیل بر مجوز اسلام نسبت به حضور زنان در مسجد است.



## ۸. زنان جهت حضور در مسجد به اجازه مردان نیاز ندارند<sup>۱۰۸</sup>.

زن می تواند در این مورد از مرد اجازه نگیرد و به مردان دستور داده است در صورتی که زنان جهت حضور در مسجد اجازه خواستند، این اجازه را به آن ها بدهند و حتی اگر مردی زنش را جهت خروج از منزل منع الخروج کرده است، زن می تواند به رغم ممنوعیت خروج از منزل، جهت رفتن به مسجد، از منزل خارج شود و این خروج از زمره نشوز و نافرمانی زن به حساب نمی آید و اگر زن ادعا کرد خروج از منزل به جهت رفتن به مسجد بوده است، لازم نیست که مرد صحت و سقم ادعای زن را بررسی کند.

## جوانان و مسجد

حضور جوانان در معادلات دینی، سیاسی و اجتماعی جامعه موضوعیت داشته و اصولاً بالندگی و حیات اجتماع مرهون جوانان آن جامعه است.

بر این اساس، هر اقدامی که بالندگی این قشر را بیش تر سازد، حیات جامعه رونق بخشیده و از آن جا که اشاعه فرهنگ نماز و مسجد، بهترین روح زندگی را در کالبد جامعه می دمد، حضور جوانان در مسجد و بهره مندی از این آبشخور معنوی، موضوعیتی خاص می یابد.

نیاز واقعی جوانان را باید در مسجد جست و جو کرد و از این منظر، جوانانی که دل به غیر مسجد می سپرند، نه اشباع می شوند و نه کامروا؛ زیرا آن ها از سرچشمه واقعی معنوی سیراب نشده، جوی های پر از سراب به آن ها عرضه شده و پر واضح است که سراب لب های تشنه را سیراب نمی کند.

لذا تصور غلطی است که بتوان با کمک برخی مراکز مثل ورزشگاه ها و فرهنگ سراها این نیاز معنوی را برطرف کرد، هرچند این مراکز نیز کارآیی خاص خود را داشته باشند. بدیهی است رفع نیاز واقعی جوان را بایستی در مسجد جست و جو کرد.

## ویژگی های جوان

جوان دارای ویژگی هایی است که این ویژگی ها توجه خاص به او را اقتضا می کند. برنامه ریزی ویژه ای برای تربیت آن ها نیاز است. بدون جهت نیست که پیشوایان دینی از رسول مکرم اسلام تا دهه اخیر (حضرت امام (ره)) به جوانان توجه خاص داشته اند. اهم ویژگی های جوانان عبارت است از:

---

<sup>۱۰۸</sup>. «لَا تَمْنَعُوا النِّسَاءَ حُظُو ظَهْنٍ مِنَ الْمَسَاجِدِ إِذَا اسْتَأْذَنُواكُمْ؛ چنانچه زنان از شما در مورد مسجد رفتن اذن گرفتند به آن ها اجازه دهید». صحیح مسلم، ج ۴، صص ۳۲۸ و ۱۴۰ و مسند ابن حنبل، ج ۲، ص ۳۹۹. در برخی روایات «استأذنونکم» و در برخی روایات «استأذنونکم» آمده است.

**الف:** برخورداری از روحیه پرسشگری و جست و جوگری. عدم توجه به صنف و گروهی خاص و بهره‌مندی از صداقت و عدم رعایت ملاحظات که معمولاً میانسالان و بزرگان در قید و بند آن‌ها هستند.

**ب:** بهره‌مندی از روحیه آزاد منشی و آزاد اندیشی و آزادگی. این روحیه هرچند در برخی موارد جوانان را به عصیان و سرکشی می‌خواند، در نهایت بهره او را از معنای واقعی حیات بیش تر می‌کند و جوان را از این که سلطه پذیر باشد، می‌رهاند.

**ج:** جوان دارای روح صداقت و یکرنگی است و فارغ از معادله چینی‌های میانسالی و کهنسالی با مسائل برخورد می‌کند. در زندگی روزمره و تعاملات اجتماعی با صمیمیت و صفا و یکدلی روبه‌رو می‌شود و اصولاً نیرنگ و دورویی در رفتار کردار و نگاهی ملاحظه نمی‌شود.

**ه:** عاطفه و مهربانی در وجودش موج می‌زند و احساسات بر او غلبه دارد. این ویژگی هرچند در برخی موارد کارهای او را از معادلات عقلی و منطقی فاصله می‌اندازد؛ رنگ مهربانی و عطف به کارهای او می‌دهد. از کارایی این ویژگی در برخورد با دیگران نمی‌توان چشم‌پوشی کرد، همان‌طور که ارزش برخوردهای مبتنی بر عقل و منطق را نیز نمی‌توان نادیده گرفت.

**و:** جوان زودباور است و بهتر می‌توان مبنای تربیتی را در وجودش نهادینه کرد. بر این اساس، آموزه‌های دینی در جوانان زودتر برقرار می‌نشیند و این ویژگی نقش مسوولان مسجد و از جمله امام مسجد را در ارائه هر چه بهتر و واقعی‌تر آموزه‌های دینی افزایش می‌دهد.

**ز:** جوان به دلیل عدم آلودگی به گناه از قلبی پاک برخوردار است. قساوت دل در او دیده نمی‌شود. این قلب پاک، آینه‌ای است که رویکردها را در خود، به خوبی منعکس می‌کند. بی‌آلایش است و پیراسته از آلودگی‌ها و این سرمایه بزرگی است که اصولاً جوانان از آن بهره‌مند هستند.

**ح:** جوان امیدوار است و بالنده، پرجنب و جوش است و با جمع همراه است. از انزوا می‌پرهیزد و چون هر چیز را همان‌طور که هست به او عرضه شود، سرمایه عظیمی از آگاهی‌ها و دانسته‌های ناب ذخیره خواهد کرد.

آنچه گفته شد، تعدادی از ویژگی‌های جوان است. این ویژگی‌ها وظیفه متولیان فرهنگی جامعه و از جمله ائمه مساجد را در برنامه‌ریزی فرهنگی و معنوی برای این قشر دوچندان می‌سازد؛ تا برنامه‌های فرهنگی آنان از یک سو ناب و خالص و مبتنی بر آموزه‌های ناب دینی باشد و از سوی دیگر از چنان غنا و کمیتی برخوردار باشد که ساعات فراغت آنان را پوشش دهد.<sup>۱۹۹</sup>

---

<sup>۱۹۹</sup>. «ولولا يتحابون و شاباً قلبه يتعلق بالمساجد؛ و جوانی که قلبش متعلق به مساجد است [جوانی که به مسجد علاقه و اخری دارد]». وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۹۱.

براستی این برنامه ریزی را جز از مسجد باید انتظار داشت؟! و آیا مراکزی که به اسم مراکز فرهنگی پا به عرصه حیات گذاشته اند و متولیان آن ها چندان تعصب و غنای مذهبی ندارند، از عهده اداره جوانان جامعه و برنامه ریزی معنوی و فرهنگی برای آنان برخوردارند؟! به ویژه این که متولیان این مراکز با صدای بلند اعلام می کنند که وظیفه ما ارتقای مبانی معنوی جوانان نیست. متأسفانه دستاورد برخی از این مراکز، ایجاد یأس و دلهره و ترس و سردرگمی در جوانان بوده است.

بر این اساس نقش مسجد را بایستی بیش از هر مرکز دیگر در ارتقای فرهنگ معنوی و دینی و اجتماعی جوانان باور کرد، با فاصله ای بسیار زیاد با سایر مراکز.

### بچه ها در مسجد

حضور جوانان در مسجد دارای موضوعیتی ویژه است؛ اما حضور این قشر مستلزم آن است که از کودکی با مسجد آشنا شده باشند. والدینی که نسبت به آوردن کودکان به مسجد مقید هستند، حضور آنان را در مسجد در مقطع جوانی تضمین کرده اند. تجربه نشان می دهد جوانانی که اهل مسجد هستند، از کودکی با مسجد آشنا بوده اند.<sup>۱۱۰</sup>

بر این اساس، آوردن اطفال و کودکان به مسجد دارای اهمیت ویژه است. چند نکته در این خصوص قابل ذکر است:

#### ۱. آوردن اطفال به مسجد در صدر اسلام سابقه دارد.

امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در طفولیت به مسجد می آمدند و حتی هنگامی که رسول خدا (ص) در مسجد بوده بر دوش آن بزرگوار سوار می شدند و رسول خدا (ص) به خاطر رعایت حال آن ها سجده را طول می داد تا زمانی که از دوش رسول خدا (ص) پایین بیایند. این نکته متضمن دو پیام است.

---

<sup>۱۱۰</sup>. «لَا تُؤْخِرُوهُنَّ عَنِ الصَّفِّ الْأَوَّلِ بَلْ تَفَرَّقْ بَيْنَهُمْ؛ [دختر بچه ها] را از صف اول به صف دیگری نبرید بلکه بین آنها فاصله بیندازید [بین هر ۲ نفر بچه یک نفر بزرگسال بنشیند تا اتصال صفوف ب هم نخورد]».

- «جَبُّوا مَسَاجِدَكُمْ صِبْيَانَكُمْ؛ در مساجد فرزندان خود را به همراه داشته باشید».

- «إِنَّ النَّبِيَّ كَانَ ذَاتَ يَوْمٍ يَوْمِ اصْحَابِهِ فَيَسْمَعُ بُكَاءَ الصَّبِيِّ فَيُخَفِّفُ الصَّلَاةَ؛ همانا پیامبر یکی از روزها که امام جماعت یاران بود وقتی صدای گریه بچه را شنید، نماز را زود به پایان برد». وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۲۰.

- پیامبر (ص): «إِنِّي لَأَقُومُ فِي الصَّلَاةِ وَ إِنَّا أُرِيدُ أَنْ أَطَوَّلَ فِيهَا فَاسْمَعْ بُكَاءَ الصَّبِيِّ فَأَتَجَوَّزُ كَوَاهِيَهُ أَنْ يَسْتَقَّ عَلَيَّ أُمُّهُ؛ همانا وقتی برای نماز برخاستم میخواستم آنرا طولانی کنم صدای گریه بچه را شنیدم پس کراهت داشتم که صدای بچه مادرش را در سختی اندازد. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۱۷».

**اول:** حضور اطفال در مسجد در زمان رسول خدا (ص) منع نشده ، بلکه رایج بوده است.

**دوم:** در نماز باید حال اطفال را رعایت کرد؛ مثلاً اگر طفلی بی تابی می کند، باید نماز را مختصر کرد تا پدر یا مادر به وضع او رسیدگی کنند.

۲. در مورد دیگری سابقه دارد که رسول خدا (ص) نماز خود را مختصر کردند. اصحاب

چون دلیل براساس کردند، رسول الله (ص) فرمودند: مگر صدای طفل را نشنیدید؟!

این نکته نیز علاوه بر مجوز حضور طفل در مسجد، گویای ضرورت رعایت حال اوست.

۳. این که در حدیث آمده است : «جنبوا مساجدکم صبیانکم» به معنای آن نیست که

کودکان را با آزار و توهین از مسجد برانید، بلکه می توان از این حدیث برداشت کرد جایی را

در مسجد به کودکان اختصاص دهید، تا در وقت نماز خواندن مزاحم شما نشوند.

در زمان رسول خدا (ص) بخشی در مسجد ساخته شده بود به اسم «روضه الصبیان» . در این

بخش کودکان به بازی و تفریح و سرگرم بودند تا والدین نماز خود را تمام کنند.

شاید بتوان معنای «جنبوا» را در حدیث مذکور، به ساخت این گونه بخش ها در مسجد توجیه

کرد. در هر صورت عملکرد معصومین و اصحاب در زمان رسول خدا (ص) با راندن کودکان از

مسجد و عدم اجازه حضور آنان در مسجد منافات دارد.

۴. لازمه یادگیری نماز در نوجوانی و جوانی ، حضور در مسجد و در ایام کودکی است .

مضافاً این که فقها در خصوص امامت کودکان و نوجوانان در مسجد مباحثی مطرح کرده اند که

طرح این مباحث فرع بر مجوز حضور آنان و بلکه ضرورت حضورشان در مسجد است، از جمله

این بحث که کودکان را از صف اول جماعت نرانید، بلکه بین آن ها تفرقه بیندازید. این نکته نیز

گویای مجوز حضور آنان است.

ضرورت تفرقه انداختن بین آن ها بدان دلیل است که فاصله عرفی بین دو نفر در جماعت

رعایت شود. در صورتی که دو یا چند نفر کودک در کنار یکدیگر بایستند، احتمال این که فاصله

عرفی زیادتر شود و نماز سایر مأمومین به دلیل عدم اتصال اشکال پیدا کند، زیاد است. لذا دستور

داده شده که آنان را از صف جماعت و حتی صف اول جماعت نرانیم؛ ولی بین آن ها تفرقه بیفتد

(بین افراد بالغ بایستند) تا فاصله عرفی میان مأمومین بالغ رعایت شود و در نماز آن ها اشغال پیش

نیاید.

۵. لازمه حضور کودکان در مسجد و خصوصاً حضور در بخشی که به عنوان تفریح آنان در نظر گرفته می شود، آن است که امکانات اندک تفریحی و سرگرمی برای آنان در همان ساعات محدود حضور در مسجد در نظر گرفته شود.

از جمله این امکانات حضور یک مربی است تا با توجه به ماهیت مسجد، دقایق حضور آنان را در مسجد غنای فرهنگی بخشد. دستاورد این اقدام تشویق شدن کودکان به حضور در مسجد است. علاوه بر این امکانات، پذیرایی از کودکان در مسجد نیز پسندیده است و عامل تشویق آن ها به حضور در مسجد خواهد بود. والدین نیز می توانند در راه مسجد برای طفل خود خوراکی و یا اقلام مورد درخواست او را خریداری کنند، تا از این طریق مسجد در ذهن کودک، با خاطره ای نیکو همراه باشد.

در مجموع حضور اطفال و کودکان در مسجد از اهمیت و ارزش ویژه ای برخوردار است و سنگ بنای شخصیت آتی آن ها را سمت و سو می دهد. حضور آنان را در مسجد باید سرمایه تربیتی والایی به حساب آورد؛ سرمایه ای که در آینده می توانند با کمک آن تجارت معنوی و اخلاقی و فرهنگی کنند.

### خادم مسجد

سرایدر، خدمتگزار، خادم و اصطلاحاتی از این دست با گوش مردم آشناست. وظیفه خادم مسجد خدمت رسانی به مسجد در امور تصدی گری است؛ در عین حال نمی توان نقش خادمان مسجد را در اموری فراتر از این موارد نادیده گرفت. برخی خادمان حتی در نقش مدیریت مسجد هم صاحب نظرند.

در خصوص خادم مسجد و خدمت رسانی به مسجد، چند نکته قابل بیان است:

۱. به دلیل اهمیت و قداست مسجد، بر اساس فرمایش قرآن کریم، آباد کردن مساجد به کسانی اختصاص دارد که به خدا و روز قیامت اعتقاد دارند و مشرکان دارای این حق نیستند که به عمران و آبادانی مساجد پردازند.<sup>۱۱۱</sup>
۲. خدمتگزاری به مسجد، همواره باید به عنوان یک مسؤولیت مستقل و فارغ از مشغله های دیگر در نظر گرفته شود.

بسیاری از خادمان مسجد، این وظیفه را به عنوان شغل چندم و محمل درآمدی مختصر به حساب می آورند و طبعاً قداست و ابعاد این وظیفه را در نظر خواهند داشت.

<sup>۱۱۱</sup> «نَدَرْتُ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا؛ نذر کردم آنچه در رحمم هست، آزاد باشد». آل عمران / ۳۵.

بی تردید هنگامی که مردم ملاحظه کنند، خادم مسجد، وقت خود را وقف خدمت به مسجد و در واقع خدمت به نمازگزاران کرده است، نسبت به تأمین هزینه زندگی او اقبال بیش تری نشان می دهند.

لا اقل بخشی از عدم اقبال عموم مردم به تأمین هزینه خادم در عدم همین نگاه به وظیفه خدمتگزاری ریشه دارد.

۳. رابطه متقابل خادم مسجد و مردم؛ امری طبیعی است. همواره نگاه مردم به خادم و نگاه خادم به مردم، رابطه میان آن ها را رقم می زند.

بر این اساس، خادم مردمدار و متواضع و خوش اخلاق و در حیطة مسؤولیت خود، در قلب مردم جا می گیرد و اهالی مسجد نیز هرگاه موازین و مقررات مسجد را رعایت کنند، محبت و دوستی خادم را به خود جلب می کنند؛ بویژه این که در حال حاضر خادم مسجد اصولاً نقشی فراتر از خدمتگزار صرف را بر عهده دارد و در خیلی از موارد به عنوان نماینده امام مسجد یا نماینده هیأت امنای مجری تصمیمات مدیریت مسجد به حساب می آید.

۴. توقع و انتظار متقابل خادم و مردم، امری ضروری است.

تبیین این توقع و انتظار منطقی، بایستی با واقعیات جامعه، امکانات مسجد، اختیارات هیأت امنای و توان و قدرت خادم و مردم مبتنی باشد.

مردم باید خادم را دارای حد معینی از قدرت و اختیار بنگرند و خادم مسجد نیز انتظارات خود را از مردم باید بر واقعیات ترسیم سازد.

۵. خادم مسجد، در طول شبانه روز با قشرهای و صنف های مختلفی از مردم رو به روست. (روحانی، دانشگاهی، کارگر، کارمند، بازاری، خدماتی و ...) علاوه بر این، با گروه های مختلف سنی (کودک، نوجوان، جوان، میانسال، کهنسال و ...) مواجه می شود.

از آن جا که خدمتگزاری به مسجد و خادم مسجد بودن، مصداقی از عمران و آبادانی مسجد است؛ در نتیجه خدمتگزاری به مسجد و خادم مسجد بودن، سزاوار اهل ایمان است. [توبه ۱۷ و ۱۸] این نکته در جای دیگر قرآن هم آمده است. در واقع از منظر قرآن کریم خدمتگزاری به مسجد و در شکل خاص آن خادم مسجد بودن افتخاری است بر تارک اهل ایمان.

البته این ویژگی ها برای کسانی که به عمران و آبادانی مسجد می پردازند، عنوان شده است؛ اما همان طور که گفته شد، خدمتگزاری به مسجد مصداق عمران و آبادانی آن خواهد بود.<sup>۱۱۲</sup>

---

<sup>۱۱۲</sup> «إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا جَعَلَ قِيمَ الْمَسْجِدِ؛ همانا خداوند، وقتی بنده ای را دوست دارد او را [مسئول رسیدگی و قیم مسجد] قرار می دهد». کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۳.

برخورد نیکو با قشرهای گوناگون جامعه و نیز تعامل با گروه های مختلف سنی، مستلزم آگاهی ها دینی و روان شناسی است؛ به طوری که خادم مسجد با هر کس و هر قشر و هر گروه سنی، برخوردی متناسب داشته باشد. رعایت این نکته هرگز به معنای نفاق و نان به نرخ روز خوردن و بوقلمون صفت نیست؛ بلکه به معنای رعایت ارزش های عرفی افراد و گروه های گوناگون سنی است. این مهم در جای خود پسندیده و نیکوست.

به منظور تامین این نکته، به نظر می رسد امام مسجد یا هیأت امنای بتواند با نظارت بر عملکرد خادم و ارزیابی غیر مستقیم وی ضعف عملکرد خادم را رفع کند و نقاط قوت او را به صورت تشویق تقویت سازد.

فراموش نکنیم که فرار بسیاری از نوجوانان و جوانان از مسجد در برخورد نامناسب و دون شأن خادم برخی مساجد ریشه دارد؛ همان طور که علت حضور مستمر برخی نوجوانان و جوانان را در مسجد و جماعت، بایستی در برخورد نیکوی خادم مسجد جست و جو کرد.

**۶. آگاهی علمی خادم مسجد از احکام مربوط به وظایف او، از مهم ترین بایسته های خدمتگزاری است.**

رعایت احکام نجاست و طهارت، مسلماً از نکاتی است که بایستی خادم مسجد رعایت کند؛ زیرا نظافت سرویس های بهداشتی و یا شستن فرش های مسجد خصوصاً هنگام نجس شدن در صورتی که بر اساس موازین شرعی صورت نگیرد، احتمال نجس شدن وسایل و یا محوطه مسجد وجود دارد.

**۷. علاوه بر این، خادم مسجد به دلیل وظایف خدمتگزاری لازم است به طور اجمال از اطلاعات فنی و تأسیساتی جهت استفاده در مواقع ضروری بهره مند باشد.**

تعمیرات جزئی فنی مربوط به سیستم صوتی، تعویض لامپ، پنکه، خدمات کولر و آب سردکن، شیرآلات، درب و پنجره و سایر وسایل از جمله مواردی است که این اطلاعات جزئی را می طلبد. اطلاع از این موارد، هم از لحاظ بودجه به صرفه و صلاح مسجد است و هم از لحاظ جلوگیری از اطاله وقت؛ زیرا عوامل فنی و تأسیساتی در خیلی از موارد نسبت به تعمیر این اقلام جزئی چندان اقبالی از خود نشان نمی دهند و احیاناً تعمیر اینها روزها به طول می انجامد.

## ۸. تعیین چند خادم برای یک مسجد.

بدین صورت که اصل وظایف خادمی را طی روزهای هفته بین خود تقسیم کنند و یا نوع وظایف را میان خود تقسیم نمایند، خارج از تصور نیست؛ در عین حال این نکته در مساجد مرسوم نمی باشد.

۹. وجود سیستمی جهت ارزیابی عملکرد خادم مسجد، مبتنی بر نظرخواهی از نمازگزاران، ولو به صورت نظرخواهی از درصدی از نمازگزاران اقدامی مناسب و در جهت بهبود عملکرد خادم موثر است؛

البته در این خصوص باید از این احساس جلوگیری شود که مسئولین مسجد دنبال دستیابی به نقطه ضعف خادم هستند و نیز این ارزیابی حتی الامکان آشکارا صورت نگیرد و نتیجه آن هم در صورتی که مستلزم تذکری باشد، تنها به اطلاع خادم رسانده شود و در صورتی که این ارزیابی‌ها گویای نقطه قوتی در عملکرد خادم است، خوب است نمازگزاران در جریان قرار بگیرند. این اطلاع رسانی در بهبود عملکرد خادم مؤثر است و در حقیقت قدردانی از عملکرد او به حساب می آید. می توان این ارزیابی را در مساجد مختلف صورت داد و خادم نمونه را از بین خادم‌های چند مسجد برگزید.

۱۰. مجدداً تأکید می شود که سرایداری و خدمتگزاری مسجد فراغت بال می طلبد و تأمین

مالی.

منطقی است که هیأت امنا و امام مسجد با کمک نمازگزاران در این زمینه بکوشند تا خادم، با رضایت و آرامش خاطر وظیفه خدمتگزاری خود را به انجام برساند. در غیر این صورت بروز نارضایتی در خادم اجتناب ناپذیر است. این نارضایتی در عملکرد او نمود پیدا می کند. عدم نظافت برخی مساجد، بیش از آنچه به دلیل عدم امکانات باشد، به دلیل عدم تأمین مالی خادم مسجد است.

۱۱. خادم مسجد باید از بین افراد زرننگ، باهوش، بادرایت، خوش سابقه و کسانی که آگاه

به مسائل اجتماعی است، انتخاب گردد.

لازم است سوابق این افراد در حدی معمول بررسی گردد. در تعامل با دیگران نه بیش از حد منعطف باشند (به طوری که تحت تأثیر قرار بگیرند) و نه یک دنده و لجوج. در برخورد و ارتباط با مردم بیش از دیگران از ظرفیت انسانی و سعه صدر بهره مند باشند. همچنین دور نیست اگر توان بدنی را برای خادم مسجد یک ضرورت جهت انجام دادن وظایف خدمتگزاری بدانیم.



## بهداشت مسجد

از مهم ترین نکات مربوط به مسجد، بهداشت و ضرورت توجه به این مهم می باشد؛ زیرا کیفیت و چگونگی بهداشت مسجد در اقبال مردم به این مهم مؤثر است؛ همان طور که عدم رعایت بهداشت موجب گریز برخی افراد از مسجد و جماعت می شود. شاخص های مهم بهداشت مسجد را در سرویس های بهداشتی، انتشار بوی خوش از مسجد، شستن فرش های مسجد ( به صورت دوره ای )، تمیزی محیط داخلی و بیرونی مسجد، غبار روبی آن و سایر موارد می توان احصا کرد.

پاکیزگی لوازم مسجد، اعم از وسایل آبدارخانه، مهرها، کتاب ها، قرآن، مفاتیح، غبار روبی از لامپ ها و مهتابی ها و لامپ های نئون و نوشته های مسجد، تمیزی سطل های زباله، استفاده از وسایل یک بار مصرف ، و مواردی از این دست جداً بایستی مورد نظر قرار بگیرد و در هیچ حال نباید فراموش کرد که سادگی و نظافت مسجد بر گران بودن اقلام آن برتری و اولویت دارد.

### بر این اساس:

۱. مستحب است که مسجد را هر هفته و هر شب جمعه جارو کشی کنند و همواره نسبت به نظافت آن حساسیت ورزند.

۲. اختصاص بودجه ای برای نظافت مسجد، به دلیل اهمیت نظافت این محیط مقدس، می تواند مورد نظر قرار بگیرد. بدین منظور می توان صندوقی جهت جمع آوری وجوه برای خرید عطر و گلاب تعیین نمود.

۳. فرش مسجد در انتشار بوی خوب یا بد در آن مؤثر است.

فرش به دلیل تماس با بدن نمازگزاران و ذخیره شدن مولکول های بو در آن، محلی برای انتشار بو خواهد بود و با توجه به حجم گسترده فرش مسجد، تأثیر آن در انتشار بوی نامناسب اجتناب ناپذیر است و این مهم در بی اقبالی افراد از مسجد بی تأثیر نیست. جهت جلوگیری از این پیامد، بایستی فرش های مسجد را در فواصل مشخص، شست و شو کرد. مضافاً این که چنین کاری الزاماً صرف بودجه نمی طلبد؛ زیرا می توان از بانوان اهل مسجد جهت این کار استفاده نمود.

شستن فرش ها در فواصل زمان مشخص، ضد عفونی کردن وسایل مسجد، استفاده از مواد شوینده در سرویس های بهداشتی، صحافی مستمر کتاب ها و قرآن و مفاتیح، تعویض جامه های در صورت خراب شدن ، خرید مهرهای نو و از بین بردن مهرهای قبلی و چرک شده، شستن پرده های مسجد و سایر موارد را می تواند اهم مصداق بهداشت مسجد عنوان کرد.

بهترین راه ، استعمال گلاب ناب در مسجد می باشد؛ لذا همان طور که بوی بد از جمله بوی عرق بدن موجب عدم تمرکز نمازگزاران هنگام ادای این فریضه است، بوی ادکلن های تند هم همین عدم تمرکز را موجب می شود.

به کار بردن عطر و استعمال بوی خوش، موضوعیتی ویژه در روایات داشته و خواندن نماز با بوی خوش پاداش بیش تری دارد.

به کار بردن بوی خوش، چه در نماز و چه غیر از آن، مورد اهتمام پیشوایان دینی و از جمله رسول مکرم اسلام (ص) بوده است.<sup>۱۱۳</sup>

این نکته ، موضوع روایاتی چند در متون روایی ماست. رسول خدا (ص) مشکدانی داشتند که پس از هر وضو از عطر آن استعمال می کردند و چون از خانه بیرون می آمدند، بوی عطر از محل عبور آن حضرت منتشر می شد.

اصولاً بوی خوشایند، موجب جلب توجه دیگران به صاحبش و در نتیجه ایجاد نوعی علاقه میان آن ها می گردد؛ همان طور که بوی بد ایجاد نفرت می کند.<sup>۱۱۴</sup>

### عطر افشانی در مساجد

مساجد، محل رفت و آمد افراد گوناگونی است که بعضاً ممکن است به دلایل شرایط اقتصادی نتوانند به نحو شایسته بهداشت فردی را رعایت کنند. بدون شک شایسته است که نظافت و عطر آگین نمودن مسجد، بخشی از هزینه آن را به خود اختصاص دهد.

۱. در آیه ۳۱ سوره اعراف توصیه شده است که افراد هنگام عزیمت به مسجد زینت خود را با خود بردارند.

این زینت هم می تواند زینت های ظاهری، چون پوشیدن لباس های پاکیزه و استفاده از عطر باشد و هم زینت باطنی به معنای پاک سازی روح و آراسته شدن به صفات پسندیده . عطر آگین ساختن خود هنگام ورود به مسجد و زدودن هر گونه بوی ناخوشایند از بدن، باز بینی ته کفش به منظور اطمینان از عدم وجود آلودگی هنگام ورود به مسجد و تهیه پاکیزه گر (مطهره) و قرار دادن آن در ورودی مسجد برای پاک کردن آلودگی ته کفش نمازگزاران از جمله این موارد است. در

---

<sup>۱۱۳</sup> . امام صادق (ع) عطر زدن را از اخلاق پیامبر عنوان کرده اند.

<sup>۱۱۴</sup> . در خصوص رسول خدا (ص) آورده اند که مردم اصولاً رفت و آمد رسول خدا (ص) را در کوچه ها با استفاده از بوی موجود در آن کوچه تشخیص می دادند.

این نکته گویای آن است که آن بزرگوار در دراز مدت از بوی نیکو استفاده می کرده؛ لذا در ذهن مردم بوی عطر خاص آن حضرت ، جای ویژه ای داشته و مردم تردد آن حضرت را با استشمام آن بو تشخیص می دادند.

روایات متعددی به نظافت مسجد، جارو کردن آن و خوشبو ساختن مسجد اشاره شده است که در صفحات گذشته به آن‌ها اشاره شد.

**۲. در قدیم، به دلیل وسعت مساجد، معمولاً از کاشت درخت‌ها در محوطه مسجد استفاده می‌شد.**

این کار، از یک سو فضای سبزی ایجاد می‌کرد که آن را از لحاظ بینایی دلنواز و مصفا می‌ساخت. از سوی دیگر، به دلیل ایجاد محیطی طبیعی، از ایجاد بوی نامناسب جلوگیری می‌شد. مضافاً این که مصالح به کار رفته (عموماً گل و خشت) بوده و بوی طبیعی را در مسجد منتشر می‌کرد؛ اما امروزه که مصالح و وسایل به کار رفته در ساختمان مساجد عموماً فرآورده‌های نفتی هستند، از ایجاد و انتشار بوی طبیعی جلوگیری می‌کنند. در این شرایط، می‌توان با هرس درختان میوه دار در فضاهای ممکن و نیز کاشت گل‌های خوشبوی طبیعی، همچون گل یاس و دیگر بوته‌ها، حتی الامکان به مساجد فضایی زیبا و بوهای طبیعی بخشید. البته استعمال عطر از سوی مؤمنان نیز می‌تواند در تلطیف محیط مؤثر باشد.

در این صورت، محیط مسجد خوشبو خواهد شد.

**۳. در قدیم به دلیل وسعت فضای مساجد از حوض و آب انبار برای نیاز آب آشامیدنی و آب مصرفی برای وضو و دستشویی و سایر موارد استفاده می‌شد.**

امروزه این امکان وجود ندارد؛ اما سیستم لوله کشی شهری، آب بهداشتی را برای شرب و سایر مصارف (وضو، دستشویی و حتی دوش گرفتن) برای مؤمنان و متولیان مسجد فراهم کرده است. در مجموع، یکی از وظایف متولیان مسجد آن است که نسبت به امر نظافت و بهداشت مسجد نظارت کافی داشته باشند.

این نظافت و بهداشت، در شاخص‌ها و مصادیق مختلف جلوه می‌کند. بهتر است هیأت امنای یک نفر را ویژه امر نظافت و نظارت بر آن (و نه کار دیگر) مأمور کنند و امام مسجد هر چند وقت یک بار وسایل را بررسی کند و در صورتی که قصور و تقصیری در این امور مشاهده شد، آن را از طریق هیأت امنای یا خادم مسجد پیگیری نماید.

**۴. تهویه مسجد باید در طراحی و ساخت مسجد مورد نظر و دقت ویژه قرار بگیرد.**

در گذشته، به دلیل امکانات بیش‌تر مساجد از لحاظ متراژ، هوای نامطبوع در آن آزاردهنده نبود. سقف‌ها بلند ساخته می‌شد و سرویس‌های بهداشتی از فضای مسجد فاصله داشت. امروزه به دلیل مشکلاتی که عموماً به فضای مسجد مربوط می‌شود، نامطبوع بودن هوای مسجد و بخشی که به سرویس‌های بهداشتی مربوط می‌شود، امری آزاردهنده است.

گرمای فراوان برخی شهرها نیز این نامطبوع بودن را شدت می‌بخشند.

بدین منظور می توان با استفاده از وسایل تهویه، عمده این مشکل را حل کرد. کاشتن گل هایی در فضای مسجد؛ به رعایت نظافت از سوی نمازگزاران؛ نصب توصیه های بهداشتی و سایر راه کارها از جمله اقداماتی است که از نامطبوع بودن هوای مسجد می کاهد.

۵. سرویس بهداشتی وضوخانه زنان به گونه ای باشد که بانوان بتوانند آزادانه و بدون چادر در آن جا حضور یافته، از این خدمات استفاده کنند. نصب چند پرده کلفت در ورودی این سرویس ها ضروری است.

۶. از اقدامات مفید دیگر برای سرویس های بهداشتی، اعم از سرویس بهداشتی آقایان و خانم ها این که اگر برای توالی ها و دستشویی و وضوخانه دمپایی های ویژه گذاشته شود، می توان از این دمپایی ها به صورت مجزا در توالی و برای وضو استفاده نمود.

لازمه این کار این است که نمازگزاران هنگام ورودی به سرویس های بهداشتی کفش های خود را درآورده و از دمپایی اختصاصی توالی و وضوخانه استفاده کنند و هنگام خروج، کفش خود را به پا کنند.

اختصاص دمپایی در توالی و دستشویی و وضوخانه، طهارت فقهی دائم این سرویس ها را تضمین می کند.

۷. به این نکته هم باید توجه کرد که اصولاً مردم، نظم و انضباط، دلسوزی، درایت، همت و سایر خصلت های مثبت مسؤولان مسجد (اعم از امام مسجد، هیأت امناء، خادم، سرایدار و ...) را در نظافت و نظم ظاهری مسجد ملاحظه می کنند. در حقیقت نظافت و نظم مسجد، اماره نظم، درایت و دلسوزی مسؤولان مسجد است.

لذا مسؤولان مسجد نباید نسبت به این نگاه مردم بی تفاوت باشند و با سهل انگاری در نظافت مسجد، سوء ظن و بدگمانی مؤمنان را نسبت به آنان رقم زنند.

۸. در خصوص ساختن سقف برای مسجد، این نکته قابل ذکر است که اصل بر ساخت مساجد بدون سقف است.

در این صورت حیات مسجد هم جزء مسجد خواهد بود، و اصولاً وقتی کل مسجد سقف نداشته باشد، میان حیاط و فضای داخلی مسجد تفکیکی نخواهد بود؛ اما امروزه فقط بخشی را که سقف دارد، اصل مسجد و قسمت بدون سقف را حیاط مسجد و در واقع خارج از فضای خاص مسجد می پندارند.

مضافاً این که در بسیاری از شهرها نداشتن سقف فضای دل انگیزتری به نماز و برنامه های مسجد می دهد. خصوصاً شهرهای کویری که بارش باران کم تر است و رد و بدل شدن هوای آزاد، از شدت گرما می کاهد. بدیهی است در نماز جماعت ظهر و عصر قضیه فرق می کند.

بدین منظور می توان اقامه نماز ظهر و عصر را در قسمت سقف دار و مغرب و عشا و صبح را در قسمت بدون سقف برگزار کرد. در برخی مناطق فارس می توان نه ماه در سال را در مسجد بدون سقف نماز خواند. از این گذشته ، اقامه نماز در فضای بدو سقف از استحباب شرعی برخوردار است.

باز بودن فضای نماز برای بانوان، خصوصاً در ایام بارداری که به فضای بازتری نیاز دارند و لازم است هوای بیش تری به آن ها برسد، موضوعیت و اهمیت بیش تری خواهد داشت و موجب تشویق آنان به حضور در مسجد خواهد شد.

هوای بسته، امکان آلودگی خواهد داشت؛ به ویژه در شرایطی که بهداشت ، چندان رعایت نمی شود . در این صورت احتمال بیماری نمازگزاران هم ایجاد می شود. در صورتی که در فضای باز نماز اقامه شود، این احتمال کم تر خواهد بود.

### **پیام مسجد**

مسجد خانه توحید و طبعاً پیام آن وحدت و موجودیت آن در همین جهت رقم خورده است. مؤمنانی که یک دل و هماهنگ رو به سوی خدا می آورند، عموماً مشمول وحدت رویه ای هستند که این وحدت رویه در زوایای مختلف عملکرد آن ها نه تنها در ساعات حضور در مسجد، که در عرصه اجتماع نمود و تجلی دارد.

این وحدت رویه مرهون موجودیت مسجد است که شاکله این موجودیت وحدت و یگانگی ، همتایی و هماهنگی، توحید و وحدت کلمه و در یک عبارت، بندگی یک خدا و سر بر آستان خدای واحد ساییدن است.

شاکله این وحدت و هماهنگی را می توان در وحدت و توحید عبادی، سیاسی، قولی و وحدت در استعانت از خدا، وحدت در عملکرد اجتماعی، فرهنگی و سایر شاخص های وحدت نمازگزاران عنوان کرد.

اما این وحدت جدای از این که مبتنی بر شاکله و ساختار اصولی مسجد است، تابعی است از عملکرد مؤمنان؛ زیرا عملکرد آن هاست که در میزان این وحدت، تداوم و استمرار آن و نیز سمت و سوی آن مؤثر است.

از این توان و قدرت بالقوه مسجد می توان بسیاری از حرکت های اصلاحی اجتماعی و فرهنگی را سامان داده؛ زیرا این مکان مقدس به دلیل برخورداری از وحدت در گستره عام کلمه می تواند قدرت آفرین و حرکت زا باشد. نمونه بارز آن را می توان در حرکت هایی که ساماندهی آن در مسجد ریشه داشت، مثال آورد. در کشورهای اسلامی ، نقش مسجد را در ساماندهی و برنامه ریزی حرکت های دینی و انقلابی نمی توان نادیده گرفت.

## یک اقتضا

این نکته، یعنی حاکمیت وحدت در گستره مسجد اقتضا می کند که واحدهای مختلف و اقماری مسجد نیز از وحدت و هماهنگی و یکسویی بهره مند باشند و اصولاً از هر گونه اقدامی که این وحدت را خدشه دار می کند، پرهیز گردد، همان طور که باید از بروز مسائل اختلاف انگیزی که وحدت و هماهنگی نمازگزاران را تعریض می زند و آن را خدشه دار می کند جلوگیری نمود. یکی از راه های حفظ وحدت مسجد و استمرار حاکمیت وحدت و هماهنگی بر گستره مسجد آن است که حتی الامکان اقدامات مربوط به مسجد در فضای مسجد صورت بگیرد.

جلسات مربوط به مسجد، هماهنگی ها، به حضور پذیرفتن امام مسجد، افراد مختلف را، قرار ملاقات ها و سایر برنامه هایی که مستقیم یا غیر مستقیم به مسجد مربوط می شود هرگاه در مسجد صورت بگیرد، پیام وحدت آفرینی مسجد تقویت و مستمر می گردد.

البته این نکته به ابزارهایی نیاز دارد که از آن جمله فضا یا اتاقی است که این برنامه ها را از لحاظ مکانی پوشش دهد. علاوه بر این مدیریتی که در این خصوص برنامه ریزی نماید. شیوه رسول خدا (ص) این بود که افراد را در مسجد به حضور می پذیرفتند و بسیاری از حلقه های معرفتی که به صدور برخی روایات منجر شده، از مسجد صورت گرفته است.

از مسجد می توان در برگزاری جلسات و قرارهایی که اصلاح ذات البین را در پی دارد، استفاده کرد و از دستاوردهای این حرکت فرهنگی و دینی بهره برداری نمود. بدون تردید، شورای حل اختلاف اگر در مساجد تشکیل شوند، از این که در محل دیگر مستقر گردند، کارآیی بیش تری دارند.

## اطلاع رسانی از مسجد

هنگامی که از بلندگوی مسجد نکته ای گفته می شود، مردمی که بیرون از مسجد یا داخل خانه های مجاور هستند، تمام حواس خود را جمع می کنند تا ببینند مطلب از چه قرار است؛ زیرا می دانند که حتماً مسأله ای پیش آمده که از مسجد پخش می شود.

مسجد به دلیل قداستی که دارد، همواره بایستی در امتداد خاطره ای خوش و یادکردی نیکو در ذهن و اندیشه مردم قرار داشته باشد.

بدین منظور گفته اند: یکی از راه های تشویق کودکان و نوجوان به مسجد آن است که پدر و مادر به ازای حضور فرزندان خود در مسجد هدیه ای برای آن ها بخرند و یا پدر و مادر در راه رفتن به مسجد یا برگشت از آن، چیزی برای فرزندانشان که همراه آن هاست، بخرند تا مسجد با خاطره ای خوش در ذهن کودک تداعی شود.

بر این اساس، برخی اقدامات با جایگاه مسجد و یاد کردی نیکو از آن در تنافی است؛ مثلاً خواندن صیغه طلاق در آن جا، مسجد را برای طرفین طلاق تا دیر زمانی محل جدایی و پاشیده شدن خانواده رقم می زند یا از آن ناگوارتر، جاری کردن حد و تعزیر برای کسانی که مشمول حد یا تعزیر شرعی می شوند، بدون شک مسجد را محل مجازات تداعی می کند. اطلاع رسانی از مسجد به شیوه های گوناگون صورت می گیرد و گروه های مختلفی از آن بهره مند می شوند:

**الف - اطلاع یافتن از مسائل و اخباری که در تابلو اعلانات مسجد نصب می گردد.** بدیهی است نمازگزاران و کسانی که به مسجد تردد دارند، از این اعلانات و اخبار و گزارش ها باخبر می شوند. **ب - اخبار و اطلاعاتی که بر دیوار بیرونی مسجد نصب می شود و یا بر تابلو اعلاناتی که معمولاً در امتداد دیوار مسجد و یا درب ورودی آن نصب است.** از این اخبار و گزارش ها، کسانی باخبر می شوند که از آن مسیر تردد می کنند.

**ج - اخبار و نکاتی که از بلندگوی مسجد پخش می گردد.** از این اخبار و اطلاعات مجاورین مسجد خبردار می شوند.

**د - مطالبی که مسؤلان مسجد، سرایدار و یا امام مسجد بین نمازها و یا در موقع مقتضی عنوان می کنند.**

## **ویژگی ها**

به رغم تفاوت هایی که در شکل و هیأت انواع اطلاع رسانی از ناحیه مسجد وجود دارد (و به اهم آن ها اشاره شد) همه این شیوه ها دارای ویژگی های مشترکی هستند که برخی از این ویژگی ها مختص اطلاع رسانی مسجد است و شاید نتوان این ویژگی ها را در اطلاعاتی که از سایر مراکز پخش می شود، مشاهده نمود.

۱. عموم مردم به دلیل نگاه خاص خود به مسجد که بر اعتقاد آن ها به قداست این مکان مبتنی است، اطلاعات و مطالب صادر شده از این مکان را (به هر شکلی که باشد) در بست می پذیرند.

برای آن ها شک و شبهه ای نیست که اخبار و اطلاعات دروغ و یا مشکوک از مسجد صادر نمی گردد. این اعتقاد، وظیفه مسؤلان مسجد را در ارزیابی اخبار و مطالب صادر شده از مسجد دوچندان می کند؛ زیرا هرگونه بی احتیاطی و مسامحه در این زمینه موجب سلب اعتقاد مردم به مطالب صادره از مسجد و در نهایت از خود مسجد خواهد شد.

۲. صدور اخبار و اطلاعات و اطلاع رسانی از ناحیه مسجد، در حقیقت نوعی از کارکرد مسجد است که با توجه به ذهنیت مردم نسبت به مسجد، اعتماد مردم نسبت به صحت این اخبار دارای درجه بالایی است؛

در عین حال نباید مسجد را با یک کانون اطلاع رسانی و صدور بیانیه و اخبار اشتباه کرد و آن را در حد یک خبرگزاری و کانون اطلاع رسانی تنزل داد. رسالت مسجد، گستره ای بسیار وسیع تر و مقدس تر از یک رسانه اطلاع رسانی است؛ هر چند شاکله و ماهیت این اطلاعات صرفاً مذهبی باشد. بدین منظور نظارت شخصی از سوی امام مسجد بر اخبار و مطالب توصیه می شود.

۳. اصولاً اخبار و مطالب صادر شده از مسجد از سانسور، افراط و تفریط، انگیزه های انحرافی، گرایش های حزبی و سیاسی، جنجال های بی هویت، غرض ورزی و سایر آفات مبراست. به همین دلیل مقبولیت اخبار و مطالب منتشر شده از مسجد از نوعی تضمین برخوردار است.

اطلاعات صادر شده از مسجد، اصولاً اطلاعاتی است که شاکله و اساس آن مذهبی و مبتنی بر افتخارات دینی است؛ برخلاف اطلاع رسانی بسیاری از رسانه ها که به دلیل ماهیت این رسانه ها مشتمل بر بار منفی است؛ مثلاً صفحه حوادث برخی روزنامه ها، هرچند به انگیزه اطلاع رسانی و هشدار تنظیم می شود؛ نمی توان از بار منفی و اشاعه برخی ناهنجاری ها از این رهگذر چشم پوشی کرد. (اگر اشاعه منکرات برخی از این خبرها را نادیده بگیریم)

۴. اطلاع رسانی از ناحیه مسجد، متضمن هزینه ای نخواهد بود؛ الا هزینه ای که برای تبلیغات پرداخته می شود؛ برخلاف بخش اطلاعیه و آگهی از سایر رسانه ها که مستلزم عقد قرارداد و پرداخت هزینه ای هنگفت می باشد.

۵. اطلاع رسانی از ناحیه مسجد، موجب آن خواهد شد که اولین قشری که در جریان اخبار و مطالب قرار می گیرند، مؤمنان نمازگزار باشند و چون بهره مندی از اطلاعات خصوصاً مسائل جامعه موضوعیت دارد؛ لذا این بهره مندی مؤمنان، امتیازی برای آنان محسوب می شود. به عبارت دیگر، از جمله الطاف مسجد به نمازگزاران آن است که اخبار را قبل از آن که دیگران در جریان قرار بگیرند، به اطلاع مؤمنان می رساند.



۶. نحوه اطلاع رسانی، خصوصاً وقتی از بلندگوی بیرون پخش می شود، بایستی با رعایت تمام هنجارها و بایسته های تبلیغاتی باشد.

آهنگ صدا، بلندی و کوتاهی آن، ادبیات خبر و سایر شاخص ها باید از سوی اطلاع رساننده رعایت شود. بدین منظور توصیه می شود که شخصی مشخص از سوی امام مسجد یا هیأت امنا این مسؤولیت را عهده دار شود. ضمن این که باید شخص مسؤول با رعایت امانتداری، مطالب و اخبار را منعکس کند و ذوق و سلیقه خود را (مگر در مواردی کاملاً اطمینان بخش و ضروری) اعمال نکند.

### **تبلیغ در مسجد**

تبلیغ رکن مهم اشاعه آموزه های دینی است. یافته ها و تجربیات نشان می دهد که هرگاه سرمایه ای بیش از سرمایه کالای اصلی صرف تبلیغ آن شود، به مرور زمان هزینه های صرف شده عاید می گردد.

بر این اساس، تبلیغ آموزه های دینی موضوعیت داشته و قرآن کریم به این نکته عنایت ویژه دارد. بدیهی است شکل و شیوه تبلیغات در گذر زمان متفاوت می باشد، هرچند هدف و انگیزه یکی باشد. در عین حال برخی شیوه های تبلیغ در هر زمانی دستاوردهای نیکو برداشته و به نظر نمی رسد که گرد کهنگی بر آن بنشینند. در این خصوص چند مطلب قابل تأمل و دقت است:

۱. تبلیغات و نحوه آن تابعی از شرایط زمانی و مکانی و امکانات هر عصر و زمان است.

بر این اساس، نایست شیوه تبلیغات را به شیوه ای به خصوص منحصر دانست و هر گونه نوآوری را نفی کرد. امروز اینترنت و شیوه های دیجیتالی و مجازی راه کارها تبلیغاتی است و جایگزین شیوه های سنتی شده است. بدون این که شیوه های گذشته را نفی کنیم، نایستی نوآوری ها و شیوه های جدید را نیز نفی نموده و البته نباید خود را سرسپرده شیوه های جدید نماییم. در مجموع بایستی در مورد هر اقدام شیوه های خاصی را در تبلیغات اعمال کنیم.

۲. در زمان رسول اکرم (ص) و عصرهای بعدی صنعت چاپ و نشر وجود نداشت.

لذا احادیث و نکاتی که لازم بود در خصوص آن ها تبلیغات صورت بگیرد، به صورت سینه به سینه و چهره به چهره صورت می گرفت و طبعاً بیش تر آموزه ها از طریق پرسش و پاسخ تبلیغ می شد و حتی رسول خدا کسانی را که تعلیم یافته بودند، به مراکزی جهت ارائه آموزه های اسلام گسیل می نمود و تبلیغات لازم از طریق چهره به چهره و گفت و گو صورت می گرفت.

۳. در حال حاضر، ضمن اعمال شیوه‌های مختلف تبلیغات، بهترین روش همان طرح

پرسش و پاسخ و مناظره است و تبلیغات چهره به چهره اثر بیش تری دارد.

دلیل این را بایستی در این نکته دانست که اصولاً در تبلیغات چهره به چهره و خصوصاً پرسش و پاسخ، رابطه روانی ویژه‌ای میان طرفین (پرسش کننده و پاسخ دهنده) ایجاد می‌شود که باور افراد را به آموزه‌های مبتنی به پرسش و پاسخ و مناظره بیش تر می‌کند. در نتیجه تبلیغات بهتری صورت می‌گیرد. مضافاً این که پرسش زمانی ایجاد می‌شود که برای فرد معضل و مشکلی پیش آید و حل آن ضروری بنماید. در شیوه سخنرانی و متکلم وحده بودن، بسیاری از مشکلات حین بحث و سخنرانی لاینحل می‌ماند؛ در حالی که در حالت پرسش و پاسخ، مشکلات به محض ایجاد، طرح می‌گردند و چیزی لاینحل باقی نمی‌ماند.

۴. هدف تبلیغ بایستی اشاعه آموزه‌های اسلام و ارائه حقایق به مخاطبان باشد، نه اهدافی

سیاسی و فرهنگی و صنفی، آنچه اخلاص در تبلیغ گفته می‌شود، بر همین نکته مبتنی است.

متأسفانه اهداف برخی از ائمه جماعات به رغم ظاهر پسندیده، با اهدافی غیر خالصانه ممزوج شده و پس از چندی مشخص می‌شود که هدف اصلی آن‌ها از تبلیغ، آموزه‌های دینی نبوده و در حقیقت انگیزه تبلیغ «خود» برانگیزه تبلیغ «آموزه‌های دینی» رجحان داشته است.

باید به خدا پناه برد که کسی مسجد و امکانات مسجد و ذهن و شعور نمازگزاران و سایر تمهیدات را مصادره کند تا از این رهگذر به اهدافی سیاسی دست یابد.

متأسفانه گاهی اوقات در ورای این حرکات توجیهات غلیظی خوابیده که به هیچ وجه قابل قبول نیست، مانند تبلیغ برای رسیدن به نمایندگی مجلس، شورای اسلامی شهر و سایر موارد و ارائه خدمت به شهروندان!!!

۵. آنچه می‌تواند تبلیغات را کارآمد و مفید سازد، ایجاد رابطه‌ای عاطفی بین مبلغ و

مخاطب است.

بدون ایجاد این رابطه عاطفی کارها و آموزه‌ها نوعاً احساس تقابل ایجاد می‌کند و این آفت بزرگی است که چه بسا لجبازی برخی افراد کم ظرفیت را هم به دنبال داشته باشد.

راز موقعیت انبیا و خصوصاً رسول مکرم اسلام در ارائه آموزه‌های الهی و رمز پیروی مردم از آن‌ها ایجاد همین رابطه عاطفی و اخلاقی و تبلیغ دین در بستر همین رابطه بوده است. بدین منظور بایستی مبلغ و از جمله امام مسجد در هر صورت در برخوردها، در تعاملات در حرکات و سکنات و حرف و سخن و پوشیدن لباس و رعایت ظواهر، اعتدال و عدالت را سرلوحه خود قرار دهد و اعتدال و عدالت را در هر امر از جمله تبلیغات ساری و جاری سازد. در این صورت تبلیغات او کارساز خواهد بود.

متأسفانه برخی مبلغان به دلیل عدم توانایی در ایجاد رابطه ای عاطفی و منطقی میان خود و مخاطبان، از تبلیغ آموزه های اسلامی ناتوانند و عملکرد آن ها باعث طرد مؤمنان از مسجد و منبر و تبلیغ می شود و این قصور و تقصیر و گناهی است عمیق و نابخشودنی است.

#### ۶. عمل، پیش از گفته در تبلیغ یک آموزه موثر است.

در حدیث آمده است که مردم را به غیر زبانتان دعوت کنید. این نکته گویای آن است که همواره به تعبیر سعدی، «دو صد گفته چون نیم کردار نیست».

مردم آموزه های دینی را از اعمال دیگران بهتر می پذیرند تا از گفتار آنان. مضافاً این که اصولاً عموم مردم، به الگوهای رفتاری و تجلی آموزه ها در عمل بیش تر نیاز دارند تا شنیدنی ها.

روحانی و امام مسجد الگو و اسوه است و الگو و اسوه همواره با عمل نمود پیدا می کند، نه با حرف. اصولاً اقدامات تربیتی و عملی تا هشتاد درصد مردم را تحت تأثیر قرار می دهد و سایر اقدامات تبلیغی، مثل تألیف تحقیق و سخنرانی حدود بیست درصد موثر است. ضمن این که نمی توان این مقدار را هم نادیده گرفت. اقدامات عملی اصولاً آسیب کم تری دارند.

#### ۷. در اقدامات تبلیغی چند نکته را باید در نظر گرفت:

**اولاً؛** این که سخن را بایستی بر مزاج و مذاق مستمع گفت. امام مسجد به دلیل مواجهه با گروه های مختلف مردم، بایستی از این روانشناسی برخوردار باشد که با هر صنف و هر گروهی به فراخور حال آن ها سخن بگوید. به قول معروف: «سخن را بر مزاج مستمع گوی» بر اساس فرمایش قرآن کریم، پیامبران به زبان قوم با آنان سخن می گفتند. این فرمایش بدان معناست که رسولان الهی از روان شناختی تبلیغ بهره مند بودند.

**ثانیاً؛** همواره تلفیقی از راه های مختلف تبلیغی موثرتر است تا راه یا راه هایی خاص.

برخی افراد با صحبت های رو در رو و چهره به چهره بیش تر تأثیر می پذیرند. برخی با ارائه کتاب و مقاله و برخی دیگر با شیوه های هنری و فنی.

در مجموع اتخاذ راه کارهای گوناگون تبلیغی می توانند مکمل یکدیگر در امور تبلیغ آموزه های دینی باشد.

**ثالثاً؛** در امور تبلیغی نقش روحانی و امام مسجد بایستی در شکل نرم افزاری قضیه باشد و فراهم کردن امکانات و تدارکات را دیگران باید برعهده داشته باشند. اقدامات نرم افزاری، رایزنی های کلی در اخذ اعتبار، سیاستگذاری تبلیغی و مدیریت امور و در نهایت سخنرانی و برنامه پرشش و پاسخ بر عهده امام مسجد قرار می گیرد، اما تدارک برنامه ها را باید برعهده دیگران قرار داد.

دیده می شود که در برخی مساجد، روحانیون مسجد، در نقش یک عامل اجرایی صرف و بلکه یک عامل تدارکاتی در امور صرفاً اجرایی، مثل سرکشی به ایتم، رایزنی میان هیأت امناء، تقسیم

امکانات و مواردی از این دست دخالت می کنند. بدیهی است این امور، نقش روحانی مسجد را تا حد یک انباردار و تدارکاتی تنزل می دهد.

در این صورت اقداماتی تبلیغاتی از سوی امام مسجد چندان جواب نمی دهد. تقسیم کار بر اساس توانایی و استعداد وظیفه مهم امام مسجد است. در غیر این صورت، فشار کارهای اجرایی، روحانی مسجد را از تاب و توان می اندازد، کارها بی نظم می شود و ذهنیت مردم را نسبت به عدم توانایی امام یا روحانی مسجد تقویت می کند. تأثیر منفی این نگاه را نمی توان نادیده گرفت. برای روحانی مسجد، مسجد و رسالت امام مسجد باید اصل باشد، نه سایر امور اجرایی که اصولاً به امور اقتصادی و اجرایی منجر می شود.

### **تبلیغات و مدیر آن**

تبلیغات و تظاهر بیرونی یک پدیده اعم از پدیده ها و اهداف فرهنگی، اجتماعی، دینی و اقتصادی در باور مردم نسبت به آن امری است که نقش و اهمیت آن بر کسی پوشیده نیست. تبلیغات بستر و عامل مهم گرایش مردم به پدیده مورد نظر است.

با توجه به اهداف مقدس مسجد، هرگونه تبلیغاتی که به نوعی سمت و سوی این اهداف را داشته باشد، بدون شک ارزشمند و مقدس است؛ اما راهکاری اتخاذ شده در برخی مساجد با اهداف مسجد در تعارض است که باید اصلاح شوند.

#### **در این زمینه چند نکته قابل طرح است:**

۱. برگزاری هرگونه برنامه دعا، منبر، سخنرانی جنبه اجبار روانی نداشته باشد.

در برخی موارد انتخاب زمان برگزاری برنامه به گونه ای است که نمازگزار را در یک اجبار روانی قرار می دهد. بدیهی است انتخاب این زمان چنین اجباری را ایجاد کرده است. مثلاً انتخاب زمان برنامه بین دو نماز یا بلافاصله بعد از اتمام نماز (بدون این که فرصت خواندن تعقیبات داده شود) نمازگزار را در شرایط اجبار روانی جهت استفاده از برنامه قرار می دهد. این دو زمان، برای برگزاری سخنرانی یا منبر و سایر موارد زمان مناسبی نیستند.

۲. از جمله شاخص های تبلیغاتی نصب تصویر بانی مسجد، شهدای محل، تصویر دانش آموزان یا دانشجویان ممتاز، نخبگان مذهبی اهل مسجد، تصاویری از الگوهای فرهنگی (مثلاً حجاب برتر) و سایر موارد است.

این تصاویر را می توان در جایی نصب کرد که توجه نمازگزاران را در موقع نماز جلب نمی کند؛ مثلاً در راهروها؛ زیرا نصب آن ها داخل مسجد، علاوه بر این که توجه نمازگزاران را به خود

جلب می کند و اضافه بر این که ممکن است شائبه طرفداری و یا شخصیت زدگی ایجاد کند، از نظر شرعی هم کراهت دارد.

شاید کراهت آن به دلیل احتمال جلب توجه نمازگزاران باشد.

**۳. به منظور اطلاع مردم از مسائل و اخبار و گزارش ها نصب یک تابلو اعلانات بزرگ در معرض دید، مناسب است.**

در این تابلو گزیده ای از اخبار و روزنامه ها، حوادث و روزهای مهم (ایام الله)، احادیثی در ارتباط با مسجد و اهمیت آن، صورت هزینه ها، حوادث مسجد، توصیه بزرگان و ده ها موضوع دیگر را می توان نصب کرد. مدیریت تابلو اعلانات مهم است؛ زیرا در صورتی که مطالب آن در یک چرخه زمانی مشخص تعویض نشوند، جاذبه ای نخواهند داشت و این تابلو به مرور زمان فراموش خواهد شد. جذابیت تابلو، بهره مندی از نور مناسب، درج مطالب با خط زیبا و رنگارنگ، بخشی از مدیریت تابلو می باشد.

هیأت امنای امام مسجد می توانند مدیریت این تابلو را به تعدادی از جوانان تحصیل کرده، ترجیحاً ترکیبی از دانش آموزان دبیرستانی و دانشجویان و طلاب جوان بسپارند. این تابلو بهتر است زیر نظر امام مسجد باشد و از ناحیه ایشان ارزیابی گردد.

**۴. تأثیر صدا و صوت نیکو در پذیرش موضوع، مؤثر است و این ویژگی را نمی توان از طبع انسانی جدا ساخت .**

سخنرانی واعظان و گویندگان خوش صوت مؤثرتر از دیگران است؛ هر چند باید همواره ماهیت مطلب و موضوع را بر حواشی آن از جمله خوشایند بودن صدا برتری داد. قضیه مؤذن بد صدا که سعدی در گلستان خود آورده است، نکته جالب توجهی است.

بر این اساس و در صورت توانایی سخنران و روضه خوان و امام مسجد از این موهبت (بهره مندی از صدای خوش) نایستی نمازگزاران را از آن محروم داشت.

در عین حال نایستی این نعمت و این فن ارزشمند، خود به خود موضوعیت پیدا کند و حالت رقابت و خودنمایی مطرح شود.

**۵. سیستم صوتی مراکز و مساجد معمولاً استاندارد نیست؛ زیرا بایستی بین متراژ فضا و نحوه ساختمان و سایر شرایط فیزیکی ساختمان با نوع وسائل صوتی تناسبی وجود داشته باشد.**

در حقیقت هر سیستم صوتی با هر فضایی متناسب نیست. متأسفانه در این زمینه دقت شایسته و بایسته صورت نمی گیرد؛ به علاوه خادمان و سرایداران و مسئولان صوت این مراکز نیز از تخصص لازم برای کنترل دستگاه صوتی برخوردار نیستند؛ صدای خشن، خش خش دستگاه،

سوت کشیدن آن ها، آلودگی صوتی ایجاد می کند که تأثیر منفی آن را بر نمازگزاران نمی توان نادیده انگاشت. در این زمینه باید علاوه بر انتخاب سیستم صوتی متناسب با فضای ساختمان، مسوول صوت آموزش لازم را ببیند و در صورتی که امکاناتی مالی برای مسجد وجود داشته باشد، سیستم صوتی ارتقا یابد.

#### ۶. از افراط و تفریط استفاده از سیستم صوت باید جداً پرهیز کرد.

به هر بهانه و نیاز اندک، از این سیستم استفاده نشود. ضمن این که باید بلندگوی سخنرانی مجزا باشد؛ زیرا صدای اذان بلند تر است و چه بسا برای نمازگزاران داخل مسجد باعث آزار صوتی شود.

همچنین لازم نیست که صدای سخنرانی و روضه و دعا در بیرون مسجد پخش شود (به جز موارد استثنایی) از بلندگوی بیرون مسجد، فقط برای پخش اذان استفاده گردد.

#### ۷. الزاماً بین حجم تبلیغات و کارآیی آن رابطه مستقیم برقرار نیست.

گاهی اوقات با تبلیغات کم، اما از نظر کیفیت بالا، می توان کاری را صورت داد که با تبلیغات حجیم نمی توان به آن هدف نایل شد.

بر این اساس، بایستی با ملاحظه روان شناسی مردم، زمان شناسی، و زبان شناسی و سایر شاخص ها، تبلیغات را صورت داد. البته عنصر زمان و مکان و سایر عناصر در این خصوص مؤثرند.

مثلاً در ایام عزاداری عموم نمازگزاران منتظر نصب پارچه های مشکی بر دیوار مسجد هستند؛ در عین حال می توان به جای پوشش مشکی یک دست، از کتیبه های رنگی که با زمینه مشکی طراحی و ساخته شده اند، استفاده نمود.

#### ۸. نصب یک تابلو کوچک آگهی کنار محراب و در معرض دید نمازگزاران مفید و

ضروری است؛ مثلاً تابلو مربوط به ساعت اذان و اقامه نماز و برخی دعاها.

#### ۹. چنانچه کلیت امور تبلیغات، زیر نظر امام مسجد قرار بگیرد مؤثر و مفید به نظر می

رسد؛ در عین حال روان شناسی تبلیغات را نمی توان نادیده گرفت.

برای این منظور امام مسجد می تواند از یک مشاور برجسته کمک بگیرد و نظر مشورتی او را در مدیریت تبلیغات و بویژه روان شناسی تبلیغات مورد نظر قرار دهد. استفاده از نظر مشورتی یک استاد دانشگاه، ترجیحاً از دانشکده روان شناسی یا هنر توصیه می شود. خوشبختانه با توجه به گسترش فضای تحصیل دانشگاهی در کشور ما، در برخی مساجد چندین استاد دانشگاه با دو رویکرد علمی و فرهنگی دانشگاهی و حوزوی در نماز جماعت شرکت می کنند و بسیاری از آن ها حاضرند یافته های علمی خود را در اختیار مسوولان مسجد و از جمله امام مسجد قرار دهند.

۱۰. استفاده از تخصص صاحبان تخصص، بدون شک، مسجد را در اجرای رسالت مقدس خود کمک می‌رساند. کشف این استعدادها وظیفه مسوولان مسجد و به ویژه امام مسجد است.

۱۱. در اعلام برنامه‌ها که کلاً تجلی بیرونی تبلیغات است، صرفاً از یک نفر استفاده نشود. در برخی مساجد، مؤذن، اعلام‌کننده برنامه‌ها، خواننده دعای بعد از نماز، جمع‌کننده وجوه نمازگزاران جهت کمک به مسجد و چندین فعالیت دیگر، برعهده یک نفر قرار دارد. این کار ضمن این که برنامه‌ها را قائم به شخص می‌کند و در صورتی که حادثه‌ای برای این شخص پیش آید، اختلال در امور مسجد را باعث می‌گردد؛ موجب یکنواختی برنامه‌ها و بی‌توجهی به آن‌ها خواهد شد. به علاوه یک نفر نمی‌تواند مدیریت خوب جهت اداره چندین برنامه‌گوناگون را داشته باشد.

توصیه می‌شود برنامه‌های مختلف تبلیغاتی بر اساس توانمندی افراد، بین آن‌ها تقسیم و توزیع شود.

۱۲. عدم استفاده از مسجد برای برنامه‌های تفرزای از آن، موضوع مسائلی فروان در کتاب **های فقهی است.**

برمبنای آنچه گفته شد، هرگاه مسجد به عنوان مکانی که حوادثی خوشایند در آن جریان می‌یابد، در ذهن مردم و در خاطر آن‌ها تداعی گردد، حرمت و قداست و ارزش این مکان در نزد مردم ارتقا می‌یابد؛ مثلاً اگر در مسجدی اصلاح ذات‌البین صورت بگیرد، تداعی این مسجد در ذهن طرفین بسیار دلنشین خواهد بود. و اگر حوادث تلخی از آن‌جا اعلام شود، مردم مسجد را با این حوادث خواهند شناخت.

### **مسجد و مراکز دیگر**

وجود و ایجاد مراکز دیگر با هدف ایفای رسالت‌های فرهنگی و دینی، در چند سال گذشته رونق گرفته است. این که اصولاً کاربرد این مراکز در چه مقوله‌ای است بخشی است فراتر از این نوشتار، اما نمی‌توان از دو نکته ناگفته عبور کرد:

**الف:** در انگیزه مثبت بسیاری از دست‌اندرکاران این مراکز، خصوصاً انگیزه ارتقای فرهنگی جامعه تردیدی نیست.

**ب:** همان‌طور که انگیزه دست‌اندرکاران قابل ستایش است، بار منفی برخی از این مراکز را، خصوصاً زمانی که در کنار مسجد قرار بگیرند (نه از لحاظ فیزیکی، بعد از لحاظ محتوایی) نمی‌توان نادیده گرفت. البته برخی از مصادیق بار منفی این مراکز به شاکله و مدیریت این مراکز مربوط می‌شود.

بر این اساس، ضمن این که این گونه مراکز نوعی اقدام ابتکاری است و با هدف ارتقای فرهنگی جامعه صورت می گیرد، نمی توان از ضعف برنامه ریزی و عدم توجه به نیازهای اساسی جامعه و سایر ضعف ها چشم پوشی نمود.

این ضعف ها، عملاً این مراکز را در برخی موارد نقطه مقابل مسجد قرار داده، چه بسا انرژی و امکانات مساجد بایستی صرف برطرف کردن اقدامات ناسنجیده این مراکز گردد.

بنابراین، در صورتی می توان وجود این مراکز را به عنوان اقدامی مثبت قلمداد کرد که در نقش معاونت مسجد رسالت خود را تعریف کرده، اساسنامه خود را بر این انگیزه تنظیم کنند و بر همین مسیر ایفای نقش نمایند. در غیر این صورت، نباید از نقش تخریبی آنان (هرچند ناخواسته) چشم پوشی کرد.

در عمل ملاحظه کرده ایم که برخی از این مراکز، هرچند با اسم دارالقرآن، مجتمع فرهنگی و سایر مراکز نتوانسته اند در جهت اهداف مسجد گام بردارند. این که ملاک و معیار را اهداف مسجد عنوان کنیم، معیار درستی است؛ زیرا از منظر اسلام اهداف مسجد به عنوان یک اصل ملاک بوده، هدف هر تشکیلاتی را بایستی با اهداف مسجد محک زد. هرگاه مرکزی بر این مسیر حرکت کند، دارای قداست است. و قداست آفرین؛ و الا تعطیلی چنین مراکزی از ادامه حیات آن بهتر خواهد بود.

ایجاد مرکزی با انگیزه کمک به مسجد و در جهت تحقق آرمان های این مکان مقدس، از جمله رسالت فرهنگی حاکمیت اسلامی است؛ در غیر این حالت، مراکزی که در غیر این چارچوب شکل گرفته اند، با اهداف اصیل حاکمیت اسلامی در تباین و تضاد هستند.

در یک نگاه کلی نمی توان ساخت و توسعه این مراکز را مطلقاً مفید یا مضر دانست؛ کمک کار مسجد عنوان کرد یا در تعارض با آن و لازم دانست یا غیر ضرور.

بدون شک هرگونه قضاوت در این زمینه، به بررسی ابعاد موضوع و اگر و اما هایی بستگی دارد که تحلیل خاص خود را می طلبد. می توان چنین موضعی را معقول دانست که هیچ مرکزی هر چند مقدس و با انگیزه نیکو، مثل حسینیه نمی تواند جایگاه مسجد را داشته باشد و کارآیی مسجد را بر خود حمل نماید؛ اما وجود این مراکز را نیز نمی توان منفی و در برخی از موارد غیر ضرور دانست.

در یک نگاه کلی و یک ضرورت، بایستی مسجد در همه امور بر این مراکز مقدم شمرده شود.

### **حسینیه و مسجد**

از احداث اماکنی مانند حسینیه در کنار مساجد بیش از یک قرن نمی گذرد. در عین حال در زمینه این اماکن چند نکته قابل تأمل و دقت است.



۱. بحث بر سر انگیزه ساخت این گونه مراکز نیست، شاید ضرورتی ساخت این گونه مراکز را اقتضا باشد؛

اما خوب است در این خصوص این نکته به دقت واری گردد که کدامین اهداف زیر مجموعه این مراکز را می توان سراغ گرفت که تحقق آن در مسجد امکان پذیر نباشد.

۲. هرگاه چنین مراکزی، با اهداف دینی و فرهنگی ساخته شوند و در جهت اهداف مساجد حرکت کنند، وجود آن ها مفید است؛

اما اگر اقدام برخی از این مراکز که مبتنی بر اهداف گروه ها و اصناف خاصی طرح ریزی می شود، با اهداف مسجد مابین باشد، آن گاه نقطه مقابل مسجد به حساب می آیند و باعث ضرر به مسجد شده ، مصداق منع مساجد الله قرار می گیرد.

۳. ممکن است خواست افرادی که نمی توانند به مسجد بروند، بهانه ای برای ساخت این گونه مراکز عنوان گردد.

پر واضح است که چنین انگیزه ای نمی تواند ساخت مراکزی همعرض مسجد را ایجاب کند. باید زمینه ای فراهم کرد تا این افراد بتوانند در مسجد حضور یابند؛ زیرا اگر این انگیزه به گروه ها و دسته جاتی سرایت یابد، آن گاه وجود مراکز متعددی در برابر مسجد اجتناب ناپذیر می نماید و در این حال طبعاً از رونق مسجد کاسته می شود.

۴. دیدگاه مکتب تشیع، با ساخت و رونق مساجد توافق دارد نه مراکزی همچون حسینیه؛ لذا نگهداری از آن ها را هم باید در همین قالب بررسی کرد.

۵. نگاه غلطی که برخی افراد به رسالت مساجد و حسینیه ها دارند ، محل تأمل و دقت است. برخی بر این باورند که این دو مرکز دارای دو رسالت متفاوت هستند.

باید تذکر داد که اصولاً کاری که در حسینیه انجام می شود، در مساجد هم قابل اجرا و تحقق است و هرگاه نتوان کاری را در حسینیه انجام داد و با شأن حسینیه یا مبانی اسلام همخوانی نباشد، حتماً در مسجد هم نمی توان آن کار را صورت داد.

ضمن این که اصولاً کاری را که در مسجد می توان انجام داد، انجام دادن آن کار در حسینیه کم تر با اقبال عمومی مواجه است. نمونه بارز آن، نماز جماعت است که اصل و اساس فلسفه وجود مسجد است.

بر این اساس، اولاً؛ کاری که در حسینیه نمی توان انجام داد، در مسجد هم امکان انجام دادن آن وجود ندارد.

ثانیاً؛ انجام دادن برخی کارها خاص مسجد است، نه حسینیه؛ مثل نماز جماعت.

ثالثاً؛ کاری که بتوان در حسینیه انجام داده در مسجد هم امکان انجام دادن آن وجود دارد؛ مثل عزاداری و روضه .

بر این اساس، کدام امر ساخت و احداث و نگهداری حسینیه ها را در کنار مساجد اقتضا کرده است؟

۶. بعد از انقلاب اسلامی، ساخت و رونق حسینیه افزایش یافته، در عین حال با توجه به برخی قضایا، گاه از رونق مساجد کاسته شده است.

دلیل آن را باید در همین قضایا جست و جو کرد؛ یعنی در کمانه کردن انگیزه ساخت حسینیه به مراکزی مثل عباسیه، بیت العباس، بیت الرقیه، و ... اگر بتوانیم ساخت حسینیه را در قالبی توجیهی قرار داد، ایجاد مراکزی که عنوان شد با کدام توجیه می توان پذیرفت؟ با عنایت به این که در کلام مسؤولین کشور از جمله حضرت امام و مقام معظم رهبری که فرد کارشناس و اسلام شناسی هستند، ساخت این گونه مراکز دیده نمی شود.

وظیفه امام مسجد است که هر مرکز را در قالب خود ارزیابی کرده، نسبت به آگاهی عموم مردم به اهداف و شاکله وجودشان اقدام نماید و در این میان نسبت به اهمیت و نقش مسجد توجه بیش تری داشته باشد.

مردم نیز برحسب اطلاعات خود هرگز مسجد را با سایر مراکز و حتی حسینیه ها یکسان نمی بینند. دلیل آن را باید در اقبال مردم به حضور در نماز جماعت مساجد باید به نظاره نشست.

### مخارج حواشی

هزینه کردن اعتبارات و بودجه هایی که به مسجد تعلق می گیرد و عموماً مؤمنان می پردازند، تعریف خاصی دارد. چنانچه افراد هزینه کردن این بودجه ها را در غیر موارد بایسته، ملاحظه کنند، واکنش نشان می دهد. (هر چند ممکن است این واکنش ها تظاهر بیرونی نداشته باشد).

ساخت وضوخانه و مواردی که مستقیماً در جهت اهداف بایسته مسجد است، مستثناست؛ اما اگر از بودجه و اعتبارات مسجد، موقوفات، صندوق خیریه، درمانگاه، ورزشگاه و مواردی از این نمونه ساخته شود. بی تردید این اقدامات مقبول عرف معقول نیست و علاوه بر این که شرعاً اشکال است، دلسردی مؤمنان را به دنبال دارد، اعتماد مردم را از مسؤولان مسجد سلب می کند و علاوه بر این ها تکمیل بسیاری از بخش های مسجد را که لازمه اجرای اهداف و رسالت واقعی مسجد است، به تأخیر می اندازد.

مضافاً این که تجربه نشان می دهد، رونق مسجد و اجرای رسالت اصیل و دینی این مکان مقدس در گرو پرداختن به ساخت و سازهای حاشیه ای و فرعی نیست. رونق مسجد و بهره برداری از قداست این مکان، مستلزم اقداماتی است که اصولاً چنین حواشی ای را بر خود هموار

نمی‌کند؛ ضمن این که اگر از کمک کنندگان به مسجد نظر خواهی شود، عموماً هزینه کردن کمک خود را در چنین مواردی نمی‌پذیرند؛ مگر این که کسی کمک و یا وجوه اهدایی خود را به ساخت اماکن اقماری مسجد، مثل کتابخانه و درمانگاه و سایر موارد منحصر سازد.

### **جابه جایی ، تغییر**

تغییر وسایل مسجد، جابه جایی وسایل آن، اهدای وسایل مسجد به برخی دیگر از مساجد، تبدیل وسایل قبلی به وسایل جدید و مواردی از این دست، موضوع احکام خاصی است که باید به آن‌ها توجه کرد.

#### **۱. در یک نگاه کلی ، تغییر و جابه جایی وسایل مسجد، محل اشکال است.**

در عین حال نمی‌توان کتمان کرد که استفاده از برخی وسایل در بعضی شرایط دشواری‌هایی به همراه دارد که تعویض و به روز شدن آن را می‌طلبد؛ مثلاً تعویض بخاری نفتی با بخاری گازی در صورتی که به مسجد گازکشی صورت بگیرد.

#### **۲. در صورتی که وسیله ای به مسجد اختصاص یابد، هدیه کردن وسایل قبلی به مسجد**

**دیگر مجاز است.**

به این نکته هم باید توجه کرد که روغن ریخته نذر امامزاده نشود و اصل هدیه کردن از بهترین اقلام رعایت گردد؛ زیرا با هدیه کردن اجناس اسقاطی، چه بسا شأن و احترام مسجد هدیه گیرنده خدشه دار و به مؤمنان آن مسجد اهانت روا گردد و این نکته پیامد ناخوشایندی است. در چنین مواردی می‌توان جنس اهدایی را تعمیر کرد و به صورتی مطلوب درآورد و سپس آن را هدیه کرد.

#### **۳. در صورتی که اجناس مسجد، کارایی مفید خود را از دست بدهد، می‌توان آن‌ها را**

**تعمیر کرد و مورد استفاده قرار داد (در صورتی که هزینه تعمیر متعارف باشد).**

در صورتی که نتوان با تعمیر آن‌ها، استفاده مطلوب را به دست آورد، بهتر است به جای نگهداری در انباری مسجد، به صورت مزایده (همان‌طور که مرسوم است) فروخته و وجه آن در موارد نیاز مصرف گردد. نگهداری اجناس زاید محل تجمع حشرات زاید و سوسک و موش و سایر حیوانات موذی خواهد شد که به هیچ وجه با شأن مسجد سازگار نیست.

### **برخی خدمات**

وجود برخی خدمات در مسجد، نمی‌تواند به عنوان رسالت اصلی مسجد محسوب گردد؛ در عین حال نمی‌توان از تاثیر مثبت آن‌ها بر تحقق اهداف و رسالت اصلی مسجد چشم پوشی کرد؛ مانند پذیرایی های موردی، وجود آب گوارا، آبرسدکن و ... .

برای ارائه این خدمات باید فرایندی تعریف کرد و بر اساس آن اقدام نمود تا از این خدمات، نهایت بهره برداری در جهت اهداف مسجد صورت پذیرد:

۱. با توجه به تأثیر مواد قندی در افزایش قند خون و تولید انرژی، و با توجه به این که اصولاً ساعات اقامه نماز جماعت (در هر سه وعده) قبل از مصرف صبحانه و ناهار و شام و ساعاتی است که بدن به انرژی نیاز دارد؛ خوردن یک عدد شیرینی که حاوی مواد قندی است، مفید است. این کار برای دست اندرکاران مسجد و یا کسانی که به نحوی کار فکری دارند اهمیت دوچندانی پیدا می کند.

۲. آب گوارا و شیرین در دسترس باشد.

به منظور رعایت بهداشت، استفاده از لیوان یک بار مصرف توصیه می شود. تهیه شربت به دلیل ریخت و پاش و چسبندگی ناشی از آن به هیچ وجه توصیه نمی شود؛ مگر در مواردی که عدم ریخت و پاش آن تضمین یافته باشد.

۳. در پذیرایی ها به مناسبت مراسم گوناگون، نسبت به قسمت بانوان توجه بیش تری صورت بگیرد و پذیرایی از آن قسمت شروع شود؛ زیرا اطفال اصولاً همراه مادران خود بوده و کم طاقت تر از بزرگ ترها هستند.

## واحدهای مسجد

### کفشداری

اختصاص فضایی در ورودی مسجد و تعبیه جاکفشی در آن برای قرار دادن کفش نمازگزاران از ضروریات مسجد است. در این زمینه چند نکته لازم الاجراست.

۱. جاکفشی در بدو ورودی مسجد تعبیه شود، تا از لحاظ بهداشتی و تهویه، موجب آزار نمازگزاران نگردد.

۲. جنس جاکفشی حتی الامکان از چوب باشد، تا از زنگ زدگی و خوردگی در امان بماند.

۳. چنانچه به جای جاکفشی، کمد های کوچک (در ابعاد یک کفش) تهیه شود، مناسب تر است و احتمال سرقت کفش را منتفی می کند.

این کمدها می تواند محل نگهداری وسایل نمازگزاران باشد (کیف، کتاب، موبایل، میوه و ....) بدیهی است این کمدها اولاً به فضا نیاز دارند؛ ثانیاً بایستی دارای قفل و بست باشند.

۴. علاوه بر جاکفشی می توان تعدادی پلاستیک یا پاکت پارچه ای جهت نگهداری کفش تهیه کرد تا در صورتی که احیاناً جاکفشی پر بود و یا به هر دلیل دیگر ، امکان بردن کفش به داخل مسجد (با نگهداری در پاکت مخصوص ) وجود داشته باشد.
۵. به نمازگزاران سفارش شود که حتی الامکان از بردن کفش به داخل مسجد (ولو در پاکت مخصوص ) خودداری شود.
- این کار هم فضا را بر نمازگزار تنگ نمی کند و هم ارتقای بهداشت مسجد را به همراه دارد. اصولاً قداست مسجد اقتضا می کند که کفش داخل آن برده نشود.
۶. بخشی از کفشداری را می توان به محل نگهداری پودرهای مخصوص ضد بو اختصاص داد تا در صورتی که نمازگزاران مایل بودند، هنگام خروج از مسجد مقداری از این پودر داخل کفش خود بریزند. این کار نوعی تذکر به آن هاست که قبل از ورود به مسجد این کار صورت بگیرد و در واقع ترویج بهداشت می باشد.
۷. بخشی که نمازگزاران بایستی کفش خود را درآورند، به صورت نرده آهنی از بخش بعدی که نباید به هیچ وجه با کفش وارد آن شد، مجزا گردد.
- در بخش اول موکتی جهت گرفتن و جذب و گل و لای ته کفش قرار داده شود، تا نمازگزاران کفش خود را بدون گل و لای و آب داخل جاکفشی بگذارند. این نکته در هنگام بارندگی اهمیت بیش تر پیدا می کند.
۸. تعیین یک نفر به عنوان کفشدار می تواند این بخش را کنترل کند. در این صورت هم احتمال سرقت کفش ها از بین می رود و هم نظافت و بهداشت این قسمت تأمین می شود.

### **پارکینگ**

فضای محدود مساجد، در شرایط امروزی، ارائه برخی خدمات را شاید ممکن نسازد؛ در عین حال ، این محدودیت و تنگناها نایستی مانع این شود که در این زمینه ها اقدامی صورت نگیرد. مثلاً ساخت پارکینگ در محدوده مسجد جهت پارک وسایل نقلیه در جذب نمازگزاران بی تأثیر نیست.

پارکینگ از یک سو محل نگهداری وسایل نقلیه است و در صورتی که سرپرستی داشته باشد و به یک چهاردیواری پیرامونی محدود گردد، امنیت وسایل نقلیه را هم تضمین می کند. اگر نمی توان فضای وسیعی را به این کار اختصاص داد، می توان پارکینگی برای موتور سیکلت ها فراهم نمود.

پارک کردن وسایل نقلیه کنار مسجد، مخصوصاً در فضای کنار خیابان، از یک سو مزاحم تردد و رفت و آمد مردم می شود (که این در ایجاد ذهنیت منفی بین عموم مردم نسبت به مسجد بی تأثیر نیست) و از سوی دیگر اصولاً فضای پارک برای وسایل نماگزاران در کنار خیابان یافت نمی شود؛ لذا بسیاری از افراد که دارای وسایل نقلیه هستند، به دلیل عدم امکان پارک کردن وسایل نقلیه خود، از فیض نماز جماعت محروم خواهند ماند.

ایجاد فضایی برای پارک کردن وسایل در تاریخ اسلام سابقه دارد.

## نکات پایانی

در پایان کتاب لازم می دانیم چند نکته را به عنوان رؤوس کلی مربوط به مسجد (در معنا و کارکرد و ابعاد وسیع آن) تقدیم کنیم. این نکات عصاره مبنای این کتاب محسوب نمی گردد؛ اما محور مطالب کتاب حاضر قلمداد می گردد.

- ◆ از آن جا که مسجد، جز در موقوفاتی که واقفش برای آن تولیت تعیین کرده باشد، تولیت ندارد، وقف موقوفاتی که مسجد را تولیت دار می کند، مخالف شأن مسجد است.
- ◆ ساخت و وقف مسجد، در شهرها و روستاهایی که مسجد ندارند، تأکید گردیده است؛ زیرا مسجد از جمله شعائری است که همگان به تعظیم آن مأمور و موظف هستیم.
- ◆ ساختن مسجد، نشانه اعتدال مردم، سلامت اقتصاد جامعه، هدایت پول های سرگردان و ... برترین باقیات الصالحات است.
- ◆ نبود مسجد در هر جامعه، به مفهوم تارک الصلاة بودن در معنای واقعی کلمه و نه در معنای فقهی آن است؛ زیرا عموماً مسجد، علامت نمازگزاری در اسلام محسوب می شود.
- ◆ اقامه نماز در مسجد، در روزگار ما، دفاع از مهجوریت مسجد است و خارج کردن نماز از مسجد، چه بسا برابر با تخریب و ضایع کردن آن محسوب گردد.
- ◆ پیامبران قبل از ساختن خانه برای خود، مسجد می ساختند. بسیاری از عالمان نیز هنگامی که از نجف اشرف یا قم هجرت می کردند، گاهی خانه های خود را می فروختند و به مسجد سازی اقدام می کردند و در نتیجه، مردم نیز برای آنان مسکن می ساختند.
- ◆ مساجدی که زنان در آن ها حضور ندارند، بی رونق است. و حضور زنان در مسجد، جهاد بر ضد تخریب آن، دفاع در برابر شیخون فرهنگی، گرم کردن کانون خانواده و ... است.
- ◆ حضور نوجوانان و جوانان و کودکان در مسجد مجاز و پسندیده است و رونق فزای مسجد خواهد بود.
- ◆ مسجد، تنها معبدی است که نشان ای از تجسم معبود و جسمانیت او در آن دیده نمی شود.

- ◆ اهل مسجد، امین خدا بر روی زمین هستند آن‌ها توفیق خود را مدیون مسجد می‌دانند.
- ◆ طهارت و نورافشانی مسجد، فقط بر عهدهٔ خادم، بانی و واقف مسجد نیست، بلکه وظیفه همگان و تعظیم مسجد و کار مسجد بایستی بر عموم نمازگزاران تقسیم گردد.
- ◆ ساخت مسجد، از ادب انسان به معبود نشأت می‌گیرد.
- ◆ نخستین بنای مردمی در تاریخ و قرآن کریم، مسجد معرفی شده است.
- ◆ برنامه ریزی در مسجد باید به گونه ای باشد که ذهنیت مثبتی در مردم ایجاد کند، نه اندیشه ای منفی .
- ◆ خدمت به مسجد از تعهدات انبیای الهی است.
- ◆ بهترین مدیریت برای مسجد، ایجاد فضای سالم، جهت احیای سنت های نیکو و فضیلت های فراموش شده و از میان بردن آداب نکوهیده و خرافات است.
- ◆ ایجاد اعتماد متقابل مسؤولان و نمازگزاران ، امری ضروری است.
- ◆ مسجد، خانه خداست، بهداشت و نظافت آن و تهیه وسایل لازم جهت این امر (در معنای وسیع کلمه) ضروری است.
- ◆ خدمات جنبی مساجد مثل پارکینگ ، کفشداری و ... را باید مورد لحاظ قرار داد.
- ◆ امام مسجد، مسجد را محلّ موعظه و نصیحت قرار دهد تا دیگران از نصیحت شدن و نصیحت کردن ناراحت نشوند و امام مسجد را همه کاره خود بدانند
- ◆ امام مسجد در نماز جماعت اختصار را لحاظ کند و سخنرانی و منبر و روضه و گفتن احکام را به بعد از اتمام نماز موکول نماید و نسبت به بانیان مسجد و پیشینیان مسجد احترام بنهد و تمام آنچه تعامل نیکوی او را با اهل مسجد رقم می زند پای بند باشد.
- ◆ ترک مسجد، بدون عذر از مصادیق غفلت «ولا تکن من الغافلین» «الغفلة ترک المسجد»، بلکه نفاق است.
- ◆ نام مسجد را کوچک شمردن (تصغیر بستن لفظ مسجد، مسجدک و ...) یا گفتاری که باعث شود مردم به مسجد نروند؛ اهانت به خانهٔ خدا، تخریب مسجد و نارواست. مثل این که بگوییم: فلان مسجد، بدبو یا کثیف یا اهالی آن بد هستند.
- ◆ در ساختن مسجد، نباید فقط نیاز کنونی مردم را در نظر گرفت، بلکه باید با توجه به نیاز آیندگان، آن را به گونه ای سامان داد که نیازی به تخریب، برای توسعه پدید نیاید.
- ◆ هر کس با هدف روی گردانی از مسجد، تا جایی که صدای اذان می رسد، نماز جماعت را در خانه بخواند، نماز خودش و آنان که به او اقتدا کرده اند، پذیرفته واقعی نیست.

- ◆ رفتن به مسجد، مستحب است، اما نرفتن به آن به گونه ای که دیگران را نیز از مسجد رفتن بازدارد، مصداق تخریب مسجد و «منع مساجد الله» محسوب می شود.
- ◆ دفاع از فرهنگ مسجد، دور کردن بدعت ها از مسجد، اختصاص زکات به مسجد، تعریف کردن از اهالی آن، نترسیدن از غیر خدا، احیای سنت های مسجدی و ... از مصداق عُمران و آبادانی مسجد است.
- ◆ برترین روش مدیریت مسجد ، تسلط طبیعی امام بر تمام امور مسجد، به ویژه هیأت مدیره است.
- ◆ تحوّل و پویایی جوامع اسلامی، به تحرک و نشاط و رونق مساجد، بستگی دارد؛ لذا دشمنان همواره از مسجد و مسجد سازی می هراسند و در ساخت مراکز فرهنگی و موازی مسجد حتی به نام های مقدّس حسینیّه ، سکوت و گهگاه سیاست گذاری و همراهی نیز می کنند. چه مرکزی را نمی توان با مسجد مقایسه کرد و در حقیقت مسجد، معیار ارزیابی و قداست کارهای معنوی و فرهنگی و خدایی است.
- ◆ در صورت امکان از فرش های سجّاده ای با اندازه های کوچک در مسجد استفاده شود، تا علاوه بر نظافت آسان، جهت قبله را نیز بتوان با آن ها به نمازگزاران نمایاند.
- ◆ رسانه های گروهی به ویژه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مؤمنان را به ساخت مسجد و حضور در آن تشویق کنند.
- ◆ بانیان محترم علاوه بر عُمران ظاهری مساجد، هرگز از آبادانی معنوی مسجد دریغ نورزند و زمینه را برای بهره وری هر چه بیش تر و بهتر اهل ایمان از خانه خدا مهیا سازند.
- ◆ مسؤولان و متولیان امور جامعه در مسجد و نماز جماعت شرکت کنند و به سهم خویش برخی کارهای مسجد را انجام دهند.
- ◆ مساجد، «خانه های خدا در زمین» اند، که بر آسمانیان نور می افشانند.
- ◆ آبادگران خانه های خدا، خانواده خداوند مهربان اند.
- ◆ آبادگران مساجد، در روز رستاخیز، همسایگان خداوند هستند.
- ◆ اهل مسجد باید به همه دست اندرکاران مسجد احترام بگذارند، اعم از امام مسجد، مؤذن، مکبّر، هیأت امناء و ...
- ◆ بسیاری از کسانی که اهل مسجد هستند، از کودکی در مسجد حضور یافته اند؛ از آوردن اطفال به مسجد خود داری نشود.
- ◆ اعتماد متقابل میان مردم و مسؤولان مسجد ضرورتی اجتناب ناپذیر است.



- ◆ مسجد را بایستی با خاطراتی نیکو در ذهن همراه داشت و عزت آن را در همه موارد، خصوصاً در تأمین بودجه در نظر داشت.
- ◆ هرگز نباید مراکز دیگر را با مسجد مقایسه کرد. موجودیت سایر مراکز باید به تبع مسجد باشد، نه بالعکس.